

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

رُوشَنَا

آموزه‌های مهدویت

محسن جمالی

سرشناسه	: جمالی، محسن، ۱۳۶۴ -
عنوان و نام پدیدآور	: روشنا: آموزه‌های مهدویت/محسن جمالی.
مشخصات نشر	: تهران: رازنهان، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری	: ۳۲۰ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۲۲-۲۷۸-۰۱۳-۵
وضعیت فهرست نویسی	: فیا
یادداشت	: کتابنامه.
عنوان دیگر	: آموزه‌های مهدویت.
موضوع	: محمدبن حسن (عج) ، امام دوازدهم، ۲۵۵ق. - - غیبت
موضوع	: Muhammad ibn Hasan, Imam XII -- Occultation
موضوع	: مهدویت
موضوع	: Mahdism
موضوع	: مهدویت -- احادیث
موضوع	: Mahdism-- Hadiths
موضوع	: مهدویت -- کتاب‌شناسی
موضوع	: Mahdism-- Bibliography
رده بندی کنگره	: BP۲۲۴
رده بندی دیویی	: ۲۹۷/۴۶۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۷۳۱۵۲۷۰

آدرس: میدان انقلاب، اول جمال زاده جنوبی، کوچه دانشور، پلاک ۱۲، واحد ۲  
شماره تماس: ۰۲۱۶۶۹۰۱۸۴۱ - ۰۹۱۲۲۳۰۲۶۹  
آدرس الکترونیکی: raznahanbook@gmail.com  
آدرس سایت: www.rznahanbook.com



عنوان کتاب..... روشنا: آموزه‌های مهدویت  
مؤلف..... محسن جمالی  
صفحه آرا..... رضا کاوه  
طراح جلد..... رضا کاوه  
ناشر..... رازنهان  
شمارگان..... ۱۰۰۰ نسخه  
نوبت چاپ..... اول ۱۳۹۹  
قیمت..... ۴۵۰۰۰ تومان

ISBN: 978-622-278-013-5

تحفه‌ای ناچیز تقدیم به:

محضر صاحب و ولی نعمت‌مان؛ بقیة الله العظیم فدام روحی

يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ مَسَّنَا وَأَهْلَنَا الضُّرَّ وَجِئْنَا بِبِضْعَةٍ مُّزْجَةٍ  
فَأَوْفِ لَنَا الْكَيْلَ وَتَصَدَّقْ عَلَيْنَا إِنَّ اللَّهَ يَجْزِي الْمُتَصَدِّقِينَ

سوره یوسف، آیه ۸۸

و تقدیم به:

پدر عزیز و مهربانم



## فهرست مطالب

۱.....	پیشگفتار.....
۲.....	مقدمه.....
	<b>بخش اول: ضرورت طرح مباحث مهدویت</b>
۴.....	مفهوم شناسی مهدویت.....
۶.....	موضوعات مهدویت.....
۷.....	ضرورت طرح مباحث مهدویت.....
۸.....	بعد اعتقادی.....
۱۰.....	بعد اجتماعی.....
۱۱.....	بعد سیاسی.....
۱۱.....	بعد تاریخی.....
۱۲.....	بعد فرهنگی.....
۱۲.....	تبیین و ترویج فرهنگ انتظار.....
۱۲.....	آسیب شناسی.....
۱۳.....	دشمن شناسی.....
	<b>بخش دوم: منجی باوران در ادیان</b>
۱۵.....	فصل اول: منجی در ادیان غیرابراهیمی و ابراهیمی.....
۱۶.....	عقیده به ظهور حضرت مهدی <small>عجل الله تعالی فرجه له</small> از نظر اقوام و ادیان.....
۱۷.....	منجی و موعود از نگاه زرتشتی ها.....
۱۸.....	منجی و موعود از نگاه هندوها.....
۲۰.....	منجی باوری در ادیان ابراهیمی.....
۲۰.....	منجی و موعود در یهودیت.....
۲۲.....	منجی و موعود در مسیحیت.....
۲۵.....	<b>فصل دوم: مهدویت در اسلام</b>
۲۶.....	مهدویت در قرآن.....
۲۹.....	مهدویت در روایات.....
۲۹.....	الف. روایات شیعی.....
۲۹.....	پدر حضرت مهدی <small>عجل الله تعالی فرجه له</small> .....
۳۰.....	مادر حضرت مهدی <small>عجل الله تعالی فرجه له</small> .....
۳۴.....	ولادت حضرت مهدی <small>عجل الله تعالی فرجه له</small> .....
۳۸.....	ویژگی های جسمانی.....
۳۹.....	ب. روایات اهل سنت.....
۴۰.....	روایت نبوی «اثنا عشر خلیفه».....
۴۱.....	شواهدی بر اثبات حیات منجی.....
۴۲.....	دلایل اثبات حیات امام عصر <small>عجل الله تعالی فرجه له</small> .....

۴۲.....	الف. دلایل وحیانی.....
۴۳.....	سوره‌های قدر و دخان.....
۴۴.....	ب. دلایل عقلی.....
۴۷.....	ادله عقلی ضرورت وجود منجی.....
۴۸.....	دلیل جامعه‌شناختی.....
۴۹.....	نیاز به مفسر کلام وحی.....
۴۹.....	برهان هدفمندی.....
۵۰.....	دلیل استقرائی.....
۵۰.....	برهان لطف.....
۵۰.....	برهان عنایت.....
۵۱.....	قاعده امکان اشرف.....
۵۱.....	برهان واسطه فیض.....
۵۱.....	برهان انسان کامل.....
۵۲.....	برهان لطف و اثبات مهدویت.....
۵۲.....	برهان لطف مقرب.....
۵۳.....	برهان لطف محصل در اثبات اصل امامت.....
۵۴.....	برهان لطف مقرب و اثبات اصل امامت.....
۵۴.....	قاعده لطف و اثبات مهدویت.....
۵۵.....	قاعده لطف و غیبت حضرت حجت <small>عجل الله تعالی فرجه</small> .....
	<b>بخش سوم: غیبت</b>
	<b>فصل اول: تاریخ عصر غیبت</b>
۵۹.....	غیبت حضرت مهدی <small>عجل الله تعالی فرجه</small> .....
۶۰.....	مفهوم‌شناسی غیبت.....
۶۱.....	بررسی دیدگاه‌های مفهوم‌شناسی غیبت.....
۶۶.....	غیبت صغرا.....
۶۶.....	ویژگی‌های غیبت صغرا.....
۶۸.....	غیبت کبرا.....
۶۸.....	ویژگی‌های غیبت کبرا.....
۶۹.....	اختلافات فرقه‌ای پس از شهادت امام حسن عسکری <small>علیه السلام</small> .....
۷۰.....	نیابت خاص و عام.....
۷۰.....	نیابت خاص.....
۷۰.....	نائبان چهارگانه امام مهدی <small>عجل الله تعالی فرجه</small> .....
۷۴.....	ملاک‌های گزینش نائبان خاص.....
۷۴.....	تقیه و پنهان‌کاری.....
۷۵.....	استواری و مقاومت.....

۷۵.....	زیرکی و درایت .....
۷۶.....	شبهه ارتباط شیعیان با نائبان خاص .....
۷۶.....	وظایف و مسئولیت های نائبان در عصر غیبت صغرا.....
۷۶.....	الف. وظایف نواب نسبت به امام زمان <small>عجل الله تعالی فرجه الیک</small> .....
۷۶.....	از بین بردن شک و تردید نسبت به وجود حضرت مهدی <small>عجل الله تعالی فرجه الیک</small> .....
۷۷.....	حفظ جان امام از راه پنهان کردن نام و مکان حضرت .....
۷۷.....	ب. وظایف نواب نسبت به امت حضرت مهدی <small>عجل الله تعالی فرجه الیک</small> .....
۷۷.....	سرپرستی و تقویت سازمان وکالت .....
۷۸.....	پاسخ گویی به شبهات اعتقادی و سؤالات فقهی .....
۷۸.....	دریافت وجوه شرعی متعلق به امام .....
۷۹.....	نیابت عام .....
۸۰.....	محل اقامت امام عصر <small>عجل الله تعالی فرجه الیک</small> .....
۸۱.....	دوران غیبت صغرا.....
۸۲.....	دوران غیبت کبرا.....

### فصل دوم: فلسفه غیبت و فوائد امام غایب

۸۶.....	فلسفه غیبت .....
۸۸.....	حفظ جان امام .....
۸۸.....	امتحان و آزمایش انسان ها.....
۸۸.....	آزاد بودن امام از بیعت با ستمگران .....
۸۹.....	نبود یاران وفادار برای امام .....
۹۱.....	آماده نبودن جوامع بشری .....
۹۳.....	رازی از رازهای الهی.....
۹۴.....	فوائد امام غایب .....
۹۵.....	رسیدن فیض الهی به انسان ها.....
۹۵.....	هدایت های معنوی و باطنی امام .....
۹۶.....	نگهداری دین از تحریف ها و بدعت ها.....
۹۶.....	یاری رساندن به کسانی که متوسل می شوند.....
۹۶.....	دعای حضرت در حق مؤمنان .....
۹۶.....	برطرف ساختن بدی ها و بلاها از یاران خاص خود.....
۹۶.....	تصویب امور سال در شب های قدر .....
۹۶.....	ایجاد امیدواری در پیروان اهل بیت <small>علیهم السلام</small> .....
۹۶.....	فلسفه دو مرحله ای بودن غیبت .....

### بخش چهارم: سازمان وکالت

۱۰۰.....	مفهوم شناسی وکالت .....
۱۰۰.....	عوامل شکل گیری سازمان وکالت و استمرار آن .....
۱۰۰.....	ضرورت ارتباط میان رهبری و پیروان .....

۱۰۱.....	تعیین تکلیف برای شیعیان در زمان حبس و حصر امامان <small>علیهم السلام</small> .....
۱۰۱.....	آماده کردن شیعیان برای ورود به عصر غیبت.....
۱۰۲.....	بررسی محدوده زمانی فعالیت سازمان وکالت.....
۱۰۲.....	گستره جغرافیایی فعالیت سازمان وکالت.....
۱۰۳.....	معرفی مهم ترین وکلای امامان <small>علیهم السلام</small> و منطقه فعالیت آنها.....
۱۰۵.....	وظایف و مسئولیت های سازمان وکالت.....
۱۰۵.....	دریافت وجوه شرعی و تحویل به امام.....
۱۰۵.....	راهنمایی و ارشاد شیعیان و مناظره با مخالفان.....
۱۰۵.....	کمک به حل مشکلات شیعیان.....
۱۰۶.....	ساختار سازمان وکالت.....
۱۰۶.....	رهبری سازمان.....
۱۰۷.....	وکیل ارشد یا سر وکیل.....
۱۰۷.....	وکلائی ثابت و سیار.....
۱۰۸.....	ویژگی ها و شرایط لازم برای وکیلان.....
۱۰۸.....	بهره مندی از عدالت و پرهیزگاری.....
۱۰۸.....	برخورداری از صفت امانتداری.....
۱۰۹.....	رازداری و پنهان کاری.....
۱۱۰.....	مدعیان دروغین وکالت.....

### **بخش پنجم : ولایت فقیه**

۱۱۲.....	سرپرستی شیعیان در عصر غیبت کبرا.....
۱۱۲.....	مفهوم شناسی ولایت فقیه.....
۱۱۳.....	پیشینه نظریه ولایت فقیه.....
۱۱۴.....	ادله ولایت فقیه.....
۱۱۵.....	بررسی و تحلیل دلیل عقلی برولایت فقیه.....
۱۱۶.....	ولایت فقیه در روایات.....
۱۱۶.....	توقیع امام عصر <small>علیه السلام</small> .....
۱۱۸.....	مقبوله عمرین حنظله.....
۱۲۱.....	وظایف و اختیارات ولی فقیه.....
۱۲۱.....	ویژگی های فقیه جامع الشرائط.....
۱۲۲.....	اجتهاد و آگاهی کافی از اسلام.....
۱۲۲.....	تقوا و عدالت.....
۱۲۳.....	تدبیر و مدیریت.....
۱۲۴.....	ولایت مطلقه فقیه و خطر دیکتاتوری.....

### **بخش ششم: انتظار**

۱۲۵.....	<b>فصل اول: جایگاه انتظار و آثار آن</b> .....
۱۲۶.....	انتظار.....



۱۲۶.....	جایگاه انتظار در فرهنگ شیعه .....
۱۲۷.....	انواع انتظار .....
۱۳۲.....	ویژگی های انتظار مهدی <small>عجل الله تعالی فرجه</small> .....
۱۳۳.....	ابعاد انتظار .....
۱۳۵.....	کارکردهای انتظار .....
۱۳۵.....	الف. سازندگی فردی .....
۱۳۵.....	خداپرستی .....
۱۳۶.....	پرهیزگاری .....
۱۳۷.....	اخلاق نیکو .....
۱۳۸.....	مهرورزی .....
۱۳۹.....	زهدورزی .....
۱۳۹.....	احساس حضور .....
۱۴۰.....	گسترش امیدهای واقعی .....
۱۴۱.....	پویایی در جهت رسیدن به هدف .....
۱۴۱.....	ب. سازندگی اجتماعی .....
۱۴۱.....	دستگیری و تعاون .....
۱۴۲.....	استقامت و شکیب ورزی .....
۱۴۳.....	تقویت انگیزه ظلم ستیزی .....
۱۴۴.....	دور ماندن از فساد محیط .....
۱۴۴.....	جهاد مستمر .....
۱۴۵.....	ایجاد حساسیت در برابر وضعیت اجتماعی .....
۱۴۶.....	سبب کارآمدی دولت ها .....
۱۴۹.....	<b>فصل دوم: منتظران</b> .....
۱۵۰.....	فضیلت منتظران .....
۱۵۰.....	انتظار، اساس پیوند شیعه با امام معصوم <small>عجل الله تعالی فرجه</small> .....
۱۵۱.....	انتظار، ملاک ارزش انسان ها .....
۱۵۱.....	انتظار، عامل پویایی و سازندگی فرد و جامعه .....
۱۵۱.....	پاداش منتظران .....
۱۵۴.....	وظایف منتظران .....
۱۵۴.....	شناخت امام زمان <small>عجل الله تعالی فرجه</small> .....
۱۵۵.....	پایداری بردوستی اهل بیت <small>عجل الله تعالی فرجه</small> .....
۱۵۶.....	تولی و تبری .....
۱۵۶.....	صبربرسختی های دوران غیبت .....
۱۵۶.....	پرهیزگاری و رعایت تقوای الهی .....
۱۵۷.....	پیروی از دستوره های ائمه <small>عجل الله تعالی فرجه</small> .....

۱۵۷.....	دستگیری از ضعیفان و فقیران .....
۱۵۸.....	دعا برای فرج حضرت مهدی <small>عجل الله تعالی فرجه</small> .....
۱۵۸.....	یاد امام و انتظار شبانه روزی .....
۱۶۰.....	حفظ پیوند با ولایت .....
۱۶۱.....	الگوپذیری .....
۱۶۲.....	وحدت و همدلی .....
	<b>بخش هفتم: شرایط و نشانه های ظهور</b>
	<b>فصل اول: شرایط و نشانه های ظهور</b>
۱۶۵.....	شرایط ظهور .....
۱۶۶.....	زمینه های ظهور .....
۱۶۷.....	الف. طرح و برنامه .....
۱۶۹.....	ب. رهبری .....
۱۶۹.....	ج. یاران .....
۱۷۰.....	صفات و ویژگی های یاران امام مهدی <small>عجل الله تعالی فرجه</small> در روایات .....
۱۷۰.....	معرفت و اطاعت .....
۱۷۱.....	عبادت و صلابت .....
۱۷۱.....	جان نثاری و شهادت طلبی .....
۱۷۲.....	شجاعت و دلیری .....
۱۷۲.....	صبر و بردباری .....
۱۷۲.....	اتحاد و همدلی .....
۱۷۳.....	زهد و پارسایی .....
۱۷۴.....	آمادگی عمومی .....
	<b>فصل دوم: ظهور و نشانه های آن</b>
۱۷۸.....	زمان ظهور .....
۱۷۹.....	راز نمان بودن زمان ظهور .....
۱۷۹.....	تداوم امید .....
۱۷۹.....	زمینه سازی .....
۱۸۰.....	علائم ظهور .....
۱۸۰.....	آثار و فوائد دانستن علائم .....
۱۸۱.....	انواع نشانه های ظهور .....
۱۸۱.....	علائم حتمی و غیر حتمی .....
۱۸۱.....	نشانه های حتمی ظهور .....
۱۸۲.....	خروج سفیانی .....
۱۸۲.....	حَسَف بیداء .....
۱۸۳.....	خروج یمانی .....

۱۸۳.....	صیحه آسمانی.....
۱۸۴.....	قتل نفس زکیه.....
۱۸۵.....	علائم غیرحتمی.....
۱۸۵.....	خروج خراسانی.....
۱۸۶.....	خروج حسنی.....
۱۸۶.....	فتنه دجال.....
۱۸۷.....	جهان در آستانه ظهور.....
۱۸۹.....	هنگامه قیام.....
۱۸۹.....	چگونگی قیام.....
<b>بخش هشتم: حکومت جهانی امام مهدی <small>عجل الله تعالی فرجه الشریف</small></b>	
۱۹۳.....	<b>فصل اول: اهداف و دستاوردها.</b>
۱۹۴.....	اهداف و برنامه های حکومت.....
۱۹۴.....	الف. اهداف حکومت.....
۱۹۵.....	رشد معنوی.....
۱۹۶.....	عدالت گستری.....
۱۹۷.....	ب. برنامه ها.....
۱۹۸.....	الف. برنامه های فرهنگی.....
۱۹۹.....	احیای کتاب و سنت.....
۱۹۹.....	گسترش معرفت و اخلاق.....
۲۰۰.....	نهضت علمی.....
۲۰۱.....	مبارزه با بدعت ها.....
۲۰۳.....	ب. برنامه های اقتصادی.....
۲۰۳.....	بهره وری از منابع طبیعی.....
۲۰۴.....	توزیع عادلانه ثروت.....
۲۰۵.....	عمران و آبادانی.....
۲۰۵.....	ج. برنامه های اجتماعی.....
۲۰۶.....	ویژگی های حکومت.....
۲۰۶.....	احیاء و گسترش امر به معروف و نهی از منکر.....
۲۰۶.....	مبارزه با فساد و رذائل اخلاقی.....
۲۰۷.....	اجرای حدود الهی.....
۲۰۷.....	عدالت قضایی.....
۲۰۹.....	دستاوردهای حکومت حضرت مهدی <small>عجل الله تعالی فرجه الشریف</small>
۲۰۹.....	عدالت فراگیر.....
۲۱۰.....	رشد فکری، اخلاقی و ایمانی.....
۲۱۱.....	اتحاد و همدملی.....

۲۱۲.....	سلامت جسمی و روانی.....
۲۱۳.....	خیر و برکت فراوان.....
۲۱۴.....	ریشه‌کن شدن فقر.....
۲۱۵.....	حاکمیت اسلام و نابودی کفر.....
۲۱۷.....	امنیت عمومی.....
۲۱۸.....	گسترش دانش.....
۲۲۱.....	<b>فصل دوم: ویژگی‌های حکومت و سیره حضرت مهدی <small>عجل الله تعالی فرجه الشریف</small></b>
۲۲۲.....	ویژگی‌های حکومت.....
۲۲۲.....	قلمرو و مرکز حکومت.....
۲۲۴.....	مدت حکومت.....
۲۲۶.....	سیره حکومتی.....
۲۲۷.....	سیره جهادی و مبارزاتی.....
۲۲۸.....	سیره قضایی.....
۲۲۹.....	سیره مدیریتی.....
۲۳۰.....	سیره اقتصادی.....
۲۳۱.....	سیره شخصی.....
۲۳۲.....	مقبولیت عمومی.....
	<b>بخش نهم: آسیب شناسی مباحث مهدویت، عوامل و پیامدهای آن</b>
	<b>فصل اول: آسیب شناسی مباحث مهدویت.....</b>
۲۳۵.....	برداشت‌های غلط.....
۲۳۶.....	استعجال ظهور.....
۲۳۸.....	تعیین زمان ظهور.....
۲۳۹.....	تطبیق علائم ظهور بر مصادیق خاص.....
۲۳۹.....	طرح مباحث غیرضروری.....
۲۴۰.....	مدعیان دروغین.....
۲۴۱.....	<b>فصل دوم: عوامل پیدایش آسیب در جامعه منتظر، آثار و پیامدهای آن</b>
۲۴۳.....	عوامل پیدایش آسیب در جامعه منتظر.....
۲۴۴.....	الف. عوامل درون فردی.....
۲۴۴.....	فراموشی ولایت خدا و معصومان <small>علیهم السلام</small> .....
۲۴۵.....	فقر فرهنگی.....
۲۴۶.....	خودخواهی و دنیاگرایی.....
۲۵۰.....	اشتیاق غیرمعقول.....
۲۵۲.....	ب. عوامل برون فردی.....
۲۵۲.....	عدم معرفت عمومی.....
۲۵۵.....	ضعف جامعه‌پذیری.....

۲۵۶.....	فقرو غنای مفرط اقتصادی.....
۲۵۷.....	آثار و پیامدهای آسیب در جامعه منتظر.....
۲۵۸.....	الف. آسیب‌های فردی.....
۲۵۸.....	ترس از امام و آرمان‌های او.....
۲۵۹.....	گریز از امام و آرمان‌های او.....
۲۶۲.....	ترک وظایف و تکالیف انتظار.....
۲۶۳.....	ب. آسیب‌های اجتماعی.....
۲۶۳.....	ناامیدی افراد جامعه.....
۲۶۵.....	عدم پیروی از فقها و دانشمندان.....
۲۶۸.....	گسست میان نسل‌های شیعه.....

### بخش دهم: کتاب‌شناسی مهدویت

۲۷۲.....	کتاب‌شناسی مهدویت.....
۲۷۲.....	امامت و مهدویت.....
۲۷۵.....	تاریخ غیبت کبرا.....
۲۷۶.....	مکیال المکارم فی فواید الدعاء للقائم.....
۲۷۸.....	مهدی موعود <small>عجل الله تعالی فرجه الشریف</small> ؛ ترجمه جلد سیزدهم بحار الانوار.....
۲۷۹.....	تاریخ عصر غیبت.....
۲۸۱.....	تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم <small>عجل الله تعالی فرجه الشریف</small> .....
۲۸۲.....	روزگار رهایی.....
۴۸۲.....	خورشید مغرب.....
۲۸۶.....	عصر زندگی.....
۲۸۷.....	حکومت جهانی مهدی <small>عجل الله تعالی فرجه الشریف</small> .....
۲۸۹.....	دادگستر جهان.....
۲۹۰.....	در فجر ساحل.....
۲۹۱.....	امام مهدی <small>عجل الله تعالی فرجه الشریف</small> از ولادت تا ظهور.....
۲۹۲.....	نجم الثاقب فی الاحوال الامام الغائب <small>عجل الله تعالی فرجه الشریف</small> .....
۲۹۳.....	در انتظار قفتوس.....
۲۹۵.....	امام مهدی <small>عجل الله تعالی فرجه الشریف</small> ، موجود موعود.....
۲۹۸.....	بررسی تطبیقی مهدویت در روایات شیعه و اهل سنت.....
۳۰۲.....	منابع.....

## پیشگفتار

موضوع مهدویت از دیرباز در گستره فرهنگ اسلام مطرح بوده است. این عقیده اسلامی و مشترک بین همه مذاهب است که قرآن کریم و روایات فریقین بر آن تاکید فراوان دارد. تبیین و ترویج صحیح این باور دینی، رسالت مهم دانشمندان مسلمان و به ویژه علمای شیعه و حوزه‌های علمی و دانشگاهی است. در این راستا تألیفات گرانسنگی به رشته تحریر در آمده است؛ از کتاب‌هایی که بیش از یک هزار سال از نگارش آن‌ها می‌گذرد تا هزاران کتاب دیگر که هم‌اکنون در کتابخانه‌ها موجودند یا در حال نگاشته شدن هستند.

هریک از این کتاب‌ها دارای سبک و منطق خاص خود هستند و برای هدفی علمی، ترویجی، تبلیغی یا پاسخ به شبهات، تألیف شده‌اند.

کتاب «روشنا؛ آموزه‌های مهدویت»، موضوعات مرتبط با مهدویت را متناسب با فهم عموم مردم، با بیانی سهل و روان و با رویکردی کاربردی، به علاقمندان امام عصر علیه السلام تقدیم می‌نماید. امید است استفاده و بهره‌مندی از مطالب این کتاب در ارتقای سطح معرفت بینشی، انگیزشی و رفتاری خوانندگان عزیز، مفید واقع شود.

در پایان؛ نیک فرجامی تمام مهدی‌باوران و مهدی‌یاوران در عرصه فرهنگ‌سازی معارف اهل بیت علیهم السلام؛ به ویژه همه عزیزانی که شایستگی خدمت به ساحت مقدس ولی‌الله‌الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف را توفیق یافته‌اند و ما را در تدوین و گردآوری این مجموعه، یاری کردند را آرزومند هستیم و نهایت سپاس خود را تقدیم حضور می‌کنیم.

امید است این اثر مورد توجه اهل نظر و صاحب‌نظران این عرصه قرار گیرد و ما را از راهنمایی‌ها و نقدهای راهبرانه خود، بهره‌مند سازند.

## مقدمه

تفکر مهدویت، نوعی از نگرش‌های معطوف به آینده و در حقیقت، رویکردی آینده‌نگرانه است. در این تفکر، گذشته، حال و آینده جهان حرکتی مستمر، پویا، هدفمند و به سوی کمال ترسیم، شده که هیچ‌گونه اعوجاج، انحراف و ارتجاعی در آن نیست. در این تفکر، پایان جهان چون آغاز آن در اختیار صالحان است و همان‌طور که خلقت انسان با آفرینش حضرت آدم عَلَيْهِ السَّلَام صورت گرفت و مأموریت نهایی وی در زمین، استقرار عدالت بود، در پایان جهان نیز حکومت صالحان و استقرار عدل، از ارکان اصلی این تفکر برشمرده می‌شود. تفکر مهدویت بر پایه مباحث اساسی کلامی، اعتقادی، تاریخی و عقلی که در طول سال‌ها حیات طیبه شیعه، عمق یافته‌اند، بنا شده‌اند.

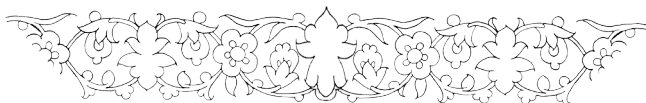
مهدویت، اعتقاد و باور اصیل دینی به شمار می‌آید که همواره در ادیان آسمانی به شیوه‌های گوناگونی مطرح بوده است. این موضوع، فرارسیدن عصر موعود را بشارت می‌دهد که پیروزی مؤمنان بر کافران و مشرکان، در آن رقم خواهد. ادیان آسمانی همواره به این باور دعوت کرده و آن را سنتی اصیل، معرفی نموده‌اند.

مهدویت در نگرش اسلامی نیز از رویکرد کلان به آینده تاریخ حکایت می‌کند. از این منظر، مهدویت ابعاد گوناگونی یافته و به منزله یک نظام فکری و عملی مطرح می‌شود. این نگرش به مهدویت، بیانگرفراگیری چنین آموزه‌ای نسبت به عرصه‌های مختلف حیات بشری است. جامعیت چنین نگاهی توجه به مبانی، اصول و دیدگاه‌های نظری و هنجاری را ضروری می‌نماید.

کتاب «روشنا؛ آموزه‌های مهدویت» به منظور فرهنگ‌سازی، ضرورت توجه‌دهی و شناخت حضرت و مسائل مرتبط با مهدویت نگاشته شده است و به تبیین معارف و آموزه‌های مهدویت و حیات طیبه مهدوی می‌پردازد.

مؤلف - محسن جمالی

بهار ۱۳۹۹



## بخش اول

### ضرورت طرح مباحث مهدویت

---

مفهوم‌شناسی مهدویت

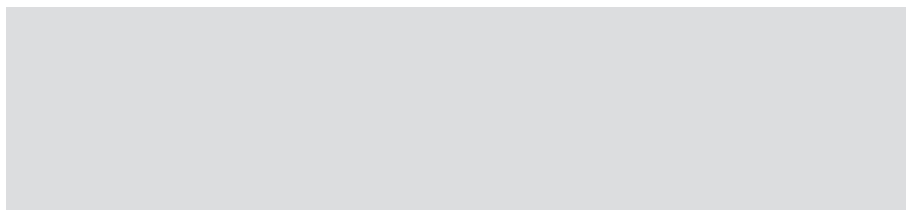
بعد اعتقادی

بعد اجتماعی

بعد سیاسی

بعد تاریخی

بعد فرهنگی





## الف. تعریف مهدویت در لغت

مهدویت از نظر لغوی یا مصدر جعلی است یا صفتی منسوب از مهدی است؛ یعنی مهدویت که یک کلمه عربی است و از واژه مهدی گرفته شده است؛ دوگونه استعمال می‌شود. یکی به صورت مصدر جعلی است با این توضیح که هر وصفی که «یای» مشدد و «تا» (تیت) به آن اضافه شود، تبدیل به مصدر می‌شود؛ مثل عالمیت، حاکمیت. مهدویت هم همان کلمه مهدی است که یای مشدد و تا به آن اضافه شده است و به صورت مصدر جعلی به کار می‌رود؛ یعنی مهدوی بودن.

کاربرد دیگر مهدویت به صورت نسبت و صفت منسوب است. در این حالت، «ی» آخر آن، مصدری نیست بلکه «یا»ی نسبت است و «ت» هم، تایی تأنیث است که به صورت وصفی برای موصوف محذوف به کار می‌رود؛ یعنی طریقه مهدویه یا نسبت مهدویه. بنابراین صفاتی نظیر حسنه، سیئه و خطیئه، صفاتی است که موصوفش محذوف یا فراموش شده است.

## ب. مهدویت در اصطلاح

چنانکه گفتیم مهدویت دارای دو ساختار و دو نوع کاربرد است؛ اما اولین کاربرد (یعنی مهدی بودن) مطرح و ملحوظ نیست. آنچه معمولاً مطرح است، همان صفت نسبی است؛ یعنی روش، مذهب، رفتار، فکرو عقیده‌ای که به مهدی انتساب داشته باشد. می‌توان گفت این «ی» تقریباً معادل ایسمی است که در «Mahdism» یا «مهدیسم» زبان‌های اروپایی به کار می‌رود که به انگلیسی نوشته می‌شود.

نکته دیگر این‌که برای انتساب، کمترین نسبت کافی است. وقتی می‌گوییم مهدویت طریقه‌ای منسوب به حضرت مهدی یا فکرو عقیده‌ای منسوب به ایشان است، ممکن است این انتساب از این جهت باشد که اصلاً محور آن فکرو شخص، مهدی است که اعتقاد به او می‌شود مهدویت.

پس مهدویت یعنی معتقد بودن به وجود مهدی. گاهی نسبت، بیش از



این حیثیت، لحاظ می‌شود؛ یعنی رفتار هم رفتار مهدی‌پسند باشد یا رفتاری باشد که از او اخذ و الهام گرفته شده باشد. بدین ترتیب؛ فکر، طریقه یا رفتاری که انتساب به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف داشته باشد را مهدویت یا مهدیسم یا مهدوی می‌گوییم.

البته منظور ما، مهدی مشخص و خاصی است؛ یعنی حضرت مهدی محمد بن الحسن العسکری عجل الله تعالی فرجه الشریف که در سحرگاه نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری، برابر با ۸۶۹ میلادی در سامرا به دنیا آمد. او نهمین نسل از سبط کوچک پیامبر -حسین بن علی- است. در پنج سالگی به امامت رسید و دارای دو غیبت کوتاه مدت و بلندمدت است. غیبت کوتاه او سال ۳۲۹ پایان یافت و غیبت بلندمدت، از آن سال آغاز شده و هنوز ادامه دارد. او همان است که با آمدن و ظهور خویش، جهان را از عدل و داد، سرشار می‌کند. بنابراین آنچه به ایشان انتساب دارد، مهدویت می‌شود.

برخی از اندیشمندان غربی نیز نگاه مسیح‌باوری و موعودگرایی را نزدیک همین معنا گفته‌اند؛ مثلاً دایره المعارف دین در این باره می‌گوید: «اصطلاح مسیح‌باوری بر نهضت یا نظامی از عقاید و نظرات دلالت می‌کند که محور آن، انتظار ظهور یک مسیح (برگرفته از واژه عبری مشیاح (mashiah) یعنی «خود تدهین شده» است،»

خلاصه و حقیقت مهدویت، منتهی شدن سیر جوامع جهان به سوی جامعه واحد و سعادت عمومی، امنیت و رفاه، تعاون و همکاری، همبستگی همگانی حکومت حق و عدل جهانی، غلبه حق بر باطل، غلبه جنود الله بر جنود شیطان، نجات مستضعفان و نابودی مستکبران و خلافت مؤمنان و شایستگان به رهبری یک رجل و ابرمرد الهی است که موعود انبیاء و ادیان و دوازدهمین اوصیاء و خلفای پیغمبر آخرالزمان است.

مهدویت یعنی اعتقاد به نهضت حتمی یک رهبر آسمانی از دودمان نبوی صلی الله علیه و آله که پیش از پایان جهان، برای نجات آدمیان و تجدید حیات مادی و معنوی آنان به پا خاسته و عدالت را در سراسر عالم گسترش می‌دهد. او که مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف لقب دارد، با ایجاد حکومت واحد جهانی، سراسر جهان را در پرتو تعالیم عدل گستر اسلام اداره می‌کند و تباهی‌ها، نابرابری‌ها، بیدادگری‌ها و نابسامانی‌ها را ریشه‌کن می‌سازد.



اما از آن جا که نام آن منجی در میان مسلمانان، مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف است، این اندیشه را «مهدویت» نامیده‌اند؛ هر چند سایر ادیان به آن، اندیشه موعودگرائی و ... می‌گویند.

به‌هر حال؛ مهدویت یک اندیشه و تفکر برگرفته از کتاب‌های آسمانی است که با فطرت و سنن عالم خلقت، موافق است. این اندیشه در میان شیعیان، مباحث مهم زیرا شامل می‌شود.

#### موضوعات مهدویت

مهدویت تمام معارف مربوط به امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف به‌طور خاص و منجی موعود به‌طور عام را دربر می‌گیرد. به مسائلی از علوم اسلامی که دربرگیرنده مباحث امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف است، موضوعات مهدوی اطلاق می‌شود؛ برای مثال، برخی از این موضوعات به شرح زیر است:

۱. امام مهدی در قرآن: بررسی آیاتی که بر وجود امام با قیام و حکومت ایشان دلالت دارد یا سایر مباحث مرتبط با حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف،
۲. امام مهدی در روایات: اعتقاد به مهدویت از منظر شیعه که خود، مباحث ذیل را در بردارد:

- مسئله ولادت، نسب و کودکی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف،
- ویژگی‌های امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف،
- مسئله انحراف در مهدویت و فرقه‌های انحرافی،
- مسئله غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف،
- تاریخ عصر غیبت صغرا و وضع شیعه در آن زمان،
- مسئله علائم و زمینه‌های ظهور حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشريف،
- مسئله وقایع ظهور و حکومت جهانی آن حضرت،



- ویژگی های یاران و دولت مهدوی عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى فَرَجُهُ الشَّرِيفُ ،

- اوضاع جهان قبل از ظهور و بعد از ظهور.

۳. دلایل عقلی و نقلی اثبات امام مهدی عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى فَرَجُهُ الشَّرِيفُ : بحث از دلایل های عقلی، آیات و روایاتی که وجود امام را ثابت می کند،

۴. مسئله مهدی باوری و موعودگرائی در اهل سنت،

۵. موعودگرائی و منجی گرائی در ادیان ابراهیمی و غیرابراهیمی،

۶. آسیب شناسی مباحث مهدویت،

۷. رجعت یا بازگشت مردگان به دنیا،

۸. مسئله ولایت فقیه یا نیابت عام (عالمان دین) امام زمان عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى فَرَجُهُ الشَّرِيفُ در عصر غیبت کبرا؛

۹. جهانی شدن و حکومت واحد جهانی،

۱۰. مهدویت و مسائل جدید کلامی،

و بسیاری از موضوعات دیگر.

بنابراین مهدویت، نظامی از اعتقادات است که مباحثی را دربردارد و کسی که می خواهد به این مقوله بپردازد بایستی مطالب ذکرشده را با دقت - در منابع معتبر- جستجو کند.

ضرورت طرح مباحث مهدویت

در ابتدای بحث درباره مهدویت، این سؤال مهم مطرح است که با وجود علوم و فنون مختلف، بحث کردن در موضوع مهدویت چه ضرورتی دارد؟ آیا این بحث، یک بحث فرعی است یا جزء مباحث مهم و اصلی زندگی است؟ آیا سخن از مهدویت، نیازی از نیازهای امروز ماست و می تواند تحولی اساسی در زندگی ما ایجاد کند؟



روشن است که شناخت ضرورت و بایستگی این موضوع، سبب تقویت انگیزه و نشاط در پیگیری این بحث و به کارگیری تمام امکانات مادی و معنوی در جهت ترویج این عقیده و راهبرد اساسی زندگی خواهد شد. ما مدعی هستیم که بر اساس متون دینی، امامت و مهدویت، هویت اصلی و اساسی مسلمین است و به همین دلیل در رأس توصیه‌های پیامبر عظیم الشان اسلام ﷺ بوده است. امامت، اصلی است که در راستای اصول مهم دین، یعنی توحید و نبوت، طرح شده و مکمل و متمم آن اصول است.

بجاست در این مجال، ضرورت پرداختن به بحث مهدویت را در ابعاد گوناگون بررسی کنیم:

### ۱. بعد اعتقادی

بدون شک، اعتقاد، رکن اصلی شخصیت انسان است که اعمال و رفتار آدمی را شکل می‌دهد؛ به همین دلیل، انبیای الهی در جهت اصلاح عقاید انسان کوشیده‌اند. در اسلام، مردم به اعتقاد به خدا و پیامبر و سپس جانشینان پیامبر دعوت شده‌اند و امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آخرین جانشین رسول خداست که هر مسلمانی مکلف است پس از شناخت او، امامتش را بپذیرد و مطیع او باشد.

در متون دینی، معرفت امام، جایگاه بسیار مهمی دارد و اساس سعادت دنیا و آخرت دانسته شده است:

«يَوْمَ نَدْعُو كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ»

روز قیامت، هر گروهی را با امام و پیشوای خود فرا می‌خوانیم.

و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

«مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً»<sup>۱</sup>

۱. اسرا، ۷۱.

۲. کلینی، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ح ۹، ص ۴۰۹.



هرکس بمیرد؛ در حالی که امام زمان خود را نشناخته است، به مرگ جاهلیت مرده است».

امام حسین علیه السلام نیز در پاسخ کسی که پرسید: [راه] معرفت خدا چیست؟ فرمود:

«[راه] شناخت خدا [و اطاعات از او] این است که مردم هر زمان، امام زمان خود را - که اطاعتش بر آنها واجب است - بشناسند»<sup>۱</sup>.

این همه تأکید بر اعتقاد به امام و لزوم شناختن او برای این است که پس از پیامبر خدا، «امام» راه مستقیم الهی است. هرکس بخواهد به خدا ایمان داشته باشد و از او اطاعت کند، باید از امام زمانش فرمان برد و لازمه اطاعت، شناختن امام و پذیرفتن امامت اوست.

امام باقر علیه السلام می فرماید:

«لَا يَكُونُ الْعَبْدُ مُؤْمِنًا حَتَّى يَعْرِفَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالْأَيِّمَةَ كُلَّهُمْ وَإِمَامَ زَمَانِهِ وَ يُرَدِّ إِلَيْهِ وَيُسَلِّمَ لَهُ»<sup>۲</sup>؛

هیچ بنده ای مؤمن نیست؛ مگر اینکه خدا و رسول او و همه امامان و امام زمانش را بشناسد و [همه امور را] به او برگرداند و تسلیم [امر] او باشد».

به دلیل اهمیت و لزوم معرفت است که اهل بیت علیهم السلام سفارش کرده اند که «معرفت» را از خدا بخواهید:

«اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي حُجَّتَكَ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ، ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي»<sup>۳</sup>؛

۱. صدوق، علل الشرایع، ج ۱، ح ۱، ص ۹.

۲. کلینی، کافی، ج ۱، باب معرفه الامام و الرد الیه، ح ۲، ص ۱۸۰.

۳. تمام این دعا این است: «اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي نَفْسَكَ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ، لَمْ أَعْرِفْ نَبِيَّكَ؛ اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي رَسُولَكَ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ، لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ؛ اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي حُجَّتَكَ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ، ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي»؛ (کلینی، کافی، ج ۱، باب فی الغیبه، ح ۵، ص ۳۳۷).



خدایا! حجت خود را به من بشناسان که اگر او را به من شناسانی، از مسیر دین الهی، گمراه خواهم شد».

نکته مهم دیگر، این است که «معرفت امام» مثل «ایمان به خدا»، مراتب و درجات مختلفی دارد و هرکس به اندازه شناخت و معرفتش از امامت امام، بهره می‌گیرد. روشن است که شناخت نام و نسب امام، کافی نیست بلکه کمترین حد معرفت، آن است که شخص بداند امام، منصوب از طرف خداست که به وسیله پیامبر یا امام پیشین به مردم معرفی می‌شود. او برخوردار از دانش الهی - و نه بشری - و معصوم از هر گناه و خطایی است. اطاعت از او در تمام امور، واجب و به منزله اطاعت از پیامبر و خداست.

۲. بعد اجتماعی

مهدویت از نظر اجتماعی نیز اهمیت دارد؛ زیرا مهدویت، نگاه روشن و امیدوارانه به آینده بشیریت است. جامعه‌ای که آرمانش رسیدن به مدینه فاضله مهدوی است، جامعه‌ای امیدوار است و در پرتو دین، به حرکت و نشاط و پویایی، امید دارد و از یأس و نومیدی در امان خواهد بود.

نیز جامعه‌ای که به آینده زیبا و آرمانی امیدوار است، همین امروز به صلاح و اصلاح می‌پردازد و با ارزش‌های اسلامی و انسانی احیا می‌شود. بدین سان مهدویت، بهترین عامل برای مقابله با تهاجم فرهنگی دشمن و بستر سازی برای ترویج فضائل در افراد جامعه است؛ به ویژه که شناخت عمیق افراد نسبت به امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با افزایش عشق و محبت آنها، زمینه اطاعت از امام را بیشتر فراهم می‌کند.

همچنین جامعه‌ای که به عدالت مهدوی دلبسته است و آرمانش تحقق عدالت در همه جهان و برچیده شدن ظلم و ستم از همه زمین است، حرکتی عدالت خواهانه را در پیش می‌گیرد و برای آن، زمینه سازی می‌کند. از همین جاست که حرکت‌هایی با رویکرد عدالت طلبی و ظلم ستیزی شکل می‌گیرد؛ چنان‌که انقلاب اسلامی ایران با هدف زمینه سازی برای حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به راه افتاد و ملت با همین انگیزه و آرزو، تمام امکانات مادی و معنوی اش را در مسیر انقلاب فدا کرد.



### ۳. بعد سیاسی

بشر در طول تاریخ خود، مکتب‌ها و حکومت‌های زیادی را تجربه کرده است ولی در هیچ‌یک از آنها گمشده خود را که عدالت و صلح و امنیت است، پیدا نکرده و پیوسته در ناکامی و شکست قرار گرفته است. در دوره‌های اخیر کاپیتالیسم و کمونیسم نیز در پاسخ‌گویی به نیازهای بشر، ناکام ماندند که نشانه‌های آن، بحران اخلاقی و امنیتی است که به آن گرفتار شده‌اند. حال تکلیف این بشر و ماندن و سرگشته از ناکامی‌ها و شعارهای بی‌عمل و نظاره‌گر سراب‌ها چیست؟

امروز بشریت به دنبال اندیشه سیاسی دیگری است که ارزش‌های انسانی را در آن بیابد و آن، اندیشه سیاسی اسلام و حکومت مهدوی عجل الله تعالی فرجه الشریف است که در رأس آن، شایسته‌ترین مردم قرار گرفته است. نظریه مهدویت، یک اندیشه جهانی است و این اندیشه برای جهان و اداره آن، طرح و برنامه دارد. مهدویت در عرصه حکومت، دارای اهداف بلند و ارزشی است و حتی می‌تواند برای حکومت دینی در عصر غیبت، یک طرح راهبردی باشد.

به علاوه مهدویت از بعد سیاسی «نظام ولایت فقیه» را به عنوان نیابت از مهدی در زمان غیبت، طرح می‌کند و الگوی مناسبی از حکومت صالحان و نیکان را به جهانیان ارائه می‌نماید. این نظام سیاسی، تداوم نظام سیاسی مهدوی است و پذیرش و سرسپردن به فرمان ولی فقیه، در ادامه اطاعت‌پذیری از امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است. بنابراین مهدویت، ضامن شکل‌گیری یک نظام الهی به سرپرستی فقیه جامع شرایط است که حرکت جامعه اسلامی را در جهت آرمان‌های قرآنی و مهدوی قرار داده، امت را برای فراهم کردن زمینه‌های ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و حکومت جهانی او بسیج می‌کند؛ چنان‌که در جریان انقلاب بزرگ خمینی کبیر رحمته اللیله، شاهد آن بوده‌ایم.

### ۴. بعد تاریخی

مهدویت از بعد تاریخی، سابقه‌ای طولانی دارد. تاریخ اسلام و مسلمین از همان آغاز با این موضوع گره خورده است. در روز بزرگ غدیر، پیامبر صلی الله علیه و آله همگام با معرفی امام علی علیه السلام به عنوان امام پس از خود، همه امامان و از جمله حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را معرفی کرده و ظهور او را به همگان بشارت داد. پس از





آن، یک‌یک امامان از حضرت مهدی و ظهور او گفتند. بنابراین برخلاف ادعای بعضی از گمراهان، مهدویت، سخن امروز و دیروز نیست بلکه تاریخی به گسترده تاریخ اسلام دارد؛ پس بحث کردن درباره مهدویت، سخن گفتن درباره متن اسلام، قرآن و سنت پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است و مهدویت، حقیقتی است که همه تاریخ اسلام، پشتوانه آن است.

نیز تاریخ طولانی شیعه و پیروان اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام گواه است که بخش مهمی از هویت تشیع، مهدویت و انتظار ظهور مهدی عَجَلُ اللهِ تَعَالَى بوده است؛ به‌ویژه در طول حدود دوازده قرن غیبت امام مهدی عَجَلُ اللهِ تَعَالَى، آثار علمی و عملی عالمان شیعه پیوسته در مسیر ترویج این حقیقت و تبیین موضوعات و مسائل آن بوده است.

## ۵. بعد فرهنگی

از مهم‌ترین وظایف ما، گسترش فرهنگ مهدویت و زمینه‌سازی ظهور و فرج امام عصر عَجَلُ اللهِ تَعَالَى است. در این بخش باید راهبردی اساسی و روشن، پیش‌رو داشته باشیم که برخی از محورهای آن، به شرح زیر است:

### ۱. تبیین و ترویج فرهنگ انتظار

انتظار به معنای آمادگی برای امر ظهور است. لازم است همه امکانات و توانایی‌های جامعه در مسیر زمینه‌سازی و تحقق ظهور سازماندهی شود و همه عناصر مؤمن و منتظر فرج برای این هدف بزرگ، بسیج شوند. شکل‌گیری چنین فرایندی به یک برنامه جامع و کامل نیاز دارد که اهداف یاد شده را در نظر بگیرد و مسیر روشنی را برای تحقق آنها ترسیم کند.

### ۲. آسیب‌شناسی

مهدویت، یک عقیده اسلامی و راهبر اساسی برای پیشرفت همه جوامع بشری و به‌ویژه جامعه اسلامی است.

همه باید هوشیار باشند که برخی آسیب‌های فرهنگی، سبب انحراف در عقاید و باورهای مردم نشود و مفاهیم بلند مهدوی را به معانی پست و فرودست نکشاند؛ برای نمونه، تفسیر غلط از انتظار مهدی عَجَلُ اللهِ تَعَالَى یا تعیین وقت



برای ظهور، آسیب‌هایی است که این مجموعه فرهنگی نجات‌بخش را تهدید می‌کند و آثار ارزشمند و حیات‌بخش آن را مخدوموش می‌نماید. بنابراین همگان به ویژه متولیان فرهنگ جامعه باید مراقب انحرافات باشند و پیوسته مسیر صحیح را برای قشرهای مختلف بیان کنند.

### ۳. دشمن‌شناسی

دشمن از هر سلاحی استفاده می‌کند تا از رشد تفکر مهدویت در جامعه، جلوگیری کند؛ به‌ویژه در این زمان با توجه به تنوع ابزارهای فرهنگی، این سیاست شیطانی با امکانات بیشتری دنبال می‌شود. سایت‌ها، وبلاگ‌ها، مجلات، کتب و حتی فیلم‌ها و بازی‌های کامپیوتری، عرصه‌ای است که دشمن برای تخریب فرهنگ مهدویت از آنها بهره می‌گیرد. معتقدان و منتظران مهدی عَلَيْهِ السَّلَام فَرَجْنَا الشَّرِيفَ باید بکوشند با شناخت عمیق از مهدویت از همین ابزار و در جهت مقابله با ترفندهای دشمن و خنثی‌سازی عملیات خرابکارانه مخالفان مهدویت، بهترین بهره را ببرند.





## بخش دوم

### فصل اول:

#### منجی باوری در ادیان غیرابراهیمی و ابراهیمی

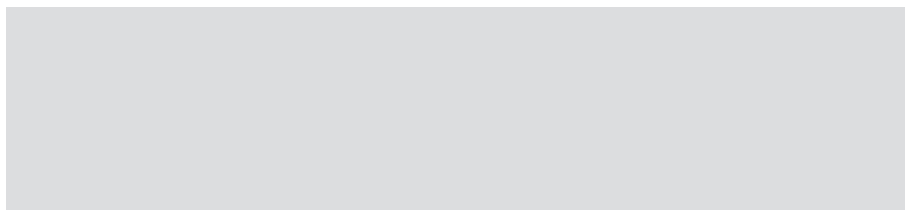
---

منجی و موعود از نگاه زرتشتی ها

منجی و موعود از نگاه هندوها

منجی و موعود در یهودیت

منجی و موعود در مسیحیت





## عقیده به ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از نظر اقوام و ادیان

انتظار ظهور يك مصلح بزرگ آسمانی و امید به آینده و استقرار صلح و عدل جاویدان، امری فطری و طبیعی است که با ذات و وجود آدمی سروکار داشته و با آفرینش هر انسانی همراه است و زمان و مکان نمی شناسد و به هیچ قوم و ملتی اختصاص ندارد.

از این رو، همه افراد طبق فطرت ذاتی خود مایلند روزی فرارسد که جهان بشریت در پرتو ظهور رهبری الهی و آسمانی و با تأیید و عنایت پروردگار، از ظلم ظالمان و ستم ستمگران نجات یافته، شور و بلوا در جهان پایان پذیرد و انسان ها از وضع فلاکت بار موجود، نجات یابند و از نابسامانی و ناامنی و تیره روزی خلاص شوند و سرانجام به کمال مطلوب و زندگی شرافتمندانه ای نایل آیند.

به همین دلیل، در تمام ادیان و مذاهب مختلف جهان، از مصلحی که در آخرالزمان ظهور خواهد نمود و به جنایت ها و خیانت های ضد انسانی خاتمه خواهد داد و شالوده حکومت واحد جهانی را بر اساس عدالت و آزادی واقعی بنیان خواهد نهاد، سخن به میان آمده و تمام پیامبران و سفیران الهی در این زمینه، به مردم باایمان جهان، نویدهایی داده اند.

در این زمینه، یکی از نویسندگان معروف، چنین می نویسد:

«موضوع ظهور و علایم ظهور، موضوعی است که در همه مذاهب بزرگ جهان واجد اهمیت خاصی است. صرف نظر از عقیده و ایمان که پایه این آرزو را تشکیل می دهد، هر فرد علاقه مند به سرنوشت بشریت و طالب تکامل معنوی وقتی که از همه ناامید می شود و می بیند که با وجود این همه ترقیات فکری و علمی شگفت انگیز، باز متأسفانه، بشریت غافل و بی خبر، روز به روز خود را به سوی فساد و تباهی می کشاند و از خداوند بزرگ بیشتر دوری می جوید و از اوامر او بیشتر سرپیچی می کند؛ بنا به فطرت ذاتی خود متوجه درگاه خداوند بزرگ می شود، و از او برای رفع ظلم و فساد یاری می جوید.

از این رو در همه قرون و اعصار، آرزوی يك مصلح بزرگ جهانی در دل های خداپرستان وجود داشته است. و این آرزو نه تنها در میان پیروان مذاهب بزرگ مانند: زرتشتی و یهودی و مسیحی و مسلمان، سابقه دارد بلکه آثار آن را در کتاب های قدیم چینیان و در عقاید هندیان و در بین اهالی اسکانندیناوی و حتی در میان مصریان قدیم و بومیان و حتی مکزیك و نظایر آنها نیز می توان یافت»<sup>۱</sup>.



آری! عقیده به ظهور يك مصلح بزرگ آسمانی در پایان جهان، یکی از مسایل بسیار مهم و حساسی است که نه تنها در آیین مبین اسلام بلکه در همه ادیان آسمانی و نه تنها در میان پیروان ادیان و مذاهب بلکه در نزد بسیاری از مکاتب مختلف جهان سابقه دیرین دارد و تمامی پیروان ادیان بزرگ عالم از مسیحیان، کلیمیان و زرتشتیان گرفته تا پیروان مکتب های الحادی، همه و همه بدان عقیده دارند.

### منجی و موعود از نگاه زرتشتی ها

عَلَيْهِ السَّلَام  
وَرَحْمَةُ الرَّحْمَنِ

در منابع زرتشتیان تصریحات زیادی به ظهور حضرت مهدی شده است که قسمتی از آنها را در این جا می آوریم:

۱. در کتاب «زند» که از کتب مقدّسه زرتشتیان است، درباره انقراض اشرار و وراثت «صلحا» که پس از درهم شکستن شوکت جبّاران و بیدادگران، زمام امور جامعه بشری را به دست خواهند گرفت، چنین می گوید: «لشکراهریمانان با ایزدان دایم، در روی خاکدان محاربه و کشمکش دارند و غالباً پیروزی با اهریمنان باشد؛ اما نه به طوری که بتوانند ایزدان را محو و منقرض سازند؛ چه در هنگام تنگی از جانب اورمزد که خدای آسمان است، به ایزدان که فرزندان اویند، یاری می رسد و محاربه ایشان، نه هزار سال طول می کشد. آنگاه پیروزی بزرگ از طرف ایزدان می شود و اهریمنان را منقرض می سازند و تمام اقتدار اهریمنان در زمین است و در آسمان راه ندارند و بعد از پیروزی ایزدان و برانداختن تبار اهریمنان، عالم کیهان به سعادت اصلی خود رسیده، بنی آدم بر تخت نیکبختی خواهند نشست».

۲. در بخش «گات ها» که یکی از بخش های چهارگانه «اوستا» است. نویدهایی در مورد ظهور حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام و سیطره جهانی آن حضرت که قیام شکوهمند او طبق وعده های انبیاء در آخرالزمان به وقوع خواهد پیوست، چنین آمده است: «و هنگامی که سزای این گناهکاران فرا رسد، پس آنگاه ای «مزد»! کشورت را «بهمن» در پایان برپا کند، از برای کسانی که دروغ را به دستهای راستی سپرند و خواستاریم از آنانی باشیم که زندگی تازه کنند».

۳. باز در همان بخش «گات‌ها» تحت عنوان «بامداد روز» نوید ظهور یگانه منجی بشریت که در پایان جهان خواهد آمد، چنین آمده است: «کی ای «مزدا»! بامداد روز فراز آید، جهان دین راستین فراگیرد، با آموزش‌های فزایش بخش پر خرد رهانندگان، کیانند آنانی که «بهمن» به یاریشان خواهد آمد، از برای آگاه ساختن، من تو را برگزیدم؛ ای اهورا».

نویسنده کتاب «بشارات عهدین» پس از آن‌که این دو بشارت را از «گات‌ها» نقل کرده است، چنین می‌نویسد: «مترجم «گات‌ها»، در پاورقی، «بهمن» را که در این دو بشارت، پرچم دار نهضت آخرین معرفی شده. نماینده توانایی، منش نیک، راستی و پارسایی دادار اهور مزدا، تفسیر کرده. و روی این اصل، توضیح این دو فراز از «گات‌های زرتشت» از این قرار است:

در پایان جهان، پیش از رستاخیز عمومی، آغاز سزای گناهکاران است که به دست توانای نماینده قدرت و راستی و قدس و عدالت الهی به سزای این جهانی خود خواهند رسید. این دولت با سعادت تنها برای کسانی است که دروغ را به دست‌های راستی سپرده و منش زشت را در بوته فراموشی نهاده‌اند.

### منجی و موعود از نگاه هندوها

در آیین‌های هندوان و کتاب‌های آنان نیز همانند دیگر ادیان و آیین‌ها، سخن از نجات‌دهنده و موعود آمده است؛ از جمله در کتاب «مه‌ابهاراتا» و کتاب «پوران‌ها» در این باره گفته‌اند:

«همه ادیان معتقدند که در پایان هر دوره‌ای از تاریخ، بشر از لحاظ معنوی و اخلاقی رو به انحطاط می‌رود و چون طبعاً و فطرتاً در حال هبوط و دوری از مبدأ است و مانند اجبار به سوی پایین حرکت می‌کند، نمی‌تواند به خوری خود به این سیر نزولی و انحطاط معنوی و اخلاقی خاتمه دهد. پس ناچار روزی یک شخصیت معنوی بلند پایه که از منبع وحی و الهام سرچشمه می‌گیرد، ظهور خواهد کرد و جهان را از تاریکی جهل و غفلت و ظلم و ستم نجات خواهد داد. در این مورد، در آموزه‌های هردینی به صورت رمز، به حقایقی اشاره شده است که با معتقدات آیین‌های دیگر توافقی و هماهنگی کامل دارد...؛ مثلاً در کیش هندو، در کتب پوران (purana)، شرح مفصلی درباره دوره آخر عصر کالی (kali)، یعنی واپسین دوره قبل از ظهور دهمین آواتاری ویشنودرج گردیده است».<sup>۱</sup>



یکی از پژوهشگران معاصر در این باره نوشته است: «در کتاب شکمونی که از اعظم کفره هند است و به عقیده پیروانش، پیامبر صاحب کتاب آسمانی است، اشاره به وحدت دیانت در زمان آن پرچم دار روحانی جهان کرده و می‌گوید:

«پادشاهی و دولت دنیا به فرزند سی خلیق دو جهان (کشن) بزرگوار تمام شود. وی کسی باشد که بر کوه‌های مشرق و مغرب دنیا حکم براند و فرمان کند؛ بر ابرها سوار شود و فرشتگان، کارکنان او باشند و جن و انس در خدمت او شوند؛ از سودان که زیر خط استواست تا ارض تسعین که زیر قطب شمالی است و ماوراء بحار را صاحب شود؛ دین خدا یک دین شود و دین خدا زنده گردد و نام او ایستاده باشد و خداشناس باشد».<sup>۱</sup>

و نیز یکی دیگر از نویسندگان معاصر، بخشی از باور هندوها را درباره منجی، این‌گونه بازگو کرده است:

«در کتاب اوپانیشاد که یکی از کتاب‌های معتبر و از منابع هندوها به شمار می‌رود، بشارت به ظهور نجات‌بخش، چنین آمده است: «این مظهر ویشنو (مظهر دهم) در انقضای کلی یا عصر آهن، سوار بر اسب سفیدی، در حالی که شمشیر برهنه درخشانی به صورت ستاره دنباله‌دار در دست دارد، ظاهر می‌شود، شیرین را تماماً هلاک می‌سازد و آفرینش را از نو تجدید و پاکی را رجعت خواهد داد...؛ این مظهر دهم در انقضای عالم، ظهور خواهد کرد».<sup>۲</sup>

در کتاب «باسک» که از کتاب‌های مقدس هندوهاست، بشارت به منجی این‌گونه آمده است: «دوره دنیا تمام شود به پادشاه عادل در آخرالزمان که پیشوای ملائکه و پرین و آدمیان باشد و حق و راستی با او باشد و آنچه در دریا و زمین‌ها پنهان باشد، همه را به دست آورد و از آسمان‌ها و زمین و آنچه باشد، خبر دهد و از او بزرگ‌تر، کسی به دنیا نیاید».<sup>۳</sup>

در کتاب «پاتیکل» که از اعظم هندوان و به زعم آنان صاحب آسمان است، راجع به دولت با سعادت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام این‌گونه نقل کرده است:

«چون مدت روز تمام شود، دنیای کهنه نو شد و زنده گردد و صاحب ملک تازه پیدا شود از فرزندان دو پیشوای بزرگ جهان که یکی «ناموس آخرالزمان» و دیگری «صدیق اکبر» یعنی وصی بزرگ‌تروی که پشن نام دارد و نام آن صاحب ملک تازه، راهنماست».<sup>۴</sup>

۱. بهشتی، محمد، ادیان و مهدویت، ص ۱۸-۱۹.

۲. شهیدی، اسدالله، ظهور حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام از دیدگاه اسلام و مذاهب و ملل جهان، ص ۲۷۳، به نقل از اوپانیشاد، ترجمه: دارالشکوه، محمد، ج ۲، ص ۶۳۷.

۳. همان، ص ۲۸۳، به نقل از بشارت عهدین، ص ۲۴۶.

۴. بهشتی، محمد، ادیان و مهدویت، ص ۲۰.



البته مطالعه کتاب‌های مفصل در این زمینه می‌تواند حقایق بیشتری را آشکار سازد.

### منجی باوری در ادیان ابراهیمی

باور به ظهور «نجات‌بخش» و امید به یک آینده‌ای «روشن» - که در آن، نگرانی‌ها و هراس‌ها برطرف گردد و تاریکی‌ها از پهنه گیتی برچیده و ریشه بیداد، نادانی و تباهی برکنده شود- یک باور همگانی و خواسته‌ای فطری است که همواره بین بیشتر ملت‌ها وجود داشته است.

افزون بر آن، این‌که در بیشتر دین‌ها و آیین‌های جهان، از نجات بخشی سخن به میان آمده که در پایان دوران، آشکار خواهد شد و به بیدادهای بیدادگران، پایان داده، بنیان حاکمیتی را براساس دادگری، پایه‌گذاری خواهد کرد.

اگرچه تمامی پیامبران و سفیران الهی در این نویدبخشی، به گونه‌ای اساسی و روشن پیش قدم بوده‌اند، برخی آیین‌های غیرالهی نیز به آن فرجام خوش، بشارت داده‌اند. این نویدبخشی در دین‌ها و آیین‌های زردشت، هندو، یهودیت و مسیحیت، بیشتر به چشم می‌خورد که در اینجا به دو دین بزرگ یهود و مسیحیت می‌پردازیم.

### منجی و موعود در یهودیت

در نوشته‌های موجود از دین یهودیت - به عنوان یکی از دین‌های بزرگ و مطرح الهی - با وجود آن‌که از دست تحریف‌گران در امان نمانده است، به موارد فراوانی برمی‌خوریم که به ظهور مصلحی در آخرالزمان اشاره کرده‌اند.

از آنجایی که یهودیان به حضرت مسیح عَلَيْهِ السَّلَام ایمان نیاوردند، به طبع، موعود آنان هنوز ظهور نکرده است. بنابراین باید مسئله موعود و انتظار، بیش از پیروان دیگر ادیان، حساس و نگران باشند و باید از این همه بشارت‌ها و اشاره‌ها که در کتاب‌ها و آیات خودشان آمده است، برخی از کتاب‌های یهودیت و عهد عتیق که سخنانی درباره موعود نقل کرده، از این قرار است:



## الف. کتاب دانیال پیامبر

در این کتاب، چنین آمده است:

«در آن وقت، سرور بزرگ میکائیلی که از جانب پسران قومت، قائم است، خواهد ایستاد و زمان تنگنایی که از بودن طوائف تا به این زمان نبوده است، واقع خواهد شد و در آن زمان قوم تو هرکسی که در کتاب، مکتوب شده است، نجات خواهد یافت. و از خوابندگان در خاک زمین، بسیاری بیدار خواهند شد؛ بعضی جهت حیات ابدی و بعضی از برای شرمساری و حقارت ابدی».<sup>۱</sup>

## ب. کتاب حگی

«زیرا خداوند لشکرها چنین می فرماید که هنوز وقت قلبی است که من، آسمانها و زمین و بحرو خشکی را به هیجان می آورم بلکه تمامی طوائف را به هیجان می آورم و مرغوب تمامی طوائف خواهد آمد و خداوند لشکرها می فرماید که این خانه را مملو از جلال خواهم کرد».<sup>۲</sup>

## ج. کتاب صفنیه پیامبر

«خداوند در اندرون آن عادل است بی انصافی نمی نماید. هر صبح، بی نقصان حکم خود را به روشنایی برمی آورد؛ اما عاصی انفعال را نمی داند طوائف را منقطع نمودم، برج های ایشان، ویران اند، کوچ های ایشان را خراب کردم به حدی که عبور کنند نیست و شهرهای ایشان بدون آدمی و ساکنی ویران اند و گفتم که شاید از من ترسیده تادیب را قبول نمایی تا آن که مسکن ایشان منقطع نشود؛ اما هر قدر که ایشان را عقوبت نمودم، ایشان سحرخیزی نموده، تمامی اعمال خویشان را فاسد گردانیدند».<sup>۳</sup>

## د. کتاب اشعیای پیامبر

«و نهالی از تنه یشی برآمده، شاخه از ریشه هایش قد خواهد کشید و روح خدا که روح حکومت و فطانت و روح مشورت و جبروت و روح علم و خشیت از خداوند است، بران خواهد آرمید و او را در خشیت خداوند، تیزهوش گردانیده، موافق منظور نظرش حکم و مطابق مسموع گوش هایش تنبیه نخواهد فرمود بلکه ذلیلان را به عدالت حکم و برای مسکینان زمین را به راستی تنبیه خواهد نمود و زمین را به عصای دهانش زده و به روح لب هایش شریر را خواهد کشت».<sup>۴</sup>

۱. کتاب مقدس، ترجمه فاضلخان همدانی؛ کتاب دانیال، ص ۱۵۶۷، فصل دوازدهم، بندهای ۱-۳.

۲. همان، کتاب حگی، ص ۱۶۳۲، فصل دوم، بندهای ۶-۸.

۳. همان، کتاب صفنیه هنبی، ص ۱۶۲۹، فصل سوم، بندهای ۵-۸.

۴. همان، کتاب اشعیای نبی، ص ۱۲۲۰، فصل یازدهم، بند ۱-۱۰.

هـ. همچنین در کتاب زبور حضرت داود عليه السلام نیز در این باره، مطالبی ذکر شده است؛ چنان که قرآن کریم از «زبور»، «ذکر» و غلبه صالحان در آن سخن گفته است:

«وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»<sup>۱</sup>

و در حقیقت، در زبور پس از تورات نوشتیم که زمین را بندگان شایسته ما به ارث خواهند برد».

با مراجعه به زبور می‌توان - علاوه بر تحریف‌های صورت گرفته - این بشارت را این‌گونه بیان کرد:

« زیرا که شریبان منقطع می‌شوند؛ اما متوکلان به خداوند، وارث زمین خواهند شد اما متواضعان، وارث زمین شده از کثرت سلامتی متلذذ خواهند شد.»<sup>۲</sup>

### منجی و موعود در مسیحیت

در آیین مسیحیت و کتاب‌های مقدس این آیین نیز بشارت‌های بیشتر و روشن‌تری درباره موعود آخرالزمان رسیده است. علت آن، یکی نزدیک‌تر بودن زمان آن پیامبر الهی به عصر زندگی حضرت مهدی عجّل الله تعالی فرجه الشریف است. و دیگر این‌که تحریف کمتری در آثار آنان پدید آمده است.<sup>۳</sup>

در اینجا به چند کتاب که در آنها بشارت و اشارت‌هایی درباره ظهور منجی آخرالزمان آمده است، اشاره می‌کنیم:

### الف. انجیل متی

« و چون فرزند انسان در جلال خود خواهد آمد، با جمیع ملائکه مقدسه بر کرسی بزرگی خود قرار خواهد گرفت همه قبائل نزد وی جمع خواهند گشت و آنها را از هم خواهد نمود؛ چنان که شبانی میش‌ها را از بزها جدا نماید.»<sup>۴</sup>

### ب. انجیل لوقا

«پس بایست که بسته باشد کمرهای شما و افروخته باشد چراغ‌های شما و خود

۱. انبیاء، ۱۰۵.

۲. کتاب مقدس، مزامیر داود، مزموور سی و هفتم، بندهای ۹-۳۷.

۳. ر. ک: حکیمی، محمد رضا، خورشید مغرب، ص ۵۲-۵۸.

۴. کتاب مقدس، انجیل متی، باب بیست و پنجم، ص ۶۰، بندهای ۳۱-۳۳.



باشید مانند آن کسانی که انتظار می‌کشند آقای خود را که کی از عروسی باز آید که چون آید و در زند دفعه‌تاً در را گشایند خوشا حال آن نوکران که چون آقا آید، بیدار یابد آنها را و من به شما می‌گویم که به درستی که کمر خود را بسته آنها را نشانید و نزدشان آمده آنها را خدمت خواهد نمود»<sup>۱</sup>.

### ج. انجیل مرقس

« و بر حقیقت آن روز و آن ساعت، سوای پدر نه ملائکه آسمان و نه فرزند هیچ‌کس مطلع نیست احتیاط نمایید که با حذر باشید و دعا نمایید؛ زیرا که از هنگام رسیدن آن زمان، مطلع نیستید چنان چه شخصی به سفر بعیدی رفته و خانه خود را گذاشته و ملازمان خود را قدرت داده و هرکس را به شغل خاص مقرر فرموده و دربان را به بیدار بودن امر فرمود پس بیدار باشید؛ از آنجا که نمی‌دانید که بزرگ خانه چه وقت خواهد آمد؛ در شام یا نصف شب با بانگ خروس یا صبح مبدا که ناگاه آمده شما را در خواب یابد و آن چه من به شما می‌گویم به همه می‌گویم بیدار باشید»<sup>۲</sup>.

### د. مکاشفات یوحنا

« زیرا که چنان چه پدر در ذات خود زندگانی دارد به پسر نیز داده است که او در ذات خود، زندگانی داشته باشد قدرت به او داده است که هم حکم رانی بکند به علت آن که فرزند انسان است»<sup>۳</sup>.

اگرچه باور مسلمانان بر این است که بیشتر بشارت‌های داده شده در فرازهای یادشده، جز بر حضرت مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفَ قابل انطباق نیست، باید توجه داشت که این، برداشتی است که از فرموده‌های پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و امامان معصوم عَلَيْهِمُ السَّلَامُ به دست می‌آید و ممکن است پیروان ادیان یاد شده این‌گونه باوری نداشته باشند.

۱. همان، انجیل لوقا، ص ۱۵۴، باب دوازدهم، بندهای ۳۵-۳۷.

۲. همان، انجیل مرقس، باب سیزدهم، بندهای ۳۲-۳۷.

۳. همان، انجیل یوحنا، باب پنجم، بندهای ۲۶-۲۸.





## بخش دوم

### فصل دوم:

#### مهدویت در اسلام

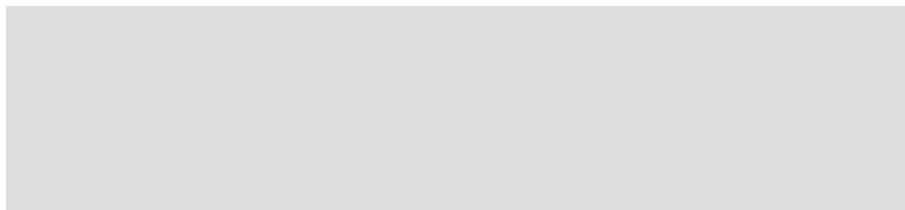
---

مهدویت در قرآن

مهدویت در روایات

ادله وحیانی و عقلی اثبات حیات امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف

ادله عقلی ضرورت وجود منجی



## مهدویت در اسلام

### مهدویت در قرآن

قرآن کریم، زلال‌ترین آبشار معارف الهی، پاک‌ترین خاستگاه حکمت‌ها و دانش‌ها، کتابی است سرشار از راستی و درستی. در این کتاب، از بیان هیچ حقیقتی فروگذار نشده است. البته این حقایق گاه در ظاهرات آن و گاهی هم در ژرفای آن بیان‌های نورانی، نهفته است.

قیام و انقلاب جهانی واپسین ذخیره الهی، بزرگ‌ترین حادثه نظام آفرینش، در صحیفه آسمانی مسلمانان، فراوان مورد توجه و اشارت قرار گرفته است.

بدون تردید آیات نورانی قرآن کریم درباره این ظهور و قیام -مانند بسیاری از زمینه‌های دیگر- بدون این‌که وارد جزئیات شود، به صورت اصولی و کلی بحث کرده، از تشکیل حکومت عدل جهانی و پیروزی کامل بندگان شایسته در روی زمین، سخن گفته است. این‌گونه آیات را مفسران بزرگ شیعه و برخی مفسران اهل سنت، به استناد سخنان نورانی معصومین علیهم‌السلام و دانشوران بزرگ اسلامی، مربوط به حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف، ظهور و قیام جهانی آن حضرت دانسته‌اند.

از مجموع آیات قرآن -که ناظر به این موضوع دانسته شده و صراحت بیشتری دارد، جهت رعایت اختصار، فقط به برخی اشاره می‌شود:<sup>۱</sup>

آیه نخست: خداوند بزرگ، آن‌گاه که آفتاب امید و آرزوی راستین را در تاریکی ظلم و ستم، بر قلب بندگان شایسته خود تابید، فرمود:

«وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ؛<sup>۲</sup>

و در حقیقت، در زبور پس از تورات نوشتیم که زمین را بندگان شایسته ما به ارث خواهند برد».

۱. ذکر آن لازم است که برخی از دانشمندان شیعه، بیش از یکصد آیه از آیات قرآن را مربوط به حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف و حکومت ایشان، ذکر کرده‌اند. ر.ک: سید هاشم بحرانی، *المحججه فیما نزل القائم الحجه*.



در تفسیر این آیه، امام باقر علیه السلام فرمود:

«این [بندگان صالح]، همانا آل محمد هستند که خداوند، مهدی آنها را پس از کوشش آنها مبعوث می نماید؛ پس ایشان راعزت داده، دشمنان را ذلیل خواهد کرد».<sup>۱</sup>

البته مفهوم این روایات، انحصار نیست بلکه بیان یک مصداق عالی و آشکار است و این تفسیرها هرگز فراگیری مفهوم آیه را محدود نمی سازد.

آیه دوم: اگرچه ستمگران و مستکبران چند روزی عرصه را بر بندگان خوب و شایسته خدا تنگ می کنند، باید بدانند اراده قطعی خداوند، بر آن تعلق گرفته که روزی بینی مستکبران بر خاک مالیده شود و در آن روزگار کسانی که به استضعاف کشیده شده اند، وارثین زمین خواهند بود که خداوند متعال فرمود:

«وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»<sup>۲</sup>؛

و خواستیم بر کسانی که در آن سرزمین فرو دست شده بودند منت نهیم و آنان را پیشوایان [مردم] گردانیم و ایشان را وارث [زمین] کنیم.

در این آیه، اصلی اساسی مطرح شده است: اراده خداوند متعال بر آن تعلق گرفته که مستکبران و رهبران جهان شده، پهنای زمین در اختیار آنان قرار گیرد.

این آیه نیز طبق سخن امام علی علیه السلام در نهج البلاغه و روایاتی از دیگر ائمه علیهم السلام که اشاره خواهد شد- به گونه ای ناظر به پیروزی مستضعفان بر مستکبران است و این که سرانجام جهان، از آن شایستگان خواهد شد.

آیه سوم: بدون تردید، خداوند به تمام وعده هایی که داده است، عمل خواهد کرد؛ به ویژه در جایی که به آن وعده، تصریح هم کرده باشد. یکی از وعده های بسیار مهم خداوند، وعده به بندگان مؤمن خود است:

«وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ»<sup>۳</sup>؛

۱. طوسی، الغیبه، ص ۱۸۴.

۲. قصص، ۵.

۳. نور، ۵۵.





خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، وعده داده است که به حتم آنان را در این سرزمین، جانشین [خود] قرار دهد؛ همان‌گونه که کسانی را که پیش از آنان بودند، جانشین [خود] قرار داد و آن دینی را که برایشان پسندیده است، به سودشان مستقر کند و بیمشان را به ایمنی مبدل گرداند [تا] مرا عبادت کنند و چیزی را با من شریک نگردانند و هرکس پس از آن به کفر گراید، آنانند که نافرمانند».

از آن جا که در آیات پیش از این آیه، سخن از اطاعت و تسلیم در برابر فرمان خدا و پیامبر ﷺ بود، آیه مورد بحث همین موضوع را ادامه داده و نتیجه این طاعت را که همان حکومت جهانی است، بیان می‌کند و با تأکید می‌گوید: «خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده‌اند و اعمال صالح انجام داده‌اند، وعده می‌دهد که آنها را به طور قطع خلیفه زمین خواهد کرد؛ همان‌گونه که پیشینیان را زمین بخشید. و دین و آیینی را که برای آنها پسندیده، به طور ریشه‌دار و پابرجا در صفحه زمین مستقر سازد. و ترس آنها را به امنیت و آرامش مبدل خواهد کرد. و آن چنان می‌شود که فقط مرا می‌پرستند و چیزی را شریک من قرار نخواهند داد.

مسلم است پس از سیطره حکومت توحید و استقرار آیین الهی و از میان رفتن هرگونه اضطراب و ناامنی و هرگونه شرک، کسانی که پس از آن کافر شوند، فاسقان واقعی هستند.

ابوبصیر از امام صادق علیه السلام روایت کرده که آن حضرت ذیل آیه شریفه، چنین فرمود:

«درباره قائم و یاران او نازل شده است»<sup>۱</sup>.

همان‌گونه که گفتیم، این تفسیرها به معنای انحصار آیه نیست بلکه بیان مصداق کامل است. یادآور می‌شویم افزون بر موارد یاد شده، در کتاب‌های مفصل به آیات فراوان دیگر نیز اشاره شده است.<sup>۲</sup>

۱. نعمانی، محمدبن ابراهیم، الغیبه، ص ۲۴۰، ح ۳۵.

۲. ر. ک: بحرانی، سیدهاشم، سیمای حضرت مهدی علیه السلام در قرآن، ترجمه: حائری قزوینی،



## مهدویت در روایات

### الف. روایات شیعی

«مهدویت» در فرهنگ شیعه، از جمله مهم‌ترین آموزه‌های اعتقادی و از ضروریات مذهب به‌شمار می‌آید. احادیث مربوط به این موضوع، چنان فراوان و گسترده است که جای هیچ شک و تردیدی را باقی نمی‌گذارد. با مروری کوتاه در منابع حدیثی شیعه، به خوبی درمی‌یابیم که روایت‌های شیعی نه فقط به موضوع ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و برپایی حکومت عدل جهانی به دست ایشان، اشاره شده بلکه از پدر، مادر، ولادت و القاب او به روشنی تمام اشاره شده است.

#### ۱. پدر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

امام ابو محمد حسن عسکری علیه السلام، یازدهمین پیشوای اسلام پس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، فرزند امام علی النقی علیه السلام و پدر بزرگوار حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، در سال ۲۳۱ یا ۲۳۲ ه. ق و بنا به اکثر روایات، در مدینه چشم به جهان گشود. مادرش بانویی پارسا به نام «حدیثه» است که برخی از او به نام «سوسن» یاد کرده‌اند.<sup>۱</sup>

از آن جهت که آن حضرت و نیز پدر بزرگوارشان به دستور خلیفه عباسی در «سامرا»، در محله «عسکر» سکونت اجباری داشتند، به «عسکرین» معروفند و به ویژه امام یازدهم، امام عسکری نامیده می‌شود.<sup>۲</sup> از ایشان نیز همچون پدران بزرگوار خود به دلیل دارا بودن صفات ارزشمند با القاب متعددی مانند «نقی»، «زکی»، «فاضل»، «امین» یاد می‌شد. کنیه آن حضرت، «ابومحمد» است. او ۲۲ ساله بود که پدر ارجمندش به شهادت رسید.

درباره ویژگی‌های جسمانی آن حضرت، گفته شده:

«ایشان دارای پوستی گندم‌گون، چشمانی درشت و سیاه، چهره‌ای زیبا، قامتی میانه، اندامی متناسب و با هیبت و جلالت و بود. و با آن‌که جوان بود، فضایل اخلاقی و کمالات معنوی امام موجب شده بود تا دانشوران و بزرگان زمان خویش را تحت تأثیر و نفوذ خود قرار دهد. دوست و دشمن به برتری و والایی او در دانش، شکیبایی، بخشش، پارسایی، پروای الهی و دیگر مکارم اخلاقی، اعتراف داشتند».<sup>۳</sup>

۱. کلینی، کافی، ج ۱، ص ۵۰۳.

۲. صدوق، علل الشرایع، ج ۱، باب ۱۷۶، ص ۲۳۰.

۳. ر. ک: صدوق، کمال‌الدین و تمام‌النعمه، ج ۱، مقدمه.

اگرچه آن حضرت پیش از آن که دوران جوانی را سپری نماید، زندگی دنیا را بدرود گفت، همان مقدار اندک برای مسلمانان، پربرکت بود. آن حضرت حدود ۶ سال از ۲۸ سال عمر شریف خود را امام شیعیان بود. امام عسکری علیه السلام در سال ۲۶۰ هـ ق در حالی که یگانه پسر او به عنوان واپسین حجت الهی در سن پنج سالگی قرار داشت، به شهادت رسید و در خانه خود در سامرا، کنار مرقد پدرش به خاک سپرده شد.<sup>۱</sup>

اگرچه برخی ادعا کرده‌اند که امام عسکری علیه السلام به جز حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف، فرزند یا فرزندان دیگری داشته است،<sup>۲</sup> قول مشهور بین شیعه، آن است که امام عسکری علیه السلام فرزندی جز امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف از خود به یادگار نگذاشت.

مدت عمر امام یازدهم معاصر با خلافت شش خلیفه عباسی: متوکل، منتصر، مستعین، معتز، مهدی و معتمد بود. آن حضرت در زمان معتز به شهادت رسید.<sup>۳</sup>

## ۲. مادر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف

اگرچه سرگذشت مادر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف تا حدودی در هاله‌ای از ابهام قرار دارد و سخن صریح و روشنی درباره ایشان در دست نیست، طبق دیدگاه مشهور که از برخی روایات به دست می‌آید- ایشان کنیزی بودند که بر اثر فتوحات، اسیر شده و سرانجام به خانواده امام عسکری علیه السلام وارد شدند.

پس از ورود آن بانوی بزرگوار به خانه شریف امامت، وی را به نام‌های گوناگونی از مانند: «نرجس»، «سوسن»، «صقیل»، «حدیثه»، «حکیمه»، «ملیکه»، «ریحانه» و «خبط» صدا می‌زدند. البته بیشتر اهل خانواده امام را «نرجس» صدا می‌زدند. لقب آن بانوی بزرگوار، «ام محمد» بود.<sup>۴</sup>

۱. ر. ک: پیشوایی، مهدی، سیره پیشوایان، ص ۶۱۵.

۲. ر. ک: طبسی، محمدجواد، حیاة الامام العسکری علیه السلام، ص ۵۹-۶۰.

۳. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۲۳۹.

۴. ر. ک: پژوهشی در زندگی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف و نگرشی به غیبت صغرا، ص ۲۰۴-۲۰۵.



در مجموع می‌توان روایات مربوط به مادر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف را به چهار دسته تقسیم کرد:

۱. روایاتی که آن بانوی بزرگوار را شاه‌زاده‌ای رومی معرفی کرده است.
۲. روایاتی که آن بانوی بزرگوار را تربیت شده خانه حکیمه خاتون دانسته است.
۳. روایاتی که افزون بر تربیت ایشان، ولادت آن بانوی بزرگ را نیز در خانه حکیمه ذکر کرده است.
۴. روایاتی که مادر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف را بانویی سیاه‌پوست ذکر کرده است.

بررسی روایتی از روایات دسته نخست:

روایات دسته اول

یکی از روایت‌های مشهور، حکایت از آن دارد که مادر امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف شاه‌زاده‌ای رومی است که به گونه‌ای اعجاز‌آمیز به بیت شریف امام عسکری عجل الله تعالی فرجه الشريف راه یافته است.

شیخ صدوق، در کتاب کمال‌الدین و تمام‌النعمة، حکایت مادر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف را ضمن داستانی مفصل، این‌گونه نقل کرده است: بشر بن سلیمان نخاس گفت: من از فرزندان ابویوب انصاری و یکی از موالیان امام هادی و امام عسکری عجل الله تعالی فرجه الشريف و همسایه آنها در «سرمن رأی» بودم. مولای ما، امام هادی عجل الله تعالی فرجه الشريف مسائل بنده فروشی را به من آموخت و من جز با اذن او، خرید و فروش نمی‌کردم. از این‌رواز موارد شبهه‌ناک اجتناب می‌کردم تا آن‌که معرفتم شد و فرق میان حلال و حرام را نیکو دانستم.

یک شب که در «سرمن رأی» در خانه خود بودم و پاسی از شب گذشته بود، شخصی در خانه را کوبید. شتابان به پشت در آمدم. دیدم کافور، فرستاده امام هادی عجل الله تعالی فرجه الشريف است که مرا نزد آن حضرت می‌خواند. لباس پوشیدم و برایشان وارد شدم. دیدم با فرزندش ابومحمد و خواهرش، حکیمه خاتون از پس پرده گفت و گومی‌کند. وقتی نشستم، فرمود: ای بشر! تو از فرزندان انصاری و ولایت

ائمه، پشت در پشت، در میان شما بوده است و شما مورد اعتماد ما اهل بیت هستید. من می‌خواهم تورا مشرف به فضیلتی سازم که بدان بردیگر شیعیان در موالات ما سبقت بجویی. تورا از سری آگاه می‌کنم و برای خرید کنیزی گسیل می‌دارم. آن‌گاه نامه‌ای به خط و زبان رومی نوشت و آن را به هم پیچید و با خاتم خود، مهر کرد. دستمال زرد رنگی را که در آن ۳۲۰ دینار بود - بیرون آورد و فرمود: این را بگیر و به بغداد بود و ظهر فلان روز، در معبر نهر فرات حاضر شو و چون زورق‌های اسیران آمدند، گروهی از وکیلان فرماندهان بنی عباس و خریداران و جوانان عراقی دور آنها را بگیرند.

وقتی چنین دیدی، سراسر روز شخصی به نام «عمر بن یزید» برده فروش را زیر نظر بگیر و چون کنیزی را که صفتش چنین و چنان است و دو تکه پارچه حریر در بردارد، برای فروش عرضه بدارد و آن کنیز از گشودن رو و لمس کردن خریداران و اطاعت آنان سرباز زند، توبه آن مکاشف مهلت بده و تأملی کن. بنده - فروش آن کنیز را بزند و او به زبان رومی ناله و زاری کند و گوید: «وای از هتک ستر من!» یکی از خریداران گوید: من او را سیصد دینار خواهم خرید که عفاف او باعث فزونی رغبت من شده است و او به زبان عربی گوید: «اگر در لباس سلیمان و کرسی سلطنت او جلوه کنی، در تور غبته ندارم! اموالت را بیهوده خرج مکن!» برده فروش گوید: چاره چیست؟ گریزی از فروش تو نیست. آن کنیز گوید: «چرا شتاب می‌کنی؟ باید خریداری باشد که دلم به امانت و دیانت او اطمینان یابد.» در این هنگام برخیز و به نزد عمر بن یزید برو و بگو: من نامه‌ای سر بسته از یکی از اشراف دارم که به زبان و خط رومی، کرامت، وفا، بزرگواری و سخاوت خود را در آن نوشته است.

نامه را به آن کنیز بده تا در خلق و خوی صاحب خود تأمل کند. اگر بدو مایل شد و بدان رضایت داد، من وکیل آن شخص هستم تا این کنیز را برای وی خریدار کنم.

### روایات دسته دوم

در این روایات، بدون اشاره به سرگذشت آن بانوی بزرگوار، فقط به تربیت ایشان در خانه شریف حکیمه خاتون، دختر امام جواد علیه السلام اشاره شده است.

محمد بن عبدالله طهری در بخشی از یک حکایت مفصل از زبان



حکیمه، دختر امام جواد علیه السلام در این باره نقل می‌کند که آن بانوی بزرگوار فرمود: «آری! کنیزی داشتم که به او نرجس می‌گفتند. برادرزاده‌ام به دیدارم آمد و به او نیک نظر کرد. به او گفتم: ای آقای من! دوستش داری او را به نزدت بفرستم؟ فرمود: نه عمه جان! اما از او در شگفتم! گفتم: شگفتی شما از چیست؟ فرمود: به زودی فرزندی از وی پدید آید که نزد خدای تعالی گرامی است و خداوند به واسطه او زمین را از عدل و داد آکنده سازد؛ همچنان‌که پراز ستم و جور شده باشد. گفتم: ای آقای من! آیا او را به نزد شما بفرستم؟ فرمود: از پدرم در این باره کسب اجازه کن. گوید: جامه پوشیدم و به منزل امام هادی علیه السلام رفتم. سلام کردم و نشستم. او خود آغاز سخن فرمود و گفت: «ای حکیمه! نرجس را نزد فرزندم، ابومحمد بفرست. گوید: گفتم: ای آقای من! بدین منظور خدمت شما رسیدم که در این باره کسب اجازه کنم. فرمود: ای مبارکه! خدای تعالی دوست دارد که تورا در پاداش این کار، شریک کند و بهره‌ای از خیر برای تو قرار دهد. حکیمه گوید: بی‌درنگ به منزل برگشتم و نرجس را آراستم و در اختیار ابومحمد قرار دادم و پیوند آنها را در منزل خود برقرار کردم و چند روزی نزد من بود، سپس به نزد پدرش رفت و او را نیز همراهش روانه کردم.»<sup>۱</sup>

البته روایات این دسته با روایت‌های دسته نخست، منافاتی ندارد؛ چراکه می‌توان روایاتی که از تربیت ایشان در خانه حکیمه سخن گفته را پس از ورود نرجس خاتون به خانه آن بانوی بزرگ دانست.

### روایت دسته سوم

در این روایت افزون بر این‌که به مضمون روایت پیشین اشاره شده، تصریح شده که آن بانوی ارجمند در همان خانه شریف نیز به دنیا آمده است.<sup>۲</sup> البته از این مضمون در کتاب‌های مشهور روایی، سخنی در دست نیست.

### روایات دسته چهارم

در این دسته برخلاف روایات پیشین، سخن از کنیزی سیاه‌پوست است. عده‌ای نیز با تمسک به این روایات خواسته‌اند دیدگاه مشهور را خدشه‌دار نمایند. قائلین این سخن به روایتی که از کناسی نقل شده، استناد کرده،

۱. صدوق، کمال‌الدین و تمام‌النعمه، ج ۲، باب ۴۲، ح ۲.

۲. مسعودی، علی بن حسین، اثبات‌الوصیه، ص ۲۷۲.



گفته‌اند: کناسی می‌گوید از امام باقر علیه السلام شنیدم که فرمود: «همانا در صاحب این امر، سنتی از یوسف علیه السلام است و آن این‌که او فرزند کنیزی سیاه‌پوست است. خداوند امرش را یک شبه اصلاح فرماید»<sup>۱</sup>. مرحوم مجلسی پس از بیان این روایت با بیان این‌که این روایت با بسیاری از روایات درباره مادر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف مخالفت دارد، یگانه راه حل را در این دانسته که مقصود از روایت می‌تواند مادر باواسطه و یا مربی آن حضرت باشد.<sup>۲</sup>

بنابراین، با استناد به روایات فراوانی که در منابع متعدد آمده، می‌توان دیدگاه مشهور – که همان نظر نخست است – را بر دیگر دیدگاه‌ها ترجیح داد.

یادآوری آن لازم است که در منابع روایی، اشاره‌ای به سرگذشت مادر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف پس از ولادت آن حضرت اشاره‌ای نشده است و یگانه سخنی که در این باره گفته شده این است که: «ابوعلی خزیزرانی، کنیزی داشت که او را به امام حسن عسکری علیه السلام اهدا کرد و چون جفر کذاب، خانه امام را غارت کرد، وی از دست جعفر گریخت و با ابوعلی ازدواج کرد. ابوعلی می‌گوید که او گفته است در ولادت سید، حاضر بود و مادر سید، «صیقل» نام داشت و امام حسن عسکری علیه السلام صیقل را از آن چه بر سر خاندانش می‌آید، آگاه کرد؛ او از امام درخواست کرد که از خدای تعالی بخواهد تا مرگ او را پیش از آن برساند و در حیات امام حسن عسکری علیه السلام درگذشت. بر سر قبر وی لوحی است که بر آن نوشته‌اند: این قبر مادر محمد است»<sup>۳</sup>.

### ۳- ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف

#### چگونگی ولادت

از احادیث فراوانی استفاده می‌شود که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف، ولادتی استثنایی داشته و این، برای بسیاری سؤال برانگیز بوده و هست. از این روی، ترسیم و تصویر و شرح مقدمات ولادت و برخورد مخالفان و دشمنان

۱. ر. ک: نعمانی، محمد بن ابراهیم، الغیبه، ص ۱۶۳؛ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۲۹، باب ۳۲، ح ۱۲.

۲. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ح ۵۱، ص ۲۱۹، باب ۱۳.

۳. صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۳۱، ح ۷.



اهل بیت علیهم السلام در برابر این پدیده، ضروری است.

جریان امامت پیشوایان معصوم علیهم السلام پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله فراز و فرودهای فراوانی پیدا کرده. امامان معصوم علیهم السلام با حفظ استراتژی کلی و خطوط اساسی امامت، درباره حفظ مکتب و ارزش های آن، روش های گوناگونی را در برابر ستم پیشه گان، در پیش گرفتند.

این فراز و نشیب ها، تا زمان امامت علی بن موسی الرضا علیه السلام استمرار داشت و ائمه علیهم السلام تا آن زمان، هریک به تناسب زمان و مکان و ارزیابی شرایط و اوضاع سیاسی و اجتماعی، موضعی خاص برمیگزیدند.

پس از امام رضا علیه السلام، جریان امامت، شکل دیگری گرفت. امام جواد، امام هادی و امام حسن عسکری علیهم السلام در برابر دستگاه حاکم و خلفای عباسی، موضعی یگانه برگزیدند.<sup>۱</sup>

پس از دو قرن و اندی که از هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله گذشت و امامت به این امامان رسید، اندک اندک، در میان حکومتگران مسلمین در مرکز خلافت، نگرانی هایی عمیق، جان گرفت. این نگرانی ها مربوط به اخبار و احادیث بسیاری بود که در آنها آمده بود: از امام عسکری علیه السلام فرزندی تولد خواهد یافت که برهم زننده اساس حکومت هاست. این پیشگویی، هم در کتاب های پیشینیان آمده بود و آنها کتاب ها را در میان مسلمین نقل می کردند و هم در احادیث و اخبار اسلامی (به ویژه احادیث نبوی).

بر مبنای بشارت های کتب پیشینیان و همچنین احادیث اسلامی، مشهور شده بود که از امام یازدهم فرزندی پدید آید که ویران کننده تخت ها، فروافکننده تاج ها و پایمال کننده قدرت هاست.

از این روی، فشارها و سخت گیری ها بر روی امام حسن عسکری علیه السلام بیشتر شده تا شاید با نابودی ایشان، از تولد مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و تداوم امامت، جلوگیری شود؛ اما برخلاف برنامه ریزی ها و پیشگیری های دقیق و پی در پی دشمنان، مقدمات ولادت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آماده شد و توطئه ستمگران، راه به جایی نبرد.

۱. جمعی از نویسندگان، چشم به راه مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص ۳۱۸.





به همین علت بود که چگونگی احوال مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف - دورانی که در شکم مادر بزرگوار خود بوده و سپس تولد او - همه و همه از مردم، نهان داشته می شد و جز چند تن معدود از نزدیکان یا شاگردان و اصحاب خاص امام عسکری علیه السلام کسی او را پس از به دنیا آمدن، نمی دید. آنان نیز مهدی را گاه می دیدند؛ نه پیوسته و به صورت عادی.<sup>۱</sup>

درباره چگونگی ولادت ایشان، مشهورترین گزارشی را که می توان ارائه کرد، سخنان ارزشمند بانوی بزرگوار، حضرت حکمیه علیها السلام، عمه امام حسن عسکری علیه السلام است.

شیخ صدوق رحمته الله علیه این حادثه بزرگ را از زبان آن بانو بزرگ به صورت مفصل نقل کرده است. به طور معمول، کسی که دارای فرزند می شود، خویشان، دوستان و همسایگان از آن، آگاه می شوند. به ویژه اگر شخص، دارای موقعیت اجتماعی ممتاز باشد، این مسئله از کسی پوشیده نمی ماند؛ اما با توجه به آن چه یاد شد، از مهم ترین ویژگی های ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مخفی بودن آن است.

از روایات استفاده می شود مهم ترین فلسفه این پنهان بودن و نیز غیبت آن حضرت، در امان ماندن ایشان از خطر نابودی است. به این بیان که خداوند متعال می دانست اگر امامان پیشین ظاهر شوند، از کشته شدن در امام خواهند بود؛ خلاف مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف که اگر ظاهر شود، کشته خواهد شد و اگر یکی از پدران مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف کشته می شد، حکمت و تدبیر الهی اقتضا می کرد دیگری به جای او نصب گردد ولی اگر مهدی کشته شود، مصلحت و تدبیر امور انسان ها اقتضا نمی کرد که خداوند، امام دیگری به جای وی نصب نماید.

امام عسکری علیه السلام با بیانی لطیف این حقیقت را در پاسخ به حکیمه خاتون، عمه خویش که پرسیده بود: از چه کسی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف متولد می شود و من در نجس آثار بارداری نمی بینم؟ این گونه بیان فرموده است: «از همان نجس؛ نه از دیگری» حکیمه گوید: به نزد او رفتم و پشت و شکم او را واری کردم و آثار بارداری در او ندیدم. به نزد امام برگشتم و کار خود را به او گزارش کردم. تبسمی فرمود و گفت: «در هنگام فجر آثار بارداری برایت نمودار خواهد گردید؛ زیرا مثل او مثل مادر موسی علیه السلام است که آثار بارداری در او ظاهر نگردید



و کسی تا هنگام ولادتش از آن آگاه نشد؛ زیرا فرعون در جست و جوی موسی، شکم زنان باردار را می شکافت و این نظیر موسی عَلَيْهِ السَّلَام است.<sup>۱</sup> البته این پنهان بودن ولادت نه نخستین بار و نه واپسین بار بوده بلکه در موارد فراوانی نقل شده که می توان از آن جمله به ولادت پنهانی ابراهیم خلیل عَلَيْهِ السَّلَام از ترس کشته شدن به دست پادشاه زمانش و همچنین به ولادت پنهانی موسی بن عمران عَلَيْهِ السَّلَام از ترس گشنه شدن به دست فرعون اشاره کرد.

### محل ولادت

درباره محل ولادت و زندگی آن امام همام در شهر سامرا و در خانه پدر خود امام حسن عسکری عَلَيْهِ السَّلَام دیده به جهان گشود و تا پایان عمر شریف پدر خود در کنار آب حضرت زندگی کرده است.

این دوران (بنا بر مشهور) از نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری قمری آغاز و در هشتم ربیع الاول سال ۲۶۰ پایان یافت.

افزون بر نقل موثق تاریخی، افراد فراوانی از این حادثه بزرگ پرده برداشته اند:

شیخ صدوق در کتاب کمال الدین و تمام النعمه که یکی از مهم ترین کتاب های روایی مهدویت است،<sup>۲</sup> داستان ولادت حضرت مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى را به صورت مفصل ذکر کرده است. این روایت، از مهم ترین روایات درباره ولادت حضرت مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى و به روشنی دلالت دارد حضرت مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى در خانه امام عسکری عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى در سامرا به دنیا آمده است.

و امام نقل های فراوانی وجود دارد که همواره در این دوران، حضرت مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى با صلاح دید امام عسکری عَلَيْهِ السَّلَام برای افرادی ویژه نمایان می شدند و این اتفاق در سامرا و در جوار پدر بزرگوارشان صورت می گرفت.

نه فقط بستگان نزدیک و خدمت گزاران امام، آن حضرت را در سامرا و در خانه امام عسکری عَلَيْهِ السَّلَام دیده اند، بسیاری از یاران و خواص اصحاب به دیدار آن جمال چون آفتاب مشرف شدند و همگی حکایت از زندگی حضرت

۱. همان، ج ۲، ص ۴۲۶، ح ۲.

۲. ر. ک: صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ترجمه: منصور پهلوان، ج ۲، ص ۱۴۳.



مهدی عَلَيْهِ السَّلَام در کنار پدر (در سامرا) دارد.<sup>۱</sup>

با توجه به این روایات، تردیدی نخواهد ماند که حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام در طول زندگی امام عسگری عَلَيْهِ السَّلَام همراه ایشان و در شهر سامرا بوده است و اگرچه در این دوران نیز پنهانی زندگی می‌کرده، عده فراوانی از نزدیکان و شیعیان ایشان را دیده‌اند.

#### ۴- ویژگی‌های جسمانی

اگرچه ولادت و زندگی پنهانی حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام راه را بر فهم دقیق و شفاف ویژگی‌های جسمانی آن حضرت تا حدود زیادی بسته است، از احادیثی که موجود است می‌توان به قسمتی از این ویژگی‌ها اشاره کرد:

«ضوء بن علی» از مردی از اهل فارس، حکایتی نقل کرده که در ضمن آن، بعضی از اوصاف حضرت را در نوزادی بیان کرده است:

«... پسر بچه سفید زیاروی... مویی از بالای سینه تا ناف او به رنگ سبز، نه سیاه، روئیده بود...»<sup>۲</sup>

یعقوب منقوش گوید:

«خدمت امام حسن عسکری عَلَيْهِ السَّلَام وارد شدم. درون حیات برسکویی نشسته بود و سمت راستش اتاقی بود و بر آن پرده‌ای آویخته. عرض کردم: ای سید من! صاحب امرامامت، پس از شما کیست؟ فرمود: این پرده را بالا بزن! آن را بالا زدم. یک پسر بچه با قامت پنج و پنج - که به نظر می‌آمد هشت تا ده سال داشت - بیرون آمد. با پیشانی درخشان و روی سفید و دو چشم براق و دو کتف ستبر و دو زانوی برگشته؛ در گونه راستش خالی و در سرش گیسوانی بود. بر زانوی پدر خود، ابو محمد عَلَيْهِ السَّلَام نشست؛ پس به من فرمود: این است صاحب الامر شما».<sup>۳</sup>

۱. همان، ج ۲، ص ۸۰.

۲. کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۲۹؛ صدوق، کمال الدین و تمام الدین، ج ۲، ص ۴۳۵، باب ۴۳، ح ۴.

۳. صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۷۸، ح ۱؛ ر. ک. کافی، ج ۱، ص ۵۱۴، ح ۲.



## ب. روایات اهل سنت

از جمله عقاید حقه اسلامی مورد اتفاق شیعه و سنی، هم عقیده به اصل مهدویت در اسلام است و هم عقیده به امامت و خلافت حضرت مهدی موعود منتظر و قیام جهانی او و برقراری عدل و داد سراسری و امنیت همه جانبه و رفاه همگانی به وسیله او.

با مروری کوتاه بر مندرجات تعدادی از کتب اختصاصی امام مهدی منتظر؟ عج؟ یا کتبی که بخشی از هریک از آنها بذکر احادیث آن جناب اختصاص یافته، بدین واقعیت پی میبریم که حداقل حدود شصت نفر از صحابه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله احادیث و روایات مربوط به حضرت مهدی منتظر را بلاواسطه از قول آن بزرگوار نقل و اشاعه داده‌اند، که ما درین مجال تنها به ذکر اسامی صحابه مطرح شده در منابع مربوطه اهل تسنن که تعداد آنها متجاوز از چهل نفر است اکتفا نموده، و می‌گوییم نقل همین عده از صحابه احادیث «مهدی منتظر» را، محکم‌ترین دلیل است بر صحت و تواتر و قطعی الصدور بودن آنها از ناحیه رسول خدا صلی الله علیه و آله و این که مسئله مهدویت در اسلام و موضوع مهدی منتظر از عمیق‌ترین مایه اصالت و ریشه اسلامی و از عالی‌ترین درجه اعتبار حدیثی و حدیث شناسی برخوردار بوده، آن چنان که دیگر زمینه‌ای برای تشکیک پیرامون اصل مهدویت و انکار مهدی منتظر و تخطئه احادیث مربوطه فراهم نبوده و نخواهد بود.

اضافه بر این بیش از سی نفر از محدثین و حدیث شناسان درجه بالای سنی اعتراف به تواتر احادیث مهدی منتظر نموده که شرح آنها در کتب مختلف موجود است. همچنان که حداقل بیست و پنج نفر از علمای حدیث شناس سنی اعتراف به صحت و قابل استناد بودن احادیث مهدی منتظر کرده‌اند و با روی سخن به علما و دانشمندان سنی می‌گوییم: اگر این همه کتاب و مصادر و منابع حدیثی، تفسیری، تاریخی و کلامی که بیانگر حقایق مربوطه است، صحیح و برخوردار از اعتبار اسلامی است که دیگر جای شبهه‌ای باقی نمی‌ماند و زمینه‌ای برای ایراد اباطیل مطرح شده به وسیله افراد مغروض نیست و اگر فاقد اعتبار است و مندرجات آنها دروغ و ساختگی می‌باشد، پس باید با خط سرخ کشیدن روی این کتاب‌ها، آنها را از صحنه آثار اسلامی و سنت نبوی خارج و از این پس دیگر مطرح و مورد استناد واقع نشود.



## روایت نبوی «اثناعشر خلیفه»

جابرین سمره بن جندب از رسول اکرم صلی الله علیه و آله این روایت را نقل کرده است:

«لا یزال الإسلام عزیزاً إلى اثنی عشر خلیفة» ثم قال کلمة لم أفهمها فقلت لأبی: «ما قال؟» فقال: «کلهم من قریش.»

در روایت دیگر، چنین آمده است: «لا یزال الدین قائماً حتی تقوم الساعة أو یکون علیکم اثنا عشر خلیفة کلهم من قریش.»

این روایت با تفاوت اندکی در مضمون آن افزون بر منابع شیعه، در مهم ترین منابع حدیثی اهل سنت یعنی مسند احمد بن حنبل (احمد بن حنبل، ۱۴۱۲: ج ۵، ص ۸۶)، صحیح بخاری (بخاری، ۱۴۰۱: ج ۸، ص ۱۲۶)، صحیح مسلم (حجاج قشیری، بی تا: ج ۶، ص ۴۰۲، باب «الناس تبع لقریش والخلافه فی قریش»)، سنن ابی داود (سجستانی، ۱۴۱۰: ج ۳، ص ۳۱۱-۳۰۹)، باب کتاب المهدی)، سنن ترمذی (ترمذی، ۱۴۰۳: ج ۳، ص ۳۴۰)، باب ماجاء فی الخلفاء)، مستدرک حاکم نیشابوری (حاکم نیشابوری، ۱۴۰۶: ج ۳، ص ۶۱۷) و برخی دیگر از منابع انعکاس یافته است. با توجه به دلالت این روایت بر دوازده جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله که همگی از قریش بوده و مایه عزت اسلام خواهند بود و عدم انطباق کامل این ویژگی ها بر هیچ یک از سه خلیفه اول، خلفای اموی و عباسی، متکلمان شیعه از این روایت به عنوان شاهی زنده و گویا بر حقانیت اعتقاد شیعه مبنی بر امامت و خلافت دوازده امام، استفاده می کنند. از این روایت که ظاهر آن تسلسل دوازده جانشین پیامبر است، به ضمیمه روایاتی که در جوامع حدیثی اهل سنت انعکاس یافته؛ مبنی بر این که مهدی از نسل فاطمه است (قزوینی، ۱۴۲۳: ج ۲، ص ۱۲۶۸؛ سجستانی، همان: ج ۲، ص ۳۱۰)، می توان به دیدگاه شیعه رهنمون شد که معتقد است مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف فرزند امام حسن عسکری علیه السلام بوده و دوازدهمین جانشین پیامبر به شمار می رود. با چنین استنتاجی حیات امام عصر از زمان ولادت تا کنون اثبات خواهد شد؛ زیرا از یک سو در این روایت، از دوازده خلیفه و جانشین سخن به میان آمده و از سویی دیگر، چنین شماری با ویژگی های پیش گفته تنها بر امامان شیعه علیهم السلام قابل انطباق است. همچنین پذیرش اصل تسلسل در دوازده جانشین، این نتیجه را به دست می دهد که جانشین دوازدهم باید بلافاصله پس از جانشین یازدهم آمده باشد؛ چنان که ولادت او به استناد دلایل روایی و



تاریخی دیگر نیز قابل اثبات است.

با این فرض باید از دو جهت، به حیات کنونی امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشريف به عنوان دوازدهمین جانشین تن داد:

اجماع مرکب میان شیعه و اهل سنت آن است که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف در دوران ما از دنیا نرفته است. به این معنا که شیعه به صراحت بر حیات کنونی آن امام تأکید دارد و اهل سنت نیز چون مدعی است آن امام هنوز به دنیا نیامده، نمی‌تواند مرگ امام پس از ولادت را بپذیرد؛ زیرا پذیرش مرگ امام، متوقف بر پذیرش ولادت او است. آنان ولادت امام را در دوران آخر الزمان می‌دانند؛ پس یا باید اصل ولادت در سال ۲۵۵ ق را مردود دانست یا باید از مرگ امام پس از ولادت تا دوران ما سخن نگفت.

ادعای ولادت امام در سده سوم و مرگ او پس از این دوره تا روزگار ما بدان معنا است که خداوند، امت اسلامی و بلکه جهانیان را تا روز قیامت بدون پیشوارها کرده و برای استمرار عزت اسلام چاره نیاندیشیده است. و این با مدلول روایت «اثنا عشر خلیفة» که در آن، بر وابستگی عزت اسلام و مسلمانان به وجود جانشین تأکید شده است. منافات دارد.

شگفت آن که ابوداود سجستانی روایت «اثنا عشر خلیفة» را در «کتاب المهدی» و کنار روایاتی از پیامبر صلی الله علیه و آله آورده است که در آنها بر ضرورت ظهور امام عصر که از نسل پیامبر و فاطمه است، تأکید شده است (سجستانی، همان: ج ۲، ص ۳۰۹). ابوداود، بی آن‌که شاید خود ملتفت شده باشد، از روایت اثنا عشر خلیفه، انطباق آن بر امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف را برداشت کرده است.

## شواهدی بر اثبات حیات منجی

یکی از مباحث ضروری در حوزه مهدویت شناسی، پدیده حیات امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشريف است؛ به این معنا که چگونه می‌توانیم برای مخاطبان منکر یا مردد، حضور آن انسان الهی بر روی این خاکدان را اثبات نمود؟ پیدا است که اثبات چنین امری که از موضوعات متافیزیک به شمار می‌رود، می‌تواند به اثبات سایر آموزه‌های متافیزیک نیز کمک رساند.



از باورهای مؤکد شیعه که می‌توان آن را از پایه‌های منظومه عقیدتی آنان دانست، افزون بر تأکید بر اصل مهدویت، باور به حضور و حیات کنونی امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف است. شیعه در این باور خود افزون بر آیات و روایات، از قاعده ضرورت استمرار هدایت الهی بهره می‌گیرد؛ همان قاعده‌ای که تعیین حجت الهی بر مردم را بر موسی علیه السلام در دوره کوتاه ملاقات با خداوند ضروری کرد. اگرها کردن مردم تنها در چهل روز، امری ناروا تلقی می‌شود، آیا می‌توان درباره خداوند حکیم و آگاه بر نفوس و رفتار آدمیان چنین باور داشت که او آدمیان را در این دوازده سده بدون رهبر و پیشواها کرده است؟ باید گفت که فرهنگ شیعه به دلیل چنین باوری از چنان غنا و استواری برخوردار است که همه عرفای مسلمان و پیروان مشرب‌های صوفیه با وجود اشکالاتی که بر اندیشه‌های آنان وارد است، از این تفکر شیعه دفاع نموده و با اندکی تفاوت بر حضور حجت خداوند در زمین تأکید کرده‌اند. لذا به نظر می‌رسد برای اثبات حیات امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف دست کم به سه دلیل می‌توان استناد جست که عبارتند از: ۱. ادله وحیانی؛ ۲. دلیل عقلی؛ ۳. تجربه دیدار امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف.

از ادله وحیانی که به قرآن و سنت متکی است، می‌توان برای مجاب ساختن دو گروه نخست یعنی شیعه مردّد یا اهل سنت بهره جست؛ اما از دو دلیل دیگر یعنی دلیل عقلی و تجربه دینی، می‌توان برای اثبات حیات امام عصر برای پیروان سایر ادیان آسمانی، استفاده کرد. اینک به بررسی این ادله پرداخته می‌شود.

## دلایل اثبات حیات امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف

### ۱. دلایل وحیانی

ادله وحیانی اثبات حیات امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف به دو دسته قرآن و سنت قابل تقسیم است. ما برای رعایت اختصار، به یک مورد از آیات قرآن و یک مورد از روایت نبوی اکتفا می‌کنیم. شاهد مورد نظر از قرآن، سوره مبارک قدر و دخان و شاهد مورد نظر از روایت نبوی، روایت «اثنا عشر خلیفة» است.



## دلالت سوره‌های قدر و دخان و بر حیات امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشريف

در سوره مبارک قدر، از نزول قرآن در شب قدر که بر هزار ماه برتری دارد، سخن به میان آمده و در تبیین ارزش این شب آمده است که فرشتگان و برترین آنها یعنی روح، با امر و فرمان الهی برای انجام هر امری فرود می‌آیند و تا سحرگاه، سلام و تحیت به ارمغان می‌آورند:

«تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ»؛<sup>۱</sup>

در سوره دخان نیز تبیین شده است که آن امر، تفصیل و جداسازی حکیمانه کارها است:

«إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبَارَكَةٍ إِنَّا كُنَّا مُنذِرِينَ فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ»؛<sup>۲</sup>

پرسش مهم در برخورد با این آیات آن است که فرشتگان، به کجا و نزد چه کسی فرود می‌آیند و آن امور حکیمی که در شب قدر جدا شده و تبیین می‌گردد، چیست؟ چنین پرسشی به ذهن یاران امامان علیهم السلام رسیده و پاسخ آن را جویا شده‌اند. ائمه علیهم السلام در پاسخ شیعیان فرمودند: مقدرات سال، در شب قدر مشخص شده و فرشتگان در هر دوره نزد امام معصوم و حجت الهی فرود می‌آیند. ثقه الاسلام کلینی در کافی در «کتاب الحجة» بابی تحت عنوان «باب فی شأن إنا أنزلناه فی لیلة القدر و تفسیرها» گشوده و در آن، نه روایت آورده است.<sup>۳</sup> به استناد این روایات، شب قدر میان تمام امت‌ها وجود داشته و فرشتگان آسمانی بر پیامبر یا وصی او در هر عصری فرود آمده‌اند و این سنت، میان امت اسلامی در هر دورانی برای هر امامی تکرار شده است. در روایت نخست، این امر تبیین شده که فرشتگان از آسمان به آسمان فرود نمی‌آیند؛ بلکه از آسمان به زمین نزول می‌کنند.

پس این پرسش، همچنان منطقی است که این جداسازی هر امر حکیمانه و مقدرات هستی در زمین، با چه شخص یا اشخاص در میان گذاشته می‌شود. اگر قرار باشد ملاقات فرشتگان با انسان کامل در زمین جزو

۱. قدر، ۴-۵.

۲. دخان، ۳-۴.

۳. کلینی، کافی، ج ۱، ص ۲۴۲-۲۵۳.





برنامه‌های شب قدر فرشتگان نباشد، نزول فرشتگان در این شب بر روی زمین مفهومی نخواهد داشت<sup>۱</sup>. با پذیرش فرود فرشتگان و ملاقات آنان با انسان کامل، ضرورت وجود امام و حجت خداوند در هر دورانی اثبات می‌شود. پیدا است در دوران پس از شهادت امام حسن عسکری علیه السلام تا دوران ما تنها مصداق آن انسان کامل که فرشتگان و برترین آن‌ها یعنی روح، فیض دیدار او را در شب قدر دارند، امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف است. این امر، لزوماً به معنای بقا و حیات مستمر آن امام است. به دلیل نقش بسیار کارآمد سوره مبارکه قدر در اثبات امامت و ولایت و اثبات استمرار آن، امام باقر علیه السلام از شیعیان خواسته است با مخالفان با سوره قدر و آیات سوره مبارک دخان احتجاج و مناظره کنند. روایت چنین است:

«یا معشرالشیعة! خاصموا بسوره «إنا أنزلناه» تحاجّوا. فوالله إنها لحجة الله تبارک و تعالی علی الخلق بعد رسول الله و إنها لسيدة دینکم و انها لغایه علمنا. یا معشرالشیعة! خاصموا به «حم و الكتاب المبين إنا أنزلناه فی ليلة مبارکة إنا کنا منذرین» فإنها لؤلاة الأمر خاصّة بعد رسول الله»<sup>۲</sup>.

## ۲. دلایل عقلی

بنیان دلیل عقلی بر اثبات حیات و حضور امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، اصل حکمت خداوند است. باری؛ رخنه‌ای از نقص و کاستی در افعال و آفرینش خداوند حکیم راه ندارد. این مدعا به رساترین بیان در آیات نخست سوره تبارک انعکاس یافته است؛ آن جا که خداوند فرموده است:

«الَّذِي خَلَقَ سَنَعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا مَا تَرَى فِي خَلْقِ الرَّحْمَانِ مِنْ تَفَؤُوتٍ فَارْجِعِ الْبَصَرَ هَلْ تَرَى مِنْ فُؤُؤٍ ثُمَّ ارْجِعِ الْبَصَرَ كَرَّتَيْنِ يَنْقَلِبْ إِلَيْكَ الْبَصَرُ خَاسِئًا وَهُوَ حَسِيرٌ»<sup>۳</sup>

همان که هفت آسمان را طبقه طبقه بیافرید، در آفرینش آن [خدای] بخشایشگر، هیچ‌گونه اختلاف [و تفاوتی] نمی‌بینی. بازبنگر آیا خلل [و نقصانی] می‌بینی؟ باز دوباره بنگر تا نگاهت زبون و درمانده به سویت بازگردد».

۱. همان، ص ۲۴۲.

۲. کلینی، کافی، ج ۱، ص ۲۴۹.

۳. ملک، ۳-۴.



براساس این آیات، ذره‌ای رخنه و نقص در نظام هستی راه نمی‌یابد. اگر خداوند، آفرینش انسان را بهترین و برترین دانسته و گردش کوه‌ها را بسان ابرها و در عین حال، آرام معرفی کرده و آن را صنوع متقن الهی برشمرده و حتی قرآن را عزیز و محکم معرفی کرده که هیچ‌گاه عیب و خلل در آن راه نمی‌یابد همگی جلوه‌ای از اصل حکمت الهی است. حکمت خداوند، تنها به معنای منش عقلانی استوار نیست؛ بلکه قید خطا ناپذیری را نیز باید بر این منش عقلانی استوار افزود؛ زیرا چه بسا ممکن است کاری به ظاهر عقلانی و حکیمانه تلقی شود؛ اما در میانه یا فرجام کار، خطایش آشکار گردد.

خداوند براساس اصل حکمت پس از هبوط حضرت آدم عَلَيْهِ السَّلَام به زمین اعلام کرد که کثری و دشمنی و بی‌عدالتی میان مردم راه خواهد یافت و خداوند برای هدایت مردم و بازداشتن آنان از کثی، رفع دشمنی‌ها، برقراری عدالت و اتمام حجت، پیامبران را به سوی آنان گسیل خواهد کرد. قرآن، بارها از این سنت یعنی سنت ارسال پیامبران به عنوان سنت تخلف ناپذیر یاد کرد؛ به گونه‌ای که در قرآن تصریح شده است که به فاصله‌ای نه چندان زیاد، پیامبران به سوی مردم گسیل شدند و هیچ امتی نیست، مگر آن‌که پیامبری هشدار دهنده برای آنان فرستاده شده است:

«وَإِنْ مِنْ أُمَّةٍ إِلَّا خَلَا فِيهَا نَذِيرٌ»

ما تورا به حق، بشارتگر و هشداردهنده گسیل داشتیم و هیچ امتی نبوده؛ مگر اینکه در آن هشداردهنده‌ای گذشته است.»

کتاب آسمانی موجود در کنار اذعان به این سنت الهی، بر این نکته نیز تصریح دارند که همواره پیامبران، اوصیا و جانشینانی داشتند که خلأ وجودی آنان را چه زمان حیات و چه پس از مرگ آنان تا رسیدن پیامبر بعدی پرکنند؛ چنان‌که از هارون به عنوان وصی موسی و از آصف بن برخیا به عنوان وصی سلیمان، یاد می‌شود.

براساس سنت حکیمانه ارسال پیامبران، نوبت به پیامبر خاتم سَلَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رسید که با آوردن دین و نظام‌نامه کامل زندگی، کتاب وحی و رسالت برای همیشه بسته شد.<sup>۲</sup>

۱. فاطر، ۲۴.

۲. حجرات، ۳۰.

پیامبر خاتم تنها بیست و سه سال مسئولیت هدایت مردم را برعهده داشت. حال پرسش این است که تکلیف مردم تا روز قیامت که ممکن است هزاران سال به طول انجامد، چه خواهد شد؟

منش و اندیشه استوار خداوند، اقتضا داشت که با حضور حضرت موسی علیه السلام در کوه طور، هارون را به جانشینی خود میان مردم منصوب کند و برخلاف چنین تدبیری با افزوده شدن ده روز به یک ماه ملاقات موسی با خداوند، بنی اسرائیل به گوساله پرستی روی آوردند.<sup>۱</sup> نیز چنین منش و اندیشه استوار خداوند، اقتضا دارد که امت اسلامی، بلکه همه امت‌های جهان را طی هزاران سال پس از رحلت آخرین پیامبر بدون وجود جانشین زنده‌ای تا روز رستاخیز رها نکند. آیا چنان که برخی پنداشته‌اند وجود قرآن و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله برای پاسخ‌گویی به همه نیازها و رفع همه مخاصمات و استمرار سنت هدایت، کافی است؟ اگر چنین است، چرا امت اسلامی برخلاف وجود این دو منبع اصیل، دچار اختلاف‌های فاحشی شده‌اند؟ باری؛ همان‌گونه که اهل بیت علیهم السلام بارها تأکید کرده‌اند که قرآن، کتاب صامت است و باید برگزیدگان الهی در جایگاه مفسر و قیم آیات، آن را به نطق آورده و برای مردم تفسیر کنند؛ چنان‌که مردم همواره برای رفع مخاصمات و اختلافات فکری و عقیدتی و مشخص ساختن اندیشه‌های صواب از خطای خود، به امامان و پیشوایان نیاز دارند. همان‌گونه که در کنار اعضا و جوارح، برای تشخیص و تمییز خطاهای حسی به شدت به عقل حاجت‌مندند.

بر همین اساس، شیعه بر ضرورت استمرار وصایت و امامت پس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تا روزی که نظام کنونی هستی برقرار است، تأکید داشته و معتقد است هیچ‌گاه زمین خالی از حجت الهی نخواهد بود؛ از این رو، در روایات معصومان علیهم السلام از اصل وجود حجت خداوند بر زمین به عنوان اصلی حتمی و تخلف‌ناپذیر یاد شده و تأکید شده که بدون حجت الهی زمین، اهلش را فرو خواهد برد و اگر در زمین تنها دو نفر نفس بکشند، لزوماً یکی از آنان باید حجت خداوند باشد.

گذشته از آن‌که فلاسفه و عرفا نیز هر یک با نگاهی خاص بر این اصل یعنی ضرورت حضور انسان کامل در زمین صحّه گذاشته‌اند، این اصل و این



باور، با تمام قواعد و قوانینی که بشر به استناد عقل و عقلانیت خود بدان‌ها پایبند است و امروزه دنیا را با همین اصل اداره می‌کند، سازگار است.

به این معنا که در هیچ کشوری به چشم نمی‌خورد که با وجود آیین نامه و منشور اداره امور، ادارات و مؤسسات، سازمان‌ها و نهادهای کوچک یا بسیار بزرگ حتی یک روز بدون مدیر و مسؤل یا قائم مقام او اداره شود. چگونه می‌توان پذیرفت که شماری از ما آدمیان بر اساس دو اصل حکمت و مصلحت، هدایت و اراده چند کارمند در یک نهاد اداری را بدون مدیر حتی در یک روز نمی‌پسندیم؛ اما در حق خداوند بر این باوریم که خداوند مدیریت دینی و معنوی جهان را رها کرده است؟ قرآن، این‌گونه باورها را به سخره یاد کرده است؛ آن‌جا که در نکوهش مشرکانی که فرشتگان را دختران خداوند می‌انگاشتند، فرمود:

«أَلَكُمُ الذَّكْرُ وَلَهُ الْأُنثَىٰ تِلْكَ إِذًا قِسْمَةٌ ضِيزَىٰ؛

«آیا [به خیاثان] برای شما پسر است و برای او دختر، در این صورت این تقسیم نادرستی است.»

با پذیرش اصل حکمت الهی و ضرورت حضور حجت الهی در زمین، لزوماً حیات و حضور امام عصر عجل الله تعالی فرجه در روزگار ما اثبات خواهد شد.

### ادله عقلی ضرورت وجود منجی

از آن‌جا که درک کلیات برعهده عقل، و درک جزئیات، در حوزه حواس پنج‌گانه است، طبیعتاً برای اثبات امور جزئی، برهان عقلی اقامه نمی‌شود؛ چراکه به گفته منطقیون، امور جزئی، نه کاسب‌اند و نه مکتسب. عقل، تنها می‌تواند حکم کند که مجموعه زوایای یک مثلث، ۱۸۰ درجه است یا این‌که هر معلولی علتی می‌خواهد؛ اما برای فهم این مسئله که فلان شکل، مثلث است یا دایره یا فلان پدیده، علت است یا معلول، باید سراغ منابع حسی و شهودی رفت.

در موضوع امامت نیز عقل به همین مقدار حکم می‌کند که معرفی، نصب و وجود راهنمایی الهی برای بشر، حسن و لازم است؛ و لذا خداوند

برای حفظ هدفمندی و به کمال رساندن انسان‌ها حتماً چنین راهنمایی را می‌فرستد؛ اما تشخیص و تطبیق امام بر مصادیق خارجی، کار عقل صرف نیست. درست مانند بحث نبوت؛ که ابتدا عقل با مطالعه جهان و انسان، به حسن و لزوم ارسال نبی از جانب خداوند رأی می‌دهد و آنگاه شخص با به کارگیری حس، دنبال مصداق نبی می‌رود که یا با حس بینایی، معجزات او را می‌بیند یا در کتب پیشین، علائم و مشخصات نبی بعدی را می‌خواند و یا از زبان نبی موجود، نصب نبی بعدی را می‌شنود.

به همین طریق، برای شناخت امام و جانشین پیامبر نیز - پس از آن که عقل به حسن و لزوم آن رأی داد، به کتاب و سنت پیامبر و نیز به کرامات مدعی منصب امامت، مراجعه می‌کند. پس، برای تعیین و تشخیص مصداق امام، دلیل عقلی صرف، قابل اقامه نیست. هرچند از شیوه‌های عقلی نیز به نوعی می‌توان در تعیین مصداق امام کمک گرفت؛ بدین گونه که اگر عقل، لزوم و ضرورت امامت را تشخیص دهد، می‌تواند مصداق آن را در افراد امت، جستجو و با بهره‌گیری از برهان سبر و تقسیم، او را پیدا کند.

از این مقدمه، معلوم می‌شود که ادله عقلی اثبات مهدویت نیز در صدد اثبات لزوم و وجود فعلی امام است و رسالت اثبات یک شخصیت الهی که در جایگاه بلند هستی قرار دارد و باید همواره در جهان باشد را بر عهده دارد؛ اما تطبیق آن بر وجود حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام، امر دیگری است که باید در خاتمه هر بحث، به نحوی انجام شود. اثبات لزوم و استمرار وجود امام عَلَيْهِ السَّلَام، دلایل عقلی فراوانی دارد؛ هرچند مؤلف تا به امروز، کتاب یا نوشته‌ای پیدا نکرده است که تمام این دلایل را یک جا و به صورت منظم، بحث کرده باشد. بخشی از این دلایل، قرار ذیل است:

## ۱. دلیل جامعه‌شناختی

جامعه و انسان‌ها برای رسیدن به سعادت و کمال، نیازمند قانون صحیح و حاکم مقبول‌اند؛ پس، باید امامی باشد تا این نقش را

۱. استاد ربانی گلپایگانی، طی یک مقاله، این روند را این‌گونه توضیح داده‌اند: «در میان مدعیان مقام امامت و خلافت، اوصاف و مراتب علمی و عملی هریک مورد بررسی قرار می‌گیرد که پس از آن معلوم می‌شود در میان آنان، تنها امامان، اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام هستند که از علم عالی و مقام عصمت برخوردارند و اجماع امت بر این است که در حق غیر آنان، کسی ادعای عصمت نکرده است.» (ر.ک: ربانی گلپایگانی، علی، گفتمان سوم مهدویت، مؤسسه فرهنگی انتظار نور، ص ۷۷).



به سامان رساند.

این، همان دلیل فرشی است که از طرف اشاعره و معتزله هم اقامه شده است و محصول آن، اثبات امام در چهره یک حاکم سیاسی است. فلاسفه نیز برای اثبات لزوم بعثت، همین راه را انتخاب کرده‌اند.

## ۲. نیاز به مفسر کلام وحی

همه هستی؛ از جمله انسان‌ها برای هدفی آفریده شده‌اند. رسیدن به سعادت معنوی و کمال مطلوب، هدف خلقت انسان‌هاست و راهنمای این سعادت و کمال، تنها وحی است؛ پس باید همواره حقیقت وحی در اختیار انسان باشد و امام معصوم عَلَيْهِ السَّلَام چنین مسئولیتی را عهده‌دار است.

## ۳. برهان هدفمندی

انسان، مرکب از جسم و روح است و روح او نیز مانند جسمش در تکامل است. لازمه نیل به تکامل، وجود یک راهنما است که او را کمک نماید. اگرچه عقل، وظیفه راهنمایی را بر عهده دارد؛ اما به خاطر محصور بودن آن به عالم جسمانیات و نیز به خاطر وجود دشمنانی چون هوا و هوس و تمایلات حیوانی باید راهنمای دیگری هم باشد تا به کمک عقل بشتابد. این راهنما در عصر رسالت، وجود پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بود؛ و به یقین، پس از ایشان نیز راهنمایی وجود خواهند داشت؛ چراکه نسل انسان‌ها تداوم یافته است و اگر راه، برنامه و راهنمایی الهی موجود نباشد، خلقت انسان‌ها، لغو و بی‌غایت خواهد بود. علاوه بر این، خطر تحریف دین و وجود گروه‌های معاند نیز این ضرورت را تأکید می‌کند<sup>۱</sup>.

۱. روح هرسه استدلال به قاعده لطف برمی‌گردد که براساس هدفمندی و حکمت خداوند استوار است. (ر. ک؛ علامه حلی، کشف المراد، ص ۳۲۴؛ امینی، مسائل کلی امامت، ص ۱۱۱-۱۱۳).

#### ۴. دلیل استقرائی

همه انبیاء از حضرت آدم عَلَيْهِ السَّلَام تا حضرت خاتم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پس از خودشان، اوصیاء و جانشینان منصوب و منصوص داشته‌اند؛ پس چرا این شیوه در عصر پیامبر خاتم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ جاری نباشد؟!<sup>۱</sup>

#### ۵. برهان لطف

این برهان، خود به دو دسته تقسیم می‌شود: لطف محصّل و لطف مقرب. در تبیین لطف محصّل گفته‌اند که خداوند در خلقت عالم و آدم، هدف و حکمتی دارد. از جمله؛ انسان را برای رسیدن به مقام عبودیت آفریده و حتی بسیاری از موجودات را در خدمت انسان قرار داده است. بی‌تردید تأمین این هدف، در گرو ارسال رسل و امامان عَلَيْهِمُ السَّلَام می‌باشد؛ پس اگر امامی نفرستد، خلقت عبث می‌شود. در رابطه با لطف مقرب نیز گفته می‌شود که هدف خداوند از بعثت و تکلیف، امتثال بندگان است و این هدف، با انجام الطافی مانند وعده و وعید، نصب امام و... انجام می‌شود. پس همواره باید امامی باشد وگرنه هدف در تکلیف، نقض می‌شود.

#### ۶. برهان عنایت

جهان، در دایره علم الهی است و در نتیجه؛ خداوند، در نهایت حسن و اتقان، نسبت به تمام نیازهای موجودات و انسان، اهتمام و عنایت دارد. از آن جا که مهم‌ترین نیاز انسان، هدایت و راهنمایی است، حتماً خداوند برای انسان‌ها راهنمایی قرار می‌دهد؛ چراکه در غیر این صورت، نظام خلقت، احسن نخواهد بود. به عبارت دیگر، خداوند برای همه موجودات، نظم و هدف قرار داده است و آنان را با هدایت تکوینی، از راه طبیعت یا غریزه، به هدف مطلوب راهنمایی کرده است؛ پس، از عنایت او به دور است که اشرف مخلوقات (انسان) را بدون هادی بگذارد.

۱. ابن بابویه، علی، الامامه و التبصره، باب الوصیه من لدن آدم عَلَيْهِ السَّلَام، ص ۲۱ و ۲۳. در همین رابطه از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل شده است که فرمود: «لکل نبی وصی و وارث و أن علیاً وصی و وارثی». (ر. ک: علامه حلی، کشف الیقین، ص ۲۶۲؛ همو، نهج الحق و کشف الصدق، ص ۲۱۴).



## ۷. قاعده امکان اشرف

طبق داده‌های قطعی فلسفی، روند آفرینش به گونه‌ای است که از وجود اشرف آغاز می‌شود و به ترتیب، به وجود شریف، خسیس و اخس می‌رسد. پس؛ هرگاه در نظام خلقت، افراد شریف، خسیس یا اخس مشاهده شوند، قطعاً وجود اشرف نیز موجود خواهد بود. مسلم است که وجود حجت و اولیاء الهی، در مراتب اشرف قرار دارند؛ پس تا مادامی که یک فرد از انسان‌های عادی باشد، حجت الهی نیز وجود دارد.

## ۸. برهان واسطه فیض

طبق داده‌های دانش فلسفه، خداوند در نهایت تنزه و تقدس است و عالم مادی، در نهایت تسفل و تکدر؛ لذا میان این دو، واسطه‌ای لازم است تا قابلیت عالم مادی را برای دریافت فیض بالا ببرد. پس؛ در روند خلقت و تداوم آن، واسطه‌ای نیاز است که دارای دو جنبه خدایی و دنیایی باشد تا بتواند ایفای وظیفه کند. چنین موجودی، همان خلیفه الهی و امام است.

## ۹. برهان انسان کامل

اسماء و صفات خداوند، تجلی دارند و لذا، هر کدام، مجلی و مظهري می‌خواهند. عوالم هستی چون عالم عقل، مثال، طبیعت و... هر کدام در حد توان، آینه و مظهر این صفات اند. در میان اسماء الهی، «الله»، اسم جامع است و بر همین اساس، مظهر جامعی می‌خواهد و در این میان، تنها انسان کامل است که به خاطر جامعیت عقل و طبیعت در او، آینه اسم «الله» است و از آن جا که اسم اعظم «الله»، خلیفه و واسطه فیض الهی به دیگر اسماء و صفات است، انسان کامل نیز که مظهر آن اسم است، مقام خلافت و امامت را دارد.

لازم به تذکر است که دیگر دلایل عقلی ادعا شده در این زمینه، سرانجام به یکی از این دلایل نه‌گانه می‌انجامند. همچنین باید توجه داشت که چهار دلیل آخر، بیشتر به جنبه وجودی امام عَلَيْهِ السَّلَام توجه دارد؛ لذا به مباحث هستی‌شناسی نزدیک شده و از سیاق مباحث کلامی صرف، فاصله گرفته‌اند.



برای انسجام و ادراک بهترین مقوله، چند دلیل دیگر به عنوان نمونه، تبیین و تشریح خواهند شد.

### ۱۰. برهان لطف و اثبات مهدویت

در عالم هستی، خدایی یگانه، حکیم، لطیف، علیم، جواد، قدیر و... وجود دارد. از آن جا که خداوند، حکیم می باشد، از خلقت عالم، هدف و غرضی داشته است. هدف خلقت عالم، خدمت رسانی به اشرف مخلوقات (انسان) بوده است؛ هدف خلقت انسان نیز رسیدن به سعادت، کمال نهایی و مقام معرفت و عبودیت بوده است؛ رسیدن به هدف، در گرو وجود راه، برنامه و راهنما است؛ خداوند، عقل را به عنوان حجت باطنی، به انسان عطا کرده است؛ اما عقل به خاطر کاستی هایی که دارد، برای راهنمایی انسان کافی نیست. خداوند لطیف و جواد، در طول حیات بشری و به ویژه در عصر جدید، افزون بر موهبت عقل، راه (دین)، برنامه (کتاب آسمانی) و راهنما (پیامبر و امام) را در اختیار انسان ها قرار داده است. کتاب، هیچ گاه نمی تواند کار راهنما را انجام دهد؛ چنان که عقل نمی توانست کار حجت ظاهری را به عهده بگیرد؛ از آن جا که تمامی انسان ها دارای هوا، هوس و نفس اماره هستند و ابلیس کماکان حضور دارد و ابتلاء الهی نیز همواره برقرار است، امکان ندارد که انسان ها در برهه های از زمان، بدون حجت الهی رها شوند؛ پس، تا عالم و آدم موجود است و آزمایش الهی، برقرار، نیازمندی به راه، برنامه و راهنما نیز مستمر است.

### ۱۱. برهان لطف مقرب

هدف خداوند حکیم، لطیف و جواد از خلقت عالم و آدم، رسانیدن انسان به کمال مطلوب بوده است. تحقق این هدف، در گرو جعل تکلیف (عقلی و سمعی) از سوی خداوند و انجام آن، توسط بندگان است. خدای حکیم و لطیف، تکلیف را به وسیله پیامبران فرستاده است. هر آن چه زمینه انجام تکلیف را فراهم می کند نیز باید مهیا شوند تا نقض غرض لازم نیاید. از آن جا که وجود امام و راهنمای الهی، مهم ترین تدبیر و مقدمه انجام تکالیف است، خدای حکیم و لطیف، او را در اختیار انسان ها قرار می دهد. پس؛ در



حال حاضر، امام و راهنمایی الهی موجود است تا در سایه وجود او، تکالیف، امثال شوند.

## ۱۲. برهان لطف محصل در اثبات اصل امامت

انسان با تدبیر در احوالات خود و نظام هستی و نیز با مشاهده نظم جهان خلقت و انواع نعمت‌ها و اسرار آفرینش و تأمل در آنها، لاجرم به سوی خداوند متوجه می‌شود و با شناخت او، به اهداف آفرینش پی می‌برد و به این حقیقت می‌رسد که خداوند نعیم و حکیم، بر مبنای هدف و حکمتی، انسان و جهان آفرینش را خلق فرموده است. چراکه اگر خداوند در تمام افعالش از جمله آفرینش انسان هاهدف و غرضی نداشته باشد، افعال او لغو و عبث خواهد بود و از آن جا که لغو، قبیح است، خداوند بی‌نیاز و عالم علی الاطلاق، هیچ‌گاه کار قبیح انجام نمی‌دهد.<sup>۱</sup>

پس از اثبات اصل هدف، باید به دنبال ماهیت آن بود. بی‌تردید از آن جا که خداوند سبحان، بی‌نیاز مطلق است، هدف آفرینش از سوی خداوند رانمی‌توان اقدامی برای رفع نواقص یا رسیدن به کمال، متصور شد بلکه هدف، سعادت و به کمال رساندن مخلوقات و بالاخص، انسان است.

بدیهی است که تحقق این هدف، برای انسان‌هایی که مرکب از عقل و شهوت، و در انتخاب راه سعادت و شقاوت، مختار هستند<sup>۲</sup>، بدون فرستادن برنامه و راهنما از جانب خداوند ممکن نیست و به همین جهت، خودداری از تشریح و تکلیف و ارسال پیشوایان معصوم از سوی او، موجب سقوط انسان‌ها در جهالت و شقاوت خواهد شد؛ و این، نقض غرض خواهد بود که قباحت و زشتی آن، بدیهی است. لذا از آن جا که خدای سبحان، منزّه از قبیح و زشتی‌ها است، هم، راه و تکالیف را مشخص کرده است و هم راهنما را. پس پشتوانه اصلی این استدلال، حکمت الهی و لغو و عبث نبودن اصل آفرینش است.<sup>۳</sup>

۱. ربانی‌گلی‌گانی، علی، القواعد الکلامیه، ص ۱۰۴.

۲. چنانچه خداوند می‌فرماید: «أَنَا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا»؛ انسان، ۳.

۳. هرچند در نهایت، هدف خلقت و تکلیف، یکی می‌شود لکن غرض و هدف اولی تکلیف، امثال است و امثال بر تمام بندگان - حتی بر اولیا و مقربان و ره‌یافتگان کوی دوست - به‌طور یکسان، واجب می‌باشد و هدف ثانوی، کمال و سعادت است. (ر. ک: طبرسی نوری، کفایه الموحدین، ج ۱، ص ۵۱۰).

### ۱۳. برهان لطف مقرب و اثبات اصل امامت

اگرچه جایگاه و مرتبه لطف مقرب، بعد از تحقق و اثبات اصل تکلیف است؛ اما می‌تواند در اثبات ضرورت پیشوا و رهبر الهی نیز کارآیی داشته باشد؛ چنان‌که اکثر دانشمندان کلام نیز مسئله امامت را در زمره مصادیق لطف مقرب مطرح کرده‌اند.

اگر دایره مفهوم تکلیف اعم از تکالیف عقلی و شرعی معین گردد، مشخص خواهد شد که بیان اصل تکالیف شرعی نیز از مصادیق لطف مقرب به شمار می‌آید؛ زیرا عقل، پس از شناخت مبدأ واحد، علیم و حکیم آفرینش، به این نتیجه می‌رسد که انسان در برابر خداوند و مخلوقاتش، وظایف و تکالیفی - چون شکر منعم، رد نیکی به نیکی و... دارد. با این وصف، قسمتی از تکالیف و احکامی که خداوند، تشریح و بر بندگان واجب می‌گرداند، مؤید و مؤکد همان تکالیف عقلی‌اند و موجب می‌شوند که بندگان به انجام آنان، نزدیک‌تر و از ترک و اهمال در آن‌ها دورتر گردند. و این، همان حقیقت لطف و معنای سخن دانشمندان است که گفته‌اند:

«التكاليف السمعيه الطاف في التكاليف العقلية»<sup>۱</sup>.

هدف و غرض خداوند از تکالیفی که بر بندگان واجب نموده، امتثال، اطاعت و پیروی است تا انسان‌ها در سایه آن، به کمال و سعادت مطلوب نائل شوند. حال اگر این مهم، یعنی امتثال امر، بدون انجام دادن اموری از جانب خداوند چون نصب امام معصوم، وعد و وعید و... محقق نشود، حتماً خدای حکیم، آن امور را انجام می‌دهد تا نقض غرض در تکلیف، لازم نیاید.<sup>۲</sup> در این رابطه، دانشمندان کلام، مثال جالبی می‌آورند. آنان می‌گویند هرگاه کسی با هدف دعوت افرادی، غذایی آماده کند و آنان را دعوت نماید؛ اما با آن‌که می‌داند آنان نشانی منزلش را ندارند، برایشان راهنما و یا نشانی نفرستد، مسلماً محکوم به کار عبث و بیهوده خواهد بود.<sup>۳</sup>

۱. علامه حلی، کشف‌المراد، ص ۳۶۲.

۲. همان، ص ۳۲۰.

۳. بحرانی، ابن‌میثم، قواعد‌المرام، ص ۱۱۸؛ مفید، أوائل‌المقالات، ص ۶۵.



## ۱۴. قاعده لطف و اثبات مهدویت

حال که بر اساس قاعده لطف، لزوم استمرار ولی الله و پیشوای الهی که تداوم بخش وظایف انبیاء الهی است، ثابت شد، سخن در این است که چنین فردی کیست و کجاست؟ شیعه اهل بیت علیهم السلام، پاسخ این سؤال را از لسان خود پیامبر صلی الله علیه و آله که همانا لسان وحی می باشد<sup>۱</sup>، گرفته است. عقیده شیعه بر این مبنا استوار است که خلیفه پیامبر صلی الله علیه و آله باید دارای خصوصیات و شئون پیامبر جز دریافت و ابلاغ وحی باشد؛ و از آن جا که پیامبر صلی الله علیه و آله، خلیفه و نماینده خداست، برای هدایت انسان ها و رسانیدن پیام الهی در قالب کتاب و سنت آمده است، معصوم بوده<sup>۲</sup> و به نص قرآن مجید، دارای وظایف و شئون متعده چون مرجعیت دینی<sup>۳</sup> (تفسیر معصومانه از دین)، هدایت و ارشاد مردمان<sup>۴</sup>، ولایت و تصرف در امور<sup>۵</sup>، سرپرستی و حکومت<sup>۶</sup>، تزکیه، تعلیم و الگوی عملی<sup>۷</sup> و... می باشد، خلیفه او نیز چنین است. اساساً تداوم وظایف نبوی، عصمت خلیفه را ایجاب می کند؛ چراکه در غیر این صورت، نقض غرض و نفی خلافت خواهد بود. از طرف دیگر، در میان امت و جانشینان رسول خدا صلی الله علیه و آله تنها امام علی علیه السلام و یازده فرزندش علیهم السلام مدعی این مقام بوده اند و گروه زیادی از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله به تبعیت از سخنان وی، همین عقیده را نسبت به آنان داشته اند؛ پس تنها مصداق و کاندیدا برای این مقام، علی علیه السلام و اولاد او علیهم السلام هستند که در عصر حاضر، تنها حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف از آنان زنده است.

## ۱۵. قاعده لطف و غیبت حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشريف

بعد از پذیرش مفاد قاعده لطف، سؤالی جدی مطرح می شود و آن، این که «اگر خداوند از روی لطف، امام را منصوب می کند تا در امور معاش و

۱. «وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ»؛ نجم، ۳ - ۴.

۲. مانده، ۸، ۱۵، ۱۶، ۶۷، ۹۹؛ بقره، ۲۱۳؛ نور، ۵۴؛ انبیاء، ۲۵.

۳. مائده، ۱۵ و ۱۹؛ نحل، ۴۴ و ۶۴.

۴. مائده، ۱۶؛ نور، ۵۴؛ احزاب، ۴۴ و ۴۵؛ نحل، ۱۲۵؛ انبیاء، ۷۳؛ سجده، ۲۴.

۵. مائده، آیه ۵۵؛ احزاب، ۶ و ۳۶؛ نساء، ۶۵.

۶. تمام آیاتی که دستور اجرای حدود، امر به معروف، نهی از منکر و برپایی عدالت را می دهد، شئون حکومت را برای رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) اثبات می کنند؛ مانند آل عمران، آیه ۱۰۴؛ نساء، ۱۴۱؛ سوره توبه، ۱۰۳.

۷. بقره، ۱۵۱؛ آل عمران، ۱۶۴؛ احزاب، ۲ و ۴؛ نور، ۵۴؛ نحل، ۱۲۵؛ انبیاء، ۷۳ و جمعه، ۲.



معاد مردم تصرف نماید و زمینه را برای امتثال احکام الهی فراهم سازد، پس چرا دوازدهمین پیشوای الهی، غایب است؟

تاریخ این پرسش با طرح اندیشه امامت و مهدویت، هم زمان بوده است؛ آن جا که حضرت رسول ﷺ از خلفای اثنی عشر و ائمه دوازده گانه عَلَيْهِمُ السَّلَامُ و غیبت طولانی دوازدهمین آنها خبر داد و اصحاب، از هدف و فوائد غیبت امام پرسیدند و حضرت در پاسخ، امام غائب را «کالشمس تحت السحاب» معرفی نمودند که متحدین از این تشبیه زیبا، نکات بسیار سودمندی دریافت کرده اند.<sup>۱</sup>

دانشمندان بزرگ کلام نیز پاسخ های روشن و قابل قبولی به این پرسش داده اند<sup>۲</sup> که در ادامه به برخی از آنها اشاره می شود:

۱. همان گونه که در بیان اقسام مختلف برهان لطف اشاره شد، لطف بودن امام، منحصر در ظهور و تصرف در زندگی مادی و محسوس انسان ها نمی باشد بلکه وجود امام، فی نفسه و از جهات مختلف، لطف محسوب می شود. توضیح بیشتر آن که امام و پیشوای الهی، دارای مناصب و وظایف متعددی است که برخی از آنها، عبارت اند از:

- پیشوا و مقتدای امت (ارشاد حیات معنوی انسان)،

- ولی خدا، حجّت زمان، انسان کامل و واسطه فیض الهی،

- مرجع دین (بیان احکام و معارف دین)،

- رهبر جامعه (زعامت و حکومت) و...<sup>۳</sup>

اصولاً پیشوایی که از رهگذر برهان لطف و سایر براهین اثبات امامت، استفاده می شود، دارای تمام اوصاف و وظایف نبی، جز دریافت وحی است. بنابراین، رهبری ظاهری جامعه و تشکیل حکومت و اجرای حدود الهی، گوشه ای از وظایف رهبر الهی است<sup>۴</sup> و اگر این بخش از وظایف، زمینه اجرا پیدا نکند، لطف بودن چنین رهبری، منتفی نمی شود. چنان چه در سال های اول

۱. ر. ک: مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، جلد ۵۲؛ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲.

۲. معتزلی، عبدالجبار، شرح اصول الخمسه، ص ۷۵۱؛ تفتازانی، شرح مقاصد، ج ۵، ص ۲.

۳. طباطبایی، شیعه در اسلام، ص ۱۷۵؛ مطهری، امامت و رهبری، ص ۵۰.

۴. خزازی، بدایه المعارف الإلهیه، ج ۲، ص ۲۷.



بعثت رسول اکرم ﷺ، بسیاری از این وظایف، زمینه اجرا نداشت؛ اما لطف بودن حضرت، محرز بود.

۲. محرومیت از فیض ظهور پیشوای الهی، به جهت موانعی است که خود انسان‌ها ایجاد کرده‌اند؛ و از آن جا که فراهم ساختن زمینه برای انجام دادن طاعت و اجرای احکام الهی از سوی امام، از مصادیق لطف مقرب است و لطف مقرب نیز اختیار را از مکلفان سلب نمی‌کند، پس استفاده از این لطف، به اختیار خود مکلفان است. لذا اگر آنان، لیاقت و استعداد حفظ و استفاده از این موهبت را نداشته باشند، اصل لطف بودن پیشوای الهی، زیر سؤال نمی‌رود. اصولاً در غیبت امام، هیچ اشکالی متوجه خداوند نیست؛ چون آن چه به خدا برمی‌گردد، نصب و معرفی امام است که انجام شده؛ لذا اگر کاستی و محرومیتی دیده می‌شود، از ناحیه مکلفان است و احتجاج، علیه خدا، بی‌مورد.

مرحوم محقق طوسی رحمۃ اللہ علیہ در این رابطه می‌گوید:

«اصل وجود امام، لطف است و تصرف آن حضرت، لطف دیگر و لذا این ما هستیم که موجب غیبت آن حضرت شده‌ایم.»<sup>۱</sup>

پس هرگاه لطف دوم (تصرف مباشری در جامعه، تشکیل حکومت و ...) به جهت موانع ایجاد شده از سوی انسان‌ها تعطیل شد، لطف نخست بر فعلیت خود باقی است.





# بخش سوم

## فصل اول:

### تاریخ در عصر غیبت

---

مفهوم شناسی غیبت  
غیبت صغرا و نیابت خاص  
غیبت کبرا و نیابت عام  
محل اقامت حضرت



## غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

شیعه با بهره‌مندی از آموزه‌های آفتاب‌گون پیشوایان معصوم علیهم‌السلام، بر این باور است که برای زندگی انسان‌ها روی زمین، ناگزیر می‌بایست حجتی از طرف خداوند نصب شود؛ این حجت پس از پیامبرگرمی اسلام صلی الله علیه و آله، منحصر در دوازده پیشوایی است که با گزینش خداوند و گزارش آن آخرین سفیر الهی، امامت مردم را به عهده گرفتند. هم آنان که یازدهمین ایشان امام حسن عسکری علیهم‌السلام و آخرین آنها، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است و کس دیگری لیافت چنین مقامی را ندارد.

سال‌ها پیش از ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، آن‌گاه که پیشوای معصوم علیهم‌السلام سخن از آن حضرت به میان می‌آوردند، بی‌درنگ به پنهان‌زیستی ایشان نیز اشاره می‌کردند. این پافشاری، بیش از آن‌که در جهت آگاه‌کردن شیعیان باشد، برای زمینه‌سازی و آماده‌کردن آنها بود.

آن‌چه که این باور را در هاله‌ای از ابهام فرو می‌برد، پافشاری معصومین علیهم‌السلام بر سر بودن این حادثه بود. اگرچه گاهی به مناسبتی، مطالب ارزنده‌ای نیز درباره آن به پیروان خود بیان می‌فرمودند.

آن‌چه در هیافت بررسی سخنان نورانی ایشان می‌توان به دست آورد، نسبت به آن‌چه که بر ما پوشیده است، بسیار اندک و ناچیز است؛ از چگونگی پنهان‌زیستی گرفته تا انواع آن و از مدت این پنهان‌زیستی گرفته تا فلسفه و علل غیبت، همه و همه، فقط پرتوی از آن حقیقت تابناک است.

بعضی نیز فلسفه غیبت یاد شده را متناسب عصر امامان معصوم علیهم‌السلام دانسته و معتقد هستند ذهن رشدیافته انسان‌های آخرالزمان، به پژوهش بیشتری نیازمند است.

ناگزیر زندگی پنهان آن حضرت، امور دیگری را نیز در پرده ناپیدایی قرار داد است. یکی از مهم‌ترین امور پنهان، محل زندگی آن حضرت در طول غیبت ایشان است. از این رو بسیاری علاقمندند بدانند ایشان در کدام بخش از این کره خاکی زندگی می‌کنند.



## مفهوم‌شناسی غیبت

یکی از ویژگی‌های مهم اعتقادات شیعه به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، باور ایشان به پنهان‌زیستی حضرت است. این باور که به آن با عنوان «غیبت» یاد شده است، از همان ابتدای شکل‌گیری مباحث مهدویت جایگاه ویژه خود را پیدا کرد؛ به گونه‌ای که دانشوران بزرگی از شیعیان کتاب‌هایی را به همین نام تدوین کرده و میراث ماندگاری را برای آیندگان به یادگار گذاشتند.

یکی از معناهای لغوی «غیبت»، پنهان‌شدن است. در اصطلاح، درباره کسی به کار می‌رود که مدتی در جایی حضور دارد و پس از آن در آن محل حاضر نمی‌شود. در اصطلاح مهدویت، به پنهان‌زیستن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف گفته می‌شود.

اگرچه سخن روشنی درباره چگونگی این نوع زندگی نمی‌توان به دست آورد، با استفاده از روایات معصومین علیهم‌السلام و سخنان اندیشوران بزرگ، سه دیدگاه کلی و قابل توجه می‌توان ارائه کرد:

۱. آن حضرت اگرچه در درون جوامع بشری زندگی می‌کند، مردم جسم ایشان را نمی‌بینند.

۲. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در میان همین جامعه و همین انسان‌هاست؛ اما به قدرت خدا از دید معرفتی مردم پنهان است؛ با وجود این که مردم ایشان را می‌بینند؛ اما نمی‌شناسند.

۳. حضرت در بین مردم زندگی می‌کند و مردم نیز ایشان را می‌بینند و نمی‌شناسند؛ اما در زمان‌هایی که آن حضرت لازم بداند از برابر چشم‌ها ناپدید می‌گردد و دیدگان مردم - با این که آن حضرت حاضر است - او را نمی‌بینند.

### بررسی دیدگاه‌ها

#### دیدگاه اول:

دیده نشدن جسم حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در دوران غیبت، به دو گونه قابل تفسیر است:

الف. آن حضرت مانند فرشتگان، ارواح و جن، نامرئی دارد؛ با وجود

این‌که در میان جوامع بشری حضور دارند، دیده نمی‌شوند.

ب. ایشان، جسمی مرئی دارد؛ اما به قدرت الهی در دیدگان مردم و تصرف می‌کنند تا ایشان را نبینند، این کار از اولیای الهی - که از سوی خدا دارای چنین قدرتی در جهان آفرینش هستند - بعید نیست.

در آیات قرآن کریم نیز به امکان پنهان شدن انسان از برابر دیدگان - چه به صورت کوتاه مدت یا درازمدت - اشاره شده است.

به نظر می‌رسد تفسیر نخست، غیر قابل پذیرش باشد؛ چراکه هیچ دلیلی وجود ندارد که آن حضرت دارای جسمی با این ویژگی باشد بلکه برعکس؛ آن حضرت مانند تمامی انسان‌ها دارای جسمی مادی می‌باشد. با این بیان تفسیر دوم مورد پذیرش است.

در یک بررسی جامع در سخنان معصومین علیهم‌السلام برخی روایات با روشنی بیشتری این موضوع را بیان کرده‌اند.

امام صادق علیه‌السلام فرمود:

«مردم امام خویش را گم می‌کنند، پس آن امام در موسم حج حضور می‌یابد و مردم را می‌بینند ولی مردم او را نمی‌بینند»<sup>۱</sup>.

از امام صادق علیه‌السلام نقل شده که فرمود:

«هرکس به تمامی ائمه علیهم‌السلام اقرار کند و مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌التی‌تنتظره را انکار کند همانند کسی است که به تمامی پیامبران علیهم‌السلام اعتراف کرده؛ اما واپسین فرستاده خداوند، رسول گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را انکار کرده است»<sup>۲</sup>.

آن‌گاه از آن حضرت پرسیده شد: ای فرزند رسول خدا! مهدی از کدامین فرزندان شماست؟ آن حضرت فرمود:

«از فرزندان هفتم است. شخص او از شما پنهان می‌شود.»<sup>۳</sup>

۱. طوسی، الغیبه، ص ۱۶۱، ح ۱۱۹.

۲. صدوق، کمال‌الدین و تمام‌النعمه، ج ۲، باب ۳۳، ص ۳۳۳، ح ۱.

۳. همان، ص ۳۳۳، ح ۱.



داوین قاسم می گوید از امام هادی علیه السلام شنیدم که فرمود:

«جانشین پس از من، حسن است. پس چگونه خواهید بود با جانشین پس از جانشین؟» عرض کردم: خدا مرا قربانت گرداند! برای چه؟ فرمود: «همانا شما شخص او را نمی بینید»<sup>۱</sup>.

از امام رضا علیه السلام وقتی درباره امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پرسش شد فرمود: «لا یری جسمه»؛ جسمش دیده نمی شود.

عبیدالله بن زراه از امام صادق علیه السلام نقل کرده که فرمود:

«برای قائم ما دو غیبت است که در یکی از آن دو در موسم حج حاضر می شود، مردم را می بیند و مردم او را نمی بینند»<sup>۲</sup>.

و نیز در فرازی از دعای ندبه چنین می خوانیم:

«عزیز علی ان اری الخلق ولا تری»<sup>۴</sup>.

روشن است که همه روایات بالا و احادیثی مانند آن، بردیده نشدن آن حضرت دارد و قابل تأویل بر شناخته نشدن نخواهد بود؛ چراکه صراحت در معنای دیده نشدن دارد.

نکته قابل توجه این که این دسته روایات به خلاف دسته بعد، تنوع و کثرت بیشتری دارد.

بنابراین به روشنی از این روایات استفاده می شود که آن حضرت با وجود این که زنده است و در بین مردم زندگی می کند و مردم را می بیند، خداوند پرده ای بین آن حضرت و مردم قرار داده آن حضرت مردم را می بینند ولی مردم، آن حضرت را نمی بینند.

### دیدگاه دوم:

همانگونه که اشاره شد، در این دیدگاه بیان شده است که آن حضرت

۱. کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۲۸.

۲. همان، ص ۳۳۳.

۳. همان، ص ۳۳۹.

۴. سیدبن طاووس، اقبال الاعمال، ص ۲۹۸.

افزون بر این که در جوامع انسانی عمر شریف خود را سپری می‌نماید و مردم را می‌بینند، مردم نیز ایشان را می‌بینند؛ اما ایشان را نمی‌شناسند. به تعبیر دیگر فقط از نگاه معرفتی مردم، غائب است؛ نه از دید ظاهری.

برای این دیدگاه نیز روایاتی مورد استناد قرار گرفته است:

شیخ صدوق در کمال الدین و تمام النعمه و نیز در علل الشرایع با ذکر سند از سدید نقل کرده که امام صادق علیه السلام فرمود:

«در قائم، سستی از یوسف است... چرا این مردم منکرند که خدای تعالی با حجت خود همان کند که با یوسف کرد؟ در بین ایشان گردش کند و در بازارهای آنها راه رود و بر فرش‌های آنها پا نهد و آنها او را نشناسند تا آن‌گاه که خدای تعالی به او اذن دهد که خود را به آنها معرفی سازد، همانگونه که به یوسف اذن داد.»<sup>۱</sup>

سخن دیگری نیز در تأیید این دیدگاه نقل شده است که البته سخن معصوم نیست بلکه از نائب خاص حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف محمد بن عثمان نقل شده است.

ایشان در این باره می‌گویند:

«به خدا سوگند! همانا صاحب این امر هر سال در موسم حج حاضر می‌شود، مردم را می‌بینند و آنها را می‌شناسد و مردم او را می‌بینند ولی نمی‌شناسند».<sup>۲</sup>

از آن جایی که این سخن شبیه روایتی است که در نفی دیده شدن آوریم، ممکن است همان روایت باشد که تصحیف شده است و نیز این امکان وجود دارد که مقصود، نائب خاص از این مضمون، دوران غیبت صغرا باشد.

افزون بر این که احادیث این دیدگاه کم‌شمار است با معنای لغوی غیبت نیز مخالف است؛ زیرا به کسی که دیده می‌شود ولی شناخته نمی‌شود، ناسپاس می‌گویند؛ نه غایب.

### دیدگاه سوم:

اگرچه علم به چگونگی غیبت حضرت، فقط نزد پروردگار متعال است،

۱. صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۱۴۴، باب ۵، ح ۳.

۲. طوسی، الغیبه، ص ۳۶۲.



از جمع بین روایات می‌توان استفاده کرد حضرت دارای هر نوع پنهان‌زیستی باشد. حضرت در مواردی که صلاح بداند از چشمان مردم، پنهان است؛ البته با تصرفی که - به قدرت الهی - در دیدگان افراد می‌کنند؛ نه نامرئی کردن جسم خویش. و در مواردی که آن حضرت مصلحت بداند، به صورت آشکار در جامعه حرکت می‌کند و مردم ایشان را می‌بینند ولی نمی‌شناسند.

### تقسیم بندی دوران غیبت

دوران زندگی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را می‌توان به سه دوره تقسیم کرد:

۱. دوره کودکی (از سال ۲۵۵ تا سال ۲۶۰)

۲. دوره غیبت صغرا (از سال ۲۶۰ تا ۳۲۹)

۳. دوره غیبت کبرا (از سال ۳۲۹ هـ ق شروع می‌شود تا زمانی که فرمان و نهضت جهانی آن حضرت از طرف خداوند متعال صادر گردد).

۴. دوران ظهور

در احادیث بسیاری از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام، غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به دو بخش کوتاه مدت (غیبت صغرا) و دراز مدت (غیبت کبرا) تقسیم شده است.

امام صادق علیه السلام در این باره فرمود:

«همانا برای قائم، دو غیبت است که در یکی از آن دو به خانواده اش برمی‌گردد و در دیگری معلوم نیست کجاست؛ هر سال در مناسک حج، حاضر می‌گردد و مردم را می‌بیند در حالی که مردم او را نمی‌بینند»<sup>۱</sup>.

افزون بر دو گونه بودن، در روایاتی به کوتاه بودن یکی و بلند دیگری نیز اشاره شده است.

همان حضرت در سخنی دیگر فرمود: «برای قائم، دو غیبت است؛ یکی از آنها کوتاه مدت و دیگری، دراز مدت»<sup>۲</sup>.

۱. نعمانی، الغیبه، ص ۱۷۵، ح ۱۵.

۲. کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۴۰.

## غیبت صغرا

اگرچه این تعبیر در روایات معصومین علیهم السلام به این صورت نیامده است، رفته رفته به خاطر کوتاه بودن دوران نخست غیبت، به این عنوان مشهور شده است. البته بهتر بود به جای «غیبت صغرا»، آن را «غیبت ناقصه» می نامیدند؛ چراکه با پایان یافتن این دوران، غیبت تامه آغاز شده است و مهم ترین تفاوت این دوره ها در تام بودن و ناقص بودن آن است؛ وگرنه با توجه به پیوستگی هر دو غیبت به یکدیگر، تفکیک آن دو به کوتاه و بلند، معنای قابل قبولی نخواهد داشت. بر اساس دیدگاه مشهور، غیبت صغرا در اصطلاح مهدویت، عبارت است از: پنهان زیستی کوتاه مدت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با ویژگی های خاص، پس از شهادت امام عسکری علیه السلام تا آغاز «غیبت کبرا».

اگرچه برخی آغاز این دوران را از همان ابتدای ولادت دانسته<sup>۱</sup>، مدت آن را ۷۴ سال ذکر کرده اند. مشهور، آن است که آغاز آن از شهادت امام حسن عسکری علیه السلام و مدت آن، حدود ۶۹ سال است.<sup>۲</sup> به دلیل این که اگرچه حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در زمان حیات پدر بزرگوار خود گاهی به صورت پنهانی زندگی می کردند، فراوانی کسانی که در این دوره به دیدن حضرت نایل شده اند، گویای آن است که آشکار بودن حضرت برای عده ای فراوان، بیش از پنهانی بودن ایشان بوده است. علاوه بر آن، پنهانی اندک در دوران امام حسن عسکری علیه السلام می توانسته مقدمه ای برای دوران غیبت صغرا باشد؛ زیرا همان گونه که غیبت کبرا بدون مقدمه، ممکن بود مشکلاتی را برای جامعه شیعی پدید آورد، غیبت صغرا بدون مقدمه نیز مشکلاتی ایجاد می کرد.

با این بیان، پاره ای از ویژگی های غیبت صغرا که آن را از دوره بعد متمایز کرد، عبارت است از:

۱. غیبت صغرا از نظر زمان، محدود بوده ولی غیبت کبرا بسیار طولانی است و غیر از خداوند، کسی از مدت آن آگاهی ندارد.

۲. در دوران غیبت صغرا، پنهان زیستی امام، همه جانبه و عمومی نبود؛ امام اگرچه از نگاه ها پنهان بود، کسانی مانند نواب خاص، برخی از وکلای آن حضرت و نیز افرادی با ویژگی های ممتاز، می توانستند با آن حضرت در تماس باشند و

۱. مفید، ارشاد، ج ۲، ص ۳۴۰.

۲. طوسی، الغیبه، ص ۱۵۹؛ کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۴۱؛ نعمانی، الغیبه، ص ۱۴۹.



پرسش‌ها و نامه‌های مردم را خدمت امام ببرند و پاسخ او را به مردم برسانند و یا به دیدار آن حضرت نائل شوند؛ اما در غیبت تامه (کبرا)، امام به‌طور کلی از نگاه‌ها پنهان است و باب مکاتبه و نامه‌نگاری بسته است؛ یعنی بنای غیبت کبری و اقتضای آن، این است که حضرت، دیده نشود. البته این، بدان معنا نیست که امکان ندارد دیده شود؛ زیرا ممکن است بعضی افراد، حضرت را ببینند.

۳. در غیبت صغرا، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف چهار نماینده داشت که آنها را به صورت معین، برگزیده بود. مهم‌ترین وظیفه آنها، برقراری ارتباط بین امام و مردم بود؛ ایشان اقامتگاه و مکان حضرت را نیز می‌دانستند ولی در غیبت کبرا، چنین نیست.

۴. در غیبت صغرا - افزون بر سفیران چهارگانه - ممکن بود اشخاصی آن حضرت را ببینند و بشناسند ولی در غیبت کبرا کسی او را نمی‌بیند و اگر ببیند، نمی‌شناسد.

اما چرا از همان ابتدا غیبت کبرا صورت نگرفت؟ زیرا مشیت الهی از ابتدا چنین مقدر بوده که آن حضرت پس از رسیدن به امامت، می‌بایست بی‌درنگ از دید عمومی پنهان شود و در ظاهر از آن چه در جامعه رخ می‌دهد، فاصله بگیرد؛ هرچند در واقع او از نزدیک، همه وقایع را احساس و ادراک می‌کند. باید توجه داشت که اگر آن حضرت، یک باره رخ در نقاب غیبت کامل می‌برد، ضربه سنگینی به پایگاه‌های مردمی و طرفداران امامت وارد می‌شد؛ زیرا مردم پیش از آن سال‌ها با امام خود ارتباط تنگاتنگی داشتند، در مشکلات و نیازهای خود، به ایشان رجوع می‌کردند و اگر ناگهان امام، پنهان می‌شد و مردم احساس می‌کردند که دیگر دسترسی به رهبر فکری و معنوی خود ندارند، ممکن بود مشکلاتی جدی برای جامعه پدید آید.

بنابراین لازم بود که برای «غیبت تامه»، زمینه‌سازی شود تا مردم به تدریج با آن خوبگیرند و خود را براساس آن بسازند. با غیبت صغرا در واقع این زمینه‌سازی صورت گرفت. در این زمان، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از دیده‌ها پنهان بود ولی ایشان از راه نمایندگان، وکیلان و یاران مورد اطمینان، با شیعیان خود ارتباط داشتند. رفته رفته با پدید آمدن آمادگی (پس از گذشت مدت شصت و نه سال) به دستور خداوند، آن حضرت در پرده پنهان‌زیستی تمام و کامل قرار گرفتند.



## غیبت کبرا

با پایان یافتن دوران غیبت صغرا در سال ۳۲۹ ه. ق و درگذشت چهارمین نایب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، «غیبت کبرا» (غیبت تامه) آغاز شد و تا امروز، ادامه داشته و تا فرارسیدن روز ظهور آن حضرت، ادامه خواهد یافت.

همان‌گونه که اشاره شد، از این دوران در روایات با عنوان «غیبت تامه» تعبیر شده و اصطلاح «غیبت کبرا» در روایات نیامده است؛ اگرچه در برخی روایات، اشاره شده دو غیبت حضرت، یکی کوتاه و دیگری درازمدت است.

برخی از ویژگی‌های این غیبت که آن را از دوران نخست متفاوت می‌سازد، عبارت است از:

۱. طولانی بودن و نامعین بودن مدت این دوران،

۲. قطع ارتباط کلامی با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در این دوران؛ به‌گونه‌ای که ارتباط موجود در زمان غیبت صغرا در این دوران وجود نخواهد داشت،

۳. عام بودن نیابت در این دوران، برخلاف دوران غیبت صغرا که ارتباط مردم با آن حضرت از راه نایبان خاص صورت می‌گرفت، در این دوران دیگر سفارت و نیابت خاص وجود ندارد و یگانه مرجع مردم، نایبان عام آن حضرت هستند که با ملاک‌هایی که در روایات ذکر شده، قابل تشخیص است. در این دوران، مجتهدانی که همه شرایط را دارند، به عنوان نایب عام، وظیفه اداره جامعه را برعهده دارند،

۴. فراگیر شدن حاکمیت ستم و جور در زمین،

۵. شدیدتر شدن امتحانات الهی.

بنابراین دوران غیبت کبرا مدت زمانی نامحدود است که در آن، واپسین پیشوای معصوم به دلیل‌هایی در پرده غیبت به سر می‌برد.



## اختلافات فرقه‌ای پس از شهادت امام حسن عسکری علیه السلام

در روایات فراوان از رسول خدا صلی الله علیه و آله بشارت ظهور آخرین حجت الهی آشکارا مطرح شده بود و عباسیان قیام این موعود الهی را مخالف با جریان حکومت ظالمانه خدا می‌دانست؛ به همین دلیل کوشیدند به خیال خود از عملی شدن این خبر غیبی جلوگیری کنند. آنان به همین منظور، خانه امام عسکری علیه السلام را در کنترل شدید قرار دادند تا اگر فرزندی برای آن حضرت متولد شد، او را شهید کنند.

امام حسن عسکری علیه السلام که در شرایط سخت و سنگینی به سر می‌برد، امور امامت و رهبری شیعه را پنهانی انجام می‌داد. آن حضرت به ویژه امر مهم جانشینی پس از خود و جریان ولادت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را مخفی نگه داشت؛ به همین دلیل بود که در زمان حیات امام عسکری علیه السلام تنها گروه اندکی از شیعیان خاص، از ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آگاه شدند. جواختناق و نیز ولادت پنهانی امام دوازدهم از یک سو و ادعای امامت جعفر - برادر امام عسکری - از سوی دیگر، سبب حیرت و سرگردانی گروه‌هایی از شیعیان شد؛ به گونه‌ای که پس از شهادت امام عسکری علیه السلام رفتند ولی مهم، این است که با تلاش اصحاب امام عسکری علیه السلام و خواص شیعه و نایبان خاص و علمای شیعه، امر ولادت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف برای شیعیان، روشن و مسلم شد و شیعیان به امامت آن حضرت، گردن نهادند. به همین سبب، آن تفرق و پراکندگی به وحدت و یکپارچگی تبدیل شد و از آن فرقه‌ها و گروه‌ها، تنها نام و تاریخچه‌ای در کتاب‌ها به جای ماند؛ به گونه‌ای که بزرگ پرچمدار شیعه شیخ مفید رحمته الله علیه که در نزدیکی همان دوره می‌زیسته، می‌نویسد:

در این سال - یعنی سال ۳۷۳ ق - در زمان ما، دیگر هیچ اثری از این گروه‌ها باقی نمانده است و همه، از بین رفته‌اند.<sup>۱</sup>

بنابراین شبهه افکنی بعضی از مخالفان مبنی بر اختلاف شیعه بر سر امامت دوازدهمین امام و ولادت او، یک جوسازی و داستان‌پردازی دروغین بیش نیست و گواه این مطلب، وحدت و یکپارچگی شیعه در جهان امروز بر امامت دوازدهم مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

## نیابت خاص و عام

## نیابت خاص

نائبان چهارگانه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف

در دوره غیبت صغرا، رابطه شیعیان با امام غائب به کلی قطع نشد بلکه آن حضرت، چهار نفر از بزرگان و خواص شیعه را که همگی از عالمان و پارسایان بودند، نائب خاص خود قرار داد.

مناسب است به اختصار درباره زندگی این بزرگواران و ملاک انتخاب ایشان و سمت نیابت و وظایف و مسئولیت‌های آنها در دوران نیابت و نیز کیفیت ارتباط ایشان با شیعیان، بحث کنیم.

نائب اول: عثمان بن سعید عمری

او نخستین نایب امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف است که به زیات و سمان (= روغن فروش) معروف بوده؛ زیرا فعالیت‌های سیاسی - مذهبی خود را در پوشش این کار انجام می‌داد.<sup>۱</sup>

عثمان بن سعید از جوانی خدمت‌گذار چند امام بود. وی وکیل امام هادی علیه السلام و در ده سال آخر امامت آن حضرت، رهبر سازمان وکالت<sup>۲</sup> و رئیس وکلام امام عسکری بود. تمام وجوهات پیروان امام عسکری علیه السلام به او تحویل شد.<sup>۳</sup> و سپس وکیل ویژه و نائب خاص امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف شد.

شیخ طوسی رحمته الله علیه در این باره می‌نویسد:

«احمد بن اسحاق بن سعد قمی می‌گوید:

روزی به محضر امام هادی علیه السلام رسیدم و گفتم: «من گاهی غایب و گاهی حاضرم [یعنی گاهی در اینجا هستم و گاهی در نقطه دور دستی هستم] و نمی‌توانم مسائل شرعی خود را از شما بپرسم. وقتی هم که حاضرم، همیشه نمی‌توانم به حضور شما برسم. سخن چه کسی را بپذیرم و از چه کسی فرمان بپریم؟»

۱. طوسی، الغیبه، ص ۲۱۴؛ مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۴۴.

۲. طوسی، رجال، ص ۵۲۶.

۳. تاریخ سیاسی امام دوازدهم عجل الله تعالی فرجه الشريف، ص ۱۴۹.



امام فرمود: «این ابوعمر و [عثمان بن سعید عمری] فردی موثق و امین است. او مورد اعتماد و اطمینان من است. آنچه به شما می‌گوید، از جانب من می‌گوید و آنچه به شما می‌رساند از طرف من می‌رساند».

بعد از شهادت امام هادی علیه السلام در یکی از روزها به نزد فرزندش امام حسن عسکری علیه السلام شرفیاب شدم و همان مطلب را از ایشان پرسیدم. آن حضرت همان پاسخ امام هادی علیه السلام را تکرار کرد و فرمود:

«این ابوعمر و [عثمان بن سعید عمری] مورد اعتماد و اطمینان امام پیشین و نیز مورد اعتماد من در زندگی و پس از مرگ من است. آنچه به شما بگوید، از جانب من می‌گوید و آنچه به شما برساند، از جانب من می‌رساند»<sup>۱</sup>.

نائب دوم: ابوجعفر محمد بن عثمان بن سعید عمری

او پس از وفات پدرش، عثمان بن سعید به جای او نشست و به وکالت و نیابت خاص از سوی امام عصر رضی الله تعالی عنه منصوب شد. محمد بن عثمان نیز همانند پدرش از نظر تقوا و موقعیت اجتماعی مورد قبول و احترام خاص شیعیان بود. در بزرگی شخصیت او همین بس که امام عسکری علیه السلام درباره او و پدرش به احمد بن اسحاق قمی چنین فرمود:

«عمری و پسرش -محمد بن عثمان- هر دو امین و مورد اعتماد من هستند. آنچه به تو برسانند از جانب من می‌رسانند و آنچه به تو بگویند از طرف من می‌گویند. سخنان آنان را بشنو و از آنان پیروی کن؛ زیرا این دو نفر مورد اعتماد و امین من هستند»<sup>۲</sup>.

به علاوه امام حسن عسکری علیه السلام پیشاپیش از نیابت او، به شیعیان خبر داده بود، آن‌گاه که فرمود:

«شاهد باشید که عثمان بن سعید عمری وکیل من است و پسرش، محمد، وکیل فرزندم مهدی رضی الله تعالی عنه است»<sup>۳</sup>.

محمد بن عثمان پس از حدود چهل سال نیابت، در سال ۳۰۵ ق در گذشت؛ در حالی که باراهنمایی امام مهدی رضی الله تعالی عنه دو ماه پیش از مرگش از زمان وفاتش خبر داده بود.<sup>۴</sup>

۱. کشی، محمد بن عمر، اختیار معرفه الرجال، ص ۲۱۵؛ صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر، ص ۳۹۲.

۲. طوسی، الغیبه، ۳۹۵؛ کلینی، کافی، ج ۱، ص ۲۳۰.

۳. همان، ۳۵۶.

۴. همان، ح ۳۳۳.

نائب سوم: ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی

او از طایفه بنی نوبخت قمی است که در زمان نخستین نائب امام، به بغداد مهاجرت کرد.<sup>۱</sup>

حسین بن روح پیش از درگذشت نائب دوم، از ناحیه مقدسه به نیابت منصوب شد و توسط نایب دوم به خواص شیعیان و وکیلان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف معرفی شد. او پس از درگذشت محمد بن عثمان در سال ۳۰۵ ق نیابت را به عهده گرفت.

درباره شخصیت او بعضی نوشته اند که از اصحاب امام عسکری علیه السلام بوده<sup>۲</sup> و در میان شیعیان بغداد، موقعیت اجتماعی خوبی داشته است؛ به ویژه که وی در زمان سفیر دوم، یکی از کارگزاران او بوده و در سال های آخر سفارتش، به عنوان سروکیل و واسطه بین او و دیگر وکیلان و ناظر بر اموال محمد بن عثمان منصوب شده است.<sup>۳</sup>

ام کلثوم، دختر محمد بن عثمان می گوید:

«حسین بن روح سال های طولانی وکیل محمد بن عثمان و ناظر بر املاک او بود و اسرار او را به سران شیعه می رساند و از نزدیکان خاص وی بود... بدین سبب حسین بن روح در قلوب شیعیان، جایگاه والایی یافت... و فضل و امانتش همه جا منتشر شده بود... و من، یک نفر شیعه را نمی شناسم که درباره وکالت او شک داشته باشد».<sup>۴</sup>

شیخ صدوق از محمد بن علی اسود روایت می کند که گفت:

«من اموالی از موقوفات را که در اختیار داشتم، پیش محمد بن عثمان می بردم. در روزهای آخر عمرش، وقتی برای تحویل اموال نزد او رفتم، دستور داد تا آنها را به حسین بن روح تحویل دهم... سپس فرمود: «آنچه به دست حسین بن روح می رسد، مانند این است که به دست من می رسد».<sup>۵</sup>

۱. محمد حسین، جاسم، تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص ۱۹۲.

۲. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۴۲۳.

۳. طوسی، الغیبه، ص ۳۷۱ و ۳۷۲.

۴. پورسید آقایی، مسعود، تاریخ عصر غیبت، ص ۲۹۶.

۵. کلینی، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، باب ۴۵، ح ۲۹.



در زمان سفارت سفیر سوم تا حدودی شیعیان آزادی داشتند و حسین بن روح نیز در بین مقامات حکومتی، موقعیت ویژه‌ای داشت؛ بنابراین نائب سوم به دلیل این جایگاه به دستگیری از شیعیان مستمند می‌پرداخت و حتی گاهی به سفارش او مشکل مادی بعضی از علویان به وسیله وزیر عباسی حل می‌شد. سرانجام نائب سوم پس از ۲۱ سال نیابت در شعبان ۳۲۶ ق درگذشت.

نائب چهارم: ابوالحسن علی بن محمد سمري

او در سازمان وکالت شیعه به حسن سابقه مشهور بود و گذشته نیکو و امانت داری او سبب شد جایگاه والایی در میان شیعیان و به ویژه وکلای امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشريف یابد و آن‌گاه که او از سوی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف به نیابت خاصه منصوب شد، مورد قبول و پذیرش همه قرار گرفت.<sup>۱</sup>

نائب چهارم از خانواده‌ای متدین و پیرو اهل بیت علیهم السلام بود؛ به گونه‌ای که بسیاری از خاندان او نیمی از درآمد املاک خود را وقف امام حسن عسکری عجل الله تعالی فرجه الشريف کردند و آن اموال را به صورت سالانه برای آن حضرت، می‌فرستادند.<sup>۲</sup>

سمري مدت نیابتش کوتاه بود و شرایط زمانش، شرایط خاص سیاسی بود؛ به همین سبب، فعالیت‌های او به آیندگان نرسیده است. مهم‌ترین حادثه در نیابت او، پایان یافتن دوره غیبت صغرا و نیابت خاصه است که با صدور توقیعی از سوی امام انجام گرفت.

شش روز قبل از درگذشت علی بن محمد سمري، توقیعی صادر شد که زمان مرگ وی را پیشگویی کرد و خبر داد که دیگر ناییبی نیست و با مرگ او دوره غیبت کبرا آغاز خواهد شد.

شیخ صدوق به نقل از ابومحمد، حسن بن احمد، مکتب می‌نویسد:

«ما در سال وفات ابوالحسن، علی بن محمد سمري در مدینه السلام [= بغداد] بودیم و چند روز قبل از درگذشت او به حضورش رسیدیم. او توقیع حضرت را به ما نشان داد و ما از روی آن نوشتیم و از نزدش بیرون شدیم. چون روز موعود فرا رسید، نزد سمري رسیدیم و او را در حالت احتضار مشاهده کردیم. به وی گفتند: «پس از تو چه کسی

۱. صدوق، کمال‌الدین و تمام‌النعمه، ج ۲، ص ۲۹۸.

۲. همان.

نایب امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است؟ گفت: «خدا را مشیتی است که خود انجام خواهد داد» [یعنی دوره غیبت صغرا به پایان رسیده است و کسی در دوره غیبت کبرا نایب خاص امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیست و این خود از مشیت الهی است.] این مطلب را گفت و جان به جان آفرین تسلیم کرد.<sup>۱</sup>

## ملاک‌های گزینش نایبان خاص

امام هادی و امام حسن عسکری علیهما السلام وکلای زیادی در شهرهای مختلف داشتند. این سؤال مطرح است که از میان آن همه وکیل مورد اعتماد، نایبان خاص چه ویژگی‌هایی داشتند که سبب انتخاب آنها از سوی امام به سمت نیابت شد؟

بررسی تاریخ زندگی و ارتباطات و فعالیت‌های نایبان چهارگانه نشان می‌دهد که آن بزرگواران، از علم و ایمان و تقوای بالایی برخوردار بودند و به علاوه ویژگی‌های مهم دیگری داشتند که از این قرار است:

### الف. تقیه و پنهان‌کاری

نایبان امام به سبب شرایط ویژه و تهدیدهایی که برای امام و نیز شیعیان و پیروان آن حضرت وجود داشت به شدت مراقب ارتباطات خود با امام و نیز شیعیان بودند. عثمان بن سعید، نایب او، در مباحث و جدال‌های مذهبی یا سیاسی شرکت نمی‌کرد<sup>۲</sup> تا موقعیت مهم و جایگاه نیابت او مورد توجه حاکمان واقع نشود.

نایب سوم، حسین بن روح از روی تقیه در مجلسی از خلفای راشدین به نیکی یاد کرد و بالاترین که یکی از خادمان خود را به دلیل لعن کردن معاویه، اخراج نمود.<sup>۳</sup>

### ب. استواری و مقاومت

از آن جا که امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هدف مهم و اصلی دشمن بود و نایبان، بهترین راه دسترسی به آن حضرت بودند، می‌بایست انسان‌هایی استوار و مقاوم

۱. همان، ج ۲، ص ۲۹۴، ح ۴۵.

۲. پورسیدآقایی، مسعود، تاریخ عصر غیبت، ص ۳۰۲.

۳. همان.



باشند تا دشمن نتواند از مسیر آنها به امام، گزندى برساند.

در همین راستا، برخی از ابوسهل نوبختی پرسیدند: «چگونه به جای تو، حسین بن روح به نیابت رسید؟» او گفت: «امامان، بهتر می دانند که چه کسی برای نیابت لیاقت دارد. من با مخالفان مناظره می کنم و اگر آنچه را حسین بن روح درباره مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می داند، می دانستم، شاید در مقام بحث برای اثبات وجود امام، محل قامت او را آشکار می کردم ولی حسین بن روح چنان است که اگر امام را در زیر عباى خود داشته باشد، او را نشان نخواهد داد؛ گرچه بدنش را با قیچی قطعه قطعه کنند»<sup>۱</sup>.

### ج. زیرکی و درایت

چون نیابت امام غائب، موقعیت بسیار مهمی بود که حساسیت دشمن را به دنبال داشت، هریک از نایبان چهارگانه می کوشیدند با مدیریت درست و عمل هوشمندانه، از حساسیت دستگاه حاکم در برابر فعالیت ها و ارتباطات نیابت، جلوگیری کنند؛ به همین منظور، عثمان بن سعید و نیز فرزندش، محمد بن عثمان، به «روغن فروش» معروف بودند و در پوشش یک شغل مرسوم و متداول اجتماعی، کار نیابت را انجام می دادند. نایب سوم، حسین بن روح نیز با نفوذ در دستگاه حاکم و به عهده گرفتن پست دولتی از حساس شدن دستگاه درباره خود جلوگیری کرد. آنان هرگز نمی پنداشتند که وی با امام غایب در ارتباط باشد.

### شیوه ارتباط شیعیان با نایبان خاص

چنان که پیش تر بیان شد، به دلیل دشمنی حاکم عباسی با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف جریان نیابت آن حضرت، امری آشکار و علنی نبود؛ به ویژه در اوائل غیبت صغرا و نیابت نایب اول، شیعیان از طریق وکلا که نمایندگان نایبان بودند، با آنها ارتباط داشتند؛ یعنی مردم، خواسته ها یا سؤالات خود را با وکیلان مطرح می کردند یا وجوهات شرعی خود را به ایشان می سپردند و وکیلان، آنها را به سفیر و نایب امام عجل الله تعالی فرجه الشریف منتقل می کردند و پاسخ درخواست ها نیز با واسطه به دست مردم می رسید. محمد بن عثمان در بغداد، ده وکیل داشت که حسین بن روح از جمله آنها بود. اینها به ظاهر وکلای نایب دوم در امور تجاری



بودند ولی در واقع برای سازمان وکالت شیعه فعالیت می‌کردند.

گفتنی است در کنار رابطه غیرمستقیم، عده‌ای از افراد مورد اعتماد، امکان ارتباط مستقیم با شخص نائب را نیز پیدا می‌کردند و خواسته‌های خود را بی‌واسطه با او در میان گذاشته، پاسخ را نیز از نائب دریافت می‌کردند که مواردی از آنها را شیخ طوسی رحمته‌الله علیه بیان کرده است.<sup>۱</sup> این‌گونه ارتباط بیشتر از زمان نیابت دومین نایب امام، به وجود آمد.

### وظایف و مسئولیت‌های نایبان در عصر غیبت صغرا

دوران غیبت، دوران حساسی است؛ به ویژه که در میان امت اسلام و شیعیان اهل بیت علیهم‌السلام سابقه نداشته است؛ به همین دلیل لازم بود با تدبیری حکیمانه از پیامدها و عوارض احتمالی آن، پیشگیری شود و امت امام برای غیبتی طولانی آماده گردند.

نایبان امام کوشیدند تا در دوره غیبت صغرا این رسالت مهم را به خوبی به انجام رسانند. بنابراین آنها دوگونه مسئولیت داشتند که به توضیح آن می‌پردازیم

#### الف. وظایف نواب نسبت به امام زمان عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف:

۱. از بین بردن شک و تردید نسبت به وجود حضرت مهدی عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف

با توجه به جواختناق و ولادت پنهانی امام مهدی عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف و نیز غیبت آن حضرت، گروه‌هایی از شیعیان درباره وجود فرزندی برای امام عسکری علیه‌السلام در شک و حیرت به سر می‌بردند و بعضی نیز به عقاید باطل کشیده شدند. نایبان خاص امام و به ویژه نائب اول، کوشیدند تا جریان ولادت و امامت آن حضرت را برای شیعیان اثبات کنند. این مهم به خوبی به انجام رسید؛ به‌گونه‌ای که در مدت کوتاهی، شک و تردیدها از میان رفت و عقیده شیعه به امامت مهدی عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف، استوار و مسلم شد.

۲. حفظ جان از راه پنهان کردن نام و مکان حضرت



نائبان خاص امام در همان حال که برای اثبات ولادت و امامت امام برای شیعیان، دلایل و شواهد را بیان می‌کردند، از بردن نام آن حضرت و افشای مکان زندگی او خودداری کرده، شیعیان را نیز از این کار پرهیز می‌دادند؛ زیرا نام بردن سبب حساسیت دشمن و به خطر افتادن جان امام شد.

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در نامه‌ای به محمد بن عثمان، او را از بیان نام و نشان خود نهی فرمود.<sup>۱</sup>

### ب. وظایف نواب نسبت به امت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف:

#### ۱. سرپرستی و تقویت سازمان وکالت

از دوره امامان پیشین، جریان وکالت به وجود آمده بود و امامان علیهم السلام در شهرهای مختلف مانند بغداد و سامرا و قم، وکلایی داشتند که واسطه میان مردم و امام بودند. با شروع غیبت و نیاز بیشتر شیعیان به جریان وکالت، نائبان امام، سازمان وکالت را تقویت کرده، به دستور امام، خود در رأس آن قرار گرفتند تا ارتباط شیعیان با امام غایب در قالب تشکیلاتی سالم و مطمئن و به دور از نفوذ عناصر خائن، انجام گیرد.

چنان‌که امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در نامه‌ای به محمد بن عثمان، بیزاری خود را از یکی از این، این‌گونه خائنان اعلام فرمود:

«و ما از ابن هلال و هرکس که از دو دوری نکند، بیزاریم. خدا او را نیامرزد! تو به اسحاقی و هموطنان او آنچه را گفتیم، اعلام کن.»<sup>۲</sup>

۱. طوسی، الغیبه، ص ۳۶۴، ح ۳۳۱.

۲. همان، ص ۳۵۳؛ بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۳۵۷.

## ۲. پاسخ‌گویی به شبهات اعتقادی و سؤالات فقهی

از وظایف مهم نائبان، دریافت سؤالات مردم و انتقال آنها به محضر امام و نیز رساندن پاسخ کتبی و گاهی شفاهی آن حضرت به شیعیان بود که مجموعه آنها در ضمن توقیعات امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در کتاب‌های روایی شیعه، گرد آمده است.<sup>۱</sup> از معروف‌ترین توقیعات، پاسخ‌های امام به سؤالات اسحاق بن یعقوب است که در ضمن، آن شیوه بهره‌مندی از برکات امام در زمان غیبت با این عبارت، آمده است:

«و اما وجه الانتفاع فی غیبتی فکالاتفاع بالشمس اذا غیبتها عن الابصار السحاب»؛<sup>۲</sup>

و اما چگونگی بهره‌مندی از من در زمان غیبتم، ماننده بهره‌گیری از خورشید است؛ زمانی که ابرها آن را از دیدگان نهان کنند.

نیز در همین توقیع است که امام، شیعیان را در مسائل پیش آمده به فقهای شیعه ارجاع می‌دهد.

## ۳. دریافت وجوه شرعی متعلق به امام

پیش از غیبت صغرا و در زمان امامان گذشته، از کارهای مهم وکیلان، دریافت وجوه شرعی شیعیان و تحویل آن به امام هر زمان بود. نائبان خاص امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز در راستای این وظیفه، اموال شیعیان را به امام غایب می‌رساندند یا به دستور آن حضرت در مواردی مصرف می‌کردند.

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در جریان سفر هیأتی از شیعیان قمی به سامراء که همزمان با شهادت امام حسن عسکری علیه السلام و خاکسپاری آن حضرت بود، ایشان دستور داد که از این پس اموال امام را به نائبان ایشان در بغداد تحویل دهند.<sup>۳</sup>

۱. صدوق، کمال‌الدین و تمام‌النعمه، ج ۲؛ طوسی، الغیبه؛ طبرسی، احتجاج، ج ۲؛ مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۵۳.

۲. طوسی، الغیبه، ص ۲۹۲.

۳. صدوق، کمال‌الدین و تمام‌النعمه، ج ۲، باب ۴۳، ص ۴۷۶، ح ۲۶.



## نیابت عام

پس از سپری شدن دوران غیبت صغرا و سفیران خاص و با آغاز «غیبت کبرا»، زمام امور شیعیان و هدایت ایشان با عنوان «نیابت عام» از طرف حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف - به دست نایبان عام قرار گرفت. به این صورت که امام، ملاک‌های کلی، صفات و مشخصاتی عام را بیان کرد که در هر عصر، فرد شاخصی که آن ضابطه - از هر جهت و در همه ابعاد - بر او صدق کند، نایب امام شناخته شود و به نیابت از او در امر دین و دنیا، سرپرست جامعه باشد. سخنش، سخن امام و اطاعتش، واجب و مخالفتش حرام خواهد بود. در این باره ادله فراوانی نقل شده است؛ مانند:

شیخ صدوق نقل کرده، اسحاق بن یعقوب درباره تکلیف شیعیان در غیبت کبرا از امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پرسید و این تویع در پاسخ او صادر گردید:

«و اما در پیش آمدهایی که برای شما رخ می‌دهد، باید به راویان اخبار ما (دانشمندان علوم دینی) رجوع کنید؛ ایشان حجت من بر شما هستند و من، حجت خدایم»<sup>۱</sup>.

البته پیش از آن، امام حسن عسکری علیه السلام نیز به نقل از امام صادق علیه السلام درباره دانشوران دوران غیبت فرموده بود:

«و اما هر یک از فقیهان که بر نفس خود مسلط شد، دین خود را حفظ کند، با هوای نفس خود مخالفت ورزد و امر خدا را اطاعت کند، بر همگان واجب است که از او تقلید نمایند»<sup>۲</sup>.

مرحوم کلینی نیز از امام صادق علیه السلام همین مضمون را این‌گونه نقل کرده است که:

«هر کدام از شما که حدیث ما را روایت کند و در حلال و حرام ما صاحب نظر باشد و احکام ما را بداند، او را به حکومت برگزینند که من او را بر شما حاکم قرار دادم»<sup>۳</sup>.  
و سرانجام آن که پیامبر صلی الله علیه و آله پیش از همه اینها، زمینه را این‌گونه آماده فرمودند که:

«دانشمندان امت من، مانند پیامبران بنی اسرائیل هستند»<sup>۴</sup>.

۱. همان، ص ۴۸۳، باب ۴۵، ح ۴؛ طوسی، الغیبه، ص ۲۹۰، ح ۲۴۷.

۲. عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۱۳۱، ح ۳۳۴۰۱.

۳. نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، ج ۱۷، ص ۳۲۰؛ کلینی، کافی، ج ۱، ص ۶۷، ح ۱۰.

۴. همان.

یعنی همان طور که انبیای بنی اسرائیل، حافظ دین موسی بودند و اطاعت آنان بر بنی اسرائیل واجب بود، دانشمندان اسلام نیز حافظ دین پیغمبرند و اطاعت از آنان در احکام شرع، واجب است.

امام عسکری علیه السلام از پدر بزرگوارش نقل کرده که فرمود:

«اگر نبودند دانشمندانی که پس از غیبت قائم شما، به سوی او دعوت می‌کنند و به سوی او رهنمون می‌شوند و از دین او دفاع می‌کنند و بندگان ناتوان را از دام‌های شیطان و مریدهای شیطانی نجات می‌دهند، کسی باقی نمی‌ماند؛ جز این که از دین خدا مرتد می‌شدند ولی این دانشمندان، زمام دل فرودستان را به دست می‌گیرند؛ همان‌گونه که ملوان‌ها زمام کشتی را به دست می‌گیرند و سرنشین‌های کشتی را از خطر مرگ، حفظ می‌کنند. اینها در نزد خداوند متعال، برترین هستند»<sup>۱</sup>.

بی‌گمان همین نایبان عام حضرت مهدی علیه السلام هستند که در طول تاریخ غیبت کبرا، دین مقدس اسلام را از انحراف حفظ کرده، مسائل مورد نیاز را برای مسلمانان، بیان کرده‌اند و دل‌های شیعیان را بر اساس عقاید صحیح، استوار ساخته‌اند.

و شکی نیست که تمام کامیابی‌ها و پیروزی‌ها، با مجاهدت و تلاش خستگی‌ناپذیر محدثان و فقیهان شعیه - از اواخر غیبت صغرا تا به امروز - بوده و حیات، شادابی و پویایی تشیع را تضمین کرده است.

### محل اقامت امام عصر علیه السلام

حضرت مهدی علیه السلام مانند دیگر انسان‌ها نیاز به محل زندگی دارد.

یکی از مهم‌ترین امور پنهان نظام هستی، محل زندگی آن حضرت در طول غیبت ایشان است که بسیاری علاقه‌مندند بدانند حضرت، در کدامین بخش از این کره خاکی به گذران عمر می‌پردازد. به بیان دیگر، کدامین قسمت از زمین، افتخار این منزلت را دارد؟

صدها سال است که میلیون‌ها انسان، واله و شیفته در هر پگاه آدینه، سخن به ندبه می‌کشایند و این‌گونه می‌سرانند: «ای کاش می‌دانستم در چه

۱. طبرسی، احمد بن علی، احتجاج، ج ۱، ص ۱۸ و ج ۲، ص ۴۵۵؛ صافی گلپایگانی، لطف‌الله، منتخب‌الانوار، ص ۲۲۳.



جایی منزل گرفته‌ای و چه سرزمینی و مکانی تو را دربر گرفته است! آیا در کوه رضوایی یا جای دیگری یا در ذی طوی هستی؟ دشوار است بر من که مردمان را بینم و تودیده نشوی!»<sup>۱</sup>.

حال برای روشن شدن این موضوع، پای به گلستان کلام معصومین علیهم‌السلام می‌گشاییم و با سیری در کلام نورانی ایشان، از آن انفاس قدسی برای حل این معما، استمداد می‌طلبیم.

با یک نگاه کلی در این بوستان پرطروات، به روایت‌هایی در این موضوع برخوردیم خورد که محل زندگی حضرت مهدی را در دوران غیبت، بیان کرده است.

این روایات را می‌توان درباره دو دوره غیبت، توضیح داد:

#### ۱. دوران غیبت صغرا (۳۲۹ - ۲۶۰ هـ. ق)

غیبت صغرا عبارت است از دوران پنهان‌زیستی کوتاه مدت حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی و فرجه‌الشریف که طبق دیدگاه مشهور، با شهادت امام عسکری در سال ۲۶۰ ق آغاز شده و با رحلت چهارمین نائب خاص آن بزرگوار (۳۲۹ ق) به پایان رسیده است که در مجموع، نزدیک هفتادسال می‌شود.

اگرچه روشنی محل زندگی آن حضرت عجل‌الله‌تعالی و فرجه‌الشریف در این دوران مشخص نیست، از برخی روایات و قرینه‌ها به دست می‌آید که این مدت را حضرت به طور عمده در دو منطقه سپری کرده‌اند؛ یکی منطقه عراق و دیگر مدینه منوره.

از امام صادق علیه‌السلام در این زمینه نقل شده که فرمود:

«برای حضرت قائم عجل‌الله‌تعالی و فرجه‌الشریف، دو غیبت است. یکی کوتاه و دیگری طولانی. در غیبت نخست، جز شیعیان مخصوص از جای آن حضرت خبر ندارند و در غیبت دیگر، جز دوستان مخصوصش از جای او خبر ندارند»<sup>۲</sup>.

در دوران غیبت صغرا، از سفیران چهارگانه (نواب خاص) کسی نزدیک‌تر به آن حضرت ذکر نشد است و ایشان نیز همگی در عراق زندگی می‌کردند و همواره با حضرت در ارتباط بودند و توقیعات فراوانی از طرف حضرت به دست

۱. سیدبن طاووس، اقبال الاعمال، ص ۲۹۸.

۲. کلینی، کافی، ج ۲، ص ۱۴۱.

آنها می‌رسید. بنابراین می‌توان گفت: بخشی از عمر آن حضرت در این دوران، در عراق سپری شده است.

دسته‌ای دیگر از روایات به صورت مطلق (بدون در نظر گرفتن صغرا و کبرا بودن غیبت)، زندگی حضرت را در دوران غیبت، در مدینه منوره ذکر کرده‌اند که با توجه به روایات دسته نخست، می‌توان گفت: ممکن است بخشی از دوران غیبت صغرا در مدینه سپری شده باشد.

امام باقر علیه السلام در این باره فرمود:

«به ناگزیر برای صاحب این امر، عزلت و گوشه‌گیری خواهد بود... و طیبه «مدینه» چه منزلگاه خوبی است.»<sup>۱</sup>

بنابراین جمع بین دو دسته روایات به این صورت است که آن حضرت در مدینه حضور داشته‌اند ولی به سبب ارتباطی که آن حضرت با نواب خاص داشته‌اند، بخشی از عمر خود را در عراق سپری کرده‌اند.

## ۲. دوران غیبت کبرا

غیبت کبرا به مدت زمان پنهان‌زیستی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف گفته می‌شود که با وفات واپسین نائب خاص (سال ۳۲۹ ق) آغاز و هم‌چنان ادامه دارد و فقط خداوند متعال است که پایان آن را می‌داند.

این دوران، ویژگی‌های خاصی دارد که آن را از دوران غیبت صغرا به‌طور کامل، متمایز می‌سازد که از آن ویژگی‌ها، کامل شدن غیبت آن حضرت است.

همانگونه که پنهان‌زیستی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در این دوران به کمال می‌رسد و نیابت و سفارت، همانند دوران غیب صغرا وجود ندارد، محل زندگی آن حضرت نیز نامشخص‌تر می‌شود. در این دوران است که هرگز نمی‌توان به‌طور قطع مشخص کرد آن حضرت کجا زندگی کند. البته روایات در این باره به محل‌های گوناگونی اشاره کرده‌اند که برخی از آنها از این قرارند:



## الف. مدینه منوره

همان طور که پیش تر اشاره شد، برخی از روایات به صورت عام و بدون قید، زمان غیبت صغرا، مدینه را به جایگاه آن حضرت در دوران غیبت، دانستند.

## ب. ناحیه ذی طور

ناحیه ذی طور، در یک فرسخی مکه و داخل حرم قرار داد و از آنجا خانه های مکه دیده می شود. برخی از روایات، آن محل را مکانی که حضرت بخشی از زمان غیبت را در آن جا سپری می کند، معرفی کرده اند.

امام باقر علیه السلام در این باره فرمود:

«صاحب این امر را در برخی از این دره ها، غیبتی است و با دست خود به ناحیه ذی طوی اشاره کرد»<sup>۱</sup>.

## ج. دشت ها و بیابان ها

از برخی روایات نیز استفاده می شود که آن حضرت، در طول غیبت، محل خاصی ندارد و همواره در سفر به سر می برد.

از امام باقر علیه السلام نقل شده است که وقتی شباهت های حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به انبیا را بیان می کردند، چنین فرمودند:

«و اما شباهت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به حضرت عیسی علیه السلام، جهان گردی [نداشتند مکان خاص] است»<sup>۲</sup>.

همچنین چنان چه بپذیریم آنچه به نام شیخ مفید صادر شده، توفیق حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است، در آن جا نیز به نام معلوم بودن مکان حضرت، اشاره شده است.

۱. نعمانی، الغیبه، ص ۱۸۱.

۲. طبری، دلائل الامامه، ص ۲۹۱.



در آن نوشته، چنین بیان شده است:

«با این که ما براساس فرمان خداوند و صلاح واقعی ما و شیعیان مؤمن مان تا زمانی که حکومت دنیا در اختیار ستمگران است، در نقطه‌ای دور و پنهان از دیده‌ها به سر می‌بریم»<sup>۱</sup>.

لازم به یادآوری است که این نامعلوم بودن محل زندگی آن حضرت، در دوران غیبت کبرا سبب شده تا عده‌ای به گمانه‌زنی‌هایی سست و واهی پردازند و به طرح محل‌هایی که اثبات آنها کاری بس مشکل است، روی آورند.

افسانه جزیره خضرا و مثلث برمودا و مانند آن، حکایت‌هایی است که در تاریخ پرفراز و فرود این اعتقاد سترگ، رخ نموده است ولی همواره روشنگران این عرصه، مردم را از فروغلتیدن در بی‌راهه‌ها حفظ کرده‌اند.

البته پیش از آن نیز بی‌خبرانی به شیعه تهمت زده که آنها معتقدند حضرت مهدی در دوران غیبت، در سرداب سامرا زندگی می‌کند که در این جا مناسب است اشاره‌ای کوتاه به آن کنیم.

بیشتر خانه‌ها در مناطق گرم عراق از گذشته، سرداب (زیرزمین) داشت تا ساکنان خانه از شدت گرمای تابستان در امان باشند.<sup>۲</sup> خانه حضرت عسکری علیه السلام در سامرا نیز دارای سرداب بود.

این سرداب، محل زندگی و عبادت امام هادی علیه السلام، امام حسن عسکری علیه السلام و حضرت بقیه الله عجل الله فرجه الشريف بود و دیدارها با آن حضرت در زمان پدر، در همین منزل و در همین سرداب، صورت می‌گرفت. به همین جهت، شیعیانی که پس از رحلت امام حسن عسکری علیه السلام، برای زیارت قبر آن امام و پدر بزرگوارشان وارد سامرا می‌شدند، پس از زیارت قبر آن بزرگواران، در محل عبادت سه امام بزرگوار، نماز می‌خواندند و آن جا را زیارت می‌کردند.

۱. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۴.

۲. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، ج ۱، ص ۴۷۶.



## بخش سوم

### فصل دوم:

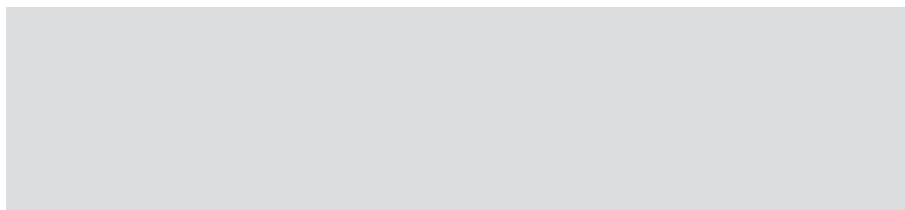
### فلسفه غیبت و فوائد امام غایب

---

فلسفه غیبت

فوائد امام غایب

فلسفه دو مرحله‌ای بودن غیبت



## فلسفه غیبت

بدون شک غیبت واپسین حجت الهی، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پدیده‌ای است که به این صورت، هرگز در تاریخ اتفاق نیفتاده است. طبیعی است که ذهن جستجوگر انسان، همواره این پرسش را مطرح کند که چرا چنین رخدادی پدید آمده است؟

پیش از هرسخنی توجه به این نکته ضروری است که از آن جایی که فلسفه و علل غیبت، فرع بر امامت ایشان است، این بحث فقط برای کسانی مفید خواهد بود که اصل امامت ایشان را پذیرفته باشند و اگر کسی امامت و مهدی بودن آن حضرت را قبول نداشته باشد، آگاهی از فلسفه و علل غیبت، برای وی فایده‌ای ندارد. همان‌گونه که امامت آن حضرت فرع بر وجود ایشان است و کسی که وجود آن حضرت را منکر باشد، بحث درباره امامت آن حضرت، بی‌فایده خواهد بود.

البته کسی که وجود و امامت ایشان را پذیرفته باشد، نیاز چندانی به آگاهی از فلسفه و علل غیبت آن حضرت ندارد؛ به عبارت دیگر، دانستن و یا ندانستن فلسفه و علل غیبت، تأثیر چندانی در باور او نخواهد داشت؛ چه این‌که ایشان را موجود و امام آن‌هم با تمام ویژگی‌های آن - می‌داند. و نصب آن امام را از طرف خداوند باور داشته، تمام آن‌چه خداوند اراده فرموده را عین حکمت می‌داند و غیبت آن حضرت نیز به اراده خداوند است. پس به‌طور قطع، خداوند حکیم در پنهان کردن آن امام، حکمتی را در نظر داشته است.

شیخ طوسی رحمته الله علیه در این باره می‌گوید:

«سخن در این موضوعات نظیر سخن گفتن، پیرامون بیماری کودکان و چارپایان و آفرینش حشرات موزی و قیافه‌های زشت و متشابهات قرآن می‌ماند که پرسیم: خداوند به چه دلیل آنها را آفریده است؟ پاسخ، این است که هرگاه پی بردیم خدای متعال، حکیم و داناست و کارهایی که در آن حکمت و مصلحتی نیست، انجام نمی‌دهد، پی خواهیم برد که آفرینش اشیای یاد شده نیز بر اساس حکمتی بوده است؛ هرچند مشخصاً از آن آگاه نیستیم. درباره حضرت صاحب‌الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز می‌گوییم: ما می‌دانیم که آن بزرگوار جز بر اساس حکمتی که خدا برایش روا دانسته، غایب نگشته است؛ هرچند به گونه‌ای تفصیلی و مشروح از آن آگاهی نداریم»<sup>۱</sup>.



در روایات معصومین علیهم السلام و سخنان دانشوران بزرگ شیعه از موضوع‌های مختلفی به عنوان حکمت، فلسفه یا علت غیبت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف یاد شده است که در این جا به برخی از مهم‌ترین آنها اشاره می‌کنیم: بیشتر اموری که در روایات از آنها به عنوان علت یا سبب غیبت، یاد شده‌اند، بیان‌کننده فواید، آثار و نتایج غیبت هستند؛ نه علت به معنای اصطلاحی آن که وجود آن موجب وجود معلول و عدم آن موجب عدم معلول می‌شود. بنابراین با وجود برطرف شدن برخی یا حتی همه این علت‌ها نیز استمرار غیبت قابل تصور خواهد بود.<sup>۱</sup> از همین روست که در برخی روایات آمده است که غیبت، رازی از رازهای خداست و این راز تا زمان ظهور ناگشوده خواهد ماند. آیت‌الله صافی گلپایگانی، از صاحب‌نظران حوزه مهدویت در این زمینه، چنین می‌نویسد:

«آنچه بگوییم راجع به اسرار غیبت، بیشتر مربوط به فواید و آثار آن است و الا علت اصلی آن بر ما مجهول است. و این است معنای احادیث شریفه‌ای که در آنها تصریح شده به اینکه سرغیبت آشکار نشود مگر بعد از ظهور.»<sup>۲</sup>

به رغم آن‌چه یاد شد، از کلام معصومین علیهم السلام بعضی از حکمت‌ها و علت‌های این رویداد، قابل استفاده است.

در پاسخ به این پرسش، محوری‌ترین نکته‌ای که در کلام نورانی ایشان می‌توان دید، این است که پنهان‌زیستی آخرین ذخیره الهی، به‌طور قطع از اسرار خداوندی است که پرنده اندیشه و فکر را توان پرواز تا آن قله بلند نیست.

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله حقیقت سربودن این ام را چنین بیان فرموده است:

«ای جابر! همانا این امر، امری است از امر خداوندی و سری است از سر خدا که بر بندگان او پوشیده است. پس بر حذر باشد که دچار تردید نشوی؛ همانا شک درباره خدا، کفر است.»<sup>۳</sup>

۱. محمد بن جریر، تاریخ الطبری تاریخ الأمم والملوک، ص ۱۵۶.

۲. طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الإحتجاج، تحقیق: البهاری، ابراهیم؛ هادی، به، محمد، با اشراف: سبحانی، جعفر، ص ۸۹.

۳. صدوق، کمال‌الدین و تمام‌النعمه، ج ۱، ص ۲۸۷.



امام صادق علیه السلام نیز این حقیقت را چنین بیان فرموده‌اند:

«این امر، امری از امر خدا و سری از سر خدا و غیبی از غیب خداست و زمانی که می‌دانیم خداوند بزرگ، مرتبه حکیم است، تصدیق می‌کنیم که همه کارهای او حکیمانه است؛ اگرچه علت آن کارها بر ما روشن نباشد»<sup>۱</sup>.

افزون بر این پاسخ اساسی، گاهی نیز ایشان به تناسب فهم مخاطبان، به بعضی امور دیگر نیز اشاره می‌فرمودند. اینک با استفاده از روایات معصومین علیهم السلام به برخی از حکمت‌های این رخداد اشاره می‌کنیم:

### ۱. حفظ جان امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

نخستین فلسفه پنهان‌زیستی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، در امان ماندن ایشان از گزند بدخواهان است. امام صادق علیه السلام فرمود:

«همانا برای قائم پیش از آن‌که قیام فرماید غیبتی است؛ چراکه در هراس است (و حضرت اشاره به شکم خود کرد؛ یعنی بیم کشته شدن دارد)»<sup>۲</sup>.

### ۲. امتحان و آزمایش انسان‌ها

پیشوای هفتم شیعیان، امام کاظم علیه السلام فرموده است:

«هنگامی که پنجمین فرزند از امام هفتم ناپدید شود، پس خدا را خدا را مواظب باشید در دیتان! شما را احدی از آن دور نسازد. فرزندم! صاحب این امر، ناگزیر از غیبتی خواهد بود تا کسی که به این امر قائل است، از آن باز گردد. همانا آن آزمایشی از سوی خداست که خلق خود را به وسیله آن، می‌آزماید»<sup>۳</sup>.

### ۳. آزاد بودن امام از بیعت با ستمگران

مضمون برخی از روایات این است که آن حضرت با غیبت خود، به بیعت با طاغوت‌های زمان، مجبور نمی‌شود.

امیرمؤمنان علیه السلام می‌فرماید:

«همانا قائم از ما اهل بیت، هنگامی که قیام می‌کند، بیعت احدی بر گردن او نیست

۱. صدوق، علل الشرائع، ج ۱، ص ۲۴۵.

۲. کلینی، کافی، ص ۳۴۰؛ طوسی، الغیبه، ص ۳۲۹.

۳. کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۳۶.



و به همین علت است که ولادتش نگه داشته می شود و شخص او غایب است».<sup>۱</sup>

همین معنا در کلامی از پیشوای دوم - هنگامی که به جهت مصالح اسلام و مسلمانان به مصالحه با معاویه تن داد و مردم، زبان به ملامت آن حضرت گشودند - انعکاس یافت:

«آیا ندانستید که هیچ یک از ما ائمه نیست؛ مگر این که بیعت با ستمگری برگردن او قرار می گیرد؛ به جز قائم عَلَيْهِ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ الرَّحِيمِ که عیسی بن مریم عَلَيْهَا السَّلَامُ پشت سرش نماز می گزارد. پس به درستی که خداوند متعال ولادتش را مخفی و شخصش را پنهان می سازد تا هنگامی که قیام کند، بیعت هیچ کس برگردنش نباشد».<sup>۲</sup>

حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ الرَّحِيمِ نیز در توقیعی شریف در پاسخ به بعضی پرسش ها می فرماید: «در خصوص علت غیبت، پرسش کرده بودید. خداوند در قرآن کریم می فرماید:

«ای اهل ایمان! از چیزهایی سؤال نکنید که اگر برای شما روشن شود، ناراحت می شوید».<sup>۳</sup> بدانید که هر کدام از پدران من، بیعت یکی از طاغوت های زمان خویش را برگردن داشتند ولی من وقتی قیام می کنم، بیعت هیچ یک از گردن کشان و طاغوت های زمان را برگردن ندارم».<sup>۴</sup>

#### ۴. نبود یاران وفادار برای امام

از روایات متعددی استفاده می شود که استمرار غیبت امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ الرَّحِيمِ و ظهور نکردن آن حضرت، به دلیل یافت نشدن یاران وفادار به تعداد لازم؛ یعنی سیصد و سیزده نفر است که از آن جمله می توان به روایت نقل شده از امام موسی کاظم عَلَيْهِ السَّلَامُ اشاره کرد. در این روایت، ایشان خطاب به یکی از یاران خود می فرماید: «ای پسر بکیر! من به تو سخنی را می گویم که پدران من نیز پیش از من آن را بر زبان رانده اند و آن، این است که اگر در میان شما به تعداد کسانی که در جنگ بدر (با پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) بودند، یاران مخلص وجود داشت، قیام کننده ما اهل بیت ظهور می کرد».<sup>۵</sup>

۱. صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۰۳؛ طبرسی، فضل بن حسن امین الاسلام، اعلام الوری، ص ۴۲۶.

۲. همان، ص ۳۱۵؛ طبرسی، احمد بن علی، احتجاج، ج ۲، ص ۲۸۹.

۳. مائده، ۱۰۱.

۴. طوسی، الغیبه، ص ۲۹۰؛ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۸۳، ح ۴.

۵. صدر، سید محمد باقر، رهبری بر فراز قرون: پژوهشی درباره امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ الرَّحِيمِ؛ (ترجمه کتاب بحث حول المهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ الرَّحِيمِ)، تحقیق: شراره، عبدالجبا، ترجمه: م شفيعی، صطفی، ص ۱۱۳.

این موضوع از روایتی نیز که نعمانی آن را در کتاب خود، از امام صادق علیه السلام نقل کرده است، استفاده می‌شود: یکی از یاران امام صادق علیه السلام بر آن حضرت وارد شد و عرضه داشت: فدایت گردم؛ به خدا سوگند، من تو را دوست می‌دارم و هر کس که تو را دوست دارد، دوست دارم. ای آقای من! چه قدر شیعیان شما فراوانند! آن حضرت فرمود: آنان را بشمار. عرض کرد: بسیارند. آن حضرت فرمود: آنها را می‌توانی بشماری؟ عرض کرد: آنها از شمارش بیرونند. امام صادق علیه السلام فرمود: ولی اگر آن شماره‌ای که توصیف شده است؛ یعنی سیصدواندی تکمیل می‌شد، آن چه در پی آنید، رخ می‌داد. امام جواد علیه السلام در روایتی پس از معرفی قائم آل محمد علیه السلام بر این نکته تصریح می‌کند که فراهم شدن تعداد مشخص از یاران آن حضرت (سیصدوسیزده نفر) شرط تحقق ظهور است. از این روایت نیز می‌توان استفاده کرد که استمرار غیبت به دلیل نبود تعداد مورد نیاز از یاران وفادار است؛ او همان کسی است که زمین برایش در هم پیچیده می‌شود و هر سختی برایش همواره می‌گردد و یاران او به تعداد اهل بدر - سیصدوسیزده نفر - از اطراف زمین به گرد او جمع می‌شوند و این همان سخن خدای عزوجل است که فرمود:

«هر کجا باشید، خداوند همگی شما را به سوی خود باز می‌آورد. در حقیقت، خدا بر همه چیز تواناست.»

پس هنگامی که این تعداد از اهل اخلاص جمع شدند، خداوند امر او را آشکار می‌کند و آن گاه که ده هزار نفر برای او کامل شد، به اذن خدای عزوجل خروج می‌کند.

گفتنی است شیخ مفید رحمته الله علیه نیز در یکی از رساله‌های خود بر این موضوع تأکید می‌کند که فراهم نبودن تعداد مورد نیاز از یاران برگزیده، یکی از دلایل استمرار غیبت است. او می‌نویسد: در مجلس یکی از رؤسا حاضر شدم، بحثی در امامت مطرح و به گفت‌وگو درباره غیبت امام زمان علیه السلام منجر شد. صاحب آن مجلس گفت: «آیا شیعه از جعفر بن محمد علیه السلام روایت نمی‌کند که: اگر به تعداد اهل بدر (سیصدواندی نفر) برای امام جمع شوند، خروج با شمشیر بر ایشان واجب می‌گردد؟» گفتم: این حدیث روایت شده است. گفتم: ما یقین داریم که تعداد شیعیان در این زمان چندین برابر تعداد اهل بدر هستند، پس



چه طور با وجود روایت یاد شده، غیبت برای امام جایز می باشد؟ در پاسخ او گفتم: هرچند تعداد شیعیان در این زمان چندین برابر تعداد اهل بدر است و اگر به تعداد جماعت اهل بدر، اجتماع کنند، دیگر امام نمی تواند تقیه کند و ظهور بر او واجب می شود ولی در این زمان هنوز این تعداد با ویژگی ها و صفاتی که در اهل بدر وجود داشت، محقق نشده است؛ زیرا لازم است که این جماعت در ویژگی هایی چون شجاعت، صبر بر مرگ، اخلاص در جهاد، ترجیح آخرت بر دنیا، پیراستگی باطنی از عیوب و سلامتی عقلی سرآمد باشند و در هنگام کارزار سستی و درنگ نورزند... و همه شیعیان این ویژگی ها را ندارند. اگر خداوند تعالی می دانست که در میان آنها این تعداد افراد با ویژگی های یاد شده وجود دارد، قطعاً امام عَلَيْهِ السَّلَام ظهور می کرد و بعد از اجتماع این افراد، به اندازه یک چشم برهم زدن هم غایب نمی شد ولی روشن است که واقعیت، این گونه نیست و از این رو، غیبت بر امام، رواست<sup>۱</sup>.

## ۵. آماده نبودن جوامع بشری

امام عصر عَلَيْهِ السَّلَام در یکی از توقیعی های خود مطلبی را بیان می کنند که شاید بتوان از آن استفاده کرد که علت استمرار غیبت، آماده نبودن جوامع بشری، به طور عام و جوامع شیعی، به طور خاص است. آن حضرت می فرماید:

اگر شیعیان ما که خداوند توفیق طاعتشان دهد، در راه ایفای پیمانی که بردوش دارند، همدل می شدند، میمنت دیدار ما از ایشان به تأخیر نمی افتاد و سعادت دیدار ما زودتر نصیب آنان می گشت؛ دیداری بر مبنای شناختی راستین و صداقتی از آنان نسبت به ما.<sup>۲</sup>

برخی فقیهان و متکلمان بزرگ شیعه نیز این موضوع را که علت غیبت، فراهم نبودن زمینه برای ظهور و آماده نبودن جوامع بشری است، تأیید کرده اند که از آن جمله می توان به شیخ طوسی و خواجه نصیرالدین طوسی رحمتهما اشاره کرد. شیخ طوسی هنگام بحث از حکمت و سبب غیبت، ابتدا به شرح دیدگاه خود در این زمینه پرداخته است و پس از بحث و بررسی های مفصل می نویسد: به طور قطع می توان گفت علت غیبت امام ترس او از کشته شدن به دست ظالمان و باز داشتن آن حضرت از تصرف در اموری است که تدیرو تصرف در آنها به دست او سپرده شده بود. پس هنگامی که بین امام و مقاصد

۱. حکیمی، محمدرضا، خورشید مغرب، ص ۶۹.

۲. الطبرانی، أبو القاسم سلیمان بن أحمد، المعجم الکبیر، تحقیق: حمد بن عبدالمجید السلفی.





او مانع ایجاد شود، لزوم قیام به امامت ساقط می‌گردد و هنگامی که امام بر جان خود بیمناک شود، واجب است که نهان زیستی را پیشه خود سازد و از دیده‌ها پنهان شود. هم چنان که پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ یک بار در شعب و بار دیگر در غار از دیده‌ها پنهان شد و این تنها به دلیل بیم از خطرهایی بود که جان او را تهدید می‌کرد. آن گاه در پاسخ به اشکال‌هایی که ممکن است به مقایسه غیبت پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ با غیبت امام عصر عَلَيْهِ السَّلَامُ گرفته شود، می‌نویسد:

«فی الجمله بر خدای تعالی واجب است امام را به گونه‌ای تقویت کند که برای او امکان قیام فراهم شود و دست او باز گردد. این موضوع به وسیله فرشتگان و آدمیان امکان‌پذیر می‌شود. حال اگر خداوند این کار را به وسیله فرشتگان انجام نداد، می‌فهمیم که در این کار مفسده‌ای بوده است. بنابراین واجب می‌شود که این کار به وسیله آدمیان انجام پذیرد. پس اگر انسان‌ها این کار را انجام ندادند، به خود آنها برمی‌گردد؛ نه خدای تعالی. با این بیان همه اشکال‌های از این جنس باطل می‌شود. پس همان گونه که برای پیامبر - درود و سلام خداوند بر او و خاندانش باد - جایز بود در صورت نیاز و به دلیل بیم از ضرر از دیدگان مخفی شود و آثار و پیامدهای این مخفی شدن هم به کسانی که ایشان را وادار به این کار کردند، برمی‌گشت، امام نیز می‌تواند از دیدگان مخفی شود و آثار و پیامدهای آن هم برعهده عوامل مخفی شدن آن حضرت است»<sup>۱</sup>.

از این بیان شیخ طوسی رَحِمَهُ اللهُ عَلَيْهِ به خوبی روشن می‌شود که علت اصلی استمرار غیبت امام عصر عَلَيْهِ السَّلَامُ، فراهم نشدن زمینه ظهور ایشان توسط آدمیان بوده است. خواجه نصیرالدین طوسی رَحِمَهُ اللهُ عَلَيْهِ نیز در این زمینه می‌فرماید:

«وجود امام، لطف است؛ پس واجب است که او را نصب کند تا بدین وسیله غرض او از خلقت حاصل شود. وجود امام لطف است و تصرف او [در جامعه و اجرای احکام الهی] لطفی دیگر و عدم تصرف او از ناحیه ماست.»

شارح تجرید الاعتقاد در شرح این سخن خواجه می‌نویسد: خواجه فرمود: «و عدمه منا» یعنی تصرف نکردن امام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از ناحیه ماست؛ چون لطف از طرف خدا آن است که امام را معین فرماید و بشناساند و لطفی که بر مکلفان واجب است آن است که هریک او را به دیگران بشناساند و ادله امامت او را بگویند و هیچ کس مانع تصرف و تعلیم و تبلیغ سخنان او نشود و این امور که بر مردم واجب بود و نکردند، موجب عدم تصرف او شد. نظیر آن است که خدا به هر کس دست و پا و چشم و گوش داد، برای معیشت و از این‌که بداند ظالمی دست و پای او را خواهد بست و مانع دیدن و شنیدن او خواهد شد، از دادن دست و پا و چشم و گوش دریغ نخواهد فرمود»<sup>۲</sup>.

۱. طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الإحتجاج، تحقیق: البهاری، ابراهیم، هادی، به، محمد، با اشرف: سبحانی، جعفر، ص ۱۲۸.

۲. عمیدی، ثامر هاشم، در انتظار ققنوس، ترجمه: علیزاده، مهدی، ص ۱۱۴.



## ۶. رازی از رازهای الهی

ناگفته نماند که برخی روایات، حکمت غیبت را رازی از رازهای خدا دانسته‌اند که تنها پس از ظهور آشکار می‌شود. روایت زیر که از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ نقل شده، از آن جمله است: حکمت غیبت او همان حکمتی است که در غیبت حجت‌های الهی پیش از او بوده است و وجه حکمت غیبت او پس از ظهورش آشکار می‌شود. همچنان که وجه حکمت کارهای خضر عَلَيْهِ السَّلَامُ از شکستن کشتی و کشتن پسر و به پا داشتن دیوار، بر موسی عَلَيْهِ السَّلَامُ روشن نشد تا آنکه وقت جدایی آنها فرارسید. ای پسر فضل! این امری از امور الهی و سری از اسرار خدا و غیبی از غیب‌های پروردگار است. در پایان بررسی حکمت و فلسفه غیبت امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ نکاتی را یادآور می‌شویم:

۱. با توجه به علل و عوامل مختلفی که در روایات معصومان عَلَيْهِمُ السَّلَامُ و سخنان دانشوران بزرگ شیعه برای غیبت آن حضرت برشمرده شده است، اظهار نظر قطعی درباره علت اصلی غیبت امکان پذیر نیست و شاید بتوان گفت مجموعه‌ای از این علل و عوامل زمینه ساز آغاز غیبت و استمرار آن بوده‌اند.<sup>۱</sup>

۲. مهم‌ترین نکته‌ای که در بررسی علل و عوامل غیبت باید به آن توجه داشت این است که آیا مردم عصر امامان معصوم عَلَيْهِمُ السَّلَامُ و اعصار بعدی در فراهم آوردن زمینه‌های غیبت و تداوم آن نقش داشته‌اند یا خیر. تبیین این موضوع تأثیر زیادی در نظریه‌های مربوط به ظهور امام عصر عَلَيْهِ السَّلَامُ دارد و بر اساس آن می‌توان در مورد نقش مردم در زمینه‌سازی ظهور و فراهم آوردن مقدمات آن اظهار نظر کرد. بر اساس دیدگاهی که علت یا فلسفه غیبت را ستم پیشه بودن انسان‌ها، نبود یاران وفادار برای امام عَلَيْهِ السَّلَامُ یا آماده نبودن جوامع بشری می‌داند، به صراحت می‌توان برای مردم در پیش افتادن ظهور و تحقق آن، نقش قائل شد و گفت حضور مجدد امام معصوم عَلَيْهِ السَّلَامُ در جامعه مشروط به آن است که انسان‌ها راه صلاح و رستگاری را در پیش گیرند؛ ستمی را که در حق امامان معصوم روا داشته‌اند جبران کنند؛ به وظایف و تکالیفی که در برابر امام عصر عَلَيْهِ السَّلَامُ دارند، عمل نمایند و با انجام اقدام‌های فرهنگی و اجتماعی زمینه را برای بازگشت



امام به صحنه جامعه فراهم سازند.<sup>۱</sup> حتی براساس دیدگاهی که علت غیبت را آزمایش مردم می‌داند، می‌توان به نتایج یاد شده رسید؛ زیرا اگر مردم به درستی متوجه شدند غیبت امتحانی بزرگ برای آنهاست، سعی خواهند کرد که در این امتحان، سربلند بیرون آیند و این خود، زمینه‌ساز ظهور خواهد بود.

البته نکته‌های دیگری نیز در این بحث اشاره شده است؛ مانند خالص شدن صلب کافران از مؤمنان، جریان سنت الهی (که درباره پیامبران پیشین رخ داده) برای حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و آماده‌شدن جامعه جهانی برای پذیرش قیام و حکومت حضرت که مناسب است به کتاب‌های مفصل، مراجعه شود.

### فوائد امام غایب

امامی که غایب باشد، چه فایده‌ای دارد؟ این پرسش بارها در زمان معصومین علیهم‌السلام - پیش از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف - مطرح شده و ایشان نیز طبق درک و فهم مخاطبان، پاسخ داده‌اند که یکی از آنها، پاسخ معروفی است که ایشان نفع بردن از آن حضرت را در این دوران، به بهره‌بردن از خورشید پشت ابر تشبیه کرده‌اند.

به هر دلیلی که امام، غایب شده باشد، بخشی از فلسفه وجودی او در هاله پنهان‌زیستی قرار می‌گیرد و مردم از او محروم می‌شوند. آن بخش، مباشرت او در هدایت ظاهری و تشکیل حکومت و اجرای عدالت است ولی هدایت معنوی و با واسطه او (به وسیله نمایندگان) برای بیان احکام و اجرای حکومت و عدالت به حال خود باقی است؛ همان‌گونه که در زمان ظهورش، گاهی هدایت یا ولایت و فرماندهی بخشی را به نخبگان خود واگذار می‌کند و مردم از آنان بهره‌مند می‌شوند، در زمان غیبت نیز این نمایندگی ادامه دارد و کار نمایندگان، کار امام معصوم است؛ چه این‌که اینها از سوی او نصب شده‌اند.

تفاوت بین زمان ظهور و غیبت، فقط از جهت محروم‌ماندن مردم از درک حضور و مباشرت هدایت ظاهری و تصدی امور است که این به دلایلی

۱. موسوی اصفهانی، سید محمد تقی، مکیال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم علیه‌السلام، ترجمه: حائری قزوینی، سید مهدی، ص ۱۸۷.



چه بدانیم و چه ندانیم - واقع شده است و مسئله غیبت از روشن و یقینی ترین معارف اسلامی است که رسول گرامی اسلام ﷺ از آن خبر داده است.

افزون بر هدایت معنوی امام، اصل وجود او هم حکمت و لطف است و در نظام حکیمانه الهی، وجود او ضرورت دارد.

با توجه به آن چه ذکر شد، می توان بهره های مردم از امام غایب را این گونه به اختصار اشاره کرد:

۱. رسیدن فیض الهی به انسان ها به خاطر وجود اوست؛

زیرا آفرینش انسان ها بدون آفرینش پیامبر و امام، معنا و مفهومی ندارد.

از دیدگاه پیروان اهل بیت علیهم السلام و براساس آموزه های ناب اسلامی، امام، واسطه فیض پروردگار به تمام موجودات جهان هستی می باشد.

علامه مجلسی رحمته الله علیه در این باره معتقد است بیشتر مطالبی که فلاسفه درباره عقول، اثبات کرده اند، در احادیث متواتر، به گونه ای دیگر برای ارواح معصومین علیهم السلام اثبات شده است. برای مثال، ارواح معصومین علیهم السلام پیش از دیگر آفریده های خداوند، آفریده شده اند و علت غایی آفرینش و واسطه در افاضه علوم و معارف و به طور کلی واسطه فیض در کمالات وجودی و معرفتی هستند.<sup>۱</sup>

در بخشی از زیارت ارزشمند جامعه کبیره چنین می خوانیم:

«ای امامان بزرگ، خداوند به سبب شما آغاز کرد و به سبب شما پایان می دهد و به سبب شما باران را فرو می فرستند و به سبب شما آسمان را نگه داشته است از این که بر زمین فرو ریزد - جز به اراده او، غم و اندوه و گرفتاری به واسطه شما رفع می گردد».<sup>۲</sup>

۲. هدایت های معنوی و باطنی امام

به برخی از افراد شایسته، همواره در طول تاریخ، تجربه شده

است.

اساسی ترین هدف امام، هدایت انسان ها است. هدایت در زمان حضور ظاهری امام به طور آشکار صورت می گیرد لکن غیبت امام هرگز این وظیفه

۱. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۱، ص ۱۰۳.

۲. صدوق، تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۹۹، باب زیارت جامعه لسانر المشاهد.

مهم را ساقط نخواهد کرد. او با تأثیر بر قلب انسان‌های شایسته، آنچه را لازم است، در جوامع انسانی القا می‌کند.

### ۳. نگهداری دین از تحریف‌ها و بدعت‌ها

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود:

«در هر نسلی از امت من، عادل‌ای از اهل بیتم وجود دارد که دین را از تحریف غالیان و ادعاهای دروغ اهل باطل و تأویل جاهلان، پاک می‌کند.»<sup>۱</sup>

۴. یاری رساندن به کسانی که در حالت خاص به او متوسل می‌شوند.

۵. دعای حضرت در حق مؤمنان که این هم در موارد بسیاری صورت گرفته است.

۶. برطرف ساختن بدی‌ها و بلاها از یاران خاص خود؛ به‌ویژه در موارد خاص و بحرانی.

۷. تصویب امور سال در شب‌های قدر که طبق بعضی از احادیث، با امضای حضرت صورت می‌گیرد.

### ۸. ایجاد امیدواری در پیروان اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام.

باور به زنده بودن پیشوا و امام، سبب امیدواری پیروان آن امام است.

در پایان، یادکرد این نکته، شایسته است که آن‌چه باعث شده تا بخشی از فوائد امام غایب به دلیل غیبت ایشان به مردم نرسد، همانا در اثر کوتاهی خود مردم است و این مردم هستند که می‌بایست با ایجاد آمادگی لازم، شرایط را برای ظهور حضرت، فراهم سازند.

## فلسفه دو مرحله‌ای بودن غیبت

یکی از پرسش‌های مطرح درباره غیبت امام عصر عَلَيْهِ السَّلَام این است که چرا آن حضرت دو غیبت داشته است؛ یکی غیبت صغرا و دیگری غیبت کبرا؛ چرا از همان ابتدا، غیبت کبرا آغاز نشد و آن حضرت پس از یک دوره غیبت هفتادساله، غیبت کبرا را شروع کرد؟ در پاسخ این پرسش، باید گفت:

۱. همان، کمال‌الدین و تمام‌النعمه، ج ۱، ص ۲۲۱، ح ۷.



غیبت آخرین امام معصوم علیه السلام در روایات پیش بینی شده بود، ولی زمانی که امام حسن عسکری علیه السلام به شهادت رسید، شیعیان به دلیل پیشینه ۲۵۰ ساله‌ای که از حضور یازده امام معصوم علیهم السلام در جامعه داشتند، برخی شیعیان به راحتی نمی‌توانستند غیبت کامل امام از جامعه را بپذیرند. به همین دلیل، برخی شیعیان پس از شهادت آن حضرت تا مدتی دچار حیرت و سرگردانی شدند. بنابراین، لازم بود قبل از آغاز غیبت کبرا و قطع کامل ارتباط امام با جامعه، برای مدتی، رابطه امام با مردم به واسطه نایبان خاص ادامه داشته باشد، تا مردم به تدریج، آماده پذیرش غیبت کامل امام و مراجعه به فقها - به عنوان نایبان عام امام زمان علیه السلام شوند.<sup>۱</sup>

به بیان دیگر، دوران غیبت صغرا، دوران تمرین و آماده سازی شیعیان برای ورود به دوران غیبت کبرا بود. در همین دوره، به تدریج، همه فرقه‌های پراکنده‌ای که پس از شهادت امام یازدهم علیه السلام در موضوع جانشینی آن حضرت به وجود آمده بودند، از میان رفتند و همه شیعیان بر پیروی از فرزند امام حسن عسکری علیه السلام به عنوان امام دوازدهم به وحدت و اتفاق نظر رسیدند.<sup>۲</sup> شیخ مفید رحمته الله علیه پس از نقل خبری از حسن نوبختی، نویسنده کتاب فرق الشیعه، در زمینه فرقه‌های چهارده گانه‌ای که پس از شهادت امام حسن عسکری علیه السلام به وجود آمدند، می‌گوید:

«از این فرقه‌هایی که از آنها یاد کردیم، در زمان ما؛ یعنی در سال ۱۳۷۳ ه. ق. هیچ فرقه‌ای به جز امامیه دوازده امامی باقی نمانده است؛ یعنی کسانی که امامت فرزند حسن عسکری علیه السلام را که به نام رسول خدا صلی الله علیه و آله نامیده می‌شود، پذیرفته و به حیات و بقای او تا روزی که با شمشیر قیام کند، یقین دارند. گفتنی است آماده کردن مردم برای ورود به دوران غیبت از سال‌ها پیش از غیبت امام مهدی علیه السلام یعنی از زمان امام هادی علیه السلام و امام حسن عسکری علیه السلام آغاز شده بود. آن امامان بزرگوار به تدریج رابطه خود را با مردم کم کرده بودند و آنها را در امور مختلف اعتقادی و فقهی، به فقها و محدثان شیعه که در مراکز شیعه نشینی چون «قم» حضور داشتند ارجاع می‌دادند تا به تدریج، مردم با این رویه خو بگیرند. علی بن حسین مسعودی، یکی از مورخان بزرگ تاریخ اسلام، در این زمینه می‌نویسد: روایت شده است که ابوالحسن العسکری (امام هادی علیه السلام) خود را از بسیاری از شیعیان پوشیده می‌داشت و جز تعداد اندکی از یاران خاص آن حضرت، ایشان را نمی‌دیدند و هنگامی که امر امامت به ابومحمد (امام حسن عسکری علیه السلام) منتقل شد، ایشان چه با یاران خاص خود و چه

۱. محمدی ری شهری، محمد، دانشنامه امام مهدی علیه السلام بر پایه قرآن، حدیث و تاریخ، ص ۱۱۲.

۲. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ص ۲۴۳.

با مردم عادی از پشت پرده سخن می‌گفت مگر هنگامی که آن حضرت برای رفتن به دارالخلافه از خانه خارج می‌شد. این شیوه تنها از سوی آن امام و پیش از ایشان از سوی پدرشان در پیش گرفته شد تا مقدمه‌ای برای غیبت صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف باشد و مردم با این شیوه خو بگیرند و غیبت را انکار نکنند.<sup>۱</sup>

از امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز سخنی نقل شده است که روشن می‌سازد آن حضرت در دوران غیبت صغرا، مردم را برای ورود به دوره غیبت کبرا آماده ساخت و با تعیین فقها به عنوان مرجع مردم در همه رویدادهای پیش روی جامعه اسلامی، از سرگردانی و بلا تکلیفی آنها در این دوران پرابتلا جلوگیری کرد. ایشان در یکی از توقیع‌های خود در پاسخ اسحاق بن یعقوب می‌فرماید:

«و اما در رویدادهایی که در آینده پیش می‌آید، به راویان حدیث ما مراجعه کنید؛ زیرا آنها حجت بر شما هستند و من حجت خدا بر ایشان».<sup>۲</sup>

با توجه به مطالب یاد شده، ضرورت وجود دوران غیبت صغرا برای آماده شدن مردم برای ورود به دوران غیبت کبرا روشن می‌شود.

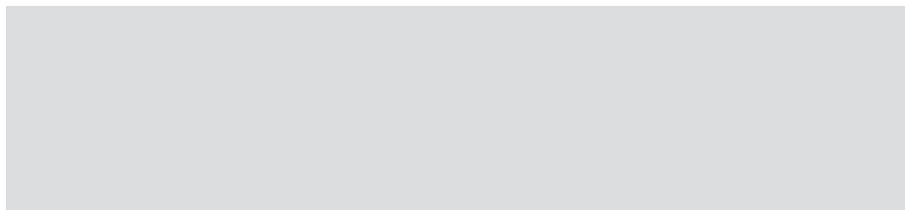
۱. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ص ۸۰.  
 ۲. کفعمی، ابراهیم بن علی، المصباح، ص ۱۳۴.



## بخش چهارم

### سازمان وکالت

مفهوم شناسی وکالت  
عوامل شکل‌گیری وکالت و استمرار آن  
بررسی محدوده زمانی و جغرافیایی سازمان وکالت  
وظایف و مسئولیت‌های سازمان وکالت





## سازمان وکالت

در بحث تاریخ عصر غیبت، به نهاد وکالت که نقش ارتباطی بین شیعیان و امامان علیهم‌السلام داشته، اشاره‌ای شد. این مجموعه با تدبیر و رهبری امامان معصوم و برای حفظ جامعه شیعه به وجود آمد و نقش آن به ویژه در طول غیبت صغرا، بسیار با اهمیت بود. در این بخش، درباره این سازمان مهم دینی و سیاسی، بحث می‌کنیم.

### مفهوم‌شناسی وکالت

«وکالت» به معنای ناتوانی از انجام مستقیم یک کار و اعتماد برد دیگری در آن کار است.<sup>۱</sup>

در کتاب‌های فقهی «وکیل» به کسی گفته می‌شود که از سوی دیگری به انجام کاری یا تصرف در امری مأمور شود. از آن جا که ارتباط مستقیم امامان علیهم‌السلام با شیعیان در نقاط دوردست و حتی نزدیک، امکان نداشت یا با زحمت و خطرهایی همراه بود، امامان شیعه، وکیلانی را برگزیدند که در نواحی مختلف شیعه‌نشین امور مربوط به امامان را عهده‌دار شدند.

### عوامل شکل‌گیری سازمان وکالت و استمرار آن

ممکن است گفته شود که امور امامان علیهم‌السلام با تعیین یک یا چند وکیل در هر دوره‌ای انجام می‌گرفت. با این حال چه نیازی به تشکیل نهادی به نام سازمان وکالت بود؟ آیا واقعاً مجموعه‌ای وجود داشته که اساسنامه‌ای مشخص داشته و تحت مدیریت واحد و با داشتن برنامه‌ای منسجم برای اهدافی فراتر از انجام امور فردی، فعالیت می‌کرد؟ برای پاسخ به این سؤال، لازم است عوامل تشکیل سازمان وکالت را بشناسیم:

#### ۱. ضرورت ارتباط میان رهبری و پیروان

وجود ارتباط بین رهبری و پیروان در هر نظام دینی سیاسی اجتناب‌ناپذیر است. به دلیل گستردگی جهان اسلام و پراکندگی جمعیت شیعیان در نقاط مختلف جهان مانند عراق، حجاز، ایران، یمن، مصر و مغرب، امامان معصوم علیهم‌السلام در بعضی از دوره‌ها، وکیلان متعددی را برگزیدند که رابط میان آنها و



شیعیان باشند. لزوم وجود وکلاهم به دلیل مشکلات سفر به مناطق دوردست از نقطه سکونت امام علیه السلام بود و هم به سبب شرایط سیاسی حاکم بر جامعه اسلامی که به دلیل سلطه عباسیان ایجاد شده و برای امامان و شیعیان آنها محدودیت بسیاری به وجود آورده بود. در چنین شرایطی، سازمان وکالت در روندی رو به رشد، شکل گرفت تا در فعالیتی منسجم و البته پنهان و در عین حال گسترده و فراگیر، امور مربوط به امام و امت را انجام دهد؛ چراکه این امور فراتر از پاسخ به چند سؤال شخصی و حکم فردی یا رساندن اموال شرعی به امام بود؛ چنانکه در ادامه بحث، بیان خواهد شد.

## ۲. تعیین تکلیف برای شیعیان در زمان حبس و حصر امامان علیهم السلام

گرچه اصل ارتباط بین امام و شیعیان، ضرورت وجود وکیلان را توجیه می‌کند ولی آن‌گاه که امامان معصوم علیهم السلام در اثر ظلم و ستم حاکمان در حبس قرار می‌گرفتند یا در خانه خود محصور می‌شدند، نیاز به وکیل، بیشتر احساس می‌شد؛ به همین سبب دوره امام کاظم علیه السلام - که همراه با حبس و زندانی شدن آن حضرت بود - عصر رشد و گسترش نهاد وکالت بود. همچنین بار دیگر در زمان عسکریین علیهم السلام - یعنی دوره امامت امام دهم و یازدهم - ضرورت وجود سازمان وکالت، آشکارتر گردید و با رخداد غیبت امام دوازدهم و جریان نیابت نایبان، وکالت در شکلی فراگیر و جدی تردنبال شد.

## ۳. آماده‌کردن شیعیان برای ورود به عصر غیبت

بدون شک، پدیده غیبت امام، رخدادی بی‌سابقه در رهبری شیعه بود. دوره‌ای که شیعیان، امکان ارتباط مستقیم با امام خود را نداشتند. پذیرش این شرایط و اعتماد کردن به افرادی که در غیبت امام، مرجع امور شیعیان باشند، به تجربه‌ای موفق و کارآمد از وکیلان ائمه علیهم السلام نیاز داشت تا آینده شیعه در عصر غیبت را روشن نگاه دارد و نگرانی‌های احتمالی را برطرف سازد؛ به همین سبب، امامان شیعه سال‌ها پیش از غیبت با ایجاد شبکه ارتباطی وکالت و توسعه روزافزون آن، این آمادگی را در شیعیان به وجود آوردند.

## بررسی محدوده زمانی فعالیت سازمان وکالت

مسئله وکالت و وجود وکیل یا وکلایی برای امامان علیهم السلام، سابقه‌ای دیرین داشته است ولی به نظر محققان تا پیش از دوره امام صادق علیه السلام، نهادی منسجم و تشکیلاتی منظم به نام سازمان وکالت از نظر تاریخی ثابت نشده است. از سوی دیگر با مطالعه وضعیت سیاسی زمان امام صادق علیه السلام و گستردگی پراکندگی جمعیت شیعیان در این دوره و لزوم ارتباط بین امام و شیعیان، زمینه‌های شکل‌گیری چنین سازمانی وجود داشته است؛ به‌ویژه که در منابع تاریخی، افراد متعددی به عنوان وکلای امام صادق علیه السلام نام برده شده‌اند؛ مانند عبدالرحمن بن الحجاج، معلی بن خنیس، نصر بن قاموس لخمی و غیر آنها.<sup>۱</sup>

با توجه به قرائن و شواهد بیان شده می‌توان گفت که سازمان وکالت از زمان امام صادق علیه السلام آغاز به کار کرده و تا پایان غیبت صغرا و مقارن با وفات نائب چهارم (۳۲۹ ق) فعالیت خود را ادامه داده و به پایان رسانده است؛ زیرا با شروع غیبت کبرا، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف فرد یا افراد خاصی را بین خود و شیعیان به عنوان وکیل قرار نداده است بلکه امور شیعیان را در یک دستور کلی به فقها و علمای شیعه سپرده است. این، همان جریان نیابت عامه است که با سازمان وکالت به معنایی که تاکنون بیان شد، متفاوت است.

### گستره جغرافیایی فعالیت سازمان وکالت

با توجه به گستردگی جمعیت شیعیان و عدم امکان ارتباط آنها با امامان، می‌توان به گستره جغرافیایی سازمان وکالت پی برد؛ زیرا از سویی شیعیان در شهرهای گوناگون عراق مانند کوفه، بغداد، سامرا، مدائن و دورترین نقاط ایران، یعنی خراسان بزرگ، سیستان، همدان، اهواز و نیز در کشورهای یمن و مصر سکونت داشتند و از سوی دیگر در بسیاری از امور، به سؤال و ارتباط با امام خود نیاز داشتند. طبیعی بود که بیشتر آنها امکان ملاقات حضوری با امامان را نمی‌یافتند و وکلای امامان علیهم السلام واسطه‌ای بین شیعیان و امامان علیهم السلام بودند. گزارش‌های تاریخی نیز وجود وکلای فراوان را برای امامان علیهم السلام در دوره‌های مختلف و در مناطق گوناگون تأیید می‌کند.



## معرفی مهم‌ترین وکلای امامان علیهم‌السلام و منطقه فعالیت آنها

نام و شرح حال و منطقه فعالیت بسیاری از وکلای ائمه، در کتاب‌های عالمان شیعه آمده است که نمونه‌هایی را در این جا بیان می‌کنیم:

۱. با توجه به حضور بیشتر امامان در مدینه‌النبی، خاستگاه اصلی سازمان وکالت، این شهر مبارک بوده است. یکی از چهره‌های معروف وکلا، معلی بن خنیس است. وکیل امام صادق علیه‌السلام در مدینه و اطراف آن بوده و گویی برای ارتباط با شیعیان به مناطق دیگر نیز سفر کرده است. او از وکلایی است که مورد ستایش امام صادق علیه‌السلام واقع شده که افزون بر وکالت، امور شخصی آن حضرت را نیز انجام می‌داده است.

سرانجام معلی بن خنیس به وسیله حاکمیت عباسی شناسائی و دستگیر شد و به دست داوود بن علی به شهادت رسید. امام صادق علیه‌السلام قاتل را نفرین کرد و او در همان شب به هلاکت رسید.<sup>۱</sup>

۲. کوفه از مهم‌ترین مناطق شیعه‌نشین است که وکلای بسیاری در آن فعالیت داشته‌اند؛ از جمله آنها عبدالرحمن بن حجاج است که وکیل امام صادق علیه‌السلام بوده است. امام صادق علیه‌السلام به او فرمود:

«یا عبدالرحمن! کلم أهل المدینه فانی أحب أن یری فی رجال الشیعه مثلک؛<sup>۲</sup>

ای عبدالرحمن! با اهل مدینه سخن بگو. من دوست دارم که در میان مردان شیعه، همچون تو دیده شود.»

این سخن، نشان‌دهنده مقام علمی او و نزدیکی او به امام علیه‌السلام است.

گفتنی است که وی نزد امام کاظم علیه‌السلام نیز منزلتی بزرگ داشته و آن حضرت درباره او فرموده است: «انه لثقیل علی القواد؛<sup>۳</sup> او در قلب من دارای مکانت و عظمت است.»<sup>۴</sup>

۱. مامقانی، عبدالله، تنقیح‌المقال، ج ۳، رقم ۱۸۲۰.

۲. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۲، ص ۱۳۶.

۳. کشی، محمدبن عمر، رجال کشی، ۴۴۱، ح ۸۲۹ و ح ۸۳۰.

۴. این ترجمه از مرحوم آیت‌الله خویی رحمته‌الله‌علیه است.

۳. شهر قم از مراکز مهم شیعه است که سازمان وکالت در آن، حضور چشمگیری داشته است و وکلای متعددی از ائمه در دوره‌های مختلف، در این شهر به فعالیت مشغول بوده‌اند؛ از جمله عبدالعزیز بن المهتدی، وکیل امام رضا علیه السلام و زکریا بن آدم، وکیل امام جواد علیه السلام را می‌توان نام برد.

از چهره‌های معروف وکلای ساکن در قم، احمد بن اسحاق قمی است که وکیل امام حسن عسکری علیه السلام و نیز وکیل امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف در امور اوقاف قم بوده است. جریان ملاقات او با حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف در دوران کودکی آن حضرت، مشهور است.<sup>۱</sup>

۴. بغداد در طول فعالیت سازمان وکالت، از کانون‌های مهم سازمان بوده است؛ به ویژه در عصر امام جواد، امام هادی و امام حسن عسکری علیه السلام که وکلای ارشد این بزرگواران در این شهر فعال بوده‌اند. این شهر در دوره غیبت صغرا، جایگاه مهم‌تری یافت؛ زیرا در تمام این دوره، بغداد مرکز اقامت نایبان چهارگانه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف و کانون رفت و آمد وکلا و شیعیان بوده است.<sup>۲</sup>

۵. اهواز نیز از مناطق شیعه‌نشین بوده که در دوران امامت ائمه علیهم السلام و به ویژه در عصر غیبت امام دوازدهم عجل الله تعالی فرجه الشريف، محل فعالیت وکلای امامان بوده است. از چهره‌های برجسته وکیلان در این شهر، علی بن مهزیار اهوازی است که از سوی سه امام بزرگوار، حضرت علی بن موسی الرضا، حضرت جواد و حضرت هادی علیهم السلام به عنوان وکیل ارشد در منطقه اهواز نصب شده بود؛<sup>۳</sup> چنان‌که ابراهیم بن مهزیار (برادریا پسر عم او) نیز در همین منطقه، وکیل بوده است. او شخصیتی والامقام است که از دوره امام هادی علیه السلام تا عصر غیبت صغرا وکیل امامان در اهواز بوده است. پس از او فرزندش محمد بن ابراهیم نیز در غیبت صغرا به جای پدر عهده‌دار این مقام شد.<sup>۴</sup>

۱. صدوق، کمال‌الدین و تمام‌النعمة، ج ۲، باب ۴۳، ص ۴۵۵، ح ۲۱.

۲. در این باره، نک: تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم عجل الله تعالی فرجه الشريف، ص ۱۴۹-۱۵۱ و ۱۷۰-۱۷۲ و ۱۹۵-۲۰۰.

۳. کشی، محمد بن عمر، رجال، ص ۵۴۹؛ نجاشی، رجال، ص ۱۷۷؛ طوسی، الغیبه، ص ۳۴۷.

۴. مامقانی، عبدالله، تنقیح‌المقال، ج ۲، رقم ۱۰۲۲۲؛ مفید، الارشاد، ص ۳۵۱؛ همان، ص ۱۷۱.



## وظایف و مسئولیت‌های سازمان وکالت

برخی از محققان وظیفه اصلی سازمان وکالت را دریافت اموال و وجوه شرعی و تحویل آنها به ائمه علیهم‌السلام دانسته‌اند ولی شواهد تاریخی، گویای این است که این سازمان، کارکردهای گوناگونی داشته است. در این بخش، مهم‌ترین وظایف این مجموعه را براساس منابع حدیثی شیعه بیان می‌کنیم:

### ۱. دریافت وجوه شرعی و تحویل به امام

بدون شک، رسیدگی به امور مالی شیعیان، از مهم‌ترین مسئولیت‌های وکیلان بوده است. آنها صدقات، هدایا، نذورات و خمس و زکات شیعیان را دریافت می‌کردند و به صورت مستقیم یا با واسطه، به امام زمان خود تحویل می‌دادند. این اموال، زیر نظر امام در راه‌های مختلف از جمله مصالح عمومی شیعیان و نیاز مستمندان شیعه؛ به ویژه بنی‌هاشم و نیز تقویت سازمان وکالت و... هزینه می‌شد. در مواردی بعضی از این امور با اجازه امام و توسط خود وکیلان انجام می‌گرفت.

### ۲. راهنمایی و ارشاد شیعیان و مناظره با مخالفان

بنابر شواهد فراوان، امامان علیهم‌السلام شیعیان را برای شناخت حق، به وکیلان سرشناس خود ارجاع می‌دادند. وکلا و نایبان چهارگانه عصر غیبت در مسائل اعتقادی، به ارشاد و راهنمایی شیعیان می‌پرداختند و در مواردی سخن آنها به عنوان سخن و بیان ائمه علیهم‌السلام عقیده حق را از باطل جدا کرده است.

### ۳. کمک به حل مشکلات شیعیان

سازمان وکالت در همه دوره‌ها و به ویژه در عصر غیبت صغرا، پناهگاه بسیار خوبی برای شیعیان بوده است. وکیلان می‌کوشیدند تا نیازهای مختلف شیعیان را برآورده کنند و این کار در موارد متعددی به دستور خاص امامان علیهم‌السلام انجام می‌شد؛ از جمله این موارد، حل اختلافات پیش‌آمده در میان شیعیان بود که گاهی وکلای امور می‌شدند تا در این راه، وجوه مالی مربوط به امام را هزینه کنند، برای نمونه در اختلاف دو نفر از شیعیان در مورد ارث، یکی از وکلای امام صادق علیه‌السلام به نام مفضل بن عمر، مأمور شد که از سوی امام علیه‌السلام چهارصد درهم بپردازد و اختلاف آنها را برطرف کند.<sup>۱</sup>

۱. کشی، محمد بن عمر، رجال، ص ۴۳۳.

جالب است بدانیم که رفع مشکلات شیعیان تا آن جا مهم بوده و هست که یکی از وکلای امام کاظم علیه السلام به نام علی بن یقطین با نفوذ در دستگاه خلافت عباسی به این کار اهتمام ورزید و امام هفتم علیه السلام رضایت خود را از کارهای او این گونه اعلام فرمود:

«ان الله مع كل طاعیه و زيراً من اولیائه یدفع به عنهم!»

خداوند به همراه هر طاعتی، وزیری از اولیای خود دارد که به وسیله او از دوستان خود دفع بلا می کند و تواز آنان هستی؛ ای علی!

## ساختار سازمان وکالت

وکالت امامان، رسالت سنگینی در جامعه شیعی بوده که عملکردی منظم و حساب شده و تشکیلاتی را به دنبال داشته است. بررسی فعالیت های این سازمان و شیوه عملکرد عناصر گوناگون آن در رده ها و مراتب مختلف، گواه این ادعاست؛ چنانکه موفقیت این نهاد شیعی در حفظ مکتب و جمعیت شیعه در اوج خفقان حاکمان ستمگر، شاهد دیگری بر ساختار قوی و مدیریت مستحکم آن است. اکنون به بررسی عناصر گوناگون سازمان وکالت می پردازیم.

### ۱. رهبری سازمان

در رأس نهاد وکالت در سراسر دوران فعالیت، شخص امام معصوم علیه السلام بوده که مهم ترین امور این نهاد به وسیله او انجام می گرفته است. اموری مانند تعیین وکلای نواحی و بررسی عملکرد آنان، معرفی وکلا به شیعیان و شناساندن فضایل ایشان، تأمین مالی وکیلان، عزل و برکناری وکلای فاسد و خائن و معرفی جریان های دروغین مدعی وکالت و باییت و برخورد با آنان، همه بر عهده امام، به عنوان رهبر جریان وکالت بوده است.

بدیهی است این مدیریت الهی و معصوم، ضامن بقا و تداوم این سازمان و اعتماد و اطمینان شیعیان به آن در همه دوره ها؛ به ویژه در عصر غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بوده است.



## ۲. وکیل ارشد یا سروکیل

برای انجام بهتر امور وکالت، مناطق مختلف شیعه نشین تقسیم بندی و برای هر منطقه، وکیل ارشدی نصب می شد که وظیفه او رسیدگی و نظارت بر کار وکلای آن منطقه بود؛ چنان که وکلای جزء وظیفه داشتند به وکیل ارشد مراجعه کرده و در امور وکالت با او هماهنگ باشند. طبق شواهد تاریخی، از نظر سازمان وکالت، چهار منطقه اصلی برای شیعیان وجود داشت:

- منطقه بغداد، مدائن و کوفه،
- بصره و اهواز،
- قم، همدان و مناطق جبال،
- حجاز، یمن و مصر.<sup>۱</sup>

برای مثال در عصر امام صادق و امام کاظم علیه السلام، عبدالرحمن بن حجاج، وکیل ارشد عراق بود و در عصر غیبت صغرا، ابوالحسین اسدی رازی، کار نظارت بر فعالیت وکلای نواحی شرق ایران را به عهده داشت. حاجزین یزید و شاء نیز در بغداد، زیر نظر نائب اول و دوم فعالیت می کرد و خود نیز بر کار برخی از وکلای ایران نظارت داشت.<sup>۲</sup>

## ۳. وکلای ثابت و سیار

در هر منطقه ای از مناطق شیعه نشین و به تناسب وسعت و گستردگی آن، چندین وکیل به امور امام و شیعیان رسیدگی می کردند. بیشتر این وکلا، در منطقه فعالیت خود ساکن بودند ولی شواهدی موجود است که نمایندگان سیاری هم برای امامان وجود داشته که به مناطق متخلف اعزام می شدند تا ضمن نظارت بر کار وکلای مقیم، وسیله ای برای ارتباط آنان با امام علیه السلام باشند. نقل شده است که احمد بن محمد بن عیسیای قمی در مدینه نزد امام جواد علیه السلام بود و قصد داشت درباره زکریا بن آدم از حضرت سؤال کند. امام، خود آغاز به سخن کرده، فرمود: «خدمت او به پدرم و به من، جای انکار نیست». سپس فرمود: نامه مرا به او [= زکریا] برسان و بگو مال [جمع شده نزد خود] را به نزد من ارسال نماید...»<sup>۳</sup>.

۱. جاسم، محمد حسین، تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم، ص ۱۳۷.

۲. همان، ص ۱۷۱.

۳. کشی، محمد بن عمر، رجال، ص ۵۹۶، ح ۱۱۱۵.



## ویژگی‌ها و شرایط لازم برای وکیلان

بدیهی است که وکلا به دلیل شایستگی و لیاقت، به این سمت دست می‌یافتند و این شایستگی به دلیل وجود صفاتی بود که آنها را در انجام امور مربوط به وکالت کمک می‌کرد. مهم‌ترین ویژگی‌های لازم برای وکالت، عبارتند از:

### ۱. بهره‌مندی از عدالت و پرهیزگاری

جایگاه وکالت امام، جایگاهی مهم و حساس است و وکلا افرادی بودند که مورد اعتماد امام و امت بودند. بدیهی است که برای چنین موقعیتی، صفت تقوا و عدالت، ضرورت دارد و وکیل باید انسانی مؤمن، مؤدب به آداب الهی و متخلق به اخلاق اسلامی باشد.

مطالعه شرح حال وکلای امامان علیهم‌السلام نشان می‌دهد که در میان آنها کسانی که دارای مراتب بالای ایمان و پرهیزگاری باشند، فراوان بوده‌اند و در مواردی به دلیل همین شایستگی، مورد تکریم و تعظیم امامان واقع شده‌اند.

### ۲. برخورداری از صفت امانتداری

از آن‌جا که وکیل امام، نماینده آن حضرت در میان مردم و واسطه میان ایشان و امام بود، بایستی انسانی امین و درستکار می‌بود؛ زیرا تنها در این صورت مورد اعتماد و اطمینان پیروان امام قرار می‌گرفت. البته این امانتداری و وثاقت [= قابل اطمینان بودن] در همه امور مربوط به وکالت، اهمیت داشت؛ هم در انجام امور مالی و دریافت اموال شیعیان و رساندن آنها به امام معصوم علیه‌السلام و هم در مواردی که وکلا علاوه بر امور مالی، پناهگاه علمی شیعیان به شمار می‌رفتند و مؤمنان به سخن آنها همچون سخن امام علیه‌السلام اعتماد می‌کردند. در مورد اخیر، معمولاً امامان علیهم‌السلام به وثاقت وکیل تصریح نموده، آن را به شیعیان اعلام می‌کردند؛ چنان‌که امام حسن عسکری علیه‌السلام درباره عثمان بن سعید و پسرش محمد بن عثمان فرمود:

«العمری وابنه ثقتان ما ادیا عنی فعنی یؤدیان»<sup>۱</sup>

عمری و پسرش، هر دو ثقه [و امین] هستند؛ آنچه را آن دو از من نقل کنند [و به من استناد دهند] از من نقل می‌نمایند».



گفتنی است که وثاقت و کیل، ویژگی بسیار مهمی است که هم در ابتدای گزینش او به سمت وکالت و هم در استمرار این مقام برای او ضرورت دارد و چنان چه وکیلی در ادامه حیات خود، گرفتار لغزش می‌شد و از مسیر امانتداری بیرون می‌رفت، از سازمان وکالت، اخراج و به وسیله امام علیه السلام یا وکلای ارشد به شیعیان معرفی می‌شد. این امر، حکایت از نظارت مستمر رهبری بر سازمان وکالت دارد.

یکی از وکلای معروف، احمد بن هلال کرخی است که با وجود سابقه وکالت برای امام رضا و امام جواد و امام هادی علیهم السلام، در زمان وکالتش برای امام عسکری علیه السلام گرفتار خیانت مالی شد و آن حضرت در توقیعی، او را لعن و نفرین کرد.<sup>۱</sup> احمد بن هلال در عصر غیبت صغرا نیز به معارضه با نائب دوم امام زمان پرداخت و بار دیگر از سوی ناحیه مقدسه امام عصر رضی الله عنه توقیعی درباره او صادر شد و امام رضی الله عنه، آشکارا از او بیزاری جست.<sup>۲</sup>

بنابراین وثاقت، شرط اساسی وکالت امامان علیهم السلام چه در شروع وکالت و چه در ادامه آن بوده است و حتی برخی وکلای با سابقه گرفتار انحراف شده و بدعابت گردیدند.

### ۳. رازداری و پنهان‌کاری

از آن جا که سازمان وکالت در طول زمان فعالیت، به شدت از سوی حاکمان ستمگر تحت تعقیب قرار داشت، وکلا بایستی انسان‌هایی رازدار می‌بودند تا اسرار این سازمان و فعالیت‌های آن از نگاه تیز جاسوسان حکومتی پنهان بماند؛ زیرا افشای فعالیت‌های سازمان می‌توانست برای امام و نیز شیعیان و به ویژه شبکه گسترده وکالت، دردسرهای فراوان ایجاد کند؛ به همین منظور، وکلا به شدت اهل پنهان‌کاری بودند و ارتباطات سازمانی خود را مخفی نگه می‌داشتند. در غیبت صغرا این شیوه بیشتر دیده می‌شود؛ به گونه‌ای که نائب اول و دوم در پوشش روغن فروش با امام و شیعیان ارتباط برقرار می‌کردند.

۱. ر. ک: کشی، رجال، ص ۵۳۵.

۲. ر. ک: طوسی، الغیبه، ص ۳۹۸.

## مدعیان دروغین وکالت

علاوه بر بعضی از وکیلان که در ادامه کار وکالت، به خیانت روی می‌آوردند و مورد لعن امام عجل الله تعالی فرجه الشریف قرار می‌گرفتند، گونه‌ای دیگر از انحراف در وکالت پدید آمد و آن، ادعای دروغین وکالت از سوی کسانی بود که هرگز سابقه وکالت نداشتند ولی با انگیزه‌های مختلف، خود را وکیل یا نایب امام خوانده و برخی را برای مدتی به سوی خود جذب کردند.

جریان انحرافی مدعیان وکالت، هم در عصر حضور امامان و هم در عصر غیبت امام دوازدهم عجل الله تعالی فرجه الشریف وجود داشته و البته در عصر غیبت، بیشتر و گسترده‌تر بوده است.

وکالت امام معصوم نزد شیعیان، جایگاه والایی داشت و وکیل، مورد احترام ایشان و برخوردار از منزلت اجتماعی بود. به علاوه، مهم‌ترین کار وکلا، دریافت وجوه شرعی متعلق به امام بود و این اموال در دسترس وکلا بود. این موارد و انگیزه‌های دنیایی دیگر مانند حسادت و عقاید باطل، سبب شد که افرادی به دروغ، ادعای وکالت کنند و سبب انحراف بعضی از عوام شیعه شوند.

حاکمان عباسی که این جریان‌های انحرافی را در راستای سیاست خود می‌دیدند، تا زمانی که حساسیت عمومی برانگیخته نمی‌شد، از آن حمایت می‌کردند.

امامان؟ عهه؟ و نیز وکلای ارشد و نایبان خاص امام دوازدهم عجل الله تعالی فرجه الشریف در برابر مدعیان وکالت، واکنش نشان داده و سعی در افشای ماهیت آنها داشتند.

در زمان امامت امام جواد علیه السلام، احمد بن محمد سیاری، وکالت و بابت آن حضرت را ادعا کرد. امام در واکنش به این ادعای دروغ، ضمن رد این ادعا، شیعیان را از پرداخت هرگونه وجهی به وی نهی کرد و فرمود:

«او در مقام و موقعیتی نیست که مدعی آن است و چیزی به وی پرداخت نکنید»<sup>۱</sup>.

محمد بن نصیر النمیری در عصر نایب دوم امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، مقام نیابت را برای خود ادعا کرد ولی به دلیل سخنان کفرآمیزش رسوا شد. نایب دوم نیز او را لعن کرد و شیعیان به پیروی از او چنین کردند؛ گرچه از سوی وزیر دربار، مورد تأیید و پشتیبانی قرار گرفت.



## بخش پنجم

### ولایت فقیه

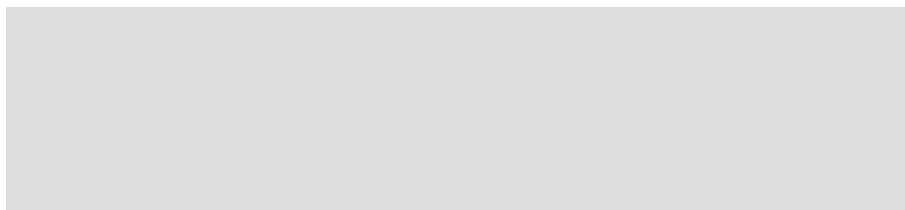
---

مفهوم شناسی ولایت فقیه

پیشینه نظریه ولایت فقیه

ادله ولایت فقیه

ولایت فقیه در روایات



## ولایت فقیه

## سرپرستی شیعیان در عصر غیبت کبرا

یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین موضوعات در عصر غیبت، موضوع ولایت و سرپرستی امور مسلمین است. روشن است که از آغاز ظهور اسلام، مسئله ولایت و رهبری امت، مطرح بوده و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و پس از او، امامان معصوم علیهم‌السلام علاوه بر این که دین و شریعت اسلام و معارف آن را بیان کرده‌اند، امام ولی و رهبر امت نیز بوده‌اند؛ یعنی همه مسلمین، مکلف به اطاعت از آنها در همه امور فردی و اجتماعی بوده‌اند و هیچ مسلمان شیعه‌ای در این حقیقت، تردیدی ندارد. سؤال اینجاست که پس از غیبت امام دوازدهم عجل الله تعالی فرجه‌التشرف، رهبری و امامت بر امت به عهده چه کسی است؟ آیا فرد یا افرادی بر امت اسلامی و شیعیان مهدی عجل الله تعالی فرجه‌التشرف ولایت دارند؟ اگر ولایتی هست، محدوده آن چقدر است؟

از زمان‌های گذشته در پاسخ به این سؤال اساسی، بحث «ولایت فقیه» مطرح بوده و قرن‌هاست که در حوزه‌های علمیه درباره این موضوع، بحث و گفتگو وجود دارد.

در این بخش، درباره مفهوم ولایت فقیه و نیز ادله آن و سؤالات و شبهاتی که درباره آن بیان شده است، بحث می‌کنیم.

## مفهوم‌شناسی ولایت فقیه

«ولایت» از ریشه «ولی» است و در اصل به معنای قرار گرفتن چیزی کنار چیز دیگر همراه با وجود رابطه‌ای میان آنهاست؛ از این رو در معانی دوستی، یاری و پیروی به کار رفته است. از مهم‌ترین معانی که موارد کاربردش فراوان است، سرپرستی و تدبیر امور دیگری است.

مطابق این معنا، «ولی» کسی است که متولی و عهده‌دار کارهای دیگران است و در واقع، آنها را سرپرستی می‌کند. همین معنا در «ولایت فقیه»، مراد و مقصود است.



«فقیه» از ریشه «فقه» و به معنای فهم و دانایی است که بیشتر در مورد علم به دین به کار می‌رود<sup>۱</sup> و «فقیه» به کسی می‌گویند که به معارف و احکام اسلامی آگاهی کامل دارد و در آن، صاحب نظر است؛ یعنی با توجه به دانش وسیعی که در حوزه‌های مختلف علوم به دست آورده، می‌تواند حکم خدا را در مسائل فردی و اجتماعی، از قرآن و روایات اسلامی، استخراج کند.

### پیشینه نظریه ولایت فقیه

بعضی تصور می‌کنند که «ولایت فقیه» پدیده تازه‌ای است که هیچ سابقه‌ای در فقه و فقهات اسلامی نداشته و از اندیشه سیاسی امام خمینی رحمته‌الله علیه سرچشمه گرفته؛ در حالی که علت این خطای بزرگ، بی‌اطلاعی از «فقه» و نیز آثار معصومان علیهم‌السلام است.

در بخش بعد خواهد آمد که ولایت فقیه ریشه در کلمات معصومین علیهم‌السلام دارد. آن بزرگواران به دلیل ضرورت‌های دینی و اجتماعی، ولایت و اختیاراتی را برای فقها بیان کرده‌اند و پس از ایشان پیوسته ولایت فقیه در آرای فقیهان بزرگ اسلام، مطرح بوده است که نمونه‌هایی را می‌آوریم:

شیخ مفید (م ۴۱۳ ق) از بزرگ‌ترین فقهای شیعه می‌گوید:

«هنگامی که سلطان عادل<sup>۲</sup> برای ولایت - در آن چه در ابواب فقه ذکر کردم - وجود نداشت، بر فقیهان اهل حق عادل صاحب رأی و عقل و فضل است که ولایت آن چه را بر عهده سلطان عادل است، بر عهده گیرند.»<sup>۳</sup>

شیخ طوسی (م ۴۶۰ ق) که به عنوان شیخ الطائفه (بزرگ شیعه) شناخته شده است، می‌گوید:

«صدور حکم میان مردم، اقامه حدود و قضاوت میان کسانی که با یکدیگر اختلاف پیدا کرده‌اند، جایز نیست؛ مگر برای کسی که از طرف سلطان حق، اجازه داشته باشد. چنین کارهایی در زمانی که خودشان [امامان علیهم‌السلام] امکان انجام آن را ندارند، بدون تردید به فقیهان شیعه، واگذار شده است.»<sup>۴</sup>

۱. ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۳، ماده «فقه».

۲. «سلطان عادل» در بیان ایشان، همان امام معصوم علیه‌السلام است.

۳. مفید، المقتعه، ص ۶۷۵.

۴. محقق حلی، جعفر بن حسن، النهایه و نکته‌ها، ج ۲، ص ۱۷.

محقق ثانی، مشهور به محقق کرکی (م ۹۴۰ ق) می‌گوید:

«فقیهان امامیه، اتفاق کرده‌اند بر اینکه فقیه عادل شیعه که جامع شرایط فتوا باشد و از او در احکام شعری به «مجتهد» تعبیر می‌شود، در زمان غیبت، نائب امامان هدایت علیه السلام است، در تمام آنچه که قابلیت نیابت را داشته باشد»<sup>۱</sup>.

ملا احمد نراقی، معروف به فاضل نراقی (م ۱۲۴۴ ق) می‌گوید:

«هرآنچه که پیامبر صلی الله علیه و آله که حاکمان و حافظان اسلام می‌باشند بر آن ولایت و اختیار دارند، فقیه نیز همان ولایت و اختیار را دارد؛ مگر جایی که دلیلی برخلاف آن وجود داشته باشد»<sup>۲</sup>.

آیت الله گلپایگانی رحمته الله علیه از فقهای بزرگ معاصر، می‌گوید:

«محدوده اختیار فقه‌ها، محدوده‌ای عام است... محدوده ولایت فقیه جامع شرایط در امور مربوط به ریاست و اداره اجتماع، مانند محدوده اختیارات ائمه علیهم السلام است؛ مگر در موردی که دلیل، خارج کند»<sup>۳</sup>.

اینها تنها نمونه‌هایی از کلمات فقهای شیعه در قرون مختلف است. صدها نمونه روشن دیگر نیز وجود دارد که نشان می‌دهد مسئله ولایت فقیه، همیشه در اندیشه و گفتار علمای شیعه، مطرح بوده و مورد قبول عموم آنها قرار گرفته است.

فقیه بزرگ زمان و رهبر کبیر انقلاب اسلامی، حضرت امام خمینی رحمته الله علیه با زمان‌شناسی و درایت کم‌نظیر، این نظریه اسلامی و دینی را آشکارا مطرح نمود و نظام اسلامی را بر اساس آن، پایه‌گذاری کرد؛ یعنی مسئله ولایت فقیه را در عرصه اجتماعی مسلمین، به اجرا درآورد و به عنوان کامل‌ترین شکل حکومت دینی در زمان غیبت، معرفی کرد.

### ادله ولایت فقیه

در بحث ولایت فقیه، یکی از مهم‌ترین مباحث، ادله ولایت فقیه است. پیوسته این سؤال مطرح بوده که به چه دلیل در جامعه اسلامی، فقیه بر دیگران مقدم است و اوست که بر همگان ولایت دارد؟

۱. المحقق الکرکی، رسائل، ج ۱، ص ۱۴۲.

۲. فاضل نراقی، احمدین محمد، عوائد الایام، ص ۱۸۷ و ۱۸۸.

۳. گلپایگانی، سید محمد رضا، الهدایه الی من له الولایه، ص ۷۹.



در پاسخ این سؤال می‌گوییم: دلیل بر ولایت فقیه، هم از نظر عقلی قابل تحلیل است و هم از نظر نقلی؛ یعنی هم عقل، یک مسلمان را به اطاعت از فقیه در زمان غیبت دستور می‌دهد و هم روایات اسلامی.

## بررسی و تحلیل دلیل عقلی بر ولایت فقیه

چون انسان به صورت اجتماعی زندگی می‌کند و می‌خواهد با این زندگی به کمال معنوی خود دست یابد، به دو عنصر اساسی نیازمند است:

۱. قانون الهی که به دلیل الهی بودن از هر نقص، ضعف و خطایی دور باشد تا هم نظام اجتماعی را سروسامان دهد و هم عمل به آن ضامن سعادت همگان باشد. این قانون، همان کتاب الهی و سنت است که برنامه کامل و جامع بشر تا قیامت است.

۲. مجری و حاکم عالم و عادل که اجرای آن قانون را عهده‌دار شود.

روشن است که بدون این دو و حتی با نبود یکی از آنها، اجتماع بشر، گرفتار هرج و مرج، تباهی و فساد خواهد شد.

نتیجه این برهان عقلی، ضرورت نبوت انبیاء و پس از نبی خاتم، ضرورت امامت امامان معصوم علیهم‌السلام را می‌رساند؛ یعنی بهترین فرد برای اجرای قوانین الهی و تحقق بخشیدن به احکام خدا، معصوم است. کسی است که نه در فکر و اندیشه و نه در عمل و رفتار، گناه، خطا و نقص ندارد. حال از عقل می‌پرسیم که در صورت عدم دسترسی به معصوم، چه باید کرد؟

عقل پاسخ می‌دهد چون ضرورت نظم اجتماعی برای بشر و تلاش برای رسیدن به کمال انسانی و الهی، همچنان باقی است، باید نزدیک‌ترین فرد به معصوم و اوصاف و شرایط معصوم را در جایگاه او قرار داد.

توضیح این مطلب، این‌گونه است که علت شایستگی معصوم برای تصدی ولایت و رهبری امت، آگاهی کامل و جامع او به دین و معارف دینی و نیز تقوا و پرهیزگاری و عصمت اوست که نمی‌گذارد مصالح امت فدای منافع شخصی و هواهای نفسانی شود.



علت دیگر شایستگی معصوم، درک و شناخت او از مسائل اجتماعی و تدبیر و مدیریت آنهاست. حال اگر در زمانی مانند عصر غیبت، دسترسی به معصوم ممکن نباشد، باید به سراغ فردی برویم که این ویژگی‌ها را بیشتر از سایر مردم داشته باشد و این فرد، کسی نیست جز فقیه باتقوایی که کارآمدی لازم را برای تدبیر امور جامعه و مردم، دارا باشد. چون غیر فقیه به اسلام و احکام و معارف آن، آگاهی کامل ندارد تا بتواند مجری قانون خدا باشد و انسان آگاه فاقد تقوا و عدالت نیز در معرض هوا و هوس‌های خود و دیگران است و نمی‌توان حکومت بر مسلمین را به غیر امین سپرد. همچنین اگر مدیریت نداشته باشد، قدرت تدبیر امور مردم را نداشته و در موارد ضرورت، نمی‌تواند تصمیم‌های درست و مفید برای جامعه مسلمین بگیرد.

## ولایت فقیه در روایات

از مهم‌ترین ادله ولایت فقیه، روایات است که برخی از آنها را می‌آوریم:

### ۱. توقیع امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف

عالم بزرگ شیعه، جناب شیخ صدوق رحمته الله علیه در کتاب کمال الدین و تمام النعمه، نامه اسحاق بن یعقوب به امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را روایت کرده است. در آن نامه، از محضر امام، سؤالاتی پرسیده شده است. از جمله امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف در پاسخ فرموده است:

«و اما الحوادث الواقعة فارجعوا فیها الی رواه حدیثنا؛ فانهم حجتی علیکم و انا حجه الله علیهم!»

و اما درباره مسائلی که پیش آمد می‌کند، پس در آنها به روایان حدیث ما رجوع کنیم؛ زیرا ایشان حجت من بر شما هستند و من، حجت خدا بر ایشان.»

در بخش اول توقیع، امام عجل الله تعالی فرجه الشریف دستور فرموده‌اند که شیعیان در عصر غیبت، به روایتگران احادیث اهل بیت علیهم السلام رجوع کنند و تکلیف خود را در مسائل اتفاقیه و پیش آمده، از ایشان پرسند. باید تأمل کرد که مقصود از «رواه حدیثنا» کیانند و معنای «حوادث واقعه» چیست؟



کلمه «حوادث» جمع «حادثه» است و چون امام فرموده است در حوادثی که رخ می‌دهد به راویان حدیث رجوع کنید، معلوم می‌شود مراد از حوادث، مسائلی است که به دین و دیانت مسلمین مربوط می‌شود که راویان حدیث باید تکلیف مؤمنان را در آن مسائل، روشن کنند. حال سؤال اینجاست که آیا مراد، مسائل فردی است که در رساله‌های علمیه بیان شده است یا مسائل اجتماعی مانند جهاد با کفار، دفاع در برابر هجوم بیگانگان، ارتباط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی با دولت‌های بیگانه و...؟

بسیار بعید است که مقصود امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف از حوادث واقعه، مسائل فردی مثل نماز و روزه و زکات و... باشد؛ زیرا رجوع به عالمان دین، وکلا و نایبان ائمه علیهم السلام و پرسش از آنها در این مسائل، در زمان حضور امامان علیهم السلام نیز مطرح بوده است. اساساً این مسئله، بدیهی بوده که وقتی دسترسی به امام معصوم علیه السلام ممکن نیست -چه آن‌گاه که امام، حاضر و ظاهر است یا آن‌گاه که در غیبت به سر می‌برد- باید به علمای دین که به قرآن و سنت آگاهی دارند، مراجعه کرد. بنابراین مقصود از «حوادث واقعه»، مسائل اجتماعی است و این معنا با ظاهر تعبیر «حوادث»، کاملاً تناسب و هم‌خوانی دارد.

### راویان حدیث ائمه، چه کسانی هستند؟

مطابق توقیع امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشريف، شیعیان حضرت، در زمان غیبت آن بزرگوار باید در مسائل پیش آمده به راویان حدیث امامان مراجعه کنند. روشن است که فهمیدن کلمات معصومین علیهم السلام در زمینه احکام و وظایف فردی و اجتماعی به تخصص بسیار بالایی در علوم اسلامی و دینی نیاز دارد و به دست آوردن احکام شرعی از احادیث ائمه، کار بسیار پیچیده‌ای است. به همین دلیل از دیرزمان، شیعیان برای این مهم به علما و اسلام‌شناسان حقیقی رجوع می‌کردند.

بنابراین مقصود از راوی حدیث، تنها روایت‌کننده حدیث نیست بلکه منظور، کسی است که اولاً با منابع روایی‌اش آشنایی کامل دارد و روایت معتبراً از غیرمعتبر می‌شناسد و ثانیاً به همه جوانب کلمات معصومان و چگونگی به دست آوردن حکم شرعی از سخنان ایشان، آگاه است و تمام مقدمات و ابزار لازم برای فهم درست سخنان ایشان را فرا گرفته است.

به اعتراف همه مسلمین و همه صاحبان عقل و فکر، چنین کسانی تنها فقیهان و مجتهدان دینی هستند که در همه مسائل فردی و اجتماعی، احکام الهی را از قرآن و کلمات معصومین استخراج می‌کنند و حکم همه مسائل را در اختیار شیعیان قرار می‌دهند.

برداشت بالا با دنباله حدیث که فرموده است «فانهم حجتی علیکم» نیز هماهنگ است؛ زیرا حجت بودن راوی با اموری تناسب دارد که رأی و نظر او در آن امور، ملاک و معیار باشد؛ یعنی زمانی این «راوی حدیث» حجت بر دیگران است که استنباط و برداشت او از کلام معصوم برای دیگران، حجت باشد؛ و الا اگر قرار بود به خود کلام معصوم استناد شود، نمی‌فرمود: آنها - خودشان - حجت بر شما هستند.

در این باره، سخن فقیه و نامدار شیعه، شیخ انصاری رحمته الله علیه بسیار گویاست که می‌فرماید:

«آنچه از ظاهر عبارت امام به دست می‌آید، این است که مقصود از «حوادث»، همه اموری است که به حکم عرف و عقل و شرع، در آنها باید به رئیس [و بزرگ قوم] رجوع کرد و بسیار بعید است که «حوادث» اختصاص به مسائل شرعی داشته باشد.»<sup>۱</sup>

## ۲. مقبوله عمر بن حنظله

یکی از روایاتی که فقها برای اثبات ولایت فقیه به آن استناد کرده‌اند، روایتی است که عمر بن حنظله نقل کرده است.

او می‌گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: «وقتی دو نفر از شیعیان در امر بدهی یا ارث اختلاف داشتند، آیا جایز است که دعوا و نزاع خود را نزد سلطان [نابحق] یا قاضی [منصوب از سوی آن سلطان] ببرند؟»

امام صادق علیه السلام فرمود:

«هرکس برای داوری به آنها مراجعه کند... جزاین نیست که به طاغوت مراجعه کرده و او را به عنوان داور، پذیرفته است و آنچه را حاکم یا قاضی او به آن حکم کند، حرام است؛ گرچه حق او باشد؛ زیرا آنچه گرفته است به حکم طاغوت بوده؛ یعنی همان کسی که خدا امر کرده است که به او کفر بورزند؛ آن جا که می‌فرماید:



«يُرِيدُونَ أَنْ يُتَحَاكَمُوا إِلَى الطَّاغُوتِ وَقَدْ أُمِرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ»

[بعضی از مردم] می‌خواهند داوری در امور را نزد طاغوت ببرند و حال آن‌که امر شده‌اند که به طاغوت کفر بورزند».

عمر بن حنظله می‌گوید: (وقتی دیدم که امام، مراجعه شیعیان به حاکم طاغوت و قاضی او را با این شدت، محکوم و ممنوع کرد، پرسیدم:) «پس شیعیان - در چنین مواردی - چه کنند؟»

امام علیه السلام فرمود:

«ينظران الی من کان منکم ممن قد روی حدیثنا و نظر فی حلالنا و حرامنا و عرف احکامنا فلیرضوا به حکما فانى قد جعلته علیکم حاکما فاذا حکم بحکمنا فلم یقبله منه فانما استخف بحکم الله و علینا رد و الراد عینا الراد علی الله و هو علی حد الشرک بالله»<sup>۲</sup>

[وقتی دو شیعه در امری اختلاف کردند] بنگرند [و دقت کنند] که از شما شیعیان آن کس که احادیث ما را روایت می‌کند و در حلال و حرام ما نظر [و نگاه دقیق] دارد و احکام ما [اهل بیت علیهم السلام] را می‌شناسد، چنین کسی را به عنوان داور میان خود بپذیرند؛ زیرا که من او را بر شما «حاکم» قرار دادم و زمانی که [چنین شخصی] به چیزی حکم می‌کند و از او پذیرفته نشود، پس همانا حکم خدا را سبک شمرده و حکم ما را رد کرده است. و هر کس حکم ما رد کند، حکم خدا را رد کرده است و آن در حد، شرک و ورزیدن به خداست.»

در این روایت شریف، چند مطلب مهم و اساسی وجود دارد:

۱. در نزاع‌ها نباید به حاکم طاغوت و قاضی منصوب از سوی او مراجعه نمود؛ چرا که قرآن و سنت، آن را حرام کرده‌اند.

۲. امام صادق علیه السلام فرمود:

«در چنین مواردی به راوی حدیث و عارف و آشنای به احکام ما رجوع کنند».

روشن است که کسی جز فقیه و مجتهد، آشنایی کامل و فراگیر با احکام ائمه که در احادیث آنها آمده است، ندارد.

۱. نساء، ۶۰.

۲. کلینی، کافی، ج ۱، باب اختلاف الحدیث، ح ۱۰، ص ۶۷.

۳. در این روایت، مورد سؤال، دعوا و نزاع بین دو طرف بود ولی امام صادق علیه السلام در پایان روایت، یک روایت کلی و جامع فرمود که: «فانی قد جعلته علیکم حاکماً»، حضرت با این بیان، فقیه را به عنوان «حاکم» در میان شیعیان معرفی کرد و حاکم یعنی کسی که بر دیگران، حکومت و حاکمیت دارد و سرپرست ایشان است و امور آنها را مدیریت می‌کند.

۴. امام علیه السلام افزود که اگر این حاکم که منصوب از سوی امام است حکمی کند، حتماً باید به آن گردن نهاد و بپذیرند و اگر آن را رد کنند، حکم امام را رد کرده‌اند و رد حکم امام همانا رد حکم خداست. حضرت با این بیان عام، فقیه را در همه احکام فردی و اجتماعی، قضایی و غیرقضایی - حجت بر مردم قرار داد.

فقیه نامدار شیعه، محمد حسن نجفی، معروف به صاحب جواهر (م ۱۲۶۶ ق) می‌گوید:

«نصب عام فقها در همه امور، جاری است؛ به طوری که هر چه برای امام هست، برای فقیه نیز هست؛ چنان‌که مقتضی قول امام علیه السلام (فانی قد جعلته علیکم حاکماً)، این است که فقیه، ولی متصرف در قضاوت و غیر آن از قبیل ولایات و مانند آن است؛ چنان‌که در توقیع شریف امام زمان علیه السلام آمده است: «فانهم حجتی علیکم». و مراد این است که فقیهان در همه آنچه من حجت هستم، بر شما حجت هستند؛ مگر آنچه که با دلیل، خارج شود.»<sup>۱</sup>

استاد بزرگ فقهای عظام، مرحوم شیخ انصاری (م ۱۲۸۱ ق) می‌گوید:

«آن چه از کلمه «حاکم» در قبوله عمر بن حنظله می‌فهمیم، همان «متسلط مطلق» است؛ یعنی این که امام فرمود: «فانی قد جعلته علیکم حاکماً» نظیر گفتار «سلطان و حاکم» است که به اهل شهر بگوید: «من فلان شخص را حاکم بر شما قرار دادم». از این تعبیر برمی‌آید که سلطان، فلان شخص را در همه اور کلی و جزئی شهروندان که به حکومت برمی‌گردد، مسلط کرده است.»<sup>۲</sup>

از آن چه گذشت، به روشنی معلوم است که «فقیه» ولایتش را از امام معصوم گرفته است؛ زیرا در توقیع امام زمان علیه السلام و نیز مقبوله عمر بن حنظله، این است که فقیه را حجت بر مردم و حاکم بر ایشان قرار می‌دهد؛ بنابراین فقیه با نصب امام و حکم او بر مردم ولایت دارد.

۱. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، ج ۲۱، ص ۳۹۶ و ۳۹۷.

۲. انصاری، قضا و شهادت، ش ۲۲، ص ۸-۹.



آری! مقبولیت فقیه در ولایتش و امکان اجرا و عملی کردن این ولایت، به اقبال مردم و پذیرش ولایت فقیه از سوی مردم بستگی دارد.

### وظایف و اختیارات ولی فقیه

با توجه به آن چه در ادله ولایت فقیه گذشت، معلوم می شود که در زمان غیبت، مرجع مردم در مسائل گوناگون فردی و اجتماعی، فقیه جامع الشرائط است و امام معصوم علیه السلام او را حاکم بر مردم قرار داده است. و مطابق فرموده امام معصوم علیه السلام، سمت های سه گانه افتاء، قضاء و حکومت، حق فقیه جامع الشرائط و بلکه وظیفه اوست. پس در زمان غیبت، فقیه به نیابت از امام در همه مسائل شرعی فتوا می دهد و در نزاع ها، بین طرفین، قضاوت و داوری می کند و همگان موظفند داوری او را بپذیرند و براساس آن عمل کنند. همچنین در امر حکومت و تدبیر امور جامعه، سرپرستی مردم به عهده اوست و از سوی امام، جامعه را رهبری می کند و در همه امور که به اجتماع و جامعه اسلامی مربوط است، حکم او، حکم امام است و باید پذیرفته شود. از ولایت فقیه در این سه حوزه به «ولایت مطلقه» تعبیر می شود؛ یعنی محدوده ولایت فقیه تنها در بخش فتوا دادن و قضاوت کردن نیست بلکه تمام امور جامعه و حکومت بر مردم را شامل می شود.<sup>۱</sup>

### ویژگی های فقیه جامع الشرائط

با توجه به اهمیت و بزرگی وظیفه حاکم در جامعه اسلامی، حکومت و رهبری به عهده معصوم است ولی در عصر غیبت، چون مردم دسترسی مستقیم به معصوم ندارند، باید کسی عهده دار این مسئولیت مهم شود که نزدیک ترین مردم به معصوم و شرایط او باشد.

ویژگی های فقیه عبارت است از:

## ۱. اجتهاد و آگاهی کافی از اسلام

اسلام، مجموعه ای از قوانین و مقررات الهی است که خداوند به عنوان برنامه زندگی انسان ها بیان فرموده است و چون جامعه اسلامی باید بر اساس قوانین اداره شود، حاکم جامعه باید از این محتوا آگاهی کافی داشته باشد؛ به همین دلیل باید در همه فروع اسلامی و احکام فردی و اجتماعی، صاحب نظر باشد؛ یعنی به وسیله علوم مختلف اسلامی، توانایی استخراج احکام خدا را از منابع آن که قرآن و سنت معصومان است، داشته باشد. به چنین کسی «مجتهد» و «فقیه» می گویند.

## ۲. تقوا و عدالت

اگر مدیریک مجموعه، اسیر هوا و هوس خود یا دیگران باشد، مصالح عمومی را فدای تمایلات شخصی یا جناحی خود خواهد کرد و این از بزرگ ترین آفات مدیریت است؛ به همین دلیل در جامعه دینی، حکومت در اصل، از آن معصوم است که از همه هوس های غیر الهی و نیز هر خطا و اشتباهی، مصون و محفوظ است؛ اما در عصر غیبت، باید کسی که در تقوا و پرهیزکاری شبیه ترین افراد امت به معصوم است، عهده دار حکومت شود وگرنه جامعه به تباهی و فساد کشیده خواهد شد. به روایت نبوی زیر توجه کنید:

«لاتصلح الامامه الا لرجل فیه ثلاث خصال: ورع یحجزه عن مصاصی الله و حلم یملک به غضبه و حسن الولایه علی من یلی حی یكون لهم کالوالد الرحیم»<sup>۱</sup>

امامت (ورهبیری) شایسته نیست جز برای کسی که سه خصلت در او باشد: ورعی که او از نافرمانی خدا باز دارد، حلمی که با داشتن آن بر خشم و غضب خویش غالب شود و مدیریت خوب در قلمرو ولایت و سرپرستی خویش تا جایی که برای مردم، همچون پدری مهربان باشد.

بنابراین حاکم بر جامعه اسلامی، هم از نظر علمی و هم از منظر عملی باید در اوج باشد؛ یعنی علاوه بر تسلط بر محتوای دین، لازم است از عدالت و تقوای فوق العاده برخوردار باشد.



در حدیث دیگری، امام حسین علیه السلام این دو شرط را چنین بیان فرموده است:

«ما الإمام إلا الحاكم بالكتاب، القائم بالقسط، الدائن بدين الحق، الحابس نفسه على ذات الله!»

تنها کسی می تواند امام و حاکم مسلمانان باشد که از روی قرآن حکم کند، مجری کامل عدالت باشد، متدین به دین حق بوده و جلوه همه هواهای نفس خویش را گرفته باشد.

روشن است که این کلام نورانی، امامت و حاکمیت هر عنصر پلید و هواپرستی را نفی می کند و مؤمنان را تا قیامت از قبول هر حاکم ظالم و ستمگری - گرچه کمترین درجه ظلم و گناه را دارا باشد - پرهیز می دهد.

### ۳. تدبیر و مدیریت

به حکم عقل و منطق صحیح، حاکم جامعه اسلامی باید توانایی مدیریت و رهبری را دارا باشد و در روایات اسلامی نیز به این اصل عقلی تصریح شده است. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

«أيها الناس! ان احق الناس بهذا الامر اقوام عليه واعلمهم بأمر الله فيه؛<sup>۱</sup>

ای مردم! شایسته ترین افراد برای این کار [امامت و حکومت] کسی است که بر آن، تواناتر و از حکم خدا درباره آن، آگاه تر است.»

بنابراین فقیه جامع الشرائط باید علاوه بر اجتهاد و عدالت مطلق، اولاً بینش درست و صحیحی از امور سیاسی و اجتماعی داخل و خارج داشته باشد و ترفندهای دشمنان را به خوبی بشناسد و ثانیاً، از هنر مدیریت و لوازم آن برخوردار باشد؛ به گونه ای که بین قوای سه گانه و سایر بخش های حکومتی، هماهنگی ایجاد کرده و نیز از بازوهای مشورتی قوی در مدیریت کلان جامعه، بهره گیرد.

۱. مفید، الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، ج ۲، ص ۳۹.

۲. نهج البلاغه، خطبه ۱۷۳.



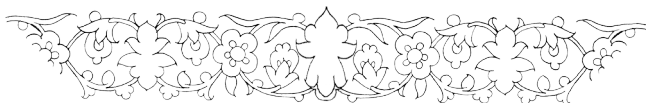
## ولایت مطلقه فقیه و خطر دیکتاتوری

با توجه به ویژگی‌هایی که برای فقیه بیان شد، ولایت فقیه بهترین و صالح‌ترین مرکز تصمیم‌گیری برای جامعه اسلامی است و تمرکز قدرت در او به هیچ‌وجه به دیکتاتوری نمی‌انجامد؛ زیرا دیکتاتوری نه در چارچوب قوانین الهی که بر اساس برداشت‌ها و سلیق شخصی، حکم می‌کند و حرص او به مقام و حکومت، مانع از پرهیزکاری و رعایت مصالح مردم است و نتیجه این دو رفتار، ضعف مدیریت اجتماعی و سیاسی او نیز خواهد بود؛ در حالی که ولی فقیه پس از احراز سه ویژگی مهم و اساسی بر مردم، ولایت پیدا کرده است:

ویژگی اول او فقاقت است تا بتواند جامعه اسلامی را بر اساس احکام الهی اداره کند و نه مطابق آراء شخصی یا گروهی. ویژگی دوم او، عدالت و پرهیزکاری اوست که سبب می‌گردد تمایلات شخصی و حزبی را در اداره جامعه دخالت ندهد و در پی جاه‌طلبی و دنیاگرایی نباشد و ویژگی سوم او، تدبیر درست سیاسی و مدیریت بهتر جامعه است که به وسیله مشورت با صاحب‌نظران علمی و سیاسی متعهد، به آن دست یافته است.

بدیهی است که ولایت فقیه بر جامعه اسلامی تا زمانی است که این شرایط در او موجود باشد و خبرگان امت که مجموعه‌ای از علمای متعهدند، وجود این شرایط را در او تأیید کنند و چنان‌چه یکی از این ویژگی‌های ولی فقیه از بین برود، عزل او را از مقام ولایت، اعلام کرده و نسبت به معرفی ولی فقیه جامع‌الشرائط، اقدام می‌کنند.

با توجه به آن‌چه بیان گردید، روشن است که ولایت فقیه، محدود به زمان خاصی نیست بلکه تا وقتی که شرایط لازم برای ولایت، در فقیه حاکم، وجود داشته باشد، ولایت او بر جامعه اسلامی استمرار دارد و همگان مکلف به اطاعت و پیروی از او هستند.



## بخش ششم

### فصل اول:

#### جایگاه انتظار و آثار آن

جایگاه انتظار در فرهنگ شیعه

انواع انتظار

ویژگی های انتظار

آثار انتظار

## انتظار

بدون تردید اساس زندگی انسان، با امید و انتظار به آینده‌ای روشن و بهتر، بنا نهاده شده است؛ به گونه‌ای که بدون «امید و انتظار»، شور و شادایی لازم برای تداوم زندگی از دست خواهد رفت.<sup>۱</sup> زندگی کنونی انسان، ظرف پویایی، تلاش و حرکت به سوی فردا و فرداهایی روشن‌تر است.

پدیده انتظار است که انسان را به حرکت در جهت مناسب با آن، برمی‌انگیزد و از هر حرکت و گرایش به جهت‌های نامتناسب، باز می‌دارد. انتظار و امید به آینده بهتر، ریشه در یک احساس فطری دارد که آن، حرکت به سوی کمال است. البته این در انسان‌ها به دلیل تفاوت دیدگاه آنها از کمال، متفاوت خواهد بود.

### جایگاه انتظار در فرهنگ شیعه

«انتظار» در لغت به معنای چشم‌داشت و چشم به راه بودن است.<sup>۲</sup> در اصطلاح مهدویت به معنای چشم به راه آمدن واپسین ذخیره الهی و برپایی حکومت عدم و قسط در سراسر گیتی آمده است.

به بیان دیگر؛ «انتظار»، کیفیتی روحی است که موجب به وجود آمدن حالت آمادگی (انسان‌ها) برای آن چه انتظار دارند، می‌شود و ضد آن، یأس و ناامیدی است. هرچه انتظار، بیشتر باشد و هرچه شعله آن، فروزان‌تر و پرفروغ‌تر باشد، تحرک و پویایی او و در نتیجه آمادگی نیز بیشتر خواهد بود.

آیا نمی‌بینی اگر مسافری در راه داشته باشی و چشم به راه آمدن او باشی، هرچه زمان رسیدن نزدیک شود، آمادگی برای آمدنش، فزونی می‌یابد!<sup>۳</sup>

البته در خاستگاه این حالت، دیدگاه‌های متفاوتی مطرح شده است.

۱. رسول گرامی اسلام ﷺ در این باره فرمود: «آرزو برای امت من، مایه رحمت است و اگر امید و آرزو نبود، هیچ مادری فرزندش را شیر نمی‌داد و هیچ باغبانی درختی نمی‌کاشت»؛ مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۱۷۵.

۲. ر.ک: دهخدا، علی‌اکبر، لغتنامه، کلمه انتظار.

۳. ر.ک: موسوی اصفهانی، محمدتقی، مکیال‌المکارم، ترجمه: حائری قزوینی، مهدی، ج ۲، ص



یکی از نویسندگان معاصر با بیان این که برخی دوست دارند حالت انتظار را یک مسئله روانی در اقصاء محروم جامعه و تاریخ تفسیر کنند و حالت فرار از واقعیت گران بار مشقت‌ها- به سوی تصور آینده‌ای که محرومان در آن بتوانند تمام حقوق از دست رفته و سیادتشان را بازپس گیرند، نوشته است:

«این گمانه، نوعی خیال‌بافی یا نوعی گریز از دامن واقعیت به آغوش تخیل است».

ایشان پس از این، در دیدگاه یاد شده مناقشه نموده، می‌نویسد:

«بی‌گمان هنگامی که در پیشینه تاریخی مسئله، نظر کنیم و گستره وسیع نفوذ آن را در عقاید دینی معروف تاریخ انسان بنگریم، چنین توجیهی برای مسئله انتظار، کاملاً غیرعلمی و بی‌پایه خواهد بود. مسئله انتظار، از محدوده دین، فراتر رفته و مذاهب و رویکردهای غیردینی نظیر مارکسیسم را نیز شامل شده است. چنان‌که برتراند راسل می‌گوید: «انتظار، تنها به ادیان تعلق ندارد بلکه مکاتب و مذاهب نیز ظهور نجات‌بخشی که عدل را بگستراند و عدالت را تحقق بخشد، انتظار می‌کشند»<sup>۱</sup>.

اما «فَرَج» به معنای گشایش است؛ گشایشی که امید امیدواران است و به یقین تحقق پذیراست و ناامیدی در آن راه ندارد و ممکن است که طول بکشد؛ طول کشیدن تحقق مطلوب، از لوازم امیدهای بزرگ است. امیدهای کوچک، به زودی تحقق می‌پذیرند و امید هرچه بزرگ‌تر باشد، تحقق آن دیرتر و طولانی‌تر است؛ به خصوص اگر بزرگ‌ترین امیدها باشد که آن، گشایش برای همه خلق و سیادت عدل و داد برای همیشه، در جهان است.<sup>۲</sup>

اما احیای انتظار حضرت مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى وَرَحِمَهُ الْبَرُّوْنَ نزد شیعه امامیه، فراوان است که دسته‌ای از آنها از طرق صحیح به ما رسیده است.

## انواع انتظار

در روایاتی که سخن از انتظار گفته‌اند، به دو دسته روایت برمی‌خوریم:

۱. روایت‌هایی که سخن از انتظار فرج و گشایش به معنای عام و کلی به میان آورده است. در این معنا، آموزه‌های دینی بر آن است تا افزون بر بیان فضیلت «گشایش عمومی» و امید به آینده، یأس و ناامیدی را نیز مورد نکوهش قرار داده، از ورود آن به جوامع بشری، جلوگیری کند.

۱. آصفی، محمد مهدی، انتظار پویا، فصلنامه انتظار، شماره ۶.

۲. ر. ک: صدر، سیدرضا، راه مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى وَرَحِمَهُ الْبَرُّوْنَ، ص ۸۶.

اهتمام آموزه‌های اسلامی در بیان معنای عام انتظار و امید، تا بدان حد بوده که گاهی از آن به عبادت یاد کرده<sup>۱</sup> و گاهی از آن به برترین عبادت<sup>۲</sup>.

گاهی پا را از همه آن چه گفته شد، فراتر نهاده‌اند و از آن به برترین کارهای امت پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله یاد کرده‌اند.<sup>۳</sup> گاهی هم به آثار وضعی انتظار، اشاره شده و خود انتظار فرج، نوعی فرج و گشایش معرفی گشته است.<sup>۴</sup> سرانجام؛ آن را برترین جهاد امت اسلام یاد کرده‌اند.<sup>۵</sup>

و از سوی دیگر؛ ناامیدی از رحمت پروردگار، به شدت مورد مذمت و در شمار گناهان بزرگ به شمار آمده است.<sup>۶</sup>

۲. روایت‌هایی که در آن به انتظار به معنای خاص اشاره شده است.

در این روایت‌ها، انتظار به معنای چشم به راه بودن آینده‌ای با تمام ویژگی‌های یک جامعه مورد رضایت خداوند است.

انتظار به معنای خاص، انتظار فرج قائم آل محمد عجل الله تعالی فرجه الشریف و ظهور آخرین مصلح جهانی و موعود است.<sup>۷</sup> انتظار در مکتب تشیع، حالت انسانی است که ضمن پیراستن وجود خویش از رذایل و آراستن آن به فضایل، در ارتباط مستمر با امام علیه السلام و حجت زمان خویش، همه همت خود را صرف زمینه‌سازی ظهور مصلح آخر الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نموده و در جهت تحقق وعده الهی نسبت به برپایی دولت کریمه اهل بیت علیهم السلام، با تمام وجود تلاش می‌کند.<sup>۸</sup> در این معنا

۱. رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: «انتظار الفرج عبادة»؛ اربلی، کشف الغمّه، ج ۲، ص ۱۰۱؛ طوسی، امالی، ص ۴۰۵.

۲. همان حضرت فرمود: «افضل العبادة انتاظر الفرج»؛ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۸۷. همچنین ز. ک: ترمذی، سنن، ج ۵، ص ۵۶۵.

۳. هم ایشان فرمود: «افضل اعمال امتی انتظار الفرج من الله عزوجل»؛ صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۳۶؛ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۴۴.

۴. در این باره امام سجاد علیه السلام فرمود: «انتظار الفرج من اعظم الفرج»؛ الاحتجاج، ج ۲، ص ۳۱۷؛ همان، ج ۱، ص ۳۱۹.

۵. رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: «افضل جهاد امتی انتظار الفرج»؛ حرانی، حسن بن علی بن حسین بن شعبه، تحف العقول، ص ۳۷.

۶. یوسف، ۸۷.

۷. فرهنگ‌نامه مهدویت، ص ۵۷.

۸. شفیعی، ابراهیم، شناخت زندگی بخش، ص ۱۱۰.



(خاص) انتظار از حالت محدود و فردی خارج شده و جهان شمول می شود و همه عرصه های زندگی اجتماعی را در بر می گیرد تا جایی که شیعه را به سوی سعادت جهانی سوق می دهد و عدالت و معنویت را برای همه جستجو می کند. بنابراین منظور از «انتظار فرج» در مکتب تشیع، همین معنای خاص است و مقصود، نصرت، گشایش و پیروزی حکومت عدل علوی توسط فرزند خلفش حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف بر حکومت های کفر و ستمگراست.

آری! این انتظار، تعهد آفرین و مسئولیت ساز است و سبب بقاء شیعه و حفظ او از زوال گشته و عامل پایداری و الگوی عملی برای سایر ملل و مذاهب گشته است؛ چراکه انتظار فرج، در واقع انتظار تحقق یافتن آرمان های بزرگ عدالت خواهی و ظلم ستیزی است.

برخی از سخنان معصومین علیهم السلام در این باره، این گونه است: امام باقر علیه السلام - آن گاه که دین مرضی خداوند را تعریف می کند - پس از شمردن اموری می فرماید:

«و تسلیم به امر ما به پرهیزکاری و فروتنی و انتظار قائم ما»<sup>۱</sup>.

امام صادق علیه السلام فرمود:

«بر عهده شماست به تسلیم و رد امور به ما و انتظار امر ما و امر خودتان و فرج ما و فرج شما»<sup>۲</sup>.

از مجموعه سخنانی که نقل شده، به دست می آید که انتظار فرج - چه به معنای عام آن و چه به معنای خاص - در فرهنگ اسلام؛ به ویژه در آموزه های مکتب تشیع، جایگاه والایی دارد.

البته از روایات انتظار ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به دست می آید که این انتظار، تنها راه نیست بلکه خود نیز موضوعیت دارد؛ بدان معنا که اگر کسی در انتظار راستین به سربرد، تفاوتی ندارد که به منتظر خویش دست یابد یا دست نیابد.

۱. کلینی، کافی، ج ۲، ص ۲۳، ح ۱۳.

۲. کشی، رجال، ص ۱۳۸.

در این باره، شخصی از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ پرسید: چه می فرمایید درباره کسی که دارای ولایت پیشوایان است و انتظار ظهور حکومت حق را می کشد و در این حال، از دنیا می رود؟

حضرت در پاسخ فرمود:

«او همانند کسی است که با [رهبر این انقلاب]، حضرت قائم عَلَيْهِ السَّلَامُ در خیمه او باشد؛ سپس کمی سکوت کرد و- فرمود: مانند کسی است که با پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در «مبارزاتش» همراه بوده است.»<sup>۱</sup>

یکی از نویسندگان معاصر، این موضوع را از منظری دیگر نگریسته و پس از نقل روایات مربوط به انتظار فرج، نوشته است: «فرج بردو قسم است: فرج شخصی و فرج عمومی؛ و فرج شخصی، خود بردو نوع تقسیم می شود:

الف. پاک شدن انسان از اخلاق زشت و صفات پسندیده و فرومایه و در پی آن، رسیدن به کمال فطری و درجه های والای انسانی و اخلاق و منش الهی.

ب. فرجی که به ولی عصر عَلَيْهِ السَّلَامُ منسوب است. این نوع از فرج شخصی، به نوبه خود، بردو نوع است:

۱. شناخت مقام نورانیت امام عَلَيْهِ السَّلَامُ که چیزی جز مقام ولایت الهی نیست. این معرفت را فقط در پی فرج شخصی (رسیدن به کمالات فطری و درونی)، می توان به دست آورد.

۲. رسیدن به خدمت امام عصر عَلَيْهِ السَّلَامُ و درک زمان ظهور آن حضرت. معلوم است که اگر این فرج حاصل شود، فرجی که رسیدن به کمال عالی انسانی است نیز حاصل می شود؛ زیرا از بعضی روایات فهمیده می شود رسیدن به حضور امام عَلَيْهِ السَّلَامُ در زمان ظهور آن حضرت، برای تمام افراد بشر یا حداقل برای برگزیدگان و وارستگان از غیر حق، در رسیدن به کمالات انسانی و درجه های عالی، بسیار و نقش جدی دارد.

اما «فرج عمومی» عبارت است از رها شدن جامعه از شرستم و بیداد و رسیدن به عدل و داد و برپا شدن دولتی که در آن، حق، عزیز و محترم و باطل، ذلیل و پایمال گردد.



بعضی از دعاها و روایات و به ویژه دعاهایی که در ماه رمضان وارد شده است، درخواست فرج شخصی را به انسان الهام می‌کند و بعضی احادیث، به طلب فرج عمومی در زمان امامان معصوم علیهم‌السلام و در زمان غیبت، مربوط است که برای آن، پاداش بزرگی ذکر کرده‌اند.

«روشن است که کسی که معتقد باشد فرج عمومی از ناحیه خداوند خواهد رسید و مسلمانان از ستم و بیداد رهایی می‌یابند و براین اعتقاد، ثابت بماند و استقامت کند و آخرتش را به دنیا نفروشد، به دلیل این انتظار، پاداش بزرگی خواهد داشت»<sup>۱</sup>.

بنابراین بدون انتظار، شور و نشاط لازم برای تداوم زندگی وجود نخواهد داشت. پس این انتظار و فرج (عام) در درجه نخست، ویژه زندگی است و با ماهیت زندگی ما، امید به آینده، عجین شده است.<sup>۲</sup>

با وجود روشنی معنای انتظار، تفسیرها و برداشت‌های مختلفی از آن ارائه شده است. بخش عمده این برداشت‌ها، مربوط به فهم دانشمندان و بخش دیگر، مربوط به برداشت عموم شیعیان از مسئله انتظار است.

بنابراین «انتظار» با نشستن و دست روی دست گذاشتن، نمی‌سازد. انتظار با چشم به در دوختن و حسرت خوردن، تمام نمی‌شود بلکه در حقیقت انتظار، حرکت، نشاط و شورآفرینی نهفته است.

آن‌که در انتظار مهمان عزیزی است، سرازپا نمی‌شناسد و در تلاش است تا خود و محیط اطراف خود را برای آمدن مهمان، آماده کند و موانع حضور او را برطرف سازد.

سخن درباره انتظار رویدادی بی‌ظنیراست که در زیبایی و کمال، نهایت ندارد. انتظار روزگاری که در سبزی و خرمی در تمام روزگاران گذشته، مثالی نداشته است و جهان چنان دوران زیبایی را هرگز تجربه نکرده است.

۱. سعادت پرور، علی، ظهور نور، ص ۸۲-۸۱.

۲. حکیمی، محمد، عصر زندگی، ص ۲۶۱.



## ویژگی های انتظار مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

«انتظار»، امری فطری است و برای همگان در هر قوم و آیینی که باشند وجود دارد؛ اما انتظاراتهای معمولی که در جریان زندگی افراد و حتی جامعه‌ها وجود دارد، هر اندازه بزرگ و با اهمیت باشد، در مقایسه با انتظار موعود جهانی، کوچک و بی‌مقدار است؛ زیرا انتظار ظهور او، ویژگی‌های خاص خود را دارد. این انتظار است که از ابتدای عالم، آغاز شده است؛ یعنی از زمان‌های بسیار دور، انبیاء و اولیاء نوید ظهور او را داده‌اند و در زمان‌های نزدیک‌تر، همه امامان ما آرزوی روزگار دولت او را داشته‌اند.

امام صادق علیه السلام فرمود:

«اگر او را درک می‌کردم، تمام عمر به او خدمت می‌کردم»<sup>۱</sup>.

انتظار مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، انتظار مصلح جهانی است. انتظار حکومت عدل جهانی است و انتظار تحقق همه خوبی‌هاست. در این انتظار، بشریت چشم به راه است تا آن چه را براساس فطرت پاک خدایی، در آرزوی آن بوده و هیچ‌گاه به صورت کامل به آن دست نیافته است، ببیند. مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف همان است که عدالت و معنویت، برادری و برابری، عمران و آبادی زمین و امنیت، صلح و عصر شکوفایی عقل و دانش بشری را برای انسان‌ها به ارمغان می‌آورد و برچیدن بساط استعمار و بردگی انسان‌ها و نفی هرگونه ستم و ستمگری و رهایی اجتماع از انواع فسادهای اخلاقی، ره‌آورد حاکمیت اوست.

انتظار مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف انتظاری است که تنها با فراهم شدن زمینه‌های شکوفایی آن، خواهد شکفت و آن، زمانی است که همه انسان‌ها در طلب منجی و مصلح آخرالزمان باشند. او می‌آید تا با همکاری و همیاری یارانش بر ضد بدی‌ها قیام کند؛ نه این‌که تنها با معجزه کار جهان را سامان دهد.

انتظار مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در منتظرانش شوق یاری و همراهی او را ایجاد می‌کند و به انسان، هویت و حیات می‌بخشد و او را از پوچی و بی‌هدفی نجات می‌دهد.

آن چه گفته شد، بخشی از ویژگی‌های آن انتظاری است که به وسعت



همه تاریخ است و ریشه در جان همه انسان‌ها دارد و هیچ انتظار دیگری همسان این انتظار سترگ نیست. بنابراین جا دارد که ابعاد و آثار فراوان انتظار مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را بشناسیم و درباره وظایف منتظران ظهور او و پاداش بی نظیر آنها سخن بگوییم.

## ابعاد انتظار

انسان از زوایای مختلف، دارای ابعاد گوناگون است؛ از سویی از بعد نظری و عملی برخوردار است و از سویی دیگر دارای بعد فردی و اجتماعی است و علاوه بر بعد جسمی، بعد روحی و روانی دارد. بدون تردید در همه ابعاد یادشده به چارچوب مشخصی نیاز است تا در قالب آن، راه صحیح زندگی باز شود و مسیرهای انحرافی به روی آدمی بسته گردد و آن راه درست، همان مسیر انتظار است.

انتظار موعود جهانی، در همه ابعاد زندگی منتظر تأثیر می‌گذارد. در بعد فکری و نظری که زیربنای اعمال و رفتار انسان است، باورهای اساسی حیات آدمی را در حصار خود حفظ می‌کند. به بیان دیگر، انتظار صحیح می‌طلبد که منتظر، بنیان‌های اعتقادی و فکری خود را تقویت کند تا در دام مکتب‌های انحرافی گرفتار نشود یا به سبب طولانی شدن دوره غیبت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف چاه یأس و ناامیدی سقوط نکند.

امام باقر علیه السلام فرمود:

«روزگاری بر مردم خواهد آمد که امام ایشان غایب خواهد شد؛ پس خوشا به حال آنان که در آن زمان، بر امر [ولایت] ما ثابت و استوار بمانند»<sup>۱</sup>.

یعنی در دوره غیبت که دشمنان با انواع شبهه‌ها می‌کوشند تا اعتقادات درست شیعیان را از بین ببرند، به برکت قرار گرفتن در سنگر انتظار، مرزهای عقیدتی حفظ می‌شود.

در بعد عملی، انتظار به همه اعمال و رفتار انسان جهت می‌دهد. منتظر باید در میدان عمل بکوشد تا زمینه‌های ظهور دولت حق فراهم شود. بنابراین؛ منتظر در این بخش، هم به ساختن خود و هم به سامان دادن جامعه،

همت می‌گمارد. در بعد فردی نیز، هم به حیات روحی و روانی خود و کسب فضیلت‌های اخلاقی روی می‌آورد و هم به تقویت جنبه جسمی و بدنی می‌پردازد تا نیرویی کارآمد برای جبهه نور باشد.

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرمود:

«کسی که دوست دارد از یاران قائم عَلَيْهِ السَّلَام باشد، باید منتظر باشد و در حال انتظار، برهیزگری پیشه کند و به اخلاق نیکو، آراسته شود»<sup>۱</sup>.

ویژگی «انتظار» آن است که آدمی را از محدوده خود فراتر می‌برد و او را با تک‌تک افراد جامعه، مرتبط می‌کند؛ یعنی انتظار نه تنها در زندگی فردی منتظر، مؤثر است که در حوزه رابطه فرد با جامعه نیز طرح و برنامه دارد و او را به تأثیرگذاری مثبت در جامعه و او می‌دارد. از آن جا که شرط ظهور دولت حق، آمادگی جمعی است، هرکس به اندازه توان خود برای اصلاح جامعه می‌کوشد و در برابر ناهنجاری‌های اجتماعی، ساکت و بی‌تفاوت نمی‌ماند؛ چراکه منتظر مصلح جهانی در اندیشه و عمل، مسیر صلاح و راستی را طی می‌کند.

کوتاه سخن این‌که «انتظار»، جریان مبارکی است که در تمام مویرگ‌های حیات فرد و اجتماع منتظر، جاری است و در همه عرصه‌های زندگی، رنگ الهی به انسان و حیات او می‌بخشد و چه رنگی از رنگ الهی بهتر و ماندگارتر؟

قرآن کریم می‌فرماید:

«صِبْغَةَ اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً؟»

رنگ الهی [بگیرید] و چه چیز از رنگ الهی داشتن، نیکوتر است؟»

با توجه به آن چه گذشت، وظایف منتظران مصلح کل، چیزی جز همان «رنگ خدایی داشتن» نیست که به برکت انتظار، در جای جای زندگی فردی و جمعی آنها جلوه‌گرمی شود که در جای خود بیان می‌گردد.

اگر به راستی به تمام شرایط و ویژگی‌های انتظار و منتظران توجه شود، آثار تربیتی و سازندگی‌های فردی و اجتماعی به دنبال خواهد داشت که به مهم‌ترین آثار و کارکردهای آن می‌پردازیم.

۱. نعمانی، الغیبه، باب ۱۱، ح ۱۶، ص ۲۰۰.



## کارکردهای انتظار

### الف. سازندگی فردی

یکی از کارکردهای مهم انتظار، «خودسازی» است؛ آموزه‌ای که در اسلام بر آن بسیار تأکید شده و فلسفه ارسال رسولان و نازل شدن کتاب‌های آسمانی بوده است. براساس این آموزه، فرد به سازندگی خویش می‌پردازد و صفت‌های ناپسند را از خود دور می‌سازد و زنگارهای گوناگونی که بر قلب می‌نشیند را می‌زداید. قرآن کریم، وظیفه پیامبر ﷺ را همین تهذیب ذکر می‌کند: «وَيُزَكِّهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ»<sup>۱</sup>.

پیامبر گرامی اسلام ﷺ نیز می‌فرماید:

«إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ»<sup>۲</sup> من برانگیخته شدم تا مکارم اخلاق را تکمیل کنم».

آن چه که انتظار را معنا دار می‌کند، خودسازی است؛ زیرا فردی که در انتظار مصلح نشسته است، خود باید صالح و خودساخته باشد. انسان منتظری که به تزکیه و تهذیب اهتمام ندارد، بسیار بی‌معنا و تناقض‌آمیز است؛ چون به راحتی می‌پرسند: در انتظار چه کسی، با چه ویژگی‌هایی و برای چه اهدافی؟

بی‌تردید، حضرت منتظر عَنْكَ اللَّهُ تَعَالَى وَرَحْمَةً بِالتَّوَكُّلِ خود در انتظار روزی نشسته است که به اذن حضرت حق ظهور کند و یکبار دیگر با صلابت و صراحت، پیام همه پیامبران، اولیاء و صالحان گذشته را در مسیر خودسازی و سپس جامعه‌سازی ابلاغ کند. یاران او هم خودساختگانی هستند که با شناخت عمیق از خود و هستی، نقش تربیتی خود را به خوبی ایفا کرده‌اند.

#### ۱. خداپرستی

گام نخست برای فرد منتظر در مسیر خودسازی، «خداپرستی» و اجتناب از شیطان پرستی است. توحید و یکتاپرستی و مبارزه با شیطان است که انتظار را معنا می‌بخشد و همه حرکت‌های انسان را به سمت و سوی واحدی سوق می‌دهد.

۱. جمعه، ۲.

۲. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۱۸، ص ۵۲.

پرستش خدا، در واقع عهدهی است که از روز ازل و هنگام آفرینش، خدا با بشر بسته است؛ در قرآن کریم می‌خوانیم:

«الَّذِينَ أَخْلَفُوا لَیْلَىٰ لَأَعْبُدُوا إِلَهُکُمْ یَا بَنی آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّیْطَانَ إِنَّهُ لَکُمْ عَدُوٌّ مُّبِیْنٌ \* وَ أَنْ عِبُدُونِی هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِیْمٌ»<sup>۱</sup>

ای فرزندان آدم! مگر با شما عهد نکرده بودم که شیطان را مپرستید؛ زیرا وی دشمن آشکار است و این‌که مرا بپرستید؟ این است راه راست.»

دغدغه مهم حضرت هم آن است که بشر به این عهد الهی، پایبند باشد؛ چنان‌که ایشان فرموده است:

«وَلَوْ أَنَّ أَشِیَاعَنَا وَفَقَّهْمُ اللَّهِ لَطَاعَیْهِ . عَلَیٰ اجْتِمَاعِ مِنَ الْقُلُوبِ فِی الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ عَلَیْهِمْ لَمَا تَأَخَّرَ عَنْهُمْ الْیَمْنُ بِلِقَائِنَا»<sup>۲</sup>

اگر شیعیان ما – که خداوند آنان را به اطاعت خویش موفق گرداند- در وفای به عهد الهی، همدل و هم‌پیمان می‌شدند، سعادت دیدار ما از آنان به تأخیر نمی‌افتاد.»

شایان ذکر است عهد الهی، چیزی جز پرستش خداوند متعال نیست و این کارکرد مهم انتظار است که آدمی را به پیمان نخستینی که با حضرت حق، برای پرستش او بسته است، رهنمون می‌کند.

## ۲. پرهیزگاری

پرهیزگاری، ملاک و معیاری است که همه رفتارهای آدمی را با آن می‌سنجند و قوه‌ای است که آدمی با ایجاد آن، تمام اعمال خویش را جهت‌دار و پرمعنا می‌سازد. جایگاه تقوا و پرهیزگاری در آموزه‌های دینی، چنان رفیع و پر عظمت است که تقرب و ارجمندی آدمیان در نزد خدا، با آن سنجیده می‌شود:

«إِنَّ أَكْرَمَکُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاکُمْ»<sup>۳</sup>.

بی‌شک این مهم از مقوله «تقواگریز» نیست بلکه تقوایی است که هم فرد و هم اجتماع را به سازندگی سوق می‌دهند و منتظر، کسی است که «تقوای

۱. یس، ۶۰-۶۱.

۲. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۷.

۳. حجرات، ۱۳.



مثبت» را در خود پرورش دهد و کارکرد مهم انتظار، بروز چنین حالتی در وجود شخص است. براساس این مبنا، فرد منتظر، بی‌مبالات نیست و با پرهیزگاری به مرزهای گناه و حرام، نزدیک نمی‌شود.

«انتظار» به علت اهمیت ویژه‌ای که دارد، در احادیث اسلامی، هم‌ردیف با «پرهیزگاری» ذکر شده است؛ چنان‌که امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید:

«اجْتِنَابِ الْمَحَارِمِ وَ اِنْتِظَارِ الْفَرَجِ»<sup>۱</sup>.

و در جای دیگر، انتظار و پرهیزگاری، شرط یاری امام زمان بیان شده است:

«مِنْ سِرِّهِ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَنْتَظِرْ وَ لْيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَ مَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ وَ هُوَ مُنْتَظَرٌ»<sup>۲</sup>.

هرکس شادمان می‌شود به این‌که از یاران حضرت قائم باشد، پس انتظار بورزد و بر پایه تقوا و خوش خلقی، رفتار نماید؛ در حالی‌که منتظر است».

### ۳. اخلاق نیکو

کارکرد مهمی که می‌توان از «انتظار» توقع داشت، آراستن فرد منتظر به اخلاق پسندیده و حسن معاشرت با مردم است. بی‌شک منتظران واقعی حضرت، وی را همچون پیامبر گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، تلاشگری بزرگ در جهت تکمیل مکارم اخلاق می‌دانند و اساساً ظهور او را برای همین منظور، لازم می‌دانند؛ یعنی برای اصلاح زشتی‌های اخلاقی و پلیدی‌های اجتماعی. از این رو؛ خود باید به بهترین اخلاق، آراسته باشند. یاوران آن حضرت، خوش‌اخلاق‌ترین افراد جامعه اسلامی‌اند. در حدیثی از امام صادق علیه‌السلام آمده است که:

«وَ اِنْتِظَارَ الْفَرَجِ بِالصَّبْرِ وَ حُسْنِ الصُّبْحِ وَ حَسَنِ الْجَوَارِ»<sup>۳</sup>.

مطابق این حدیث، انتظار به حرف و سخن نیست بلکه در کردار نیکوی شخص، نمودار می‌گردد: با صبر، با نیکو سخن گفتن، با رفتارهای پسندیده در همسایگی و هم‌نشینی.

۱. صدوق، خصال، ج ۲، ص ۷۹.

۲. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۴۰.

۳. همان، ج ۵۲، ص ۱۴۰.

#### ۴. مهرورزی

انسان منتظری که خود و هستی را شناخته و با این شناخت، «خدا» را دریافته است، به او عشق می‌ورزد و با همین ویژگی، عاشق همه موجودات او نیز می‌شود: «عاشقم بر همه عالم که همه عالم، از اوست». در این میان، بیشترین علاقه او، به «انسان» است که هم نوع‌اند و نیازها و خواسته‌هایشان، مشترک است. لذا در سراسر آموزه‌های دینی، مهر و محبت به بندگان خدا، نشانه بارز ایمان شناخته شده است. بنا به فرمایش امام صادق علیه السلام، دین چیزی جز محبت نیست: «هل الدینُ الا الحُب».<sup>۱</sup>

کارکرد انتظار، آن است که این حالت مهرورزی را در فرد منتظر، تقویت می‌کند؛ زیرا باید منتظران ظهور او را دوست داشت و از احوال‌شان جویا شد و به آنان مهرورزید. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«طُوبَى لِمَنْ أَدْرَكَ قَائِمَ أَهْلِ بَيْتِي وَهُوَ يَأْتِمُّ بِهِ فِي غَيْبِهِ قَبْلَ قِيَامِهِ وَيَكُولِي أَوْلِيَاءَهُ وَيُعَادِي أَعْدَاءَهُ»<sup>۲</sup>؛ خوشا به حال کسی که «قائم اهل بیت» را درک کند؛ در حالی که در زمان غیبتش و قبل از قیام به او اقتدا نموده و دوست بدارد دوستانش را و با دشمنانش دشمنی کند».

این محبت و مهرورزی باید به بندگان ویژه خدا بیشتر باشد و هر مؤمنی به دلیل ویژگی‌های فطری خود باید بکوشد با عمل به واجبات و ترک محرمات و نیز دیگر وسیله‌ها، زمینه‌های محبت به اهل بیت را فراهم آورد. امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف می‌فرماید:

«فَلْيَعْمَلْ كُلُّ امْرِءٍ مِنْكُمْ بِمَا يُقَرِّبُ بِهِ مِنْ مَحَبَّتِنَا».<sup>۳</sup>

۱. همان، ج ۲۷، ص ۹۵؛ تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۶۷.

۲. همان، ج ۵۱، ص ۷۲.

۳. همان، ج ۵۳، ص ۱۷۵.



## ۵. زهدورزی

سالک با زهدورزی، مقامات سلوک را چالاکانه می‌پیماید و به قله‌های رفیع معنویت دست می‌یازد. همه سالکانی که در این مسیر گام نهاده‌اند، ملاک و معیار مهم را «زهد» دانسته‌اند. تعریف صحیح زهد بنا به فرمایش امام علی علیه السلام، در این آیات قرآنی ذکر شده است:

«لِكَيْلًا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ»<sup>۲</sup>

تا بر آن چه از دست شما رفته، اندوهگین نشوید و به سبب آن چه به شما داده است، شادمانی نکنید».

اما تردیدی نیست که یکی از جنبه‌های مهم زهد، ساده‌زیستی است. اساساً گرایش به «تجمل»، با سلوک، سازگار نیست. انسان‌هایی که برای خود، زندگی پرزرق و برقی فراهم آورده‌اند و در عین حال از زهد و عرفان دم می‌زنند، به تناقض گرفتار آمده‌اند و ادعای پوچ می‌کنند.

امام و اسوه ما در روزگار کنونی یعنی حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف، مصداق بارز زهدورزی و دوری از تجملات است؛ چنان‌که امام رضا علیه السلام در توصیف ایشان فرمود:

«وَمَا لِبَاسِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامِ إِلَّا الْغَلِيظُ وَمَا طَعَامُهُ إِلَّا الْجَسْبُ»<sup>۳</sup>

لباس قائم ما چیزی نیست؛ جز پوشاکی خشن و غذای او چیزی نیست؛ جز طعامی خشک».

کسانی که ادعای پیروی از این امام بزرگ را می‌کنند نباید حریصانه به دنبال دنیا باشند و همت خود را در نیکو پوشیدن و خوردن و لذت بردن، خلاصه کنند.

## ۶. احساس حضور

یکی از آثار غیرقابل تردید در انتظار راستین، احساس حضور در محضر آن امام غایب است. یک منتظر راستین همواره بر این باور است که تمام رفتار

۱. نهج البلاغه، کلمات قصار ۴۳۹: «الزَّهْدُ كُلُّهُ بَيْنَ كَلِمَتَيْنِ مِنَ الْقُرْآنِ...».

۲. حدید، ۲۳.

۳. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۸.



و اعمال او در نظرگاه آن امام است و این خود در اصلاح رفتار وی، بسیار مؤثر است. این مهم نه فقط به اصلاح فرد منجر می‌گردد که رفته رفته به اصلاح و سلامت اخلاقی جامعه می‌انجامد که خود در زمینه‌سازی ظهور، نقشی بس مهم و انکارناپذیر خواهد داشت.

امام علی علیه السلام فرمود:

«هیچ مؤمنی در شرق و غیر آن، از ما پنهان نیست.»<sup>۱</sup>

امام سجاد علیه السلام نیز فرمود:

اهل زمان غیبت او که قائل به امامت او و منتظر ظهور او باشند، برتر از مردمان هر زمان دیگر می‌باشند؛ زیرا خدای تبارک و تعالی به آنها آن قدر عقل، فهم و شناخت عطا فرموده است که غیبت امام در پیش آنها چون زمان حضور شده است. خداوند اهل آن زمان را همانند مجاهدانی قرار داده که در محضر رسول اکرم صلی الله علیه و آله شمشیر بزنند، آنها مخلصان حقیقی و شیعیان واقعی و دعوت‌کنندگان به دین خدا در آشکار و نهان می‌باشند.<sup>۲</sup>

بنابراین انتظار یک «مصلح جهانی» به طور قطع، به معنای آماده‌باش کامل فکری، اخلاقی، مادی و معنوی برای اصلاح همه جهان است. اصلاح کامل دنیا و پایان دادن به همه ظلم‌ها و نابسامانی‌ها، شوخی نیست و نمی‌تواند کار ساده‌ای باشد. آماده‌باش دنیا برای چنین هدف بزرگی باید متناسب با آن باشد؛ یعنی باید به گستردگی و عمق آن باشد. افزون بر آن، منتظران راستین و وظیفه دارند مراقب حال یکدیگر نیز باشند و علاوه بر اصلاح خویش، در اصلاح دیگران نیز بکوشند؛ زیرا برنامه عظیم و سنگینی که انظارش را می‌کشند، یک برنامه فردی نیست.

## ۷. گسترش امیدهای واقعی

همان‌گونه که پیش از این یاد شد، انسان برای تداوم زندگی و تحمل دشواری‌های آن، نیازمند انگیزه‌ای نیرومند است که در پدیده‌ای با نام «امید به آینده» تجلی می‌یابد؛ آینده‌ای که به مراتب، عالی‌تر، زیباتر و بهتر از امروز باشد؛ این مسئله به ویژه برای جوانان، دارای

۱. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۲۶، ص ۱۴۰.

۲. همان، ج ۵۲، ص ۱۲۲، صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر، ص ۲۴۴.



اهمیت بیشتر است؛ زیرا آنان می‌توانند در پرتو «امید به فردایی بهتر»، به نیروی فراوان خود، جهت و معنا بخشند.

از روایات اسلامی استفاده می‌شود که انتظار حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف موجب گسترش امید راستین می‌شود.

### ۸. پویایی در جهت رسیدن به هدف

زندگی انسان، زمانی قابل توجیه است که آثار حرکت، پویایی و شادابی در تمام زوایای آن به چشم آید. آن‌گاه که انسان به وضعیت موجود، راضی نیست و در صدد ایجاد شرایط بهتری است، همانا در انتظار به سر می‌برد.

### ب. سازندگی اجتماعی

گفتیم که ره‌آوردهای اولیه انتظار، خودسازی در ابعاد گوناگون است؛ اما تردیدی نیست که این سازندگی فردی، خود به خود به عرصه‌های اجتماعی کشیده می‌شود و در تعامل با جامعه و مردم، معنا و مفهوم واقعی خود را پیدا می‌کند. رهبانیت و دوری از اجتماع و بی‌خبر بودن از دردهای مردم، از آموزه‌های وحی و سیرت پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله و پیشوایان معصوم دیگر به دور است. به دلیل اهمیت این موضوع، در این جا به پاره‌ای از کارکردهای اجتماعی انتظار، اشاره می‌کنیم:

### ۱. دستگیری و تعاون

در دوران غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف که فتنه‌ها به فزونی می‌رسد و نابسامانی‌های اجتماعی افزایش می‌یابد، بسیاری از کسانی که زیرستم قرار می‌گیرند و از حقوق مسلم خویش محروم می‌مانند.

شیعه منتظر اگرچه نتواند تغییری بنیادین در جامعه ایجاد کند، حداقل تا آن جا که توان دارد، ضعیفان و بیچارگان را دستگیری می‌نماید، به فقیران و مستمندان، عطوفت می‌ورزد و در خیرخواهی دیگران کوتاهی نمی‌کند. اسرار دیگران را حفظ می‌کند، تحمل مسئولیت می‌نماید، در رفع مشکلات دیگران می‌کوشد و هرگز کمبودهای مردم را به گردن رهبران معصوم خویش نمی‌اندازد.

امام باقر علیه السلام می فرماید:

«باید نیرومندان شما به ناتوانان کمک کنند و توانگران به مستمندان برسند. هریک از شما باید چنان که نیک خواه خود است، در مقابل برادر دینی خود همچین باشد. شما باید اسرار آل محمد صلی الله علیه و آله را فاش نسازید و مردم را بر سر ما نشورانید... اگر این چنین بودید و بدین گونه که سفارش می کنیم رفتار کردید... هریک از شما اگر از جهان درگذرد و قائم ما را درک نکرده باشد، شهید به شمار خواهد آمد»<sup>۱</sup>.

به راستی که یکی از زیباترین جلوه های کارکرد اجتماعی انتظار، همین یاری رسانی هاست. کسی که خود را آماده می کند تا در دوران ظهور در رکاب امام قائم خویش برای براندازی ستم و برقراری عدالت در سراسر گیتی، جهاد و مبارزه کند، اکنون در دوران غیبت، چگونه می تواند در برابر رنج ستم دیدگان و محرومان و بیچارگان، ساکت و بی تفاوت باشد.

## ۲. استقامت و شکیب ورزی

مشکلات گوناگونی که از جوانب مختلف برای انسان پیش می آید و فتنه ها و مصائب طاقت فرسایی که بر سر راه باورمندان چشم انتظار وارد می آید، احساس تنهایی، آنان را چنان اذیت می کند که برای ناامید نشدن، به استقامتی کوه سان نیاز دارند. از این روست که رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید:

«طُوبَى لِلصَّابِرِينَ فِي غَيْبَتِهِ، طُوبَى لِلْمُتَّقِينَ عَلَى مَحَبَّتِهِ»<sup>۲</sup>

خوشا به حال صبرکنندگان در دوران غیبت مهدی. خوشا به حال پا برجایان در مقام محبت او».

در جای دیگر دست به دعا برداشت و عرض کرد: پروردگارا! برادرانم را به من بنمایان. یکی از یاران پیامبر که در جمع حاضر بود، گفت: آیا ما برادران شما نیستیم ای رسول خدا؟ آن حضرت فرمود: نه! شما اصحاب من هستید و برادران من قومی در آخرالزمان هستند. فرمود:

«سخنی استقامت هریک از آنان بردین خود، بیشتر از سخنی کسی است که در شبی ظلمانی بخواهد بوته خاری با دست خود از خار بپیراید یا کسی که بخواهد ذغال گداخته سوزانی را در مشت بگیرد. آنان چراغ های فروزان شب های ظلمانی اند.»<sup>۳</sup>

۱. صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر، ص ۵۱۲.

۲. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۳۰۶.

۳. همان، ج ۲، ص ۱۲۳؛ یزدی حائری، علی بن زین العابدین، الزام الناصب، ص ۱۳۷.



امتحانات الهی یکی پس از دیگری برای مؤمنین پیش می‌آید و میزان صبر و استقامت آنان را به بوتۀ امتحان می‌گذارد. امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«امرفرج برای شما نمی‌رسد؛ مگر پس از نابودی. نه؛ به خدا سوگند نمی‌رسد؛ مگر پس از آن‌که خوب و بد از هم جدا شوند. نه؛ به خدا سوگند نمی‌رسد؛ مگر پس از آن‌که در آرزوهای گوناگون، خالص و پاک شوید»<sup>۱</sup>.

اساساً انتظار با آن همه فضایل و برکاتی که دارد، جز با صبر و شکیبایی حاصل نمی‌شود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«انتظارُ الفرجِ بالصبرِ عبادةٌ»<sup>۲</sup>

با صبر و استقامت، منتظر فرج بودن، عبادت است».

امام رضا علیه السلام هم می‌فرماید:

«مَا أَحْسَنَ الصَّبْرَ وَ اِنْتِظَارَ الْفَرْجِ... فَعَلَيْكُمْ بِالصَّبْرِ»<sup>۳</sup>

چه نیکوست شکیبایی به همراه انتظار فرج... بر شما باد، استقامت و شکیب ورزی».

### ۳. تقویت انگیزه ظلم‌ستیزی

مسلمانان معتقد به اصل انتظار، در برابر بی‌عدالتی‌ها ایستادگی می‌کنند و هرگز تسلیم زورگویی‌های مستکبران نمی‌شوند و همواره تلاش می‌نمایند تا از طریق برطرف‌ساختن تمام نارسایی‌ها، زمینه برای تشکیل حکومت عدل جهانی فراهم شود و در این راستا، اگر در برهه‌ای از زمان به جهت تسلط بیش از حد زورمداران و طاغوت‌ها دچار انواع شکنجه‌ها و فشارها شدند، نه تنها روحیه خود را نمی‌بازند بلکه ضمن یادآوری وعده صدق پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که فرمود:

«اگر از عمر دنیا فقط یک روز باقی می‌باشد، خداوند متعال آن یک روز را به اندازه‌ای طولانی خواهند ساخت تا مردی از فرزندان من که نامش نام من و کنیه‌اش کینه من

۱. همان، ج ۵۲، ص ۱۱۱؛ صدوق، کمال‌الدین و تمام‌النعمة، ج ۲، ص ۳۴۶.

۲. همان، ص ۱۴۵.

۳. همان، ص ۱۲۹.

است، ظهور نماید و زمین را پس از پرشدن از ظلم و ستم، با عدل و داد پارسازد.<sup>۱</sup> هر لحظه بیش از پیش به مقاومت و پایداری خود خواهند افزود تا سهم بیشتری را در زمینه سازی پیروزی حق بر باطل به خود اختصاص دهند.

#### ۴. دور ماندن از فساد محیط

یکی از آثار مهم اصل انتظار، آن است که فرد را از تسلیم در برابر آلودگی ها و حل شدن در فساد محیط و خود باختگی در مقابل انواع عوامل منحرف کننده داخلی و خارجی باز می دارد.

طبق روایات زیادی، در دوران غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف عوامل انحراف و موانع پایبندی به ارزش های الهی آن چنان افزایش پیدا می کند که بیشتر مردم به سبب ضعف ایمان و زرق و برق بیشتر امور مادی و وسوسه شیطان و هواهای نفسانی، به فساد و تباهی کشیده می شوند. در چنین شرایطی، یکی از عوامل مهمی که می تواند انسان را به خویشتن داری دعوت کند، امید به اصلاح نهایی است که اصل انتظار به آن دلالت دارد.

بنابراین انتظار ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف از نظر روانی، انسان را در مقابل امواج سهمگین فساد و آلودگی، مقاوم می سازد و از حل شدن وی در آلودگی محیط، جلوگیری می کند. در صورتی که وجود یک برنامه منسجم در زمینه احیا و گسترش فرهنگ انتظار می توان با شبیخون فرهنگی دشمنان که مخصوصاً روح و اندیشه قشر جوان را هدف قرار داده است، مقابله کرد.

#### ۵. جهاد مستمر

سخن زیبای «کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا» یک اصل محوری در منطق دین است که به نظر می آید در عصر غیبت، ظهور و تحقق بیشتر دارد. شاید همین بینش بوده که عده ای از مؤمنان را همواره در هم سوئی به حضرت، آماده نگه می داشت. توصیه به تیز کردن شمشیرها، اسب زین کردن در روز جمعه و به راه انداختن آن، دعای ندبه سردادن، همه در راستای آمادگی جهادی است.

یاقوت حموی (مورخ معروف قرن هفتم) می نویسد: در سال های



نخست حمله مغول، در شهر کاشان -ازکانون‌های عمده تشیع ایران- مردم شهر هر روز هنگام سپیده دم، از دروازه خارج می‌شدند و اسب زین‌کرده‌ای را یدک می‌بردند تا حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الیهم در صورت ظهور، بر آن اسب سوار شود. در زمان فرمانروایی سربداران هم نظیر همین عمل در شهر سبزوار که یکی از مراکز تشیع شمرده می‌شد، معمول بوده است؛ به طوری که می‌خواند در روضه الصفا می‌نویسد:

«هر بامداد و شب، به انتظار صاحب‌الزمان، اسب کشیدندی.»

## ۶. ایجاد حساسیت در برابر وضعیت اجتماعی

از دیگر آثار و کارکردهای انتظار، اعتراض است. انسان منتظر، معترض به وضع موجود است و می‌خواهد وضعیت موجود را به وضعیت ایده‌آل تبدیل نماید. انسان منتظر، به وضع موجود، نه می‌گوید و از وضع فردی و اجتماعی خود خشنود نیست؛ حتی اگر این وضع موجود، پذیرفتنی و برحق باشد، باز می‌خواهد این وضع را به شرایط مطلوب‌تر متحول نماید. در حقیقت، انتظار فعال، سنتز تضاد میان دو اصل متناقض حقیقت و واقعیت است. تضاد میان واقعیت باطل حاکم و حقیقت نجات‌بخش را جز با انتظار به پیروزی جبری و قطعی حقیقت نمی‌توان حل کرد. انتظار یعنی نه گفتن به آنچه که هست. کسی که منتظر است، در نفس انتظار خود، اعتراض به وضع موجود را پنهان می‌دارد؛ حتی انتظار منفی، خود یک اعتراض است. کسی که از «حال» خشنود است، منتظر نیست و برعکس، محافظه‌کار از آینده، می‌هراسد.

اعتقاد به انتظار، حفظ وحدت و تسلسل تاریخی در آغاز بشریت (خلقت آدم و حوا) تا انقلاب نهایی حضرت مهدی است. در حقیقت انتظار، چهار اصل اساسی توحید، نبوت، امامت و غیبت را به هم اتصال می‌دهد؛ چراکه انبیای الهی از آدم تا خاتم‌النبیین، پیام‌آور فرمان‌های خداوند برای بشر بودند. پس امامان بزرگوار، این رسالت را بردوش گرفتند و در نهایت، حضرت مهدی این رسالت الهی و پرچم عدالت‌خواهی را بردوش دارد. بنابراین فلسفه انتظار نشان می‌دهد که در جهان بینی توحیدی، انقطاع تاریخی معنا ندارد و هیچ‌گاه اعوجاج، بریدگی و انحرافی در مسیر عدالت‌خواهی در فلسفه تاریخی شیعه، وجود ندارد.

نقش این وحدت تاریخی در زندگی عینی و اجتماعی مسلمانان، اعطای هویت فرهنگی و دینی به آنان است؛ چراکه اصل انتظار به ما می‌آموزد که هویت فرهنگی ما از آغاز خلقت، تشکیل یافته است و تا انتهای تاریخ از یک مسیر و قوانین مشخص پیروی می‌نماید.

یکی از دلایل عمده خودباختگی و بی‌هویتی پاره‌ای از کشورهای اسلامی، دچار شدن آنان به انقطاع تاریخی است و در واقع غربیان در تبلیغ، تعمیق و باوراندن این انقطاع تاریخی و فرهنگی برای استعمار و استثمار ملل مسلمان، سعی بسیار می‌نمایند و تلاش آنان مصروف این مسئله است که به ما بقبولانند دارای هویت تاریخی و فرهنگی معین، مستقل و دینی نیستیم و آن چه هست، فرهنگ و تمدن غربی است؛ اما اعتقاد به انتظار، این تسلسل تاریخی و وحدت فرهنگی را تأیید می‌نماید و با حفظ و ایجاد تسلسل تاریخی جهان اسلام، همانند امات واحدی خواهد شد که اسلام، از آن سخن می‌گوید.

نکته دیگر این‌که اشتیاق به وضع مطلوب، تصویر جامعه آرمانی یا مدینه فاضله، اساساً چه فوایدی برای ما دارد.

بهترین و واقعی‌ترین شکل اداره جامعه، در حکومت امام مهدی عجل‌الله تعالی فرجه‌القریب است و معیار مناسبی است برای ارزیابی وضع موجود و درک فاصله با وضع مطلوب. به تعبیر برخی متفکران، داشتن تیپ‌های ایده‌آل می‌تواند ما را در ارزیابی وضع موجود و فاصله‌ای که ما با آن شرایط مطلوب داریم، رهنمون باشد. مسئله جامعه آرمانی هم این اثر را دارد. ما می‌توانیم جامعه موجود را در آینه آن جامعه جست‌وجو کنیم و همواره وضع موجود را در مقایسه با آن جامعه ببینیم و فاصله خودمان را دریابیم.

## ۷. سبب کارآمدی دولت‌ها

توسعه نیافتگی، بزرگ‌ترین مشکل جوامع اسلامی است که از ناکارآمدی سیاسی در سطح مدیریت‌های کلان جهان اسلام نشئت می‌گیرد. بنابراین کارآمدی سیاسی، برترین چالش جوامع اسلامی است و با توجه به این‌که نظام سیاسی مهدوی، نظامی کارآمد بوده، می‌تواند به عنوان الگو، مورد مطالعه قرار گیرد.



کارآمدی دولت کریمه، در سه مرحله، به شرح زیر قابل اقتدا و شبیه‌سازی است:

### الف. مرحله انتظار و دولت منتظر

اندیشه انتظار پویا می‌تواند چشم‌انداز علمی، عملی و سیاسی روشنی را پیش روی جوامع اسلامی قرار دهد. جامعه سیاسی و دولت منتظر با در دست داشتن الگوی عملی برترو با امید دست‌یابی به آن به عنوان مبنای ارزیابی و نقادی، همواره با القای عدم رضایت عمومی هرناسازواری ایستاده و پیوسته در کوشش و کوشش برای زمینه‌سازی و دسترسی به مراحل برتری باشد: بدین ترتیب، نفس انتظار دولت کریمه، کرامت‌آور دولت‌ها و جوامع اسلامی خواهد بود.

### ب. دولت انقلاب و انقلابی در دولت

دو: ارکان دوگانه انقلابی‌گری دولت کریمه مهدوی که ظرفیت شبیه‌سازی در جوامع اسلامی را دارند، به ترتیب زیر هستند:

۱. تحول‌آفرینی و اصلاح‌گرایی راهبردی بنیادین، فراگیر، نظام‌مند و نمایی که در تحول دولت و نظام سیاسی و جایگزین دولت حق و اصلاح مردم و جامعه سیاسی فراهم می‌آید: «لیصلح الامه بعد فسادها».

۲. شکل‌دهی به توده مردم و سازماندهی و ساختاربخشی در قابل مردم‌گرایی مهدوی.

### ج. نظام سیاسی و دولت نهادین

یک نظام سیاسی مهدوی از دو جهت، کارآمد بوده و در ارتقای کارآمدی سیاسی مدیریت‌های کلان سیاسی جوامع سیاسی، قابل اقتداست که در سه محور اساسی، نمود دارد: توسعه اقتصادی، تعادل سیاسی و تعالی فرهنگی.

سه. سازمان کارآمد سیاسی دولت کریمه مهدوی و کارآمدی سازمان سیاسی دولت‌های حاکم بر جوامع جهان اسلام که شامل عناوین زیر است:

الف. قوا، ارکان و نهادهای دولت،

ب. تقسیم و تجزیه قوای دولت،

ج. تنظیم و سازمان قوای دولت.



چهارم: ساختار و نظام اداری کارآمد مهدوی و کارآمدی ساختار اجرایی جوامع و دولت‌های جهان اسلام که در نظام اداری مهدوی با شاخصه‌های خدمت به مردم و اهداف دولت و نظام سیاسی، سهولت و روانی، سرعت و دقت، سبکی و کم‌هزینگی، نظام‌مند و سازواری، رسایی، کمال و... قابل بهره‌وری و الگوپذیری است.

پنج: سیاست‌های راهبردی کارآمد مهدوی و کارآمدی سیاست‌های راهبردی دولت‌های جوامع اسلام که در ترسیم و تنظیم سیاست‌های اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، امنیتی، حقوقی و قضایی و نیز اعمال سیاست‌ها که شامل نظارت، کنترل و بازسازی سیاست‌هاست، قابل بحث است.

شش: طرح جامع و راهبردی کارآمد مهدوی و کارآمدی طرح راهبردی و جامع اسلامی.

هفت: برنامه راهبردی و عملیاتی کارآمد مهدوی و کارآمدی برنامه راهبردی دولت‌های اسلام.

نتیجه: با الگوگرفتن از جامعه ایده‌آل مهدوی در عناوین و محورهای یاد شده، می‌توان جوامع اسلامی را در موارد ذیل، کارآمد نمود:

۱. نظام سیاسی
۲. دولت
۳. سازمان سیاسی
۴. نظام اداری و ساختار اجرایی
۵. سیاست‌های کارآمد
۶. کارآمدی طرح‌های راهبردی
۷. کارآمدی برنامه‌های راهبردی<sup>۱</sup>.

۱. برگرفته از مقاله «آینده بشریت از چشم‌انداز و تئوری پردازان تاریخ»؛ ضمیری، محمدرضا، ویژه پنجمین گفتمان مهدویت.



## بخش ششم

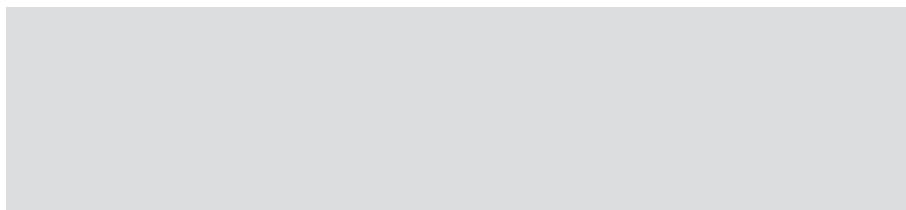
### فصل دوم:

#### منتظران

فضیلت منتظران

پاداش منتظران

وظایف منتظران



## فضیلت منتظران

در سخنان معصومین علیهم السلام آن چنان مقام و منزلتی برای منتظران راستین حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف برشمرده شده که به راستی جای شگفتی و تعجب دارد و این پرسش پیش می‌آید که چگونه ممکن است چنین حالتی از چنین ارزش والایی برخوردار باشد. البته توجه به جایگاه ارجمند انتظار و نیز وظایف منتظران تا حدودی می‌تواند پاسخی به این پرسش باشد. در این جا به برخی فضایل و برتری‌های منتظران، با استفاده از روایات نوارانی معصومین علیهم السلام اشاره می‌شود.

منتظران راستین، برترین مردم همه روزگاران، بسان حاضران در خیمه آن حضرت، هنگام ظهور خواهند بود.<sup>۱</sup> ثواب ایشان ماند پاداش نمازگزار و روزه‌دار است.<sup>۲</sup> و ایشان، گرمی‌ترین امت و رفیق پیامبر صلی الله علیه و آله هستند.<sup>۳</sup> آنها بسان مجاهدان در راه خدا، در رکاب حضرت رسول صلی الله علیه و آله هستند<sup>۴</sup> و پاداش هریک از آنها برابر با هزار شهید از شهیدان صدر اسلام است.

اما در پاسخ به این پرسش که این همه فضیلت و پاداش، چگونه ممکن است؟ چند نکته اساسی را باید مورد توجه قرار داد:

۱. انتظار، اساس پیوند شیعه با امام معصوم علیه السلام

چنان‌که می‌دانیم «ولایت» و «امامت» رکن اساسی مکتب تشیع است و اعتقاد به ضرورت وجود حجت خدا و امام معصوم در هر عصر و زمان، از مهم‌ترین نقاط تمایز این مکتب از دیگر مکتب‌هاست. از دیدگاه شیعه، پذیرش ولایت معصومین علیهم السلام و به‌طور کلی تسلیم در برابر امام و حجت عصر،

۱. «إِنَّ أَهْلَ رَمَانَ غَيْبَتِهِ الْقَائِلُونَ بِإِمَامَتِهِ الْمُتَنْظِرُونَ لظُهُورِهِ أَفْضَلُ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ»؛ صدوق، کمال‌الدین و تمام‌النعمة، ج ۱، ص ۳۱۹، ح ۲.

۲. امام صادق علیه السلام فرمود: «مَنْ مَاتَ مِنْكُمْ عَلَى هَذَا الْأَمْرِ مُتَنْظِرًا كَانَ كَمَنْ هُوَ فِي الْمُسْطَاطِ الَّذِي لِلْقَائِمِ»؛ ر. ک: کافی، ج ۵، ص ۲۲، ح ۲؛ صدوق، همان، ج ۲، ص ۳۵۷؛ الغیبه، ص ۲۵۰، ح ۱۵.

۳. امام باقر علیه السلام فرمود: «وَاعْلَمُوا أَنَّ الْمُتَنْظِرَ لِهَذَا الْأَمْرِ لَهُ مِثْلُ أَجْرِ الصَّائِمِ الْقَائِمِ...»؛ همان، ج ۲، ص ۲۲۲، ح ۴.

۴. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله: «أَوْلَىكَ رُفَقَائِي وَأَكْرَمُ أُمَّتِي عَلَيَّ»؛ صدوق، کمال‌الدین و تمام‌النعمة، ج ۱، ص ۲۸۶، ح ۳.

۵. صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۶۸ و ۳۶؛ صدوق، همان، ص ۳۱۷، ح ۳؛ ر. ک: کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۷۱، ح ۲.



سرآمد همه فضیلت‌ها و شرط اساسی قبولی همه اعمال عبادی است. با توجه به این نکات، درمی‌یابیم که «انتظار» در زمان غیبت و عدم حضور ظاهری امام در جامعه، به نوعی اعلام پذیرش ولایت و امامت و اسپین امام از سلسله امامان شیعه است و همین انتظار موجب می‌شود که ارتباط قلبی و معنوی، حفظ شود و آنها در همه اعصار از فیض وجود امامشان برخوردار باشند.

## ۲. انتظار، ملاک ارزش انسان‌ها

آرزوهای انسان‌ها، معیار خوبی برای سنجش میزان رشد، کمال و تعالی آنهاست؛ تا آن‌جا که برخی می‌گویند: «بگوچه آرزویی داری تا بگویم کیستی!» آرزوهای بلند، متعالی و ارزشمند، حکایت از کمال روح و رشد شخصیت انسان‌ها و بلندای همت آنها می‌کند. به عکس، آرزوهای کوچک، حقیر و بی‌ارزش، نشان از بی‌همتی و رشد نیافتگی افراد دارد.

بنابراین چون انسان منتظر، برترین و ارزشمندترین آرزوهای ممکن را داراست، به‌طور طبیعی از بهترین و والاترین ارزش‌ها نیز برخوردار است.

## ۳. انتظار، عامل پویایی و سازندگی فرد و جامعه

چنان‌که از مطالب بعدی، وظایف منتظران روشن خواهد شد، انتظار، نقش مهمی در سازندگی، پویایی و اصلاح فرد و جامعه در زمان غیبت دارد و اگر انسان منتظر به وظایفی که برای او شمرده شده عمل کند، به الگوی مطلوب انسان دین‌دار دست می‌یابد و از جایگاه و مرتبه والایی برخوردار می‌شود؛ به عبارت دیگر، انسان منتظر با رعایت همه شرایط انتظار، به همان شأن و منزلتی که مورد انتظار دین اسلام است، رسیده و به بالاترین نقطه کمال می‌رسد.<sup>۱</sup> با توجه به نکات یاد شده، درمی‌یابیم آن همه فضیلت، برای چیست؟

## پاداش منتظران

با توجه به آن‌چه در بحث فضیلت انتظار و منتظران مطرح شد، اینک به بیان پاداش منتظران از منظر روایات ائمه معصومین علیهم‌السلام پرداخته می‌شود.

۱. شفیعی سروستانی، ابراهیم، انتظار، باید و نبایدها، ص ۲۱-۲۴ (با تصرف).

امام سجاد علیه السلام فرمود:

«کسی که در زمان غیبت قائم ما برولات ما استوار باشد، خداوند پاداش هزار شهید از شهدای جنگ بدر و احد را به او خواهد داد».<sup>۱</sup>

آری! آنان که در دوران غیبت بر ولایت امام زمان خود باقی بمانند و عهد و پیمان خود با آن بزرگوار را استوار دارند، مانند رزمندگانی هستند که در رکاب پیامبر صلی الله علیه و آله به نبرد با دشمنان خدا پرداخته و در آن صحنه، به خون خود غلطیده‌اند.

منتظرانی که جان بر کف به انتظار یاری فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله ایستاده‌اند، از هم اکنون در خیمه جنگ و در کنار امیر جبهه حق هستند.

امام صادق علیه السلام فرمود:

«اگر کسی از شما [شیعیان] بیدرد؛ در حالی که منتظر امر [فرج امام مهدی عجل الله تعالی فرجه] باشد، همانند کسی است که در کنای قائم عجل الله تعالی فرجه و در خیمه‌اش بوده است». سپس اندکی درنگ کرد و فرمود: «نه؛ بلکه مانند کسی است که در کنار حضرت جنگیده و شمشیر زده است». سپس فرمود: «نه؛ به خدا قسم! بلکه مثل کسی است که در کنار رسول خدا صلی الله علیه و آله به شهادت رسیده باشد».<sup>۲</sup>

این گروه، همان جماعتی هستند که قرن‌ها پیش، پیامبر بزرگ خدا آنها را برادران و رفقای خود خوانده است و دوستی و مودت قلبی خود را نسبت به ایشان اعلام کرده است.

امام باقر علیه السلام فرمود:

«روزی پیامبر در حضور گروهی از اصحاب خود فرمود: «خدایا! برادران مرا به من نشان ده» و این جمله را دوبار فرمود. اصحاب حضرت گفتند: «ای رسول خدا! آیا ما برادران تو نیستیم؟»

فرمود:

«نه؛ شما اصحاب من هستید. برادران من قومی هستند در آخرالزمان که به من ایمان می‌آورند؛ در حالی که هرگز مرا ندیده‌اند. خداوند آنها را به اسم خود و پدرانشان به من معرفی کرده است... استواری هریک از ایشان در دین خود از کندن خارهای گون

۱. همان، ج ۲، باب ۳۱، ح ۶، ص ۵۹۲.

۲. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۵۲، ح ۱۶، ص ۱۲۶.



در شب تاریک و به دست گرفتن آتش گداخته، سخت تراست. آنها مشعل‌های هدایت هستند که خداود آنها را از فتنه‌های تیره و تار نجات می‌بخشد.<sup>۱</sup>

پیامبر اسلام ﷺ در جای دیگر در مورد ایشان فرمود:

«آنها رفقای من و صاحبان دوستی و مودت من و گرامی‌ترین امت من نزد من هستند».<sup>۲</sup>

اینان که به چنین مقام و رتبه‌ای نزد پیامبر ﷺ دست یافته‌اند، به شرف خطاب حضرت دوست مشرف می‌شوند؛ آن هم ندایی که سرشار از محبت و عشق است و بیان‌گر نهایت تقرب و نزدیکی آنها به محضر حضرت حق است.

امام باقر علیه السلام فرمود:

روزگاری بر مردم می‌آید که امامشان غایب خواهد بود؛ پس خوشا حال به آنان که در آن زمان بر امر [ولایت] ما استوار بمانند. به راستی که کمترین پاداش آنها این است که حضرت پروردگار، آنها را چنین ندا می‌دهد: «ای بندگان من! به سرمن [و امام غایب] ایمان آوردید و او را تصدیق کردید؛ پس شما را بشارت باد به پاداشا نیکوی من، شما به حقیقت بندگان من هستید. اعمال شما را می‌پذیرم و از خطاهای شما می‌گذرم و به [برکت] شما باران را بر بندگانم نازل می‌کنم و بلا را از ایشان می‌گردانم. اگر شما [در میان مردم] نبودید، حتما عذاب خود را [بر مردم گنهکار] می‌فرستادم».<sup>۳</sup>

ولی به راستی چه چیز منتظران را آرام می‌کند و انتظار آنها را پایان می‌دهد؟ چه چیز روشنی چشم ایشان است و دل بی‌قرار آنها را قرار و آرام می‌بخشد؟ آیا آنان که عمری به جاده انتظار چشم دوخته‌اند و در همین مسیر با همه سختی‌هایش راه پیموده‌اند تا به دشت سرسبز موعود منتظر پای گذارند، به پاداشی کمتر از همنشینی با محبوب و معشوق خود راضی می‌شوند؟ و چه فرجامی از این زیباتر و چه لحظه‌ای از این باشکوه‌تر؟

امام کاظم علیه السلام:

«خوشا به حال شیعیان ما! آنان که در زمان غیبت قائم ما به ریسمان دوستی ما، چنگ زند و بردوستی و بیزارای از دشمنانمان استوار بمانند. آنها از ما هستند و ما از آنها. آنها به پیشوایی ما راضی شدند [و امامت ما را پذیرفتند] و ما نیز به شیعه بودن آنها راضی و خشنود شدیم. خوشا حال ایشان! به خدا قسم! اینان در قیامت با ما و در رتبه و درجه ما خواهند بود».<sup>۴</sup>

۱. همان، ح ۷، ص ۱۲۳.

۲. صدوق، کمال‌الدین و تمام‌النعمه، ج ۱، باب ۲۵، ح ۲، ص ۵۳۵.

۳. همان، باب ۳۲، ح ۱۵، ص ۶۰۲.

۴. همان، ج ۲، باب ۳۴، ح ۵، ص ۴۳.

## وظایف منتظران

در روایات و بیانات پیشوایان دین، وظایف فراوانی برای منتظران ظهور بیان شده است که در این جا مهم‌ترین آنها را بیان می‌کنیم:

### ۱. شناخت امام زمان عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى وَرَحْمَةُ الشَّرِيفِ

از وظایفی که در هر زمان و به ویژه در عصر غیبت، به پیروان آموزه‌های اسلامی تأکید و سفارش شده، شناخت و معرفت به امام زمان عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى  
وَرَحْمَةُ الشَّرِيفِ است.

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

«ای فضیل! امام خود را بشناس که اگر امام خود را شناختی، دیر و زود شدن این امر، آسیبی به تو نخواهد رساند.»<sup>۱</sup>

اگر معرفت امام برای منتظر حاصل شود، او از هم‌اکنون خود را در جبهه امام می‌بیند و احساس می‌کند که در خیمه امام و کنار او قرار گرفته است. بنابراین لحظه‌ای از تلاش برای تقویت جبهه امام خویش کوتاهی نمی‌کند.

امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

«مَنْ مَاتَ وَ لَيْسَ لَهُ إِمَامٌ فَمَيِّتُهُ مَيِّتَةٌ جَاهِلِيَّةٌ وَ مَنْ مَاتَ وَ هُوَ عَارِفٌ لِإِمَامِهِ لَمْ يَضُرَّهُ تَقَدُّمُ هَذَا الْأَمْرِ أَوْ تَأَخُّرُ وَ مَنْ مَاتَ وَ هُوَ عَارِفٌ لِإِمَامِهِ كَانَ كَمَنْ هُوَ مَعَ الْقَائِمِ فِي فُسْطَاطِهِ»<sup>۲</sup>

کسی که بمیرد، در حالی که امام خود را نشناخته باشد، جلوفتادان یا تأخیر امر [ظهور] به او زیان نمی‌رساند و کسی که بمیرد و حال آن‌که امام خود را شناخته است، مانند کسی است که در خیمه امام و همراه او بوده است.

گفتنی است که این معرفت و شناخت، چنان مهم است که در کلام معصوم عَلَيْهِ السَّلَامُ آمده است که برای به دست آوردن آن، لازم است از خداوند طلب یاری شود.

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

«در زمان غیبت طولانی امام مهدی عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى  
وَرَحْمَةُ الشَّرِيفِ، باطل‌گرایان [در اعتقاد و دین خود] به

۱. «عَرِفَ إِمَامَكَ فَإِنَّكَ إِذَا عَرَفْتَ إِمَامَكَ لَمْ يَضُرَّكَ تَقَدُّمُ هَذَا الْأَمْرِ أَوْ تَأَخُّرُ»؛ کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۷۱.

۲. همان، کتاب الحججه، باب «انه من عرف امامه لم يضره تقدم هذا الامر و تاخره»، ح ۵، ص ۳۷۱.



شک و تردید گرفتار می‌شوند». زواره، از یاران خاص امام گفت: «اگر آن زمان را شاهد بودم، چه کنم؟»

امام صادق علیه السلام فرمود: «... این دعا را بخوان:

اللَّهُمَّ عَرَفْنِي نَفْسِكَ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ نَبِيَّكَ، اللَّهُمَّ عَرَفْنِي رَسُولَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ، حُجَّتَكَ، اللَّهُمَّ عَرَفْنِي حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَن دِينِي»<sup>۱</sup>.

آن چه تاکنون مطرح شد، معرفت به جایگاه امام در مجموعه نظام هستی است. او حجت پروردگار و جانشین به حق پیامبر و پیشوای همه مردم است که اطاعت او برهمگان، واجب است؛ چراکه اطاعت از او همان اطاعت از خداست.

یکی دیگر از ابعاد معرفت امام، شناختن سیره و صفات امام است. این بُعد از شناخت، تأثیر عملی گسترده‌ای در رفتار و خلق و خوی منتظر می‌گذارد و بدیهی است که هر اندازه معرفت انسان به زوایای گوناگون زندگی امام و حجت الهی بیشتر و عمیق تر باشد، آثار آن در بخش‌های گوناگون زندگی او بیشتر خواهد بود.

## ۲. پایداری بردوستی اهل بیت علیهم السلام

یکی از وظایف مهم ما در هر عصر و زمانی، محبت و دوستی با اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله است. در دوران غیبت واپسین پیشوا، به سبب پنهان‌زیستی امام، ممکن است عاملی انسان را از این وظیفه مهم دور سازد. از این رو در روایات، سفارش شده که بر محبت به آن انوار مقدس، پایدار باشیم.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«ای علی! هر آینه در آخرالزمان گروهی خواهند بود که به جرم دوست داشتن تو، مورد سرزنش قرار می‌گیرند... تو را و فرزندان تو را بر پدران، مادران، برادران و خواهران خود ترجیح می‌دهند و بر عشیره و نزدیکان خود؛ پس بهترین صلوات‌های خداوند بر آنها باد! آنان فردای قیامت، زیر لوای حمد محشور خواهند شد.»<sup>۲</sup>

۱. نعمانی، الغیبه، باب ۱۰، فصل ۳، ح ۶، ص ۱۷۰.

۲. طوسی، الغیبه، ص ۱۳۶، ح ۱۰۰.





و نیز آن حضرت فرمود:

«هر کس دوست دارد خداوند را ملاقات کند در حالی که ایمانش کامل و اسلامش نیکو باشد، پس نسبت به حجت صاحب الزمان منتظر، دوستی داشته باشد.»<sup>۱</sup>

### ۳. تولی و تبری

افزون بر محبت و دوستی با اهل بیت علیهم السلام، سفارش شده که با دشمنان ایشان هم دشمن باشیم و هرگز طرح دوستی نریزیم.

امام باقر علیه السلام به نقل از رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«خوشا بر احوال کسی که قائم اهل بیت مرا درک کرده و در غیبت و پیش از قیامت، پیرو او باشد. دوستانش را دوست بدارد و با دشمنانش، دشمن باشد. چنین کسی در روز قیام، از رفقا و دوستان من و گرامی ترین امت من خواهد بود.»<sup>۲</sup>

### ۴. صبر بر سختی های دوران غیبت

امروزه کم نیستند کسانی که به دلیل هایی باور به آن امام غایب و یاد آن حضرت را بر نمی تابند و در این راه، از هرگونه ایجاد مانع و اذیت و آزار فرو نمی گذارند. از آن جایی که یکی از آموزه های مهم دینی، صبر بر مشکلات و مصیبت هاست، لازم است در این دوران -بیش از هر زمان دیگر- در برابر این مشکلات و مصیبت ها شکیبایی داشته باشیم.

امام حسین بن علی علیه السلام فرمود:

«اما صبر کننده بر اذیت و تکذیب در غیبت او، مانند مجاهدی است که با شمشیر در رکاب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با دشمنان مبارزه کند.»<sup>۳</sup>

### ۵. پرهیزگاری و رعایت تقوای الهی

پروای الهی در همه زمان ها لازم و واجب است؛ اما در دوران غیبت به دلیل شرایط خاص، اهمیت بیشتری دارد؛ چراکه در این دوران، عوامل فراوانی دست به دست به هم داده تا انسان ها را به بی راهه کشانده و گمراه سازند.

۱. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۲۷، ص ۱۰۷.

۲. صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۸۶، ح ۲.

۳. همان، ص ۳۱۷، ح ۳؛ عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۶۸، ح ۳۶.



امام صادق علیه السلام فرمود:

«همانا برای صاحب الامر، غیبتی است؛ پس بنده تقوای الهی پیشه نماید و به دین او چنگ زند.»<sup>۱</sup>

### ۶. پیروی از دستوره‌های ائمه علیهم السلام

از آن جایی که تمام ائمه علیهم السلام نور واحدی هستند، دستورها و فرموده‌های ایشان نیز یک هدف را دنبال می‌کند. بنابراین پیروی از هر کدام، پیروی از همه آنهاست و در زمانی که یکی از آنها در دسترس نیست، دستوره‌های دیگران چراغ راه هدایت است.

امام صادق علیه السلام در پاسخ کسی که گفت: شنیده‌ایم که صاحب الامر غایب خواهد شد؛ پس چه کنیم؟ فرمود:

«چنگ بزنید به آن چه [از ائمه قبل] در دستتان است تا این که امر بر شما آشکار گردد.»<sup>۲</sup>

### ۷. دستگیری از ضعیفان و فقیران

اگرچه کمک به ضعیفان و محرومان در همه عصرها و زمان‌ها کاری بس ارزشمند و نیکو است، به خاطر غایب بودن امام و پیشوا در دوران غیبت، ارزش بیشتری دارد.

امام باقر علیه السلام فرمود:

«هرآینه کمک نماید قوی شما ضعیفان را و عطوفت نماید ثروتمندان بر فقیرتان و خیرخواهی نماید فرد برای برادر دینی خود... پس اگر شخص در این حال از دنیا رفت، پیش از آن که قائم ظهور نماید، شهید از دنیا رفته است.»<sup>۳</sup>

البته این فقر، گاهی فقر اقتصادی و گاهی نیز فقر فرهنگی و معنوی است.

۱. کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۳۶؛ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۵۱.

۲. طوسی، الغیبه، ص ۱۵۹، ح ۴ و ۵.

۳. المرتضی، بشاره المطفی لشیعه، ص ۱۱۳.

## ۸. دعا برای فرج حضرت مهدی عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى وَجْهَ الشَّرِيفِ

دعا و نیایش در فرهنگ اسلامی، جایگاه والایی دارد. یکی از موارد دعا، می‌تواند رفع گرفتاری‌های همه انسان‌ها باشد. در نگاه شیعه، این مهم تحقق نمی‌یابد؛ مگر آن زمانی که واپسین ذخیره الهی از پرده غیبت بیرون آمده، جهان را به نور خود روشن سازد. به همین سبب است که در بعضی روایات، سفارش شده تا برای فرج و گشایش، دست به دعا برداریم.

آری! کسی که در انتظار آمدن مولای خود به سر می‌برد، از خداوند تعجیل فرج او را درخواست خواهد کرد؛ به ویژه آن‌که بداند با فرج و ظهور او، زمینه هدایت، رشد و کمال جامعه بشری به طور کامل فراهم می‌شود. در روایت آمده است که خود آن حضرت در بخشی از تویح شریف فرمود:

«و برای تعجیل فرج، بسیار دعا کنید!»<sup>۱</sup>.

## ۹. یاد امام و انتظار شبانه روزی

همان‌گونه که پیش از این یاد شد، از مهم‌ترین وظایف دوران غیبت، انتظار راستین است. در این باره روایات فراوانی در کتاب‌های روایی وجود دارد؛ مانند:

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرمود:

«و صبح و شام، منتظر فرج باش»<sup>۲</sup>.

چه خوب است حداقل در شبانه روز زمانی - اگرچه اندک - را به نجوا با آن حضرت اختصاص دهیم و فارق از همه اشتغالات دنیا، به آن حضرت فکر کنیم که این خود، گویای پیوند قلبی و روحی با آن امام همام است.

آن چه منتظران را در کسب معرفت امام و پیروی از آن بزرگوار یاری می‌دهد و پایداری در راه انتظار را به دنبال دارد، پیوستگی و ارتباط مداوم با آن طیب جان‌هاست.

۱. صدوق، کمال‌الدین و تمام‌النعمة، ج ۲، ص ۴۸۳، ح ۴.

۲. کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۴۱، ح ۲۴۴.



به راستی وقتی آن امام مهربان امت، همیشه و همه جا به حال شیعیان خود نظر دارد و لحظه‌ای آنها را از یاد نمی‌برد، آیا رواست که دلدادگان روی او به دنیا و تعلقات آن سرگرم شوند و از آن عزیز، غافل و بی‌خبر بمانند؟ راه و رسم دوستی و محبت، آن است که در همه حال او را بر خود و دیگران مقدم بدارند. وقتی بر سجاده دعا می‌نشینند، از او آغاز نمایند و برای سلامتی و فرج آن حضرت دعا کنند که آن بزرگوار خود فرمود:

«برای تعجیل فرج بسیار دعا کنید که فرج شما در همان است».<sup>۱</sup>

و باید همواره زمزمه کنند:

«اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيكَ الْحُجَّهَ بِنِ الْحَسَنِ. صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَعَلَى آيَاتِهِ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ وَلَيْتَا وَحَافِظًا وَ قَائِدًا وَ نَاصِرًا وَ دَلِيلًا وَ عَيْنًا حَتَّى تُشْكِنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا وَ تَمَتَّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا»<sup>۲</sup>

خدایا! برای ولی خود، حجت بن الحسن - که درود تو بر او و پدران او - در این ساعات و در همه ساعات، سرپرست و نگهبان و رهبر و یاور و راهنما و دیده بان باش تا [آن زمان که] او را در زمین خود با میل و رغبت جای دهی و برای مدتی طولانی او را در زمین بهره‌مند سازی».

منتظر حقیقی، هنگام صدقه دادن، ابتدا سلامتی وجود شریف امام خود را در نظر می‌گیرد و به هربهانه، دست توصل به دامن پرمهر او می‌زند و به اشتیاق ظهور مبارک او و دیدن جمال بی‌مثالش، ناله سر می‌دهد:

«عَزِيزٌ عَلَيَّ أَنْ أَرَى الْخَلْقَ وَلَا تُرَى»<sup>۳</sup>؛

سخت است بر من که همه را ببینم و تو دیده نشوی.

رهرو راه انتظار در مجالسی که به نام آن محبوب دل‌ها تشکیل می‌شود، حضور می‌باید تا ریشه‌های محبت او را در دل خود محکم‌تر کند و در مکان‌هایی مانند مسجد سهله و مسجد جمکران و سرداب مقدس که منسوب به امام عصر عجل الله تعال فرجه الشريف است، رفت و آمد می‌کند.

۱. صدوق، کمال‌الدین و تمام‌النعمة، ج ۲، باب ۴۵، ح ۴، ص ۲۳۷.

۲. قمی، عباس، مفاتیح‌الجنان، اعمال شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان.

۳. همان، دعای ندبه.

از زیباترین جلوه‌های یاد امام مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى و وَجَّعَلَهُ التَّوَكُّلَ در زندگی منتظران ظهورش، آن است که هر روز با او تجدید عهد کرده، پیمان وفاداری ببندند و استواری خود را بر آن عهد، اعلام کنند.

در فرازی از دعای عهد چنین می‌خوانیم:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أُجَدِّدُ لَهُ فِي صَبْحَةِ يَوْمِي هَذَا وَمَا عَشْتُ مِنْ أَيَّامِي عَهْدًا وَعَهْدًا وَيَبْتَعُهُ لَهُ فِي عُنُقِي لَا أَحُولُ عَنْهَا وَلَا أَزُولُ أَبَدًا، اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ وَأَعْوَانِهِ، وَالذَّائِبِينَ عَنْهُ، وَالْمُسَارِعِينَ إِلَيْهِ فِي قَضَاءِ حَوَائِجِهِ، وَالْمُتَمَتِّلِينَ لِأَمْرِهِ، وَالْمُحَامِلِينَ عَنْهُ، وَالسَّابِقِينَ إِلَى إِرَادَتِهِ، وَالْمُسْتَشْهَدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ!»

بار خدایا! من در بامداد این روز و تمام دوران زندگی‌ام، عهد و پیمان و بیعتی را که از آن حضرت برگردن دارم، با او تجدید می‌کنم که هرگز از آن عهد و بیعت برنگردم و بر آن پایدار بمانم. خدایا! مرا از یاران و کمک‌کاران آن حضرت و مدافعان از حریم مقدس او و شتاب‌کنندگان به سوی او برای انجام خواسته‌هایش و اطاعت‌کنندگان از دستوراتش و حمایت‌کنندگان از وجود شریفش و سبقت‌جویان به سوی خواسته‌اش و شهیدان در رکاب حضرتش قرار ده.»

اگر کسی پیوسته این عهد را بخواند و از عمق جان به مضامین آن پای‌بند باشد، هرگز به سستی گرفتار نمی‌شود و در تحقق آرمان‌های امام خود و زمینه‌سازی برای ظهور آن بزرگوار، لحظه‌ای از پای نمی‌نشیند و به راستی که شایسته حضور در میدان یاری آن ذخیره الهی خواهد بود.

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

«هرکس چهل بامداد، خدا را با این [دعای] عهد بخواند، از یاوران قائم ما خواهد بود و اگر پیش از ظهور آن حضرت بمیرد، خداوند او را از قبرش بیرون آورد [و قائم عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى و وَجَّعَلَهُ التَّوَكُّلَ را یاری دهد].»

## ۱۰. حفظ پیوند با ولایت

حفظ و تقویت پیوند قلبی با امام عصر عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى و وَجَّعَلَهُ التَّوَكُّلَ و تجدید دائمی عهد و پیمان، یکی دیگر از وظایف مهمی است که هر شیعه منتظر در عصر غیبت، برعهده دارد.

یکی از کارهایی که این پیوند را استوار می‌سازد، تجدید عهد هرروزه با آن



حضرت است. در این باره سفارش شده تا در پگاه هر روز، زانوی ادب در مقابل ساحت آن همام بر زمین نهاده، به دستور امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام این عهدنامه را نجوا کند که اگر چهل صبح چنین کند، امید است از یاران آن حضرت باشد.<sup>۱</sup>

## ۱۱. الگوپذیری

وقتی معرفت به امام و جلوه‌های زیبای رفتاری آن بزرگوار به دست آمد، سخن از پیروی و الگو گرفتن از آن مظهر کمالات به میان می‌آید.

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود:

«خوشا به حال آن‌که قائم خاندان مراد رک کند؛ در حالی که پیش از دوران قیام، به او و امامان قبل از او اقتدا کرده و از دشمنان ایشان، اعلام بیزاری کرده باشد. آنان دوستان و همراهان من و گرامی‌ترین امت من در نزد من هستند».<sup>۲</sup>

به راستی آن کس که در تقوا، عبادت، ساده‌زیستی، سخاوت، صبر و همه فضائل اخلاقی دنباله‌رو امام و مراد خویش است، چه رتبه بلندی نزد آن رهبر الهی خواهد داشت و آن‌گاه که به حضور مقدسش بار یابد، چه سربلند و سرافراز خواهد بود؟

آیا جز این است که منتظری که در طلب زیباترین پدیده عالم است، خود را به خوبی‌ها می‌آراید و از زشتی‌ها و رذائل اخلاقی دوری می‌کند و در مسیر انتظار همواره مراقب افکار و اعمال خویش است؟ و گرنه افتادن به دام بدی‌ها، رفته رفته فاصله او و معشوق خوبان را زیادتر خواهد کرد و این، حقیقتی است که در بیان هشدار دهنده آن امام موعود، آمده است:

«فَمَا يَحْبِسُنَا عَنْهُمْ إِلَّا مَا يَتَّصِلُ بِنَا مِمَّا نَكْرَهُهُ وَلَا نُؤْتِرُهُ مِنْهُمْ»<sup>۳</sup>

هیچ چیز ما را از شیعیان جدا نکرده است؛ مگر آن‌چه از کارهای ایشان که به ما می‌رسد؛ اعمالی که خوشایند ما نیست و از شیعیان انتظار نداریم».

نهایت آرزوی منتظران، آن است که در برپایی دولت مهدوی و حکومت

۱. ر. ک: موسوی اصفهانی، محمدتقی، مکیال‌المکام فی فوائد الدعا للقائم عَلَيْهِ السَّلَام، ج ۲، ص ۱۰۴ به بعد.

۲. کمال‌الدین و تمام‌النعمه، ج ۱، باب ۲۵، ح ۳، ص ۵۳۵.

۳. طبرسی، احتجاج، ج ۲، ص ۴۹۹.

عدل جهانی، سهمی داشته باشند و افتخار یابوری و همراهی آخرین حجت حق را به دست آورند ولی مگر نیل به چنین سعادت بزرگی جز با خودسازی و آراستگی اخلاقی، میسر است؟

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرمود:

«مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَنْتَظِرْ وَلْيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَمَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ وَهُوَ مُنْتَظَرٌ!»

هرکس دوست دارد از یاران حضرت قائم عَلَيْهِ السَّلَام باشد، باید منتظر باشد و در حال انتظار به پرهیزکاری و اخلاق نیکو رفتار کند.

روشن است که در مسیر تحقق چنین خواسته‌ای، هیچ الگو و نمونه‌ای برتر از آن امام بزرگوار که آینه تمام زیبایی هاست، یافت نمی‌شود.

## ۱۲. وحدت و همدلی

از وظایف تک تک افراد قبیله انتظار که بگذریم، جمعیت منتظران نیز باید طرح و برنامه‌ای داشته باشند که در راستای اهداف امام و حجت الهی باشد. به بیان دیگر، لازم است که اجتماع منتظر، تلاش و حرکت خود را در مسیر رضایت رهبر موعود قرار دهد.

بنابراین جامعه منتظر بر آن است که عهد و پیمان خود با امام مرا به انجام رساند تا زمینه مناسب برای ظهور دولت مهدوی فراهم شود.

امام عصر عَلَيْهِ السَّلَام در یکی از بیانات خود به چنین جمعیتی این گونه بشارت داده است:

«اگر شیعیان ما که خداوند آنان را در راه اطاعتش یاری دهد- در وفای پیمانی که از ایشان گرفته شده، یکدل و مصمم باشند، البته نعمت دیدار، از آنان به تأخیر نمی‌افتد و سعادت ملاقات ما برای آنها با معرفت کامل و راستین به ما، تعجیل می‌شود».<sup>۱</sup>

آن عهد و پیمان، همان است که در کتاب خدا و سخنان نمایندگان خدا آمده است که مهم‌ترین آنها را بیان می‌کنیم:

۱. نعمانی، الغیبه، باب ۱۱، ح ۱۶، ص ۲۰۷.  
۲. طبرسی، احتجاج، ج ۲، ش ۳۶۰، ص ۶۰۰.



۱. تلاش در جهت پیروی از امامان عَلَيْهِمُ السَّلَامُ و دوستی با دوستان آن بزرگواران و بیزاری جستن از دشمنان آنها.

امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ از پیامبر خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ روایت کرده است که فرمود:

«خوشا به حال آن که قائم خاندان مرا درک کند؛ در حالی که پیش از قیام، از او پیروی کرده باشد و با دوستان او دوستی و با دشمنان او دشمنی نموده باشد! آنها رفیقان من و اهل دوستی و محبت من و گرمی ترین امت من نزد من در روز قیامت هستند»<sup>۱</sup>.

۲. جمعیت منتظران در مقابل بدعت‌ها و انحراف‌ها در دین و رواج منکرات و زشتی‌ها در سطح جامعه، بی تفاوت نیستند. در برابر فراموش شدن سنت‌های نیکو و ارزش‌های اخلاقی نیز از خود واکنش نشان می‌دهند. این، پیمانی است که بر اساس تعالیم قرآن بردوش منتظران نهاده شده است.

خداوند می‌فرماید:

«وَلَتَكُنَّ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»<sup>۲</sup>

باید که از میان شما گروهی باشند که به خیر دعوت کنند و امر به معروف و نهی از منکر کنند؛ اینان رستگارانند.

بدون شک، از سنت‌های اسلامی، این است گروهی باشند که به خیر دعوت کنند و امر به معروف و نهی از منکر کنند؛ اینان رستگارانند.

۳. جامعه منتظر در برخورد با دیگران وظیفه دارد که تعاون و همکاری را سرفصل برنامه‌های خود قرار دهد. افراد این جامعه به دور از تنگ‌نظری و خودمحوری، پیوسته حال فقرا و نیازمندان جامعه را پیگیری می‌کنند و از آنان بی‌خبر نمی‌مانند.

گروهی از شیعیان از امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ درخواست نصیحت کردند؛ حضرت فرمود:

«از میان شما آن‌که نیرومند است، ضعیف را یاری کند و آن‌که بی‌نیاز است، با نیازمندان مهربانی ورزد و هریک از شما درباره دیگری خیرخواهی کند»<sup>۳</sup>.

۱. صدوق، کمال‌الدین و تمام‌النعمه، ج ۱، باب ۲۵، ح ۲، ص ۵۳۵.

۲. آل‌عمران، ۱۰۴.

۳. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۵۲، باب ۲۲، ح ۵، ص ۱۲۳.



گفتنی است که دائره این همکاری و همیاری، به محیطی که در آن زندگی می‌کنند محدود نیست بلکه خیر و نیکی منتظران به محیط‌های دورتر و نیازمندان شهرهای دیگر نیز می‌رسد؛ زیرا در پرتو روح انتظار، هیچ جدایی و دوگانگی ای بین افراد احساس نمی‌شود.

۴. افرادی که عضو جامعه منتظر هستند، باید به جامعه، رنگ و بوی مهدوی بدهند و نام و یاد امام را در همه عرصه‌ها منتشر کنند و گفتار و کردار امام را به عنوان سرآمد همه سخنان و شیوه‌ها به نمایش عمومی بگذارند که بدون تردید مورد عنایت و لطف ویژه امامان علیهم‌السلام خواهند بود.

عبدالحمید واسطی از یاران امام باقر علیه‌السلام به آن حضرت می‌گوید: «ما در انتظار امرفرج، همه زندگی خود را وقف کردیم؛ به گونه‌ای که برای بعضی از ما مشکلاتی را به همراه داشته است».

امام علیه‌السلام در پاسخ او می‌فرماید:

«ای عبدالحمید! آیا گمان می‌کنی که خداوند راه‌هایی [از مشکلات] را برای آن بنده‌ای که خود را وقف خداوند کرده باشد، قرار نداده است؟ آری! به خدا قسم! خداوند برای او راه چاره‌ای قرار خواهد داد. خداوند رحمت کند بنده‌ای را که امر [ولایت] ما را زنده دازد!».

سخن آخر این که جامعه منتظر باید بکوشد که در همه ابعاد زندگی اجتماعی، الگوی سایر اجتماعات باشد و همه زمینه‌های لازم برای ظهور منجی موعود را فراهم کند.



## بخش هفتم

### فصل اول:

#### شرایط ظهور

زمینه‌های ظهور

طرح و برنامه

رهبری

یاران

آمادگی عمومی

## شرایط ظهور

ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف شرایط و نشانه‌هایی دارد که از آنها به عنوان زمینه‌های ظهور و علائم آن یاد می‌شود. تفاوت این دو آن است که زمینه‌ها در تحقق ظهور، تأثیر واقعی دارند؛ به‌گونه‌ای که با فراهم شدن آنها، ظهور امام اتفاق می‌افتد و بدون آنها ظهور نخواهد بود ولی علائم در وقوع ظهور، نقشی ندارند بلکه تنها نشانه‌هایی هستند که به وسیله آنها می‌توان به اصل ظهور یا نزدیک شدن آن پی برد.

با توجه به تفاوت یادشده، به خوبی می‌توان دریافت که زمینه‌ها و شرایط نسبت به علائم و نشانه‌ها از اهمیت بیشتری برخوردارند؛ بنابراین لازم است بیش از آن‌که به دنبال علائم باشیم، به زمینه‌ها توجه کنیم و در حد توان خود در تحقق آنها بکوشیم. به همین سبب ما ابتدا زمینه‌ها و شرایط ظهور را توضیح می‌دهیم و در پایان به اختصار، برخی از علائم ظهور را برمی‌شمریم.

## زمینه‌های ظهور

هر پدیده‌ای در جهان با فراهم آمدن شرائط و زمینه‌های آن به وجود می‌آید و بدون تحقق زمینه‌ها، امکان وجود برای هیچ موجودی نخواهد بود. هرزمینی قابلیت پرورش دانه را ندارد و هر آب و هوایی مناسب رشد هر گیاه و نباتی نیست. کشاورز، وقتی می‌تواند انتظار برداشت خوب از زمین داشته باشد که شرایط لازم برای به دست آوردن محصول را فراهم کرده باشد.

براین اساس، هر انقلاب و رویداد اجتماعی نیز به زمینه‌ها و شرایط آن بستگی دارد. همان‌گونه که انقلاب اسلامی ایران نیز با فراهم آمدن مقدمات آن به پیروزی رسید، قیام و انقلاب جهانی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف که بزرگ‌ترین حرکت جهانی است نیز پیرو همین اصل است و بدون تحقق زمینه‌ها و شرایط آن به وقوع نخواهد پیوست.

مقصود از این سخن، آن است که تصور نشود امر قیام و حکومت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از روابط حاکم بر جهان آفرینش مستثناست و حرکت اصلاحی آن بزرگوار از راه معجزه و بدون اسباب و عوامل عادی به سرانجام می‌رسد بلکه



بر اساس تعالیم قرآن و پیشوایان معصوم، سنت الهی بر این قرار گرفته که امور عالم از مجرای طبیعی و علل و اسباب عادی انجام گیرد.

امام صادق علیه السلام فرمود:

«خداوند امتناع دارد از این که امور را جز از راه اسباب [آن] فراهم آورد»<sup>۱</sup>.

و در روایتی نقل شده است که شخصی به امام باقر علیه السلام عرض کرد: «می‌گویند زمانی که امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف قیام کند، همه امور بر وفق مراد او خواهد بود». حضرت فرمود:

«هرگز چنین نیست. قسم به کسی که جانم در دست اوست! اگر بنا بود برای کسی کارها خود به خود درست شود، همانا برای رسول خدا صلی الله علیه و آله چنین می‌شد»<sup>۲</sup>.

البته سخن فوق بدین معنا نیست که در قیام بزرگ مهدوی، امدادهای غیبی و آسمانی وجود نخواهد داشت بلکه مقصود، آن است که در کنار امدادهای الهی، زمینه‌ها و عوامل و شرایط عادی نیز باید فراهم شود.

با این مقدمه ابتدا باید زمینه‌های ظهور را بشناسیم و سپس در راه تحقق آنها گام برداریم.

مهم‌ترین زمینه‌های قیام و انقلاب جهانی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف چهار چیز است که هر یک را جداگانه بررسی می‌کنیم:

## الف. طرح و برنامه

روشن است که هر قیام و حرکت اصلاحی، به دو برنامه نیاز دارد:

۱. برنامه‌ای جامع برای مبارزه با ناهنجاری‌های موجود از طریق سازماندهی نیروها؛

۲. قانونی کامل و متناسب با همه نیازهای جامعه که ضامن تمام حقوق فردی و اجتماعی در یک نظام عادلانه حکومتی باشد و حرکت رو به رشد اجتماع را برای رسیدن به وضعیت آرمانی، ترسیم کند.

۱. کلینی، کافی، ج ۱، باب معرفه الامام و الرد الیه، ح ۷، ص ۱۸۲.

۲. نعمانی، الغیبه، باب ۱۵، ح ۲، ص ۳۹۹.

تعالیم قرآن کریم و سنت معصومان عَلَيْهِمُ السَّلَامُ که همان اسلام ناب است، به عنوان بهترین قانون و برنامه در اختیار امام عصر عَلَيْهِ السَّلَامُ است و آن حضرت براساس این منشور جاوید الهی عمل خواهد کرد. آیات قرآن، توسط خداوند بزرگ که آگاه به تمام زوایای حیات آدمی و نیازهای مادی و معنوی اوست، نازل شده است؛ بنابراین انقلاب جهانی او از نظر برنامه و قانون حکومتی، دارای پشتوانه بی نظیر است و با هیچ حرکت و جنبش اصلاحی دیگری قابل مقایسه نیست. شاهد این ادعا آن است که جهان امروز پس از تجربه قوانین بشری، به ضعف و سستی آنها اقرار و اعتراف کرده و به تدریج، آماده پذیرش قوانین آسمانی شده است.

«آلوین تافلر»، مشاور سیاستمداران آمریکا برای حل این بحران و اصلاح جامعه جهانی، نظریه «موج سوم»<sup>۱</sup> را ارائه کرده است ولی در عین حال، اعترافات شگفت آوری در این باره مطرح می‌کند:

«فهرست مشکلاتی که جامعه ما (غرب) با آن مواجه است، تمامی ندارد. با دیدن فروپاشی پیاپی نهادهای تمدن صنعتی در حال نزاع به درون غرقاب بی‌کفایتی و فساد، بوی انحطاط اخلاقی آن نیز مشام را می‌آزارد. در نتیجه، موج ناخشنودی و فشار برای تغییرات، فضا را انباشته است.»

در پاسخ به این فشارها، هزاران طرح ارائه می‌شود که همگی ادعا دارند اساسی و بنیادی یا حتی انقلابی‌اند؛ اما بارها و بارها، مقررات و قوانین، طرح‌ها و دستورالعمل‌های جدید که همگی به منظور حل مشکلات ما تهیه و تدوین شده‌اند - کمانه می‌کنند و بروخامت مشکلات ما می‌افزایند و این احساس عجز و یأس را دامن می‌زنند که هیچ فایده‌ای ندارد و مؤثر نیست. این احساس برای هر نظام دموکراسی خطرناک است و نیاز شدیدی به وجود مرد سوار بر اسب سفید ضرب‌المثل‌ها را هرچه بیشتر دامن می‌زند.<sup>۲</sup>

۱. امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ در توصیف امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: «يَعْمَلُ بِكِتَابِ اللَّهِ لَا يَزِي فَيْكُمْ مُنْكَرًا إِلَّا أَنْكَرَهُ؛ او براساس کتاب خدا عمل خواهد کرد و هیچ بدی را نمی‌بیند؛ مگر این که آن را انکار می‌کند؛ (کلینی، کافی، ج ۸، ش ۵۹۷، ص ۳۹۶).

۲. وی معتقد است تا به حال دو انقلاب کشاورزی و صنعتی تحول عظیمی در جهان ایجاد کرده و موج سوم که انقلاب الکترونیکی و فراصنعتی است، در راه است.

۳. به سوی تمدن جدید، ص ۹۶ و ۹۷.



## ب. رهبری

در همه قیام‌ها، نیاز به رهبر از ابتدایی‌ترین ضرورت‌های قیام شمرده می‌شود. هرچه قیام، وسیع‌تر و دارای اهداف بلندتری باشد، نیاز به رهبری توانا و متناسب با آن اهداف، بیشتر احساس می‌شود.

در مسیر مبارزه جهانی با ظلم و ستم و حاکمیت عدالت و مساوات در کره زمین، وجود رهبری آگاه و توانا و دلسوز که از مدیریتی صحیح و قاطع برخوردار باشد، رکن اصلی و اساسی انقلاب است. حضرت مهدی عجّل الله تعالی فرجه الشریف که عصاره انبیاء و اولیاست، به عنوان رهبر قیام بزرگ، زنده و حاضر است. او تنها رهبری است که به دلیل ارتباط با عالم غیب، به همه هستی و روابط موجود در آن آگاهی کامل دارد و داناترین انسان‌های زمان خویش است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«آگاه باشید که مهدی عجّل الله تعالی فرجه الشریف وارث تمام علوم است و بر تمام دانش‌ها احاطه دارد».<sup>۱</sup>

او یگانه رهبری است که از همه قید و بندها آزاد بوده و تنها دل در گرو رضایت آفریدگار عالم دارد؛ بنابراین قیام و حکومت جهانی از نظر رهبر و پیشوا نیز در بهترین شرایط قرار دارد.

## ج. یاران

یکی دیگر از زمینه‌ها و شرایط لازم برای تحقق ظهور، وجود یاورانی شایسته و لایق برای پشتیبانی از قیام و انجام کارهای حکومت جهانی است. بدیهی است وقتی انقلابی جهانی به وسیله رهبری آسمانی روی می‌دهد، یاورانی متناسب با آن می‌خواهد و این‌گونه نیست که هرکس ادعای یآوری کند، بتواند در آن میدان، حضور یابد.

در این باره به جریان زیر توجه کنید:

یکی از شیعیان امام صادق علیه السلام به نام سهل بن حسن خراسانی به آن حضرت می‌گوید: «چه چیز شما را باز داشته است از این که حق مسلم

خود [حکومت] را به دست بگیرید؛ در حالی که صد هزار شیعه پا در رکاب و شمشیرزن در اختیار شماست؟» امام دستور می دهند تا تنور آتشی فراهم شود و چون شعله های آتش بالا می گیرد، به سهل می فرماید: «ای خراسانی! برخیز و در تنور بنشین». سهل که گمان کرده است امام از او خشمگین شده است، شروع به عذرخواهی می کند و می گوید: «آقا! مرا ببخشید و به آتش، شکنجه ام نکنید». امام می فرماید: «از تو گذشتم».

در این حال، هارون مکی، از شیعیان راستین حضرت وارد می شود و سلام می کند. امام صادق علیه السلام به او پاسخ می دهد و بدون هیچ مقدمه ای به او می فرماید: «در دورن تنور بنشین».

هارون مکی بی درنگ و بدون هیچ پرسشی، این کار را انجام می دهد. امام صادق علیه السلام در همان حال با مرد خراسانی گفتگو می کند و درباره خراسان خبرهایی می دهد؛ چنان که گویی خود شاهد آن بوده است. پس از مدتی به سهل می فرماید: «برخیزای خراسانی! و داخل تنور را نگاه کن». سهل، برخاسته و داخل تنور را نگاه می کند. هارون را می بیند که در میان شعله های آتش، چهار زانو نشسته است.

آن گاه امام علیه السلام از او می پرسد: «در خراسان، چند نفر مثل هارون می شناسی؟» خراسانی می گوید: «به خدا قسم! یک نفر هم این گونه سراغ ندارم». حضرت می فرماید: «آگاه باش! ما در زمانی که پنج نفر یاور و پشتیبان پیدا نکنیم، قیام نمی کنیم. ما بهتر می دانیم که کدام زمان، زمان قیام است».

## صفات و ویژگی های یاران امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف در روایات

### ۱. معرفت و اطاعت

یاران مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف از شناخت عمیق درباره خداوند و امام خود برخوردارند و با آگاهی کامل در میدان حق حضور یافته اند.

امیرالمؤمنین علیه السلام درباره آنها فرموده است:

«مردانی که خدا را چنان که شایسته است، شناخته اند».<sup>۲</sup>

۱. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۴۷، ح ۱۷۲، ص ۱۲۳.

۲. صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر، فصل ۸، باب ۱، ح ۲، ص ۶۱۱.



شناخت و اعتقاد آنان نسبت به امام نیز در ژرفای وجودشان ریشه دوانیده و سراسر وجودشان را فرا گرفته است. این، شناختی فراتر از دانستن نام، نشان و نسب امام است و معرفت به حق ولایت امام و جایگاه بلند او در مجموعه هستی است. این، همان معرفتی است که آنها را سرشار از محبت او کرده و مطیع و گوش به فرمان او قرار داده است؛ زیرا می دانند سخن امام، سخن خدا و اطاعت از او، اطاعت از خداست.

پیامبر ﷺ در توصیف آنها فرموده است:

«آنها در اطاعت از امام خویش، می کوشند»<sup>۱</sup>.

## ۲. عبادت و صلابت

یاوران مهدی در عبادت از پیشوای خود الگو گرفته اند و روزها و شبها را با ذکر شیرین حق سپری می کنند. امام صادق علیه السلام درباره آنها فرمود:

«شبها را با عبادت به صبح می رسانند و روزها را با روزه به پایان می برند»<sup>۲</sup>.

در سخنی دیگر فرمود:

«خدا را بر فراز اسبها تسبیح می گویند»<sup>۳</sup>.

و همین ذکر خداست که از آنان مردانی آهنین ساخته است که هیچ چیز صلابت و استواری های آنها را درهم نمی شکند. امام صادق علیه السلام فرمود:

«آنان مردانی هستند که گویی دل هایشان پاره های آهن است»<sup>۴</sup>.

## ۳. جان نثاری و شهادت طلبی

معرفت عمیق یاران به امام مهدی، دل های آنها را سرشار از عشق به امام می کند؛ بنابراین در میدان رزم او را چون نگینی در میان می گیرند و جان خود را سپر بلای او می کنند.

۱. صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، باب ۲۴، ح ۱۱، ص ۵۰۴.

۲. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۵۲، ح ۸۲، ص ۳۰۸.

۳. همان.

۴. همان.



امام صادق علیه السلام فرمود:

«[یاران مهدی] در میدان رزم در اطراف او می چرخند و با جان خود از او محافظت می کنند»<sup>۱</sup>.

و نیز فرمود:

«آنها آرزو می کنند که در راه خدا به شهادت برسند»<sup>۲</sup>.

#### ۴. شجاعت و دلیری

یاران مهدی فرجه الشریف عنه السلام مانند مولایشان، افرادی شجاع و مردانی پولادین هستند. امیرالمؤمنین علیه السلام در وصف آنها فرمود:

همه آنها شیرانی هستند که از بیشه ها بیرون شده اند و اگر اراده کنند، کوه ها را از جا می کنند»<sup>۳</sup>.

#### ۵. صبر و بردباری

بدیهی است که مبارزه بر ضد ظلم جهانی و برقراری حکومت عدل جهانی، با رنج و مشقت های فراوان همراه است. یاوران امام در راه تحقق آرمان های جهانی امام مهدی فرجه الشریف عنه السلام، مشکلات و ناگواری ها را به جان می خزند ولی از سر اخلاص و تواضع، عمل خود را ناچیزی می شمارند.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

«آنها گروهی هستند که به سبب صبر و بردباری در راه خدا، برخداوند منت نمی گذارند و از این که جان خویش را تقدیم آستان حضرت حق کنند، به خود نمی بالند و آن را بزرگ نمی شمارند»<sup>۴</sup>.

#### ۶. اتحاد و همدلی

امیرالمؤمنین علیه السلام در توصیف همدلی و اتحاد یاران امام چنین فرمود:

«ایشان، یکدل و هماهنگ هستند»<sup>۵</sup>.

۱. همان.

۲. همان.

۳. معجم احادیث الامام المهدی، ج ۴، ص ۶۴۲، ص ۱۳۷.

۴. همان.

۵. همان.



این یکدلی به سبب آن است که خودخواهی‌ها و خواسته‌های شخصی در وجود آنان نیست. آنها با اعتقادی صحیح در زیر یک پرچم و برای یک هدف، قیام می‌کنند و این خود یکی از عوامل پیروزی آنها بر جبهه حق مقابل است.

## ۷. زهد و پارسایی

امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ در وصف یاران مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فرمود:

«او از یارانش بیعت می‌گیرد که طلا و نقره‌ای نیندوزند و گندم و جو، ذخیره نکنند»<sup>۱</sup>.

آنان اهداف بلندی دارند و برای آرمانی بزرگ برخاسته‌اند و مادیات دنیا نباید آنها را از اهداف و آرمان‌ها باز دارد؛ بنابراین آنها که با دیدن زرق و برق دنیا، چشم‌هایشان خیره می‌شود و دل‌هایشان می‌لرزد، در میان یاوران ویژه امام مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فرجه‌الشریف جای نمی‌ندارند.

آن چه گذشت بخشی از ویژگی‌های یاران امام مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فرجه‌الشریف بود. به سبب برخورداری از این خصوصیات، در روایات از آنان به بزرگی یاد شده است و پیشوایان معصوم عَلَيْهِمُ السَّلَامُ زبان به ستایش و بزرگداشت آنان گشوده‌اند.

پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ در وصف آنان فرموده است:

«أَوْلِيَاكَ هُمْ خِيَارُ الْأُمَّةِ»<sup>۲</sup>

آنان بهترین امت [من] هستند».

امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ در سخنی دیگر فرموده‌اند:

«فِي أَبِي وَ أُمِّي مِنْ عِدَّةِ قَلِيلِهِ أَسْمَانُهُمْ فِي الْأَرْضِ مَجْهُولَةٌ»<sup>۳</sup>

پدر و مادرم فدای گروه اندکی باد که در زمین، ناشناخته‌اند».

البته یاوران مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فرجه‌الشریف طبق لیاقت و شایستگی‌ها در رده‌های مختلف قرار می‌گیرند. در روایات آمده است که آن حضرت علاوه بر ۳۱۳ نفر یار ویژه که اعضای اصلی قیام را تشکیل می‌دهند، از لشکری ده‌هزار نفری نیز برخوردار است و به علاوه خیل عظیم مؤمنان منتظر به یاری او خواهند شتافت.

۱. صافی‌گلپایگانی، لطف‌الله، منتخب‌الاثار، فصل ۶، باب ۱۱، ح ۴، ص ۵۸۱.

۲. طوسی، الغیبه، ح ۴۹۵، ص ۴۷۳.

۳. نهج‌البلاغه، خطبه ۲۲۹، ح ۷۵۵.

## د. آمادگی عمومی

در مقاطع مختلف تاریخ امامان معصوم علیهم السلام، این حقیقت مشاهده می‌شود که مردم، آمادگی لازم برای استفاده بهتر از حضور امام را نداشتند. آنان در زمان‌های گوناگون فیض محضر معصوم را قدر ندانستند و از زمزم جاری هدایت‌های او آن‌چنان که بایسته بود بهره نبردند. خداوند متعال آخرین حجت حق را پنهان کرد تا هر زمان که آمادگی عمومی برای پذیرش او فراهم شد، ظاهر شود و همگان را از سرچشمه معارف الهی سیراب سازد.

بنابراین وجود آمادگی از شرایط بسیار مهم برای ظهور مصلح موعود است و به وسیله آن، حرکت اصلاحی آن حضرت به نتیجه مطلوب خواهد رسید.

در قرآن کریم آمده است گروهی از بنی اسرائیل که از ظلم و ستم جالوت به ستوه آمده بودند، از پیامبر زمان خود خواستند که برای آنها فرماندهی را برگزیند تا تحت فرمان او به نبرد با جالوت پردازند. خواستن فرمانده برای جنگ، نوعی آمادگی را در آنها نشان می‌داد؛ اگرچه تعداد فراوانی در بین راه سست شدند و عده کمی تا پایان مبارزه ماندند.<sup>۱</sup>

پس امر ظهور، زمانی است که همه از عمق جان خواهان عدالت اجتماعی، امنیت اخلاقی و روانی و رشد و شکوفایی معنوی باشند. وقتی مردم از بی‌عدالتی‌ها و تبعیض‌ها خسته شوند و ببینند که آشکارا حقوق ضعیفان به وسیله صاحبان قدرت و ثروت، پایمال می‌گردد و امکانات مادی در انحصار عده‌ای معدود است، عطش عدالت خواهی به اوج می‌رسد.

زمانی که فساد اخلاقی در انواع مختلف رواج پیدا کند و افراد در انجام کارهای ضد اخلاقی بر یکدیگر سبقت بگیرند، اشتیاق به ظهور پیشوایی که حاکمیت او، امنیت و سلامتی اخلاقی و روانی را به بشریت هدیه خواهد کرد، فراوان می‌شود. آن‌گاه که مردم همه لذت‌های مادی را تجربه کنند ولی از زندگی و حیات خود راضی نباشند و در پی جهانی برخوردار از معنویت باشند، تشنه آبشار لطف امام عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌شوند.

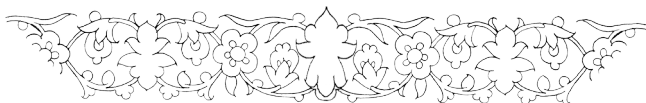


بدیهی است که شوق درک حضور امام، زمانی به اوج می‌رسد که بشریت با تجربه کردن دولت‌ها و نظام‌های مختلف بشری، به این حقیقت برسد که تنها نجات‌دهنده عالم از فساد و تباهی، خلیفه و جانشین خدا در زمین، حضرت مهدی عجّل الله تعالی فرجه الشریف است و یگانه برنامه‌ای که حیات پاک و طیبه را برای انسان‌ها به ارمغان می‌آورد، قوانین الهی است؛ بنابراین نیاز به امام را با همه وجود درک می‌کنند و به دنبال این درک، برای فراهم شدن زمینه‌های ظهور او می‌کوشند و موانع را از سر راه او برمی‌دارند. در این زمان است که فرج و گشایش فرا می‌رسد.

پیامبرگرامی اسلام صلی الله علیه و آله در توصیف آخرالزمان و دوران پیش از ظهور فرمود:

«[زمانی می‌رسد] که انسان مؤمن هیچ پناهگاهی نمی‌یابد که از شر ظلم و تباهی به آن پناه برد؛ [در آن زمان] خداوند عزوجل مردی از خاندان مرا برمی‌انگیزد».<sup>1</sup>





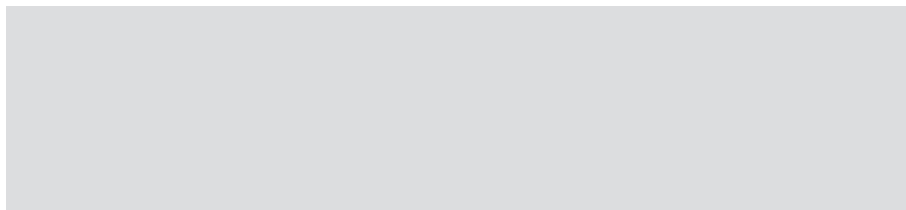
## بخش هفتم

### فصل دوم:

#### ظهور و نشانه های آن

---

فلسفه نهان بودن ظهور  
آثار و فوائد اطلاع از علایم ظهور  
انواع نشانه های ظهور



## ظهور و نشانه‌های آن

وقتی سخن از ظهور به میان می‌آید، احساس دلپذیری به آدمی دست می‌دهد. گویی در فضای باغی سبز و کنار نهری جاری نشسته است و به آواز خوش بلبلان گوش می‌دهد. آری! ظهور زیبایی‌ها و انتشار خوبی‌ها، جان و تن خستگان را نشاط می‌بخشد و برق شادی را در چشمان امیدواران روشن می‌کند.

در این بخش، درباره ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و آن چه در سایه سار حضور عینی او رخ خواهد داد، سخن می‌گوییم و به تماشای جمال بی‌مثالش، بی‌حجاب غیبت می‌نشینیم.

### زمان ظهور

یکی از پرسش‌هایی که همواره ذهن بسیاری از مردم را به خود مشغول کرده، این است که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف چه زمانی ظهور می‌کند و آیا برای ظهور، وقتی تعیین شده است؟

پاسخ، این است که براساس سخنان پیشوایان دینی، زمان ظهور بر مردم مخفی است. امام صادق علیه السلام در این باره فرمود:

«ما نه در گذشته برای ظهور وقتی را تعیین کردیم، نه در آینده وقت تعیین می‌کنیم»<sup>۱</sup>.

بنابراین کسانی که برای ظهور، زمان مشخصی را تعیین می‌کنند، قابل اعتنا نیستند. این مطلب در روایات مورد تأکید قرار گرفته است.

امام باقر علیه السلام به یکی از اصحاب خود که از زمان ظهور سؤال کرد، فرمود:

«وقت‌گذاران، دروغ می‌گویند. وقت‌گذاران دروغ می‌گویند. وقت‌گذاران دروغ می‌گویند»<sup>۲</sup>.

از این‌گونه روایات به خوبی می‌توان فهمید که همواره کسانی بوده‌اند که با انگیزه‌های شیطانی، برای ظهور، زمان تعیین می‌کرده‌اند. چنین افرادی در آینده هم وجود خواهند داشت؛ به همین سبب پیشوایان معصوم علیهم السلام از شیعیان خواسته‌اند که در برابر وقت‌گذاران بی‌تفاوت نباشند بلکه آنها را تکذیب کنند.

۱. طوسی، الغیبه، ح ۴۱۲، ص ۴۲۶.

۲. همان، ح ۴۱۱، ص ۴۲۵.



امام صادق علیه السلام در این زمینه به یکی از اصحاب خود فرمود:

«از تکذیب کردن کسی که برای ظهور وقت تعیین می‌کند، هیچ پروایی نداشته باش؛ چراکه ما برای کسی وقت ظهور را تعیین نکرده‌ایم»<sup>۱</sup>.

## راز نپنهان بودن زمان ظهور

چنان‌که گفته شد، براساس اراده خداوند حکیم، زمان ظهور بر ما مخفی است و بدون تردید، این مسئله به سبب حکمت‌هایی است که برخی از آنها را می‌آوریم:

### ۱. تداوم امید

وقتی زمان ظهور پنهان باشد، نور امید در دل منتظران همه عصرها باقی خواهد ماند. با این امید پیوسته و مداوم است که منتظران می‌توانند غیبت را به سلامت پشت سر بگذارند؟

### ۲. زمینه‌سازی

بدون تردید انتظار سازنده که از مهم‌ترین عوامل فعالیت و پویایی است، تنها در سایه پنهان بودن زمان ظهور شکل خواهد گرفت؛ زیرا با مشخص بودن زمان ظهور، کسانی که می‌دانند ظهور را درک نمی‌کنند، انگیزه‌ای برای تحرک و زمینه‌سازی نخواهند داشت و به سکون و رکود، روی خواهند آورد. حال آن‌که با پنهان بودن زمان ظهور، انسان‌های همه عصرها و دوران‌ها به امید این‌که ظهور را در زمان خود ببینند، می‌کوشند تا زمینه‌های ظهور را فراهم کنند و جامعه خود را به جامعه‌ای صالح و پویا تبدیل نمایند.

به علاوه در صورت معین کردن وقت ظهور، چنان‌چه امر ظهور به علت در نظر داشت مصالحی، در زمان وعده داده شده رخ ندهد، چه بسا افرادی در اصل اعتقاد به امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دچار تردید شوند.



امام باقر علیه السلام در پاسخ این سؤال که آیا ظهور وقت مشخصی دارد، فرموده است:

«کسانی که وقت تعیین می‌کنند، دروغ می‌گویند (و این سخن را تکرار فرمود). زمانی که موسی علیه السلام به دعوت پروردگار به مدت سی روز از میان قوم خود بیرون رفت و خداوند بر آن سی روز، ده روز دیگر افزود، قوم او گفتند: «موسی به وعده خود وفا نکرد» و آنچه نباید می‌کردند، کردند [از دین برگشتند و گوساله پرست شدند<sup>۱</sup>].»

البته زمان ظهور، نامعلوم است ولی برای آن، نشانه‌هایی گفته‌اند و سیمای جامعه پیش از ظهور را به تصویر کشیده‌اند که اینک به بررسی آن می‌پردازیم.

### علائم ظهور

قیام و انقلاب جهانی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف، نشانه‌هایی دارد. این نشانه‌ها در روایات فراوان و در کتاب‌های شیعه و اهل سنت بیان شده‌اند. این دسته از روایات، هم از نظر درجه اعتبار و هم از جهت معنا و مفهوم، نیازمند بحث و بررسی عالمانه‌اند و بدون آن، در موارد زیادی ابهام دارند.

### آثار و فوائد دانستن علائم

دانستن نشانه‌های ظهور که به وسیله معصومان علیهم السلام بیان شده است آثار مثبتی در پی دارد که بعضی از آنها را بیان می‌کنیم.

از سویی این علائم، نویدبخش فرج مهدی آل محمد علیهم السلام است؛ بنابراین وقوع هریک از آنها نور امید را در دل‌های منتظران، پرفروغ‌تر خواهد کرد و از سویی دیگر برای معاندان و منحرفان، مایه تذکر و هشدار است تا از بدی و تباهی دست بردارند.

به علاوه؛ وقوع نشانه‌ها، منتظران را برای درک ظهور و کسب لیاقت همراهی و حضور در کنار امام موعود، آماده‌تر خواهد کرد. ضمن این‌که آگاهی از برخی از حوادث آینده، مانند آن چه به عنوان ارزش‌های ضد اخلاقی و فساد اجتماعی در نشانه‌های ظهور بیان شده است، شیعیان را در برنامه‌ریزی مناسب، یاری می‌دهد.



همچنین نشانه‌ها، معیار خوبی برای تشخیص مدعیان دروغین مهدویت است. اگر کسی ادعای مهدی بودن کرد ولی سخن او با آنچه در روایات علائم آمده، هماهنگ و همراه نبود، دروغ او آشکار می‌شود.

### انواع نشانه‌های ظهور

بیان این نکته، مهم است که بعضی از نشانه‌ها نزدیکی ظهور را بشارت می‌دهند؛ مانند ندای آسمانی که درباره آن توضیح خواهم داد ولی بعضی دیگر درباره اصل ظهور نوید می‌دهند و برای تقویت ایمان و باور شیعیان به وعده ظهور مهدی موعود هستند؛ مانند اختلاف بنی عباس در حکومت که در کلمات امامان به عنوان نشانه‌های ظهور بیان شده و فاصله زیادی تا ظهور داشته است.

نشانه‌های ظهور، برخی پدیده‌های طبیعی و عادی هستند؛ مانند قیام یمانی. بعضی دیگر نیز حوادثی غیرعادی و معجزه‌گونه هستند؛ مانند ندای آسمانی.

### علائم حتمی و غیرحتمی

مهم‌ترین تقسیم‌بندی نشانه‌های ظهور، همان است که در روایات متعدد به آن تصریح شده که علائم، دو گونه‌اند؛ «علائم حتمی» که بدون شک اتفاق خواهند افتاد و «علائم غیرحتمی» که تنها در صورت تحقق شرایط و زمینه‌های آنها واقع می‌شوند و اگر شرط آنها پیش نیاید یا مانعی برای آنها ایجاد شود، آن علائم رخ نخواهند داد.

### نشانه‌های حتمی ظهور

مهم‌ترین بخش علائم ظهور، نشانه‌هایی است که با عنوان علائم حتمی در روایات متعدد آمده‌اند و علما و اهل حدیث بیش از سایر علائم به آنها توجه کرده و آنها را پذیرفته‌اند.

امام صادق علیه السلام فرمود:

«قیام قائم ما پنج نشانه دارد؛ خروج سفیانی، یمانی، ندای آسمانی، کشته شدن نفس زکیه و خسف بیداء».

در این بخش لازم است با توجه به روایات، این نشانه‌ها را بیشتر و بهتر بشناسیم.

### الف. خروج سفیانی

خروج سفیانی یکی از علائم حتمی است که در روایات فراوان آمده و این‌گونه توصیف شده است:

سفیانی، مردی از نسل ابوسفیان است که اندکی پیش از ظهور قیام می‌کند. او از عناصر فاسدی است که با تظاهر به دینداری، گروه بسیاری را فریب می‌دهد و در بخشی از کشورهای اسلامی کشتار فراوان می‌کند و با مخالفان خود به شکل فجیعی برخورد می‌کند.

امام صادق علیه السلام درباره او فرمود:

«اگر سفیانی را بینی، پلیدترین مردم را مشاهده کرده‌ای»<sup>۱</sup>.

شروع قیام سفیانی در ماه رجب است و پس از تصرف شام و مناطق اطراف آن، به عراق حمله می‌کند و در آن جا به کشتار گسترده‌ای دست می‌زند. براساس بعضی از روایات، مدت حکومت از نُه ماه است و از ابتدای خروج تا کشته شدن او، پانزده ماه طول می‌کشد.<sup>۲</sup>

### ب. خسف بیداء

«خسف» به معنای فرورفتن و «بیداء» نام منطقه‌ای میان مکه و مدینه است. مقصود از «خسف بیداء» این است که سفیانی، لشکری را برای مقابله با امام مهدی علیه السلام به سمت مکه گسیل می‌دارد. هنگامی که لشکراو به منطقه بیداء می‌رسد، به صورتی معجزه‌آسا در زمین فرو می‌رود.

این رویداد به عنوان یکی از علائم ظهور در روایات شیعه و سنی آمده است و در روایات شیعی از نشانه‌های حتمی است.

۱. صدوق، کمال‌الدین و تمام‌النعمة، ج ۲، باب ۵۷، ح ۱۰، ص ۵۵۷.

۲. نعمانی، الغیبه، باب ۱۸، ح ۱، ص ۳۱۰.



امام باقر علیه السلام در این باره فرمود:

«به فرمانده سپاه سفیانی خبر می‌رسد که مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به سوی مکه رفته است؛ پس لشکری را در پی او روانه می‌کند ولی او را نمی‌یابد... چون لشکر سفیانی به سرزمین بیداء رسید، ندا دهنده‌ای از آسمان آواز می‌دهد: «ای سرزمین بیداء! آنان را نابود کن»؛ پس آن سرزمین، لشکر را در خود فرو می‌برد»<sup>۱</sup>.

### ج. خروج یمانی

قیام سرداری از سرزمین یمن یکی دیگر از علائم حتمی است که اندکی پیش از ظهور، رخ خواهد داد. وی که مردی صالح و مؤمن است، برضد بدی‌ها و انحرافات قیام می‌کند و با تمام توان با بدی‌ها و تباهی‌ها مبارزه می‌کند. البته جزئیات حرکت و اقدامات او برای ما چندان روشن نیست.

امام باقر علیه السلام در این باره فرمود:

«در میان بیرق‌ها [یی که قبل از قیام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بلند می‌شود] پرچمی هدایت‌کننده‌تر از پرچم یمانی وجود ندارد که آن پرچم هدایت است؛ چون به سوی صاحب شما [امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف] دعوت می‌کند»<sup>۲</sup>.

### د. صیحه آسمانی

یکی دیگر از علائم حتمی که پیش از ظهور اتفاق می‌افتد، صیحه (ندای) آسمانی است. این ندای آسمانی که براساس بعضی از روایات، ندای جبرئیل است، در ماه رمضان شنیده می‌شود.<sup>۳</sup> از آن جا که قیام مصلح کل، انقلابی جهانی است و همگان منتظر وقوع آن هستند، یکی از راه‌های آگاهی مردم جهان از این رویداد، همین ندای آسمانی خواهد بود.

امام باقر علیه السلام فرمود:

«قیام قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف تحقق نمی‌یابد؛ مگر این‌که ندا دهنده‌ای از آسمان ندایی دهد که اهل مشرق و مغرب، آن را بشنوند»<sup>۴</sup>.

۱. همان، باب ۱۴، ح ۶۷، ص ۲۸۹.

۲. همان، ح ۱۳، ص ۲۶۴.

۳. همان، ص ۲۶۲.

۴. همان، باب ۱۸، ح ۱۴، ص ۲۶۵.

این صیحه همچنان که مایه شادمانی مؤمنان است، هشدار برای بدکاران است تا از کردار زشت خود دست کشیده، به حلقه یاوران مصلح جهانی بپیوندند.

محتوای این پیام آسمانی، دعوت به حق و حمایت از حضرت مهدی و پیروی از آن حضرت است.

امام صادق علیه السلام فرمود:

«ندا داده می‌شود به اسم او و اسم پدرش [که]: آگاه باشید به راستی که فلان پسر فلان<sup>۱</sup> [حجت بن الحسن العسکری] قائم آل محمد صلی الله علیه و آله است. پس سخن او را بشنوید و از او اطاعت کنید».

امام صادق علیه السلام فرمود:

«در آن هنگام هیچ صاحب روحی از آفریده‌های خدا باقی نمی‌ماند؛ مگر این‌که این ندا را خواهد شنید... و این، ندای جبرئیل است».<sup>۲</sup>

طبق بعضی از روایات، پس از شنیده شدن ندای آسمانی، از زمین نیز صدایی بلند می‌شود. این ندا از شیطان است که مردم را به گمراهی فرامی‌خواند و می‌کوشد تا مردم را از پیروی ندای آسمانی و بیعت با امام زمان باز دارد. بنابراین جبرئیل، مردم را به امام حق فرامی‌خواند و شیطان به سوی باطل و گمراهی. بدیهی است آنها که در زمان غیبت، به امام غایب، معتقد و به دنبال رضایت او بودند، در آن روز نیز به ندای حق لبیک گفته و بدون هیچ تردیدی از امام خود پیروی خواهند کرد.

ه. قتل نفس زکیه

«نفس زکیه» به معنای انسان پاک و بی‌گناهی است که قتلی انجام نداده است.

۱. در روایات، معمولاً از امام مهدی عجل الله تعالی فرجه و نوره به صراحت نام نبرده‌اند که یکی از علت‌های آن، حفظ جان امام است.

۲. نعمانی، الغیبه، باب ۱۶، ح ۶، ص ۳۰۱.



یکی از علائم حتمی که بیشتر در روایات شیعه بیان شده، این است که جوانی بی‌گناه در مسجد الحرام، بین رکن و مقام کشته می‌شود.

این رویداد به وسیله اهل مکه و در آستانه قیام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف خواهد بود.

امام باقر عجل الله تعالی فرجه الشریف در حدیثی نقل فرموده‌اند:

«قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف به اصحاب خود می‌فرماید: «ای قوم! اهل مکه مرا نمی‌خواهند ولی من کسی را به سوی آنها می‌فرستم تا حجت را برایشان تمام کنم... پس مردی از اصحاب خود را می‌خواند و به او می‌فرماید: «به سوی اهل مکه برو و بگو: «ای اهل مکه! من فرستاده فلان [مهدی] هستم. او خطاب به شما می‌گوید: ما اهل بیت رحمت و معدن رسالت و خلافت هستیم و ما فرزندان محمد صلی الله علیه و آله و سلاله پیامبرانیم و به راستی که مورد ظلم و ستم قرار گرفتیم و از زمانی که پیامبر از دنیا رفت تا امروز، حق ما گرفته نشده است. پس اکنون ما شما را به یاری می‌خوانیم؛ ما را یاری کنید.

چون آن جوان این سخن را بگوید، مردم او را بین رکن و مقام می‌کشند. او نفس زکیه است»<sup>۱</sup>.

برابر بعضی از روایات بین کشته شدن نفس زکیه و قیام قائم آل محمد صلی الله علیه و آله تنها پانزده شب فاصله خواهد بود.<sup>۲</sup>

### علائم غیر حتمی

به جز علائم پنجگانه‌ای که توضیح دادیم، علائم فراوان دیگری برای ظهور بیان شده است که غیر حتمی هستند. بعضی از آنها عبارتند از: خروج خراسانی، خروج سید حسنی، قیام شعیب بن صالح، خورشید گرفتگی، ماه گرفتگی در ماه رمضان، بارش باران‌های فراوان و آشوب‌های فراگیر.

اکنون برخی از این نشانه‌ها را به اختصار توضیح می‌دهیم:

### الف. خروج خراسانی

در روایات متعدد از قیام مردی خراسانی، پیش از ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف یاد شده و گفته شده است که قیام او همزمان با خروج سفیانی و یمانی خواهد بود.<sup>۳</sup>

۱. مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۷، ح ۸۱.

۲. صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، باب ۵۷، ح ۲، ص ۵۵۴.

۳. طوسی، الغیبه، ح ۴۴۳، ص ۴۶۷.

گفتنی است که ویژگی‌های خراسانی و قیام او در روایات شعیه، به روشنی بیان نشده است ولی به نظر می‌رسد که او از زمینه‌سازان ظهور مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف خواهد بود.

### ب. خروج حسنی

در روایات شعیه از قیام مردی به عنوان حسنی یاد شده و از علائم ظهور شمرده شده است.

راوی می‌گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: «فرج شما چه زمانی است؟» فرمود:

«وقتی شامی و یمانی ظاهر شوند و حسنی حرکت کند... [آن گاه که] مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از خدا برای ظهور اجازه می‌گیرد، در این زمان بعضی از یاران حسنی از این امر آگاه می‌شوند و به حسنی خبر می‌دهند و او قیام می‌کند ولی اهل مکه او را می‌کشند. پس در آن هنگام صاحب الامر ظهور می‌کند و مردم با او بیعت می‌کنند»<sup>۱</sup>.

از روایات بالا معلوم می‌شود که حرکت حسنی زمانی است که امر ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هنوز بر مردم جهان آشکار نشده و حسنی با قیام خود به دنبال زمینه‌سازی برای قیام بزرگ آن حضرت است.

### ج. فتنه دجال

کلمه «دجال» از ریشه «دجل» و به معنای دروغ‌گو و حيله‌گراست. این واژه پیش از اسلام در مسیحیت و در کتاب انجیل در معنای «ضد مسیح» بارها به کار رفته است.

در رساله اول یوحنا نوشته است:

«دروغ‌گو کیست؛ جز آن‌که مسیح بودن عیسی را انکار کند؟ او دجال است که پدر و پسر را انکار می‌کند»<sup>۲</sup>.

به نظر می‌رسد حضرت عیسی علیه السلام خروج دجال را خبر داده و مردم را از فتنه‌اش پرهیز می‌دادند. در اسلام نیز مطالبی درباره دجال به ویژه در روایات اهل سنت آمده است.

۱. کلینی، کافی، ج ۸، ح ۲۸۵، ص ۲۲۴.

۲. رساله اول یوحنا، باب ۲، آیه ۲۲.



پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود:

«تمام پیامبرانی که بعد از نوح مبعوث شدند، قوم خود را از فتنه دجال می‌ترسانیدند».<sup>۱</sup>

نیز فرمود: «قیامت برپا نشود تا این که سی نفر دجال و دروغ‌گو ظاهر شوند».<sup>۲</sup>

از این روایات، استفاده می‌شود که دجال، نام شخص معینی نیست و به هر دروغ‌گو و گمراه‌کننده‌ای گفته می‌شود و این که در بعضی از روایات از فردی خاص نام برده شده و برای او و مرکبش اوصاف عجیب و غریبی بیان گردیده، مدرک قابل اعتمادی ندارد بلکه درباره دجال می‌توان چنین گفت که در آخرالزمان و نزدیک ظهور صاحب الامر عَلَيْهِ السَّلَام شخصی پیدا خواهد شد که در حيله‌گری، سرآمد حقه‌بازان است و در دروغ‌گویی بر تمام دجال‌های گذشته برتری دارد. با ادعاهای پوچش گروهی را گمراه می‌کند و چنین جلوه می‌دهد که حیات مردم و آب و نان آنها به دست اوست. کارهای خوب را بد و کارهای بد را خوب معرفی می‌کند؛ اما کفرش بر همگان آشکار است.<sup>۳</sup>

گفتنی است که بعضی از دانشمندان معتقدند که دجال، کنایه از استکبار جهانی و سلطه فرهنگ مادی بر جهان است؛ زیرا استکبار با تکیه بر ثروت و قدرت مادی و نیز فریب و نیرنگ، بسیاری از مردم را به تباهی و فساد می‌کشاند و از مسیر بندگی خدا به بردگی شیطان منحرف می‌کند. طبق این برداشت، «دجال» جریانی انحرافی است که پیش از ظهور مهدی عَلَيْهِ السَّلَام ایجاد می‌شود.<sup>۴</sup>

## جهان در آستانه ظهور

آخرین حجت پروردگار، غایب شد تا پس از فراهم شدن زمینه‌ها ظاهر شود و جهان را از پرتو هدایت‌های مستقیم خود بهره‌مند کند. بشریت می‌توانست در دوران غیبت، به گونه‌ای عمل کند که هرچه زودتر شرایط حضور امام را آماده سازد ولی به سبب پیروی از شیطان و هوای نفس و دور ماندن از

۱. صدوق، کمال‌الدین و تمام‌النعمه، ج ۲، باب ۴۷، ح ۲، ص ۵۲۸.

۲. معجم احادیث الامام المهدی، ج ۳، ح ۴۰۰، ص ۶۹.

۳. ر. ک: دادگستر جهان، ص ۲۱۷-۲۱۹.

۴. ر. ک: حکومت جهانی امام مهدی، ص ۱۷۸-۱۸۰.



تربیت صحیح قرآنی و نپذیرفتن ولایت و رهبری معصوم به بیراهه رفت و هر روز بنای ستمی را در دنیا قرار داد و ظلم و تباهی را گسترده کرد. او با انتخاب این مسیر، به سرانجام بسیار بدی رسید؛ جهانی پر از ظلم و جور، فساد و تباهی، روزگاری تهی از امنیت اخلاقی و روانی، حیاتی به دور از معنویت و پاکی و اجتماعی پر از تجاوزها و پایمال کردن حقوق زیردستان، محصول عملکرد انسان‌های دوران غیبت شد. واقعیتی که در کلام معصومان علیهم‌السلام از قرن‌ها قبل، پیش بینی شده و تصویر سیاه آن، ترسیم گشته بود.

امام صادق علیه‌السلام به یکی از یاران خود فرمود:

«هنگامی که ببینی ظلم و ستم فراگیر شده، قرآن فراموش گشته و از روی هوا و هوس تفسیر گردیده، اهل باطل بر اهل حق پیشی گرفته، افراد با ایمان سکوت اختیار کرده، پیوند خویشاوندی بریده شده، چاپلوسی فراوان گشته، راه‌های خیر بدون رهرو و راه‌های شرم‌مورد توجه قرار گرفته، حلال، حرام شده و حرام مجاز شمرده شده، سرمایه‌های عظیم در راه خشم خدا [و فساد و ابتذال] صرف گردیده، رشوه‌خواری در میان کارکنان دولت رایج شده، سرگرمی‌های ناسالم چنان رواج پیدا کرده که هیچ‌کس جرئت جلوگیری آن را ندارد، شنیدن حقایق قرآن بر مردم گران آید؛ اما شنیدن باطل، سهل و آسان باشد، برای غیر خدا به حج خانه خدا بشتابند، مردم سنگدل شوند [و عواطف بمیرد]، اگر کسی اقدام به امر به معروف و نهی از منکر کند، به او توصیه می‌کنند که این کار، وظیفه تو نیست. هر سال فساد و بدعتی نو پیدا شود. [هرگاه دیدی اوضاع مردم این‌گونه شده] مراقب خویش باش و از خدا نجات و رهایی از این وضع ناهنجار را بخواه [که فرج نزدیک است]»<sup>۱</sup>.

البته این تصویر سیاه از دوران پیش از ظهور، چهره غالب آن دوره است؛ چراکه در همین روزگان هستند دین‌باوران حقیقی که بر عهد خود با خداوند استوار می‌مانند و مرزهای اعتقاد خود را پاس می‌دارند و در فساد محیط مضمحل نمی‌شوند و سرنوشت خود را به فرجام زشت دیگران پیوند نمی‌زنند. اینها از بهترین بندگان خدا و شیعیان امامان نور هستند که در روایات فراوان، تمجید و ستایش شده‌اند. اینان، هم خود پاک هستند و هم دیگران را به پاکی دعوت می‌کنند؛ چون نیک می‌دانند که می‌توان از راه ترویج خوبی‌ها و ساختن محیطی معطر به عطر ایمان، ظهور امام خوبی‌ها را پیش انداخت و مقدمات قیام و حکومت او را فراهم کرد؛ زیرا که زمانی قیام برضد بدی‌ها ممکن است که مصلح موعود یاورانی صالح داشته باشد.



بنابراین؛ جهان پیش از ظهور اگرچه دوران تلخی است، به دوره شیرین ظهور، پایان می‌گیرد و اگرچه روزگار فساد و ستمگری است، پاک بودن و دیگران را به خوبی‌ها دعوت کردن، از وظایف حتمی منتظران است که در تعجیل فرج و قیام مهدی آل محمد عَلَيْهِمُ السَّلَام تأثیر مستقیم دارد.

## هنگامه قیام

همه می‌خواهند بدانند که در جریان قیام جهانی امام مهدی عَلَيْهِمُ السَّلَام چه حوادثی روی می‌دهد؟ حرکت امام از کجا و چگونه آغاز می‌شود؟ شیوه برخورد امام با گروه‌های مخالف چگونه است؟ و بالاخره چگونه آن حضرت بر تمام جهان غلبه خواهد کرد و رشته امور جهان را به دست خواهد گرفت؟ این‌گونه سؤال‌ها، فکر و اندیشه هر انسان مشتاق ظهور را به خود مشغول کند ولی واقعیت، این است که سخن‌گفتن درباره حوادث مربوط به ظهور، کاری بسیار مشکل است؛ چون گزارش دادن از آینده و اتفاقاتی است که هنوز واقع نشده است و به‌طور طبیعی نمی‌توان اطلاع دقیقی از آن رویدادها داشت.

بنابراین آن‌چه در این بخش می‌آوریم، حوادث و رخدادهای روزگار ظهور امام مهدی عَلَيْهِمُ السَّلَام است که برابر روایات در کتاب‌های متعدد نقل شده است و تنها می‌تواند دورنمایی کلی از رویدادهای ایام ظهور را پیش روی خوانندگان ترسیم کند.

## چگونگی قیام

وقتی ظلم و تباهی چهره عالم را سیاه و ظلمانی کرده است و آن‌گاه که ستمگران، گستره زمین را جولانگاه بدی‌ها و نامردی‌ها ساخته‌اند و مظلومان جهان، دست یاری‌خواهی را به آسمان گشوده‌اند، ناگهان ندایی آسمانی، سیاهی شب را می‌درد و در ماه رمضان، ظهور موعود بزرگ را بشارت می‌دهد.<sup>۱</sup> قلب‌ها به تپش می‌افتد و چشم‌ها خیره می‌گردد. شب پرستان، مضطرب و هراسان از طلوع صبح ایمان، در پی راه چاره‌ای هستند و منتظران مهدی عَلَيْهِمُ السَّلَام

از هر کسی سراغ کوی یار می‌گیرند و برای دیدار او و حضور در زمره یاوران او سر از پا نمی‌شناسند.

در آن زمان، سفیانی که بر منطقه وسیعی مانند سوریه، اردن و فلسطین سلطه دارد، سپاهی را تجهیز می‌کند تا با امام، مقابله کند. لشکر سفیانی که در مسیر مکه به تعقیب امام پرداخته است، در محلی به نام بیداء به کام زمین می‌رود و نابود می‌شود.<sup>۱</sup>

پس از شهادت نفس زکیه به فاصله کوتاهی، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در سیمای مردی جوان در مسجد الحرام ظهور می‌کند؛ در حالی که پیراهن مبارک پیامبر صلی الله علیه و آله را بر تن دارد و پرچم آن حضرت را به دست گرفته است. او به دیوار کعبه تکیه می‌زند و در بین رکن و مقام<sup>۲</sup>، سرود ظهور را زمزمه می‌کند و پس از حمد و ثنای الهی و درود و سلام بر پیامبر و خاندان او می‌فرماید:

«ای مردم! ما از خدای توانا یاری می‌طلبیم و نیز هر کس از جهانیان را که به ندای ما پاسخ دهد، به یآوری می‌خوانیم.»

آن‌گاه خود و خاندانش را معرفی می‌کند و ندا می‌دهد:

«فالله الله فينا لاتخذلونا وانصرونا ينصركم الله تعالى؛

درباره رعایت حقوق ما، خدا را در نظر بگیرید. ما را [در میدان عدالت‌گستری و ستم‌ستیزی] تنها نگذارید و یاری‌مان کنید تا خدا شما را یاری کند.»

پس از پایان گرفتن سخنان امام، آسمانیان بر زمینیان سبقت می‌گیرند و گروه گروه فرود می‌آیند و با امام بیعت می‌کنند؛ در حالی که پیشاپیش آنها فرشته وحی، جبرئیل عجل الله تعالی فرجه الشریف است. آن‌گاه ۳۱۳ انسان وارسته که از نقاط مختلف عالم به سرزمین وحی آمده‌اند، همچون ستارگان برگرد خورشید تابناک امامت حلقه زده، پیمان وفاداری می‌بندند. این جریان سبز، جاری است تا آن‌که ده هزار سرباز جان بر کف در اردوگاه امام عجل الله تعالی فرجه الشریف حضور می‌یابند و با آن فرزند پیامبر صلی الله علیه و آله بیعت می‌کنند.<sup>۳</sup>

امام عجل الله تعالی فرجه الشریف با خیل یاوران، پرچم قیام را برافراشته و به سرعت بر مکه و

۱. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۵۳، ح ۱، ص ۱۰.

۲. مراد مقام حضرت ابراهیم عجل الله تعالی فرجه الشریف نزدیک خانه کعبه و مقصود از «رکن»، رکن حجرالاسود است.

۳. نعمانی، الغیبه، باب ۱۴، ح ۶۷، ص ۳۹۴.



اطراف آن مسلط می شوند و سرزمین پیامبر را از وجود ناهلان، پاک می کنند. آن گاه راهی مدینه می شوند تا سایه عدالت و مهر را بر آن بگسترانند و سرکشان شهر را بر جای خود بنشانند. سپس عازم عراق گشته و شهر کوفه را به عنوان مرکز حکومت جهانی برمی گزینند و از آن جا به مدیریت قیام می پردازند. آن حضرت برای دعوت جهانیان به اسلام و زندگی در پرتوقوانین قرآن و درهم کوبیدن بساط ظلم و ستم، یاران و سپاهیان نور را به نقاط مختلف عالم گسیل می دارند.

امام علیه السلام یک به یک سنگرهای کلیدی جهان را فتح می کنند؛ زیرا علاوه بر یاران وفادار و مؤمن، از امداد فرشتگان الهی نیز برخوردار هستند و مانند پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله از لشکر رعب و وحشت مدد می گیرند؛ یعنی خداوند توانا چنان ترسی از او و یارانش در دل های دشمنان می افکند که هیچ قدرتی را توان رویارویی با آن حضرت نیست.

امام باقر علیه السلام فرمود:

«قائم از ما به وسیله رعب [وحشت در دل دشمنان] یاری می شود».<sup>۱</sup>

گفتنی است یکی از نقاط جهان که به وسیله سپاه امام فتح می شود، بیت المقدس است.<sup>۲</sup>

و پس از آن، واقعه بسیار مبارکی اتفاق می افتد که در جریان قیام و انقلاب امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف سرنوشت ساز است و جبهه آن حضرت را تقویت می کند و آن، فرود آمدن حضرت عیسی علیه السلام از آسمان است. حضرت مسیح علیه السلام که به فرموده قرآن زنده است و در آسمان ها به سر می برد، به زمین می آید و پشت سر امام مهدی علیه السلام به نماز می ایستد. بدین وسیله فضیلت و برتری پیشوای دوازدهم شیعیان را بر خود و پیروی خود را از امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به همگان اعلام می کند.

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمود:

«سوگند به آن کس که مرا به حق برانگیخت در حالی که بشارت دهنده مردمان باشم! اگر از عمر دنیا نمانده باشد مگر یک روز، خداوند آن روز را چنان طولانی می کند تا فرزندم مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در آن قیام کند. پس از آن، عیسی بن مریم فرود می آید و پشت سر مهدی نماز می خواند».<sup>۳</sup>

۱. صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، باب ۳۲، ح ۱۶، ص ۶۰۳.

۲. معجم الاحادیث الامام المهدی، ج ۴، ح ۶۶۱، ص ۱۷۵.

۳. مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۷۱.

به دنبال این اقدام حضرت عیسی عَلَيْهِ السَّلَام بسیاری از مسیحیان که جمعیت فراوانی از جهان را تشکیل می‌دهند به پیشوای شیعیان، ایمان می‌آورند. گویی خدا عیسی عَلَيْهِ السَّلَام را برای چنان روزی حفظ کرده است تا چراغ هدایتی برای حق طلبان باشد.

البته ظهور معجزات به دست هدایت‌گر حضرت مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى وَرَحِمَهُ الشَّرِيف و طرح مباحث فکری برای راهنمایی بشریت، از برنامه‌های انقلاب بزرگ مهدوی است که راه را برای هدایت مردم باز می‌کند.

در همین راستا امام عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى وَرَحِمَهُ الشَّرِيف الواح تورات تحریف نشده - کتاب مقدس یهود- را که در نقاط خاصی از دنیا دفن شده است، خارج می‌کند.<sup>۱</sup> یهودیان که نشانه‌های امامت او را در الواح می‌بینند، به آن حضرت ایمان می‌آورند و پیروان ادیان دیگر نیز با مشاهده این تحول بزرگ و نیز شنیدن پیام حق امام و دیدن معجزت از آن حضرت، گروه گروه به آن حضرت می‌پیوندند. این‌گونه است که وعده حتمی پروردگار محقق می‌شود و اسلام عزیز همه عالم را می‌گیرد؛ همان‌گونه که قرآن کریم بشارت داده است:

«هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ»<sup>۲</sup>

او خدایی است که پیامبرش را با [دلایل] هدایت و دین حق فرستاد تا [سرانجام] آن را بر همه دین‌ها غالب گرداند؛ اگرچه مشرکان را خوش نیاید».

با توجه به تصویری که ترسیم شد، تنها قلدران و ظالمان می‌مانند که حاضر به تسلیم شدن در برابر حق و حقیقت نیستند. این عده در مقابل جریان غالب و اکثریت مؤمنان، تاب مقاومت ندارند و با شمشیر عدالت مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى وَرَحِمَهُ الشَّرِيف به کيفر اعمال ننگین خود خواهند رسید و زمین و اهل آن برای همیشه از شر و فساد آنها ایمن خواهد شد.

۱. نعمانی، الغیبه، باب ۱۳، ح ۲۶، ص ۳۳۵.

۲. توبه، ۳۳.

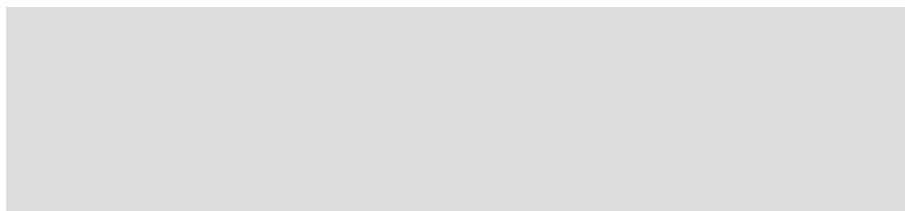


## بخش هشتم

### فصل اول:

اهداف و دستاوردهای حکومت حضرت مهدی عجّل الله تعالی فرجه الشریف

اهداف حکومت  
دستاوردهای حکومت





## اهداف و برنامه‌های حکومت

پس از کنار رفتن ابرهای تیره و تار، خورشید جهان افروز رخ می‌نماید و چشمان منتظر دشت و دمن را روشنی می‌بخشد.

آری! پس از مبارزه‌ای فراگیر با فساد و تباهی و نامردمی، نوبت به استقرار حاکمیت دادگری می‌رسد و عدالت برکسی حکمرانی تکیه می‌زند تا هر کس و هر چیزی را در جای خود قرار دهد و سهم هر پدیده‌ای را به مقتضای حق و داد پردازد و بالاخره جهان و جهانیان، شاهد حکومتی خواهند بود که سراسر، حق و عدل است و در گستره آن، کمترین ستمی برکسی نمی‌شود. حکومتی که مظهر صفات جمال و زیبایی پروردگار عالم است و در ساحت آن، بشر به تمام آرمان‌های فراموش شده خود دست می‌یابد.

ما در این فصل در چهار محور بحث خواهیم کرد:

عجل الله تعالی فرجه الشريف

۱. اهداف حکومت جهانی امام مهدی

۲. راهکارها و برنامه‌های حکومت امام عجل الله تعالی فرجه الشريف در حوزه‌های مختلف

۳. دستاوردهای حکومت الهی دادگستر

۴. ویژگی‌های حکومت

### الف. اهداف حکومت

از آن جا که هدف از آفرینش هستی، کمال و نزدیکی هر چه بیشتر انسان به منبع همه کمالات یعنی حضرت حق تعالی می‌باشد و برای نیل به این آرمان بزرگ، باید ابزار و وسائل آن فراهم شود، حکومت جهانی امام عجل الله تعالی فرجه الشريف عصر عجل الله تعالی فرجه الشريف در پی فراهم آوردن اسباب تقرب الی الله و برداشتن موانع از این مسیر است.

البته انسان از دو بعد جسم و جان ترکیب یافته است و نیازهای او نیز به دو بخش مادی و معنوی تقسیم می‌شود؛ بنابراین برای رسیدن به کمال، لازم است در هر دو جهت، حرکتی سنجیده و حساب شده داشته باشد. در این میان، «عدالت» که ره‌آورد بزرگ حاکمیت الهی است، ضامن سلامت رشد

انسان در مسیر مادی و معنوی است. ۱۹۴



بنابراین؛ اهداف حکومت امام دوازدهم عجل الله تعالی فرجه در دو محور رشد معنوی و اجرای عدالت قابل طرح است.

## ۱. رشد معنوی

برای پی بردن به ارزش هدف‌های یاد شده، لازم است نگاهی گذرا به حیات بشر در طول حاکمیت طاغوت‌ها بیفکنیم.

در طول زندگی انسان، به دور از حکومت حجت الهی، معنویت و ارزش‌های معنوی چه جایگاهی داشته است؟ آیا جزاین است که بشریت گم گشته و راه گم کرده، پیوسته در مسیر انحطاط معنوی گام برداشته و با پیروی از تمایلات نفسانی و وسوسه‌های شیطانی، یک‌یک زیبایی‌ها و خوبی‌های حیات خود را به فراموشی سپرده و با دست خود، آنها را در گورستان شهوات دفن کرده است؟ پاکی و پاکدامنی، صداقت و درستکاری، تعاون و همکاری، گذشت و ایثار، احسان و نیکوکاری، جای خود را به هواپرستی و شهوت‌رانی، دروغ و دغل‌بازی، خودمحوری و موقعیت‌جویی، خیانت و جنایت و زیاده‌خواهی و افزون‌طلبی داده است و در یک کلمه، معنویت بشر، نفس‌های آخر را می‌کشد و در بسیاری از نواحی و برای بسیاری از آدم‌نماها اثری از آن باقی نمانده است. حکومت آخرین ذخیره الهی در راستای زنده‌ساختن این بخش از وجود انسان گام برمی‌دارد و برای جان بخشیدن به این پیکره افسرده تلاش می‌کند تا طعم شیرین حیات واقعی و زندگی حقیقی را به آدم‌های مسجود ملائک بچشانند و به همگان یادآوری کند که از ابتدا مقرر شده بود که آنان در چنان حیاتی تنفس کنند و عطر پاکی‌ها و خوبی‌ها را با مشام جان، استشمام کنند؛ چنان‌که قرآن می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ»

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! چون خدا و پیامبر، شما را به چیزی فراخوانند که به شما حیات می‌بخشد، آنان را اجابت کنید».

بنابراین حیات معنوی که امتیاز بنی‌آدم از حیوانات است، بخش عمده و قسمت اصلی وجود انسان را تشکیل می‌دهد؛ زیرا آدمی با برخورداری از همین حیات است که «آدم» نامیده شده است و همین حیات است که او را به خداوند حیات‌آفرین می‌رساند و به مقام قرب او نائل می‌سازد.





از این رو در زمان حاکمیت ولی پروردگار، این بخش از وجود آدمی، سروسامان می‌گیرد و ارزش‌های انسانی در همه ابعاد زندگی، رونق و طراوت می‌یابد. صفا و صمیمیت، ایثار و وفا، راستی و درست‌ی و... همه آن‌چه که از آن به عنوان «خوبی» یاد می‌شود، همه جا را فرا می‌گیرد.

البته رسیدن به این هدف بزرگ و نقطه درخشان، به برنامه‌ای دقیق و جامع نیاز دارد که در بخش‌های آینده بیان خواهد شد.

## ۲. عدالت‌گستری

بزرگ‌ترین زخم پیکر جامعه بشری در طول تمام قرون و اعصار گذشته، ظلم و ستم موجود در اجتماعات انسانی بوده است. بشریت همواره از رسیدن به حقوق خود در عرصه‌های مختلف محروم مانده است و هیچ‌گاه مواهب مادی و معنوی، عادلانه در بین آدم تقسیم نشده است. همیشه در کنار شکم‌های انباشته از غذا، گروهی گرسنه مانده‌اند و پیوسته در نزدیکی کاخ‌ها و ویلاهای چند هزار متری، عده‌ای در حاشیه خیابان‌ها و بر سنگ‌فرش پیاده‌روها خوابیده‌اند. قدرت‌های زر و زور، مردم ضعیف و بیچاره را به بردگی کشیده‌اند و نژاد سفید برگرده سیاه‌پوستان -تنها به جرم پوست سیاهشان- تازیانه مرگ فرود آورده است. در یک کلام، همیشه و همه جا حقوق ضعیفان و بینوایان، پایمال هواها و تمایلات زورمندان شده است و انسان همیشه در آرزوی دست یافتن به عدالت و مساوات، روزشماری کرده و رسیدن دوران شکوفایی عدالت را به انتظار نشسته است.

نهایت این انتظار، دوران سبز حکومت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. او به عنوان بزرگ‌ترین پیشوای دادگردد پی اجرای عدالت و در گستره عالم و در همه زمینه‌های حیات خواهد بود. این حقیقت شیرین در بسیاری از روایات که مژده آمدن او را داده، بیان شده است.

امام حسین عجل الله تعالی فرمود:

«اگر از دنیا جز یک روز باقی نمانده باشد، خداوند آن روز را طولانی کند تا مردی از فرزندان من قیام کند و زمین را از عدل و داد پر کند؛ همان‌گونه که از ظلم و جور، آکنده شده است. این چنین از پیامبر شنیدم»<sup>۱</sup>.



ده‌ها روایت دیگر داریم که از عدالت جهانی و ریشه‌کنی ستم و ستمگری در سایه حکومت موعود آخرین، خبر داده است.

جالب است دانسته شود که عدالت و دادگری از آشکارترین ویژگی‌های امام مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فرج‌الشریف است؛ به‌گونه‌ای که در بعضی از دعاها به آن لقب گرفته است:

«اللَّهُمَّ وَصَلِّ عَلَيَّ وَوَلِيَّ أَمْرِكَ الْقَائِمِ الْمُؤَمَّلِ وَالْعَدْلِ الْمُتَنْظَرِ؛<sup>۱</sup>

خداوند! به ولی امر خود درود فرست؛ همان که قیام‌کننده آرمانی و عدالت مورد انتظار همگان است.»

آری! او عدالت را سرلوحه اهداف انقلاب خویش قرار داده است؛ زیرا عدالت، زمینه‌ساز حیات حقیقی در همه ابعاد حیات فردی و اجتماعی است و زمین و اهل آن بدون عدالت، مردگان بی‌روحي هستند که زنده پنداشته می‌شوند.

امام کاظم علیه السلام در تفسیر آیه «اعلموا أنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا»<sup>۲</sup> فرمود:

«مقصود، این نیست که زمین را با بران زنده می‌کند بلکه خداوند، مردانی را بر می‌انگیزد که عدالت را زنده می‌کنند؛ پس به سبب جان‌گرفتن عدل [در جامعه]، زمین زنده می‌شود.»<sup>۳</sup>

و تعبیر «زنده شدن زمین» اشاره به آن است که عدالت مهدی، عدالتی فراگیر و همه‌جایی؛ نه در بخشی از محیط‌ها و برای بعضی از افراد.

## ب. برنامه‌های حکومت

پس از آشنایی با اهداف حکومت، باید به بررسی برنامه‌های حکومت برای رسیدن به هدف‌های مذکور بپردازیم تا ضمن شناخت مسیر فعالیت‌ها

۱. قمی، عباس، مفاتیح الجنان، دعای افتتاح.

۲. «بدانید که خداوند زمین را پس از مردنش زنده خواهد کرد»؛ (حدید، ۱۷).

۳. با توجه به روایات دیگر که آیه را به دوران امام مهدی علیه السلام تفسیر کرده است، مقصود از «مردان» در این روایت، حضرت و یاوران او هستند. (تفسیر البرهان، ذیل آیه فوق).



در دوران سبز ظهور، الگویی برای دوران پیش از ظهور ترسیم شود. نیز آنان که به انتظار منجی بزرگ عالم هستند با روش های حکومتی و برنامه های اجرایی امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف آشنا شوند و خود و جامعه را برای پیمودن چنان راهی آماده کنند.

با استفاده از روایات فراوانی که درباره دوران حکومت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف موجود است، سه محور عمده برنامه های آن حکومت، عبارتند از: برنامه های فرهنگی، برنامه های اجتماعی و برنامه های اقتصادی.

به بیان دیگر؛ جامعه بشری که به دلیل دوری از تعالیم ناب قرآن و سیره پیشوایان دینی، به انحطاط فرهنگی گرفتار شده، لازم است در پرتویک انقلاب فرهنگی بزرگ، به دامن قرآن و عترت باز گردانده شود.

همچنین لزوم یک «برنامه جامع اجتماعی» به آن دلیل است که زخم های گوناگون پیکر اجتماع، التیام گیرد و برنامه های صحیحی که ضمن حیات واقعی جامعه و برخورداری همگان از حقوق الهی و انسانی است به جای روش های ظالمانه که جامعه را به هرج و مرج و فساد و تباهی و از بین رفتن حقوق ضعیفان کشانیده است، قرار گیرد و اجرا شود.

برای فراهم شدن زمینه های تعالی فرهنگی و رشد اجتماعی، برنامه اقتصادی نیز ضرورت دارد تا ضمن آن از تمام امکانات مادی زمینی به شکل عادلانه و در بسترناسب، استفاده شود. به بیان دیگر، با بهره گیری بهینه از مواهب طبیعی، رشد اقتصادی و تأمین معیشت برای همه طبقات و در همه محیط ها امکان پذیر شود.

پس از بیان اجمالی برنامه های حکومت امام دوازدهم عجل الله تعالی فرجه الشریف به بررسی تفصیلی آنها بر اساس روایات معصومان علیهم السلام می پردازیم و مهم ترین برنامه های حضرت را در هر بخش، مورد بحث قرار می دهیم:

### الف. برنامه های فرهنگی

در حکومت جهانی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، تمام فعالیت های فرهنگی، در راستای رشد و تعالی علمی و عملی مردم خواهد بود و با جهل و نادانی در همه زمینه ها مقابله خواهد شد.



مهم‌ترین محورهای جهاد فرهنگی در حکومت حق، عبارتند از:

## ۱. احیای کتاب و سنت

پس از آن‌که قرآن در همه اعصار، غریب و تنها مانده و در حاشیه زندگی به فراموشی سپرده شده بود، در زمان حکومت آخرین حجت الهی، تعالیم حیات بخش قرآن به تمام عرصه زندگی بشروارد می‌شود. همچنین سنت که همان گفتار و رفتار پیشوایان دینی است، در همه جا به عنوان بهترین الگوی حیات انسانی مطرح می‌گردد و عملکرد همگان با معیار خدشه‌ناپذیر قرآن و عترت ارزیابی می‌شود.

امیرالمؤمنین علیه السلام در بیانی رسا، حکومت قرآنی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف را چنین توصیف کرده است:

«در روزگاری که هوای نفس حکومت می‌کند [امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف ظهور می‌کند و] هدایت و رستگاری را جایگزین هوای نفس می‌سازد و در عصری که نظر شخصی بر قرآن مقدم شده است، افکار را متوجه قرآن می‌کند و آن را حاکم بر جامعه می‌سازد».<sup>۱</sup>

نیز در بیانی دیگر، آن حضرت دوران ظهور قرآن و حضور آن را در زندگی بشر، چنین بشارت داده است:

«گویی هم‌اکنون شیعیان خود را می‌بینم که در مسجد کوفه، خیمه‌ها زده‌اند و قرآن را بدان گونه که نازل شده، به مردم می‌آموزند».<sup>۲</sup>

یاد دادن و یاد گرفتن قرآن، نقطه شروعی برای ترویج فرهنگ قرآنی و حاکمیت قرآن و احکام آن در همه حوزه‌های فردی و اجتماعی است.

## ۲. گسترش معرفت و اخلاق

قرآن کریم و تعالیم اهل بیت علیهم السلام بر رشد اخلاقی و معنوی بشر، بیشترین تأکید را انجام داده است؛ زیرا مهم‌ترین عامل رشد و تعالی انسان به سوی هدف بلند خلقت، اخلاق نیکو است. پیامبر صلی الله علیه و آله هدف از پیامبری خود را تکمیل مکارم اخلاق می‌شمرد<sup>۳</sup> و قرآن نیز آن بزرگوار را بهترین الگوی رفتاری برای همه

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۳۸، ص ۴۲۴.

۲. نعمانی، الغیبه، باب ۲۱، ح ۳، ص ۳۳۳.

۳. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ؛ همانا من برای تکمیل مکارم اخلاق برانگیخته شدم»؛ (مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۶۸، ذیل حدیث ۱۷، ص ۳۸۲).



مردم معرفی می‌کند<sup>۱</sup> ولی با کمال تأسف، به دلیل دوری بشر از راهنمایی‌های قرآن و اهل بیت، انحطاط اخلاقی در همه زمینه‌ها در جوامع بشری و به ویژه جامعه مسلمین آشکار گردیده و همین انحراف از ارزش‌های اخلاقی از عوامل مهم ویرانی حیات فردی و اجتماعی انسان‌ها شده است.

حکومت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف که حکومت خدا و ارزش‌های الهی بر جهان است، ترویج اخلاق را در رأس برنامه‌های خود قرار خواهد داد.

امام باقر ع فرمود:

«إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَوَضَعَ يَدَهُ عَلَى رُءُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهِ عُقُولَهُمْ وَاكْمَلَ بِهِ أَخْلَاقَهُمْ»<sup>۲</sup>

زمانی که قائم ما قیام کند، دست خود را بر سر بندگان خواهد نهاد و به وسیله آن، عقل‌هایی ایشان را جمع خواهد کرد و اخلاق آنها را به کمال خواهد رساند.

از این تعبیر کنایه آمیز و زیبا استفاده می‌شود که در پرتو حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف که حکومت اخلاق و معنویت است، بستر مناسب برای کمال عقلی و اخلاقی بشر فراهم خواهد شد؛ زیرا همان‌گونه که اخلاق زشت و پست از نقصان عقل و خرد آدمی است، کمال عقل موجب بروز و ظهور اخلاق نیکو در انسان خواهد بود.

از سوی دیگر، محیط آکنده از هدایت‌های قرآن و سنت‌های الهی، آدمی را به سوی خوبی‌های سوق می‌دهد؛ بنابراین از درون و برون، همه کشش‌ها به سوی فضیلت‌ها و زیبایی‌هاست و این‌گونه است که ارزش‌های الهی و انسانی همه جایی و عالم‌گیر می‌شود.

### ۳. نهضت علمی

یکی از برنامه‌های فرهنگی حکومت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف که خود منبع علوم و سرآمد همه عالمان زمان خویش است،<sup>۳</sup> نهضت علمی و رشد دانش بشری به طور چشمگیر و بی سابقه است.

۱. اشاره به آیه «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ؛ و برای شما در رسول خدا الگوی نیکویی است»؛ (سوره احزاب، ۲۱).

۲. مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ح ۷۱، ص ۳۳۶.

۳. امیرالمؤمنین ع در توصیف مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف می‌فرماید: «دانش او از همه شما بیشتر است»؛ (نعمانی، الغیبه، باب ۱۳، ح ۱، ص ۳۰۵).



پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پس از بشارت دادن به مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ وَوَعْدَ الشَّرِيفِ، درباره این بخش از اقدام او فرموده است:

«نهمین امام [از فرزندان امام حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ] قائم ایشان است که خداوند به دست او همه زمین را از روشنائی پر می‌کند؛ پس از آن که گرفتار تاریکی گشته است و تمام زمین را از عدالت و دادگری می‌آکند؛ پس از آن که از ظلم و جور پر شده باشد و سراسر عالم را از علم و دانایی بهره‌مند می‌سازد؛ پس از آن که به جهل و نادانی گرفتار شده باشد».<sup>۱</sup>

این جنبش علمی و فکری، برای همه اقشار و طبقات جامعه است و در این شکوفایی، فرقی بین مرد و زن نیست بلکه زنان نیز به رتبه‌های بلند علمی و دین‌شناسی می‌رسند.

امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

در زمان امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ به شما حکمت [و دانش] داده می‌شود تا آن جا که زن در درون خانه‌اش مطابق کتاب خدا و سنت پیامبر قضاوت می‌کند.<sup>۲</sup>

این، حکایت از آگاهی و شناخت عمیق از آیات قرآن و روایات اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ دارد؛ زیرا امر قضاوت، امری دشوار و سنگین است.

#### ۴. مبارزه با بدعت‌ها

بدعت در مقابل «سنت» و به معنای داخل کردن اندیشه‌ها و آرای شخصی در دین و دینداری است.

امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ در معرفی بدعت‌گذاران فرمود:

«بدعت‌گذاران، کسانی هستند که با فرمان خدا و کتاب او و پیامبرش مخالفت می‌ورزند و براساس رای و هواهای نفسانی خود عمل می‌کنند؛ هرچند شمار آنها بسیار باشد».<sup>۳</sup>

بنابراین بدعت به معنای مخالفت با خدا و کتاب و پیامبر او و حاکم کردن هواهای نفسانی و عمل کردن براساس تمایلات شخصی است و این، جزآن است که با الهام از کتاب و سنت و براساس معیارهای الهی تحقیق و تحلیلی نو ارائه شود. بدعت، امری است که سنت و شیوه خدا و پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را

۱. صدوق، کمال‌الدین و تمام‌النعمة، ج ۱، باب ۲۴، ح ۵، ص ۴۸۷.

۲. نعمانی، الغیبه، باب ۱۳، ح ۳۰، ص ۳۳۷.

۳. علی بن حسام، علاء‌الدین، کنز‌العمال، ج ۱۶، ح ۴۴۲۱۶، ص ۱۸۲.



نابود می‌کند و هیچ آفتی برای دین، چنین شکننده و نابودکننده نیست.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

«ما هدمَ الدِّينَ مثلَ البدعِ؛»

هیچ چیز مانند بدعت‌ها دین را ویران و تباه نکرده است.»

به همین دلیل است که سنت‌مداران، وظیفه دارند در مقابل بدعت‌گذاران قیام کنند و پرده از تزویر و نیرنگ آنها بردارند و راه نادرست آنها را برای مردمان، آشکار و بدین‌گونه از گمراهی مردم جلوگیری کنند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

هرگاه بدعت‌ها در میان امت آشکار شوند، بر عالم است که علم و دانش خود را آشکار سازد و هرکس چنین نکند، نفرین خدا بر او باد!<sup>۲</sup>

با تأسف باید گفت که پس از پیامبر و راه روشن او، چه بدعت‌ها که در دین نگذاشتند و چه انحراف‌ها و کجی‌ها که در میسر دینداری پدید نیاموردند و چه گمراهی‌ها که در برابر مردم نگشودند! بدین‌سان چهره دین را واژگونه ساختند و رخسار تابناک آیین را به حجاب‌های هواها و سلیقه‌های شخصی پوشاندند. امامان معصوم علیهم السلام و به دنبال ایشان عالمان دین کوشیدند ولی همچنان راه بدعت‌گذاری و سنت‌سوزی باز ماند و در دوران غیبت، بیشتر شد.

و اکنون عالم در انتظار است که صاحب مکتب و موعود قرآن بیاید و در سایه سار حکومت او سنت‌ها زنده گردیده و بدعت‌ها برچیده شود. و بی‌شک در رأس برنامه‌های اصلاحی او مبارزه با بدعت‌ها و گمراهی‌هاست تا زمینه‌های هدایت و رشد و تعالی بشر فراهم شود.

امام باقر علیه السلام در ضمن سخنی بلند در توصیف زمان ظهور آن حضرت، فرمود:

«لا يَبْرُكُ بِدَعَاةٍ إِلَّا أزالَهَا وَلَا سُنَّةٍ إِلَّا أقَامَهَا؛»

هیچ بدعتی را وانگذازد؛ مگر این‌که آن را از ریشه برکند و از هیچ سنتی نمی‌گذرد؛ مگر این‌که آن را برپا خواهد فرمود.»

۱. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۷۸، ح ۹۸، ص ۹۱.

۲. کلینی، کافی، ج ۱، باب البدع والرأی والمقائیس، ح ۲، ص ۵۴.



## ب. برنامه‌های اقتصادی

از شاخصه‌های یک جامعه سالم، اقتصاد سالم است. اگر از منابع ثروت در جامعه به درستی استفاده شود و امکانات تولید و توزیع در اختیار عده‌ای خاص نباشد بلکه حکومت به همه قشرها توجه کرده و برای همه امکان بهره‌گیری از سرمایه‌ها را فراهم کند، جامعه‌ای ساخته می‌شود که امکان رشد معنوی نیز در آن بیشتر است. در قرآن کریم و روایات معصومان علیهم‌السلام نیز به جنبه اقتصادی و بهینه‌سازی وضع معیشتی مردم، توجه شده است؛ بنابراین در حکومت قرآنی حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌و فرجه‌الشریف برای اقتصاد جهان، برنامه جامعی تدوین شده است که براساس آن، اولاً امر تولید، سامان می‌یابد و از منابع طبیعی و مواهب خدایی بهترین بهره‌برداری می‌شود و ثانیاً ثروت به دست آمده به شکل عادلانه بین همه طبقات توزیع می‌شود. بجاست در این باره، نیم‌نگاهی به روایات بندازیم.

### ۱. بهره‌وری از منابع طبیعی

یکی از مشکلات بخش اقتصاد، استفاده نکردن صحیح و بجا از مواهب الهی است. اکنون نه از تمام ظرفیت خاک استفاده می‌شود و نه از آب به درستی در راه احیای زمین بهره‌برداری می‌گردد. در زمان امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌و فرجه‌الشریف و به برکت حکومت حق او، آسمان، سخاوتمندانه می‌بارد و زمین، بی‌دریغ بار می‌دهد.

امیرالمؤمنین علیه‌السلام فرمود:

«لَوْ قَدَّ قَامَ قَائِمُنَا لَأَنْزَلَتْ السَّمَاءُ قَطْرَهَا، وَأَخْرَجَتْ الْأَرْضُ نَبَاتَهَا؛

و چون قائم ما قیام کند، آسمان، باران می‌ریزد و زمین، گیاه بیرون می‌آورد».

در زمان حاکمیت آخرین حجت حق، همه زمین و امکانات آن در اختیار امام خوبان قرار می‌گیرد تا سرمایه‌ای کلان برای پی‌ریزی اقتصادی سالم فراهم شود.





امام باقر عجل الله تعالی فرجه فرمود:

«تُطَوَّى لَهُ الْأَرْضُ، وَ تَظْهَرُ لَهُ الْكُنُوزُ»<sup>۱</sup>

زمین برای او پیچیده می شود [در لحظه ای از نقطه ای به نقطه دیگر می رود] و تمام گنج های آن برای او آشکار می گردد».

## ۲. توزیع عادلانه ثروت

از مهم ترین عوامل اقتصاد بیمار در جوامع بشری، انباشته شدن ثروت در نزد گروهی خاص است. همیشه این گونه بوده است که افراد یا جمعیت هایی که برای خود به هر دلیل - امتیازی قائل بوده اند، بر انبارهای ثروت عمومی چنگ انداخته و آن را در جهت منافع شخصی و گروهی به کار برده اند. امام مهدی عجل الله تعالی فرجه با اینان مقابله خواهد کرد و ثروت همگانی را در اختیار همگان خواهد گذاشت و عدالت علوی را به همه نشان خواهد داد.

امام باقر عجل الله تعالی فرجه فرمود:

«إِذَا قَامَ قَائِمُ أَهْلِ الْبَيْتِ قَسَمَ بِالسَّوِيَّةِ وَعَدَلَ فِي الرِّعْيَةِ»<sup>۲</sup>

وقتی قائم اهل بیت قیام کند، [اموال را] به مساوی تقسیم می کند و در میان خلق به عدالت رفتار می نماید».

در زمان آن حضرت، اصل مساوات و برابری به اجرا در می آید و همگان از حقوق انسانی و الهی خود بهره مند می شوند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

شما را به مهدی عجل الله تعالی فرجه بشارت می دهم که در امت من برانگیخته خواهد شد... او اموال را به درستی تقسیم می کند.

کسی پرسید: «مراد چیست؟» فرمود: «یعنی بین مردم مساوات را اجرا خواهد کرد».<sup>۳</sup>

ورده آورد این مساوات در سطح جامعه، آن است که فقر و تهیدستی ریشه کن گردیده، فاصله های طبقاتی برچیده می شود.

۱. همان، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، باب ۳۲، ج ۱۶، ص ۶۰۳.

۲. نعمانی، الغیبه، باب ۱۳، ح ۲۶، ص ۲۴۲.

۳. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۵۱، ح ۳۷، ص ۸۱.



امام باقر ع فرمود:

«امام مهدی ع میان مردم به مساوات رفتار می‌کند؛ به‌گونه‌ای که کسی پیدا نشود که نیازمند زکات باشد.»<sup>۱</sup>

### ۳. عمران و آبادانی

در حکومت‌های بشری، بخش‌هایی از محیط زندگی، آباد می‌شود که به‌گونه‌ای در ارتباط با حاکمان و اطرافیان و همفکران ایشان یا طبقه اشراف و بزرگان و صاحب نفوذها باشد و بقیه طبقات فراموش می‌شوند ولی در حکومت امام مهدی ع که امر تولید و توزیع، ساماندهی می‌شود، نعمت و آبادانی به همه جا می‌رسد.

امام باقر ع در توصیف روزگار امام مهدی ع فرمود:

«فَلَا يَبْقَى فِي الْأَرْضِ خَرَابٌ إِلَّا عَمْرٌ؟<sup>۲</sup> در تمام زمین، هیچ ویرانه‌ای نمی‌ماند؛ جز این که آباد می‌شود.»

### ج. برنامه‌های اجتماعی

یکی از ابعاد اصلاح ساختار جامعه بشری، پرداختن به برنامه‌های اجتماعی است. در حکومت دادگستر بزرگ عالم، برای سامان بخشی اجتماع، برنامه‌هایی براساس تعالیم قرآن و سنت اهل بیت در نظر گرفته شده است که به سبب اجرای آنها، محیط زندگی، زمینه‌ای آماده برای رشد و تعالی افراد خواهد بود. در جهانی که تحت حاکمیت الهی است، خوبی‌ها ترویج می‌شود و از بدی‌ها نهی می‌گردد و با بدکاران برخورد قانونی می‌شود. نیز حقوق اجتماعی افراد به مساوات پرداخت می‌شود و عدالت اجتماعی به معنای واقعی آن پیاده می‌گردد.

۱. همان، ح ۳۸، ص ۹۲.

۲. صدوق، کمال‌الدین و تمام‌النعمه، ج ۱، باب ۳۲، ح ۱۶، ص ۶۰۳.



## ویژگی های حکومت

### ۱. احیاء و گسترش امر به معروف و نهی از منکر

در حکومت جهانی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف، فریضه بزرگ امر به معروف و نهی از منکر به صورت گسترده به اجرا گذاشته خواهد شد؛ همان واجبی که قرآن کریم بر آن تأکید ورزیده و آن را از ویژگی های امت اسلامی به عنوان برگزیده امت ها شمرده است.<sup>۱</sup> همان امری که به سبب آن، همه واجبات الهی اقامه می شود<sup>۲</sup> و واگذاشتن آن، عامل اساسی در هلاکت و نابودی خوبی ها و رشد و گسترش بدی ها در اجتماعات بوده است.

از بهترین و والاترین مراتب امر به معروف و نهی از منکر، آن است که رئیس حکومت و کارگزاران آن، امرکننده به خوبی ها و بازدارنده از زشتی ها باشند.

امام باقر علیه السلام فرمود:

«الْمَهْدِيُّ وَ أَصْحَابُهُ... يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ»<sup>۳</sup>

مهدی و یاران او... امر به معروف و نهی از منکر می کنند».

### ۲. مبارزه با فساد و رذائل اخلاقی

در حکومت مهدوی، نهی از منکر که یکی از شاخصه های حکومت الهی است، تنها به زبان نخواهد آمد بلکه در عمل با منکرات و زشتی ها مقابله خواهد شد تا جایی برای فساد و رذائل اخلاقی در جامعه نماند و محیط زندگی از زشتی ها پاک شود.

۱. آل عمران، ۱۱۰.

۲. در سخنی از امام باقر علیه السلام درباره این واجب آمده: «إِنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ... فَرِيضَةٌ عَظِيمَةٌ بِهَا تُقَامُ الْقَرَائِصُ؛ امر به معروف و نهی از منکر... واجبی است که به سبب آن، همه واجبات اقامه می شود»؛ (کافی، ج ۵، باب الامر بالمعروف و النهی عن المنکر، ح ۱، ص ۵۵).

۳. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۵۱، ح ۹، ص ۴۷.



در دعای ندبه که آهنگ فراق و نوای جدایی از یار غایب است، چنین می‌خوانیم:

«أَيْنَ ظَامِسُ آثَارِ الزَّيْغِ وَالْأَهْوَاءِ أَيْنَ قَاطِعُ حَبَائِلِ الْكِذْبِ [الْكَذِبِ] وَالْإِفْتِرَاءِ؟»

کجاست نابودکننده آثار گمراهی و هوا و هوس؟ کجاست ریشه‌کن کننده ریسمان‌های دروغ و افترا؟»

### ۳. اجرای حدود الهی

برخورد با مفسدان و تبه‌کاران جامعه، شیوه‌های گوناگون دارد. در حکومت امام مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فُرُجَهُ الشَّرِيفَ، از سویی با شیوه‌های فرهنگی و تعلیم معارف و تحکیم عقاید و ایمان، فاسقان و بزه‌کاران را به راه صلاح و راستی برمی‌گردانند و از سوی دیگر با تأمین نیازهای مشروع و معقول زندگی و اجرای عدالت اجتماعی، راه را بر فساد و تباهی می‌بندند ولی با کسانی که با وجود همه اینها راه تجاوز به حقوق دیگران و زیرپا گذاشتن احکام الهی را می‌پیمایند و چارچوب قانون را نمی‌پذیرند، به‌گونه‌ای شدید برخورد می‌شود که سد راه تبه‌کاری آنها گردد و نیز از ادامه روند فساد در جامعه توسط دیگران جلوگیری شود و آن، اجرای حدود الهی درباره مفسدان است که حد و مرز آن در قوانین کیفری اسلام، بیان شده است.

در روایت بلندی از پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ که حضرت جواد عَلَيْهِ السَّلَامُ نقل کرده، در ضمن بیان خصوصیات امام مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فُرُجَهُ الشَّرِيفَ، آمده است:

«او حدود الهی را اقامه [و اجرا] خواهد کرد».<sup>۲</sup>

### ۴. عدالت قضایی

در رأس برنامه‌های حکومتی امام مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فُرُجَهُ الشَّرِيفَ در سطح جامعه، اجرای عدالت در همه بخش‌هاست. اوست که همه عالم را پراز عدالت و دادگری می‌کند؛ همان‌گونه که از ظلم و ستم آکنده باشد. یکی از مهم‌ترین حوزه‌های

۱. مفاتیح‌الجنان، دعای ندبه.

۲. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۵۲، باب ۲۷، ح ۴، ص ۳۱۱.



اجرای عدالت، بخش قضاوت است و این، همان بخشی است که بیشترین ظلم‌ها و حق‌کشی‌ها در آن شده است. اموال، به ناحق مصادره گشته، خون‌ها، به ناحق ریخته شده و آبروی بی‌گناهان به خطر افتاده است. در محاکم قضایی دنیا، بیشترین ظلم بر مستضعفان عالم شده است و احکام صادره از آنها تحت تأثیر نفوذ قدرتمندان و حاکمان ستمگر، مال و جان افراد و گروه‌های بسیاری را نابود کرده است. قاضیان دنیا طلب نیز برای جلب منافع مادی، حکم‌های ظالمانه بسیاری را نوشته و اجرا کرده‌اند. خلاصه این‌که چه بسیار بی‌گناهی که به چوبه دار آویخته شده است و چه بسا تبه‌کار و مجرمی که قانون خدا درباره او اجرا نگردیده است.

حاکمیت عدل گستر امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف پایان همه ظلم‌ها و نهایت همه حق‌کشی‌هاست. او که مظهر عدالت پروردگار است، محکمه‌هایی دادگستری ایجاد می‌کند و قاضیانی صالح و مجریانی دقیق و خداترس می‌گمارد تا به هیچ کس در هیچ جای عالم، کمترین ستمی نرود.

حضرت رضا عجل الله تعالی فرجه الشريف در ضمن روایتی بلند در توصیف امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف و دوران طلایی ظهورش فرمود:

«فَإِذَا خَرَجَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَوَضَعَ مِيزَانَ الْعَدْلِ بَيْنَ النَّاسِ فَلَا يَظْلِمُ أَحَدٌ أَحَدًا!»

وقتی او قیام کند، زمین به نور پروردگار روشن شود و آن حضرت، ترازوی عدالت در میان خلق نهد؛ پس [چنان عدالت را جاری کند که] هیچ‌کسی بر دیگری ظلم و ستم روا ندارد.»

از این روایت دانسته می‌شود که عدالت قضایی حضرت، چنان گسترده و دقیق است که راه را بر ظالمان و سودجویان، می‌بندد و از تکرار ظلم و ستم و عادی شدن تجاوز به حق دیگران، جلوگیری می‌کند.



## دستاوردهای حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

افراد و جمعیت‌ها پیش از آن‌که به حکومت برسند و قدرت را به دست گیرند، آرمان‌هایی را برای حکومت خود بیان می‌کنند و چه بسا برای رسیدن به آن اهداف، برنامه‌های خود را نیز اعلام می‌نمایند؛ اما معمولاً پس از رسیدن به قدرت و گذشت زمان، در اهداف خود مانده و گاهی از آن‌چه گفته بودند، عدول می‌کنند و یا به کلی آن ایده‌ها و اهداف مطرح شده را فراموش می‌کنند.

دست نیافتن به آرزوها و اهداف از پیش تعیین شده، یا به آن علت است که «هدف‌ها»، واقعی و اصولی نبوده یا آن‌که برنامه‌های حکومت برای رسیدن به هدف‌ها، برنامه جامع و کاملی نبوده است و در بسیاری از موارد نیز سبب ناکامی، عدم لیاقت مجریان بوده است.

در حکومت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اهداف، واقعی و اصیل هستند که ریشه در عمق وجدان‌های بشر دارند و همگان در آرزوی رسیدن به آنها بوده‌اند. برنامه‌ها نیز براساس تعالیم قرآن و سنت معصومان تنظیم شده و در تمام بخش‌ها ضمانت اجرایی برای آنها وجود دارد؛ بنابراین دستاوردهای این انقلاب عظیم، بسیار چشمگیر و قابل توجه است. در یک جمله باید گفت: دستاوردهای حکومت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پاسخ‌گوی تمام نیازهای معنوی و مادی بشر است که خداوند متعال در وجود انسان به امانت نهاده است.

در این جا با توجه به روایات، برخی از این دستاوردها را بیان می‌کنیم:

### ۱. عدالت فراگیر

در روایات فراوان، مهم‌ترین ره‌آورد قیام و انقلاب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پُرشدن جهان از عدالت و دادگری شمرده شده است که در بخش اهداف حکومت درباره آن سخن گفتیم. اما در این بخش بر آن حقیقت یاد شده، این واقعیت را می‌افزاییم که در حاکمیت قائم آل محمد صلی الله علیه و آله عدالت در همه سطوح جامعه به صورت یک جریان جاری در تمام مویرگ‌های اجتماع در می‌آید و هیچ نهاد و مجموعه کوچک یا بزرگی نمی‌ماند؛ مگر این‌که عدالت در آن حاکم خواهد شد و روابط افراد با یکدیگر براساس آن پی‌ریزی خواهد گشت.



امام صادق عجل الله تعالی فرجه الشریف در این باره فرمود:

«به خدا قسم! عدالت [مهدی] را در خانه‌های مردم خواهد برد؛ آن چنان که سرما و گرما به دورن خانه‌ها نفوذ می‌کند»<sup>۱</sup>.

این که خانه که کوچک‌ترین نهاد جامعه است به کانون عدالت تبدیل می‌شود و روابط افراد خانواده با یکدیگر عادلانه می‌شود، حکایت از آن دارد که حکومت جهانی و عدل‌گستر مهدوی، نه با ابزار زور و قانون بلکه براساس یک تربیت قرآنی که به عدالت و احسان، فرمان می‌دهد، افراد را پرورش می‌دهد. در فضایی این چنین، همگان به حکم وظیفه انسانی و الهی خود، حقوق دیگران را - گرچه از نظر رتبه و مقام، جایگاهی نداشته باشند - محترم می‌شمارند.

در جامعه موعود مهدوی، عدالت، یک جریان فرهنگی اصیل و با پشتوانه قرآنی و حکومتی است که تخلف از آن تنها توسط معدودی از افراد صورت می‌گیرد که خود محور و منفعت طلب بوده و به دور از تعالیم قرآن و اهل بیت عجل الله تعالی فرجه الشریف پرورش یافته‌اند. حکومت عادل نیز با آنها برخورد جدی می‌کند و اجازه رشد و نموبه آنها نمی‌دهند؛ به ویژه از نفوذ آنها به سطوح حاکمیت جلوگیری می‌کند.

آری! عدالتی چنین فراگیر و همگانی، ره‌آورد حکومت مهدی منتظر عجل الله تعالی فرجه الشریف است و بدین سان عالی‌ترین هدف انقلاب امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف که پرکردن عالم از عدل و داد بوده است، به شکل کامل تحقق خواهد یافت. آن هم نه فقط عدالت اجتماعی بلکه عدالت در همه ابعاد انسانی محقق می‌شود و ظلم و ستم و حق‌کشی در همه زوایای جامعه حتی در روابط اعضای خانواده با یکدیگر، از بین خواهد رفت.

## ۲. رشد فکری، اخلاقی و ایمانی

در بخش قبل آمد که فراگیر شدن عدالت در جامعه به سبب تربیت صحیح افراد و رواج فرهنگ قرآن و عترت در جامعه است. در روایات ما به رشد فکری و اخلاقی و ایمانی مردم در حاکمیت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تصریح شده است.



امام باقر علیه السلام فرمود:

«وقتی قائم ما قیام کند، دست [عنایت] خویش بر سر بندگان خدا نهد و به برکت آن، عقل و خرد آنها به کمال رسد».<sup>۱</sup>

همه خوبی‌ها و زیبایی‌ها به دنبال کمال عقل انسان، به دست می‌آید؛ زیرا عقل، پیامبر درونی انسان است که در صورت حاکم بودن آن بر کشور جسم و جان، آدمی به سوی صلاح و درستی خواهد رفت و مسیر بندگی پروردگار و نیل به سعادت، هموار خواهد شد.

از امام صادق علیه السلام درباره عقل پرسیدند. فرمود:

«عقل، آن [حقیقتی] است که به سبب آن، خداوند عبادت می‌شود و به [راهنمایی] آن، بهشت به دست می‌آید».<sup>۲</sup>

آری! امروز می‌بینیم که در جامعه بدون امام، شهوات بر عقل، غلبه دارد و نفس سرکش، یگانه فرمانروای افراد و گروه‌ها و احزاب است. پیامد این وضعیت، پایمال شدن حقوق انسان‌ها و فراموش شدن ارزش‌های الهی است ولی در جامعه موعود و در سایه فرمانروایی حجت خدا که عقل کل است، عقول انسان‌ها، میدان دار و سکان دار تصمیم و اقدام خواهد بود. بدیهی است که عقل به کمال رسیده، جزبه خوبی و زیبایی، فرمان نمی‌دهد.

### ۳. اتحاد و همدلی

طبق روایات، جمعیتی که تحت حاکمیت جهانی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به سر می‌برند، با هم متحد و صمیمی خواهند بود و در زمان برپایی دولت مهدوی، جایی برای کینه و دشمنی در دل‌های بندگان خدا نخواهد ماند.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

«لَوْ قَدْ قَامَ قَائِمُنَا... لَذَهَبَتِ الشَّخْنَاءُ مِنْ قُلُوبِ الْعِبَادِ؛

وقتی قائم ما قیام کند، کینه از دل‌های بندگان برود».

۱. مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ح ۷۱، ص ۳۳۶.

۲. کلینی، کافی، ج ۱، کتاب العقل والجهل، ح ۳، ص ۱۱.





در آن زمان، دیگر بهانه‌ای برای کینه‌توزی نیست؛ زیرا روزگار عدل و دادگری است و حقی از کسی ضایع نمی‌شود و روزگار خردورزی و تعقل است؛ نه عقل‌ستیزی و شهوت‌پرستی. بنابراین زمینه‌ای برای دشمنی و کینه‌جویی باقی نمی‌ماند؛ از این رو دل‌های مردم که تا پیش از این، پراکنده و دور از هم بود، انس و الفت می‌یابد و همگان به برادری قرآنی باز می‌گردند و با یکدیگر همدل و مهربان می‌شوند.

امام صادق علیه السلام در وصف روزگار سبز مهدوی فرمود:

[در آن ایام] خداوند وحدت و الفت بین قلوب پریشان و پراکنده برقرار کند.<sup>۱</sup>

اگر دست خدا در کار است، دیگر عجیب نیست که این همدلی و صمیمیت به جایی رسد که تصور آن در دنیای کنونی که بحران تضادها و کشمکش‌های مادی به اوج خود رسیده است، دشوار باشد.

امام صادق علیه السلام فرمود:

وقتی قائم ما قیام کند، دوستی واقعی و صمیمیت حقیقی بیان می‌شود. هر نیازمندی دست می‌برد و از جیب برادر ایمانی‌اش به مقدار نیاز برمی‌دارد و برادرش او را منع نمی‌کند.<sup>۲</sup>

#### ۴. سلامت جسمی و روانی

یکی از مشکلات بشر امروز، بروز بیماری‌های سخت و غیرقابل علاج است که محصول عوامل گوناگون از جمله آلودگی محیط زیست به سبب به‌کارگیری وسایل و سلاح‌های شیمیایی، اتمی و میکروبی است. همچنین روابط نامشروع انسان‌ها با یکدیگر و از بین بردن جنگل‌ها و آب‌های دریا از دیگر عوامل ظهور بیماری‌هایی مانند جذام، طاعون، فلج، سکت و ده‌ها بیماری دیگر است که بهداشت و درمان پیشرفته امروزی نیز قادر به معالجه آنها نیست. بر بیماری‌های جسمی باید فهرست بلندی از امراض روحی و روانی را نیز افزود که زندگی را برای مردم جهان، تلخ و غیرقابل تحمل کرده است که این نیز به سبب روابط غلط حاکم بر جهان و انسان‌هاست.

۱. صدوق، کمال‌الدین و تمام‌النعمة، ج ۲، باب ۵۵، ح ۷، ص ۵۴۸.

۲. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۵۲، ح ۱۶۴، ص ۳۷۲.



در دولت کریمه مهدوی که روزگار عدالت گستری و حکومت فضیلت‌ها و زیبایی‌هاست و روابط براساس برادری و برابری شکل می‌گیرد، بیماری‌های جسمی و روانی انسان از بین می‌رود و قوای بدنی و روحی انسان به‌طور شگفت‌انگیزی قوی و نیرومند می‌شود.

امام صادق علیه السلام فرمود:

هنگامی که قائم قیام کند، خداوند بیماری‌ها را از مؤمنان دور می‌سازد و تندرستی را به آنان باز می‌گرداند.<sup>۱</sup>

در دولت آن سرور که دانش به گونه‌ای شگفت پیشرفت می‌کند، هیچ بیماری ناعلاجی نمی‌ماند و بهداشت و طب، رشد چشمگیری خواهد داشت. نیز به برکت وجود حضرت، بسیاری از بیماران، شفا خواهند یافت.

امام باقر علیه السلام فرمود:

هرکس قائم اهل بیت مراد رک کند، اگر به بیماری دچار باشد، شفا می‌یابد و چنانچه دچار ناتوانی باشد، توانا و نیرومند می‌شود.<sup>۲</sup>

## ۵. خیر و برکت فراوان

از دستاوردهای بزرگ حکومت قائم آل محمد صلی الله علیه و آله، خیر و برکت فراوان و بی‌سابقه است. در بهار دولت او همه جا سبز و خرم شده، نشاط و حیات می‌یابد. آسمان، می‌بارد و زمین، می‌رویاند و برکات الهی، سرشار و بی‌شمار می‌شوند.

امام صادق علیه السلام فرمود:

«خداوند به سبب او [امام مهدی علیه السلام] برکات آسمان‌ها و زمین را جاری می‌کند. [در ایام دولت او] آسمان می‌بارد و زمین، دانه می‌دهد».<sup>۳</sup>

در سایه حکومت آن حضرت، کویری نمی‌ماند و همه زمین‌ها جامه حیات و شادابی به تن می‌کنند. این تحول چشمگیر و فراوانی بی‌نظیر، به آن دلیل است که روزگار مهدی، زمان جوانه‌زدن نهال پاکی و تقوا و شکوفایی

۱. همان، ح ۱۳۸، ص ۳۶۴.

۲. همان، ح ۶۸، ص ۳۳۵.

۳. طوسی، الغیبه، ح ۱۴۹، ص ۱۸۸.



گل‌های ایمان است و مردم در همه اصناف و اقسام تحت تربیت الهی قرار گرفته، روابط خود را براساس ارزش‌های خدایی انجام می‌دهند. خداوند نیز وعده فرموده است که چنین محیط پاکی را از برکات و خیرات، سیراب کند.

قرآن کریم در این زمینه می‌فرماید:

«وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ؛<sup>۱</sup>

اگر مردم شهرها ایمان آورده، تقوا پیشه می‌کردند [درهای] برکات آسمان و زمین را به رویشان باز می‌کردیم».

## ۶. ریشه‌کن شدن فقر

وقتی همه منابع زمینی برای امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف آشکار شود و برکات آسمان و زمین بر مردم زمان او بی‌دریغ جریان یابد و به عدالت تقسیم گردد، جایی برای فقر و تهیدستی نمی‌ماند و بشریت در دولت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف برای همیشه از چنگال فقر و نداری رها می‌شود.<sup>۲</sup>

در روزگار او روابط اقتصادی براساس برادری و برابری شکل می‌گیرد و اصل سودجویی و منفعت‌طلبی شخصی، جای خود را به حس دلسوزی و غمخواری و مواسات با برادران دینی می‌دهد. در این حال، همه به یکدیگر به عنوان اعضای یک خانواده می‌نگرند و بوی یگانگی و یکپارچگی در همه جا به مشام می‌رسد.

امام باقر علیه السلام فرمود:

«[امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف] هر سال دو بار به مردم می‌بخشد و در هر ماه، دو بار به آنها روزی [و نیاز زندگی] عطا می‌کند و [در این کار] به مساوات بین مردم عمل می‌نماید تا این‌که [چنان مردم بی‌نیاز می‌شوند که] هیچ نیازمندی به زکات پیدا نمی‌شود».<sup>۳</sup>

از روایات استفاده می‌شود که عدم نیازمندی مردم به سبب روحیه قناعت و بی‌نیازی روحی است. به بیان دیگر پیش از آن‌که مردم از بیرون،

۱. اعراف، ۹۶.

۲. ر. ک: صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر، فصل ۷، باب ۳، ۴، ص ۵۸۹-۵۹۳.

۳. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۵۲، ح ۲۱۲، ص ۳۹۰.



صاحب مال فراوان شوند و بی نیاز گردند، روحی بی نیازی، از درون در آنها پیدا می شود و به آنچه خداوند از فضل خویش به آنها عطا کرده، راضی و خشنود می شوند و چشمی به اموال دیگران نمی دوزند.

پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در توصیف روزگار دولت مهدی عَجَّلَ اللهُ تَعَالَى فُرُجَهُ الشَّرِيفَ فرموده است:  
 «خداوند [روح] بی نیازی را در دل های بندگان قرار می دهد»<sup>۱</sup>.

این، در حالی است که پیش از ظهور، روحیه آزمندی و زیاده طلبی عامل مؤثری در رقابت های غلط و انباشتن اموال بر روی هم و انفاق نکردن آنها بوده است.

خلاصه این که در زمان امام مهدی عَجَّلَ اللهُ تَعَالَى فُرُجَهُ الشَّرِيفَ، بی نیازی از بیرون و درون خواهد بود. از سویی ثروت سرشار، به عدالت تقسیم می شود و از سوی دیگر قناعت، و ویژگی اخلاقی مردمان می شود.

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پس از این که درباره بخشش امام مهدی عَجَّلَ اللهُ تَعَالَى فُرُجَهُ الشَّرِيفَ به مردم احادیثی فرموده است، می افزاید:

«خداوند، دل های امت محمد را از بی نیازی پُر می کند و عدالت مهدوی همه آنها را در بر می گیرد؛ به گونه ای که او [حضرت مهدی] امر می کند تا ندا دهنده ای اعلام کند چه کسی نیازمند مال است؟ پس کسی از میان مردم برنخیزد؛ مگر یک نفر.

پس امام [به او] می فرماید: «نزد خزانه دار برو و به او بگو: مهدی عَجَّلَ اللهُ تَعَالَى فُرُجَهُ الشَّرِيفَ به تو فرمان می دهد که به من مالی بدهی». پس خزانه دار به او می گوید: «جامه ات را بیاور» تا این که وسط جامه اش را پُر می کند و چون آن را بردوش می کشد، پشیمان می شود و می گوید: «چرا در میان امت محمد، من از همه حریص تر باشم؟»... پس مال را برمی گرداند ولی از او قبول نمی شود و به او گفته می شود: «ما آنچه را عطا کردیم، باز پس نمی گیریم»<sup>۲</sup>.

۱. همان، ج ۵۱، ح ۳۷، ص ۸۴.

۲. همان، ج ۳۸، ص ۹۲.



## ۷. حاکمیت اسلام و نابودی کفر

قرآن کریم در سه مورد وعده داده است که خداوند متعال، دین مقدس اسلام را جهان گیر خواهد کرد:

«هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ؛<sup>۱</sup>

او خدایی است که پیامبرش را با هدایت و دین حق فرستاد تا آن دین را بر همه ادیان، پیروز کند».

شکی نیست که وعده خداوند، انجام شدنی و تخلف ناپذیر است؛ چنان که قرآن فرموده است:

«إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ».<sup>۲</sup>

ولی روشن است که با وجود همه مجاهدت‌ها و تلاش‌های بی دریغ پیامبر صلی الله علیه و آله و اولیاء خدا، تاکنون چنین رویداد مبارکی به وقوع نپیوسته است و همه مسلمانان امید دارند که این روزگار، فرا رسد. البته این آرزویی حقیقی است که ریشه در بیانات پیشوایان معصوم دارد.

بنابراین در سایه حاکمیت آن حجت پروردگار، بانگ «اشهد ان لا اله الا الله» که پرچم توحید است و نوای «اشهد ان محمدا رسول الله» که علم اسلام است، همه جا را فرا خواهد گرفت و اثری از شرک و کفر باقی نخواهد ماند.

امام باقر علیه السلام در توضیح آیه «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةً وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ»<sup>۳</sup> فرمود:

«تأویل این آیه هنوز نیامده است. هرگاه قائم ما قیام کند آن کس که زمان او را دریابد، تأویل این آیه را خواهد دید. هرآینه [در آن زمان] دین محمد صلی الله علیه و آله به هر کجا که شب می‌رسد، خواهد رسید [و عالم گیر خواهد شد] به گونه‌ای که بر سطح زمین، اثری از شرک نخواهد ماند؛ همان‌گونه که خداوند فرموده [و وعده داده] است».<sup>۴</sup>

البته این جهان‌شمولی اسلام، به سبب حقانیت و واقعیت «اسلام»

۱. توبه، ۳۳؛ فتح، ۲۸؛ صف، ۹.

۲. آل عمران، ۹.

۳. «و با آنان [مشرکان] بجنگید تا این که [در زمین] فتنه و فسادى نماند و آیین همه، دین خدا شود».

۴. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۵۱، ح ۴۱، ص ۵۵.



است که در روزگار مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هر چه بیشتر و بهتر آشکار خواهد شد و همگان را به خود جلب خواهد کرد؛ مگر آنان که از روی عناد و سرکشی، سربه طغیان بردارند که با شمشیر عدل مهدوی که دست انتقام پروردگار است، روبه‌رو خواهند شد.

آخرین نکته در این بخش، آن است که این وحدت عقیدتی که در پرتو حکومت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به دست می‌آید، زمینه بسیار مناسبی برای تشکیل جامعه واحد جهانی است. جهان به دنبال همین اتحاد و یگانگی در اعتقاد، به یک قانون و نظام توحیدی تن می‌دهد و آن را می‌پذیرد. سپس در سایه آن، رابط فردی و اجتماعی خود را براساس معیارهایی که از یک عقیده و مرام گرفته شده است، تنظیم می‌کند. طبق این بیان، وحدت عقیدتی و جمع شدن همه مردم در زیر یک پرچم و دین واحد، یک ضرورت و نیاز جدی است که در حکومت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف حاصل خواهد شد.

## ۸. امنیت عمومی

در حاکمیت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف که دوران فراگیری همه خوبی‌ها در همه عرصه‌های زندگی است، امنیت که از بزرگ‌ترین نعمت‌های الهی و از عالی‌ترین آرزوهای انسانی است، به دست می‌آید.

وقتی مردم از عقیده و مرامی واحد پیروی کنند و در روابط اجتماعی خود به اصول بلند اخلاقی پای‌بند باشند و عدالت در تمام مویرگ‌های حیات فردی و جمعی بشر جاری شود، بهانه‌ای برای ناامنی و ترس در هیچ بخشی از زندگی باقی نمی‌ماند. در جامعه‌ای که هرکسی به حقوق الهی و انسانی خود می‌رسد و با تجاوز و حق‌کشی گریخته در طبقه حاکمان و در کمترین مقدار آن باشد - برخورد قانونی می‌شود، امنیت عمومی و اجتماعی شکل می‌گیرد.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

«به دست ما [و در حکومت ما] روزگار سختی‌ها سپری می‌شود... چون قائم ما قیام کند، کینه‌ها از دل‌ها بیرون رود، حیوانات نیز باهم سازگاری کنند. [در آن روزگار، چنان محیط امنی ایجاد شود] که زن، با همه زیب و زیور خود، از عراق تا شام برود... و چیزی او را نترساند.»<sup>۱</sup>



البته برای ما که در روزگار بی عدالتی‌ها و آزمندی‌ها و کینه‌توزی‌ها به سر می‌بریم، تصور چنان دوران سبزی، بسیار دشوار است ولی چنان‌که گفته شد، اگر به عوامل آن همه بدی و زشتی بنگریم و بیندیشیم که این عوامل در حاکمیت حکومت حق، ریشه‌کن خواهد شد، خواهیم دانست که وعده الهی در تحقق جامعه امن و آرام، حتمی است.

خداوند متعال در قرآن کریم فرموده است:

«خدا به کسانی از شما که ایمان آورده‌اند... وعده داده است که به یقین در روی زمین، ایشان را خلیفه [و حاکم] کند... و پس از این‌که در ترس و نگرانی قرار داشتند، امنیت و آرامش را به ایشان عطا فرماید»<sup>۱</sup>.

امام صادق علیه السلام در معنای این آیه فرمود:

این آیه درباره قائم و یارانش نازل شده است.<sup>۲</sup>

## ۹. گسترش دانش

در دوران حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف، اسرار علمی فراوان در علوم اسلامی و انسانی، آشکار می‌شود و دانش بشری به‌گونه‌ای غیرقابل تصور، توسعه می‌یابد.

امام صادق علیه السلام فرمود:

علم و دانش، بیست و هفت حرف است و همه آن‌چه پیامبران آورده‌اند، تنها دو حرف آن است و مردم تاکنون جز با آن دو حرف، آشنایی ندارند. هنگامی که قائم ما قیام کند، بیست و پنج حرف دیگر را بیرون آورده و در میان مردم، گسترش دهد و آن دو حرف را نیز به آنها ضمیمه ساخته و مجموع بیست و هفت حرف را منتشر می‌کند.<sup>۳</sup>

بدیهی است که در این شرایط، رشد و توسعه علمی در همه زمینه‌ها برای انسان روی می‌دهد. در روایات متعدد، اشاراتی آمده است که نشان می‌دهد فاصله دانش صنعتی در آن زمان، با صنعت کنونی، بسیار زیاد خواهد بود؛<sup>۴</sup> همان‌گونه که صنعت کنونی با قرن‌های پیشین تفاوت چشمگیری دارد.

۱. نور، ۵۵.

۲. نعمانی، الغیبه، ح ۳۵، ص ۲۴۰.

۳. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۵۲، ح ۷۳، ص ۳۳۶.

۴. البته ممکن است که روایات مذکور، به اعجاز همه اشاره داشته باشد.



در این جا به بعضی از روایات، اشاره می‌کنیم:

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام درباره چگونگی ارتباطات در حکومت امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَام فرمود:

«در روزگار قائم عَلَيْهِ السَّلَام، مؤمن در مشرق زمین، برادرش را که در مغرب زمین است، می‌بیند»<sup>۱</sup>.

نیز فرمود:

«هنگامی که قائم ما قیام کند، خداوند، قدرت شنوایی و بینایی شیعیان ما را افزایش می‌دهد؛ به‌گونه‌ای که آن حضرت از فاصله یک برید [چهار فرسنگ] با شیعیان خود سخن می‌گوید و آنان سخن او را می‌شنوند او را می‌بینند؛ در حالی که او در جایگاه خود قرار دارد»<sup>۲</sup>.

درباره میزان آگاهی حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام از احوال مردم به عنوان رئیس حکومت و مرکز تصمیم‌گیری و فرماندهی، در روایت آمده است:

«اگر کسی در خانه خودش سخنی بگوید، بیم آن دارد که مبادا دیوارهای خانه‌اش گزارش دهند»<sup>۳</sup>.

با توجه به وسایل پیشرفت ارتباطی، درک این روایات، آسان‌تر است ولی معلوم نیست که آیا همین وسایل به صورت پیشرفته‌تر به کار گرفته می‌شود یا سیستم دیگری که پیچیدگی بیشتری دارد، جایگزین وسایل امروزی خواهد شد.

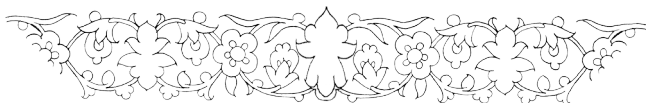
۱. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۵۲، ح ۲۱۳، ص ۳۹۱.

۲. همان، ح ۷۲، ص ۳۳۶.

۳. همان، ح ۲۱۲، ص ۳۹۰.







## بخش هشتم

### فصل دوم:

ویژگی های حکومت و سیره حضرت مهدی عجک الله تعالی  
ورحمة الشرف

قلمرو حکومت

سیره حکومتی

سیره جهادی و مبارزاتی

سیره قضایی

سیره مدیریتی

سیره اقتصادی

سیره شخصی

## ویژگی های حکومت و سیره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف

در بخش های قبل درباره اهداف، برنامه ها و دستاوردهای حکومت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف سخن گفته شد. در پایان به برخی از ویژگی های حکومت مانند قلمرو حکومت و مرکز آن، مدت حکومت و روش کارگزاران و معرفی آنها و نیز سیره رهبر بزرگ حکومت، می پردازیم.

### قلمرو و مرکز حکومت

تردیدی نیست که حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف، حکومتی جهانی است؛ زیرا او موعود همه بشریت و تحقق بخش آرزوی همه انسان هاست؛ بنابراین آن چه از زیبایی ها و خوبی ها در سایه حکومت او به وجود آید، سراسر زمین را فرا خواهد گرفت. این، حقیقتی است که روایات فراوان، شاهد آن است که به گروه هایی از آنها اشاره می کنیم.

الف. روایات بسیاری که مضمون آن، چنین است: مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف زمین را پراز عدل و داد می کند؛ همان گونه که پراز ظلم و جور شده باشد.<sup>۱</sup> کلمه «زمین» (الأرض) سرتاسر کره خاکی را در برمی گیرد و هیچ دلیلی وجود ندارد که معنای آن را به بخشی از زمین، محدود کنیم.

ب. روایاتی که از تسلط امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف بر مناطق مختلف جهان خبر داده است که گستردگی و پراکندگی و اهمیت آن مناطق، حکایت از سلطه آن حضرت بر تمام جهان دارد و معلوم می شود که نام بردن از شهرها و کشورها در روایات، از باب نمونه و مثال بوده و میزان درک مخاطبان روایات در آن زمان نیز ملاحظه شده است.

در روایات مختلف از روم، چین، دیلم یا کوه های دیلم، ترک، سند، هند، قسطنطنیه، کابل شاه و خزر به عنوان مناطقی که امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف بر آنها مسلط خواهد شد و آنها را فتح خواهد کرد، نام برده شده است.<sup>۲</sup>

گفتنی است که در زمان امامان علیهم السلام، مناطق یاد شده بر بخش های بسیار گسترده ای نسبت به زمان ما گفته شده است؛ برای مثال «روم» شامل

۱. صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، باب ۲۵، ح ۴، ۵.

۲. نعمانی، الغیبه، باب ۱۳، ح ۲۲، ص ۳۳۰.



همه اروپا و حتی قاره آمریکا می‌شده و مراد از چین، همه شرق آسیا بوده که شامل ژاپن نیز می‌شود؛ همان‌گونه که «هند»، پاکستان امروز را هم شامل بوده است. شهر قسطنطنیه، همان استانبول است که در جهان آن روز به عنوان مقاوم‌ترین شهرها و مناطق، از آن یاد می‌شده و در واقع فتح آن، یک پیروزی بزرگ و موفقیت بزرگ شمرده می‌شده است؛ زیرا یکی از راه‌های اصلی ورود به قاره اروپا بوده است. خلاصه این‌که تسلط امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بر مناطق حساس و مهم جهان، حکایت از گستردگی جهانی فرمانروایی آن حضرت دارد.

ج. گذشته از روایات دسته اول و دسته دوم، روایات متعددی در دست است که به روشنی از جهانی بودن حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف خبر می‌دهد.

در سخنی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده است که خداوند متعال فرموده است:

«من دین خود را به دست آنها [پیشوایان دوازده‌گانه] بر همه آیین‌ها پیروز می‌کنم و به دست ایشان، فرمان خود را [بر همه] چیره خواهم ساخت و به [قیام] آخرین آنها سراسر زمین را از دشمنانم پاک خواهم کرد و او را بر مشرق و مغرب زمین، فرمانروا خواهم گردانم»<sup>۱</sup>.

امام باقر علیه السلام فرمود:

«الْقَائِمُ مِنَّا... يَبْلُغُ سُلْطَانَهُ الْمَشْرِقَ وَالْمَغْرِبَ وَيُظْهِرُ اللَّهُ (عَزَّوَجَلَّ) بِهِ دِينَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ»<sup>۲</sup>

قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف از ما [خاندان پیامبر] است... [او کسی است که] فرمانروایی او مشرق و مغرب [عالم] را فرا خواهد گرفت و خداوند به دست او دین خود را بر همه ادیان غلبه می‌دهد؛ اگرچه مشرکان را خوش نیاید».

اما مرکز حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، شهر تاریخی کوفه است که در آن زمان، وسعت زیادی خواهد یافت؛ به‌گونه‌ای که شهر نجف را که در چند کیلومتری کوفه است، شامل می‌شود. به همین دلیل است که در بعضی روایات، کوفه و در بعضی دیگر، نجف به عنوان مرکز حکومت، نام برده شده است.

۱. صدوق، کمال‌الدین و تمام‌النعمه، ج ۱، باب ۲۳، ح ۴، ص ۴۷۷.

۲. همان، ح ۱۶، ص ۶۰۳.

امام صادق عجل الله تعالی فرجه الشریف در ضمن روایتی طولانی فرمود:

«مرکز حکومت او [حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف] شهر کوفه خواهد بود و محل قضاوت او، مسجد کوفه»<sup>۱</sup>.

گفتنی است شهر کوفه از دیرزمان، مورد توجه خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و محل زمامداری حضرت علی عجل الله تعالی فرجه الشریف بوده است و مسجد مشهور آن، یکی از چهار مسجد معروف جهان اسلام است که امیرالمؤمنین عجل الله تعالی فرجه الشریف در آن نماز و خطبه می خوانده و نیز در آن به امر قضاوت می پرداخته است و در نهایت، در محراب همان مسجد، به شهادت رسیده است.

### مدت حکومت

پس از این که عالم بشریت، یک دوره بسیار طولانی از حاکمیت ظلم و ستم را پشت سر گذاشت، جهان با ظهور آخرین حجت پروردگار به سوی حاکمیت خوبی ها خواهد رفت و حکومت در دست حاکمان و نیکان قرار خواهد گرفت و این، وعده حتمی خداوند است.

حکومت خوبان که با فرمانروایی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آغاز می شود، تا پایان عمر دنیا ادامه خواهد یافت و دیگر روزگار ظلم و ظالمان، تکرار نخواهد شد.

در سخنی که پیش از این، از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شد، آمده است که خداوند بزرگ، حاکمیت آخرین پیشوای معصوم را به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله بشارت می دهد و در پایان، می افزاید:

[پس از آن که مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به حکومت رسید] دولت او را دوام خواهیم بخشید و پیوسته تا قیامت، روزگار [و حاکمیت زمین] را در دست اولی و دوستان خود، دست به دست خواهیم کرد.<sup>۲</sup>

بنابراین نظام عادلانه ای که امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف برپا خواهد کرد، دولتی است که پس از آن، برای دیگران دولتی نخواهد بود و در حقیقت، تاریخ جدیدی از حیات بشر شروع خواهد شد که سراسر در زیر حاکمیت الهی به سر خواهد برد.

۱. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۱.  
۲. صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، باب ۲۳، ح ۴، ص ۴۷۷.



امام باقر ع فرمود:

«دولت ما آخرین دولت هاست. هیچ خاندان صاحب دولتی نمی ماند؛ مگر این که پیش از ما، حاکم می شوند تا وقتی [حکومت اهل بیت برپا شد] و شیوه حکمرانی ما را دیدند، نگویند: اگر ما هم حاکم می شدیم، همین گونه عمل می کردیم»<sup>۱</sup>.

بنابراین مدت استمرار نظام الهی پس از ظهور، جدا از مدت حکومت شخص امام مهدی ع است که مطابق روایات، آن حضرت باقی مانده عمر خود را حاکم بوده و سرانجام چشم از جان فرو خواهد بست.

تردیدی نیست که مدت حکومت امام مهدی ع باید به قدری باشد که امکان تحول جهانی و استقرار عدالت در همه مناطق عالم وجود داشته باشد ولی این که این هدف در چند سال قابل دسترسی است، قابل تخمین و گمانه زنی نیست و باید به روایات امامان معصوم ع رجوع کرد. البته با توجه به قابلیت های آن رهبر الهی و توفیق و مدد غیبی برای آن حضرت و اصحاب و یاران شایسته ای که در اختیار اوست و آمادگی جهانی برای پذیرفتن حاکمیت ارزش ها و زیبایی های در زمان ظهور، ممکن است رسالت مهدی موعود ع در زمانی نسبتاً کوتاه انجام شود و جریانی که بشریت در طول قرون متمادی از ایجاد آن ناتوان بوده است، در کمتر از ده سال اتفاق افتد.

روایاتی که مدت حکومت حضرت مهدی ع را بیان می کند، بسیار گوناگونند. بعضی از آنها مدت حکومت آن حضرت را پنج سال و تعدادی از آنها هفت سال و برخی دیگر هشت، نه و ده سال بیان کرده است. چند روایت هم مدت حکومت را نوزده سال و چند ماه و بالاخره چهل و ۳۰۹ سال، برشمرده است.<sup>۲</sup>

گذشته از این که علت این همه اختلاف در روایات، روشن نیست، پیدا کردن مدت واقعی حکومت از میان این روایات، کاری دشوار است؛ اما بعضی از علمای شیعه با توجه به فراوانی و شهرت روایات هفت سال، این نظر را انتخاب کرده اند.<sup>۳</sup>

۱. طوسی، الغیبه، ح ۴۹۳، ص ۴۷۲.

۲. برای آگاهی از روایات، ر. ک: چشم اندازی به حکومت حضرت مهدی ع، ص ۱۷۳-۱۷۵.

۳. ر. ک: المهدی، سیدصدرالدین صدر، ص ۲۳۹؛ تاریخ ما بعدالظهور، سیدمحمد صدر.

بعضی دیگر نیز گفته اند مدت حکومت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، هفت سال است ولی هر سال از سال های حکومت حضرت، به اندازه ده سال از سال های ماست که این مطلب نیز در بعضی از روایات، آمده است:

«[حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف] هفت سال حکومت می کند که برابر هفتاد سال از سال های روزگار شماست»<sup>۱</sup>.

مرحوم مجلسی رحمته الله علیه می فرماید:

«روایاتی را که درباره مدت حکومت امام عجل الله تعالی فرجه الشریف رسیده است باید به احتمال های زیر توجیه کرد: برخی روایات به تمام مدت حکومت اشاره دارد و برخی بر مدت ثبات و استقرار حکومت، بعضی مطابق سال ها و روزهایی است که ما با آن آشناییم و بعضی مطابق سال ها و ماه های روزگار حضرت است که طولانی می باشد و خداوند به حقیقت مطلب، آگاه است»<sup>۲</sup>.

## سیره حکومتی

هر حاکمی در حکومت و بخش های مختلف مدیریت خود، شیوه ای مخصوص دارد که این خود از مشخصه های حکومت اوست. امام موعود و مهدی منتظر عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز وقتی حکومت جهان را به دست می گیرد، در تدبیر نظام جهانی خود روش خاصی دارد.

آن چه ابتدا باید بر آن تأکید شود، این است که روایات، یک تصویر کلی از سیره آن بزرگوار به دست داده است و آن، عبارت است از این که سیره امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف همان سیره و روش پیامبر بزرگ اسلام عجل الله تعالی فرجه الشریف است و آن گونه که پیامبر در زمان خود با جاهلیت بشری در همه ابعاد آن مبارزه کرد و اسلام ناب که ضامن سعادت دنیا و آخرت است را بر محیط خود حاکم کرد، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز با ظهور خود، با جاهلیت جدید که دردناک تر از جاهلیت قدیم است، برخورد خواهد کرد و ارزش های اسلامی و الهی را بر ویرانه های جاهلیت مدرن، بنا خواهد کرد.

۱. طوسی، الغیبه، ح ۴۹۷، ص ۴۷۴.

۲. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۸۰.



از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام درباره سیره حضرت مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى سؤال شد. فرمود:

«صُنِعَ مَا صَنَعَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَهْدِمُ مَا كَانَ قَبْلَهُ كَمَا هَدَمَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَمْرَ الْجَاهِلِيَّةِ وَ يَسْتَأْنِفُ الْإِسْلَامَ جَدِيدًا!»

امام مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى مانند پیامبر اسلام عمل خواهد کرد. همان گونه که پیامبر آنچه از روش جاهلیت [مرسوم] بود را از میان برد، همین گونه روش های جاهلی پیش از ظهور خود را نابود خواهد ساخت و اسلام را از نو پی ریزی خواهد کرد».

این سیاست کلی امام موعود عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى در زمان حاکمیت اوست. البته شرایط زمانی متفاوت، موجب تغییراتی در شیوه اجرا و حکومت داری می شود که در روایات، مطرح شده و ما در بخش های جداگانه به آنها می پردازیم.

### سیره جهادی و مبارزاتی

امام مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى با انقلاب جهانی خود، بساط کفر و شرک را از گستره زمین برمی چیند و همگان را به دین مقدس اسلام دعوت می کند.

پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در این باره فرموده است:

«شیوه او [امام مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى]، شیوه من است و مردم را برآین و شریعت من قرار می دهد».<sup>۲</sup>

البته آن حضرت در شرایطی ظهور می کند که حق، به گونه ای آشکار معرفی گردیده و از هر جهت بر مردم جهان، حجت تمام شده است.

با این حال طبق برخی از روایات، حضرت مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى، تورات و انجیل واقعی و تحریف نشده را از غاری در انطاکیه بیرون می آورد و به وسیله آنها با یهودیان و مسیحین جهان، احتجاج می کند که بسیاری از ایشان، مسلمان می شوند.<sup>۳</sup>

در این میان آن چه که گرایش ملت های گوناگون را به اسلام بیشتر می کند، آن است که همگان آشکارا می بینند که مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى با امدادهای

۱. نعمانی، الغیبه، باب ۱۳، ح ۱۳، ص ۲۳۶.

۲. صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، باب ۳۹، ح ۶، ص ۱۲۲.

۳. ر. ک: الفتن، ص ۲۴۹-۲۵۱.





غیبی یاری می‌گردد و نشانه‌های پیامبران همچون عصای موسی عجل الله تعالی فرجه الشريف و انگشتر سلیمان عجل الله تعالی فرجه الشريف و زره و شمشیر و پرچم پیامبر اسلام صلى الله عليه وآله را همراه دارد<sup>۱</sup> و برای تحقق اهداف پیامبران خدا و برقراری عدالت جهانی، قیام کرده است.

روشن است که در چنین بستری که حق و حقیقت، آشکارا بر جهانیان عرضه شده است، تنها کسانی در جبهه باطل باقی می‌مانند که به کلی هویت انسانی و الهی خود را از دست داده باشند. اینان همان‌ها هستند که جز فساد و تباهی و ظلم، از آنها سر نمی‌زند و لازم است ساحت دولت مهدوی از لوث وجود آنان، پاک شود. اینجاست که شمشیر برنده عدالت مهدوی از نیام برآمده و با قدرت و صولت، بر پیکر ستمکاران لجوج فرود می‌آید و کسی از آنها را باقی نمی‌گذارد. این شیوه و روش پیامبر صلى الله عليه وآله و امیرالمؤمنین عجل الله تعالی فرجه الشريف نیز بوده است.<sup>۲</sup>

### سیره قضایی

از آن جا که موعود منتظر برای استقرار عدالت در تمام زمین، ذخیره شده است، برای انجام رسالت خود به یک سیستم قضایی مستحکم نیاز دارد؛ بنابراین آن حضرت در این بخش، به شیوه جد بزرگوارش امیرالمؤمنین عجل الله تعالی فرجه الشريف عمل می‌کند و با جدیت و قدرت به دنبال به دست آوردن حقوق پایمال شده مردمان است و حق را در هر کجا باشد، گرفته، به صاحب آن برمی‌گرداند.

آن حضرت چنان به عدالت رفتار می‌کند که مطابق روایات، زندگان آرزو می‌کنند که مردگان برگردند و از برکت عدل او بهره‌مند شوند.<sup>۳</sup>

گفتنی است که بخشی از روایات، بیانگر آن است که امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف در مقام قضاوت مانند حضرت سلیمان و حضرت داود عجل الله تعالی فرجه الشريف عمل می‌کند و مانند آنها با علم الهی‌ای که دارد، حکم می‌کند؛ نه با استناد به شاهد و گواه.

امام صادق عجل الله تعالی فرجه الشريف فرمود:

وقتی قائم آل محمد قیام کند، مانند داود و سلیمان عجل الله تعالی فرجه الشريف داوری می‌کند؛ [یعنی] شاهد و گواه، طلب نمی‌کند.<sup>۴</sup>

۱. ر. ک: اثبات الهداه، ج ۳، ص ۴۳۹-۴۹۴.

۲. همان، ص ۴۵۰.

۳. ابن طاووس، الفتن، ص ۹۹.

۴. عاملی، حر، اثبات الهداه، ج ۳، ص ۴۴۷.



شاید راز این گونه داوری، آن است که به سبب اعتماد بر علم الهی، عدالت واقعی برپا می‌شود؛ در حالی که وقتی برگواهان و سخن آنها تکیه می‌شود، عدالت ظاهری حاکم می‌شود؛ زیرا به هر حال شاهدان از میان انسان‌ها هستند و احتمال اشتباه هست.

البته درک چگونگی قضاوت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به شیوه گفته شده، کار دشواری است ولی می‌توان فهمید که این شیوه با اوضاع روزگار آن حضرت، سازگار است.

### سیره مدیریتی

یکی از ارکان مهم حکومت، کارگزاران آن هستند. وقتی مسئولان حکومتی افرادی شایسته باشند، کار دولت و ملت، به سامان خواهد رسید و دستیابی به اهداف حکومت، آسان‌تر خواهد بود.

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به عنوان رئیس حکومت جهانی، برای مناطق گوناگون عالم، حاکمانی را از میان بهترین یاوران خود برمی‌گزیند. آنها تمام ویژگی‌های یک حاکم اسلامی از قبلی دانش مدیریت، تعهد و پاکی در نیت و عمل و شجاعت در تصمیم‌گیری را دارا هستند. با این حال، شخص امام عجل الله تعالی فرجه الشریف به عنوان فرمانروای بزرگ و مرکز مدیریت عالم، پیوسته عملکرد حاکمان را زیر نظر دارد و با شدت و دقت و بدون چشم‌پوشی، کار آنها را حسابرسی می‌کند. این ویژگی مهم که پیش از حکومت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نادیده گرفته شده، در روایات به عنوان یکی از علامت‌های حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بیان گردیده است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«عَلَمُهُ الْمَهْدِيُّ أَنْ يَكُونَ شَدِيدًا عَلَى الْعَمَالِ، جَوَادًا بِالْمَالِ، رَحِيمًا بِالْمَسَاكِينِ؛

علامت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آن است که با کارگزاران خود، شدید [و دقیق] است. دست بخشنده‌ای دارد و با مسکینان، مهربان است.»

## سیره اقتصادی

روش امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در امور مالی حکومت بر مبنای مساوات قرار دارد. این، همان روش پسندیده‌ای است که در زمان پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله وجود داشته است که پس از او، این شیوه، تغییر یافت و معیارهای دروغینی برای پرداخت‌های بی حساب به افراد، جای آن را گرفت و سبب پیدایش فاصله طبقاتی در جامعه اسلامی آن روز شد. اگرچه امیرالمؤمنین و امام حسن علیهما السلام در مدت خلافت خود به نظام برابری در پرداخت اموال مسلمین، پای بند بودند، پس از ایشان، بنی‌امیه اموال مسلمان را مانند ملک شخصی خود و بر طبق مصالح فردی، به کار می‌بردند و از این راه، پایه‌های حکومت نامشروع خود را به نزدیکان خود می‌بخشیدند و این کار که به‌ویژه در زمان خلیفه سوم و دوران بنی‌امیه رایج شده بود، حالتی رسمی پیدا کرد.

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف که مظهر عدالت و دادگری است، بیت‌المال مردم را به عنوان ثروتی عمومی که همگان در آن شریک هستند قرار می‌دهد؛ به‌گونه‌ای که هیچ‌گونه تبعیض و امتیازخواهی در آن راه نداشته باشد و بخشش ثروت‌ها و زمین‌ها به کلی ممنوع باشد.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

إِذَا قَامَ قَائِمُنَا أَضْمَحَلَّتِ الْقَطَائِعُ فَلَا قَطَائِعَ!

زمانی که قائم ما قیام کند، قطایع [زمین‌های که زمامداران و حکام جور در مالکیت خود درآورده یا واگذار کرده‌اند] از بین می‌رود؛ به‌طوری که دیگر قطایعی در میان نخواهد بود.

دیگر از شاخصه‌هایی سیره مالی امام، آن است که در راستای رفع نیازهای مادی و ایجاد رفاهی معقول برای زندگی تمام افراد، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اموال فراوانی به مردم می‌بخشد و در حکومت او، هر نیازمندی که از او طلب می‌کند، اموال زیادی دریافت می‌کند.



پیامبر ﷺ فرمود:

«فهو يحثو المال حثوا!»

او [مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف] اموال را به فراوانی می بخشد.».

این شیوه برای ایجاد زمینه‌های اصلاح فردی و اجتماعی است که هدف بزرگ امام خوبان است. آن حضرت با رفع نیاز مردم از جهت مادی، در پی ایجاد زمینه مناسب برای پرداختن افراد به طاعت و عبادت پروردگار است.

### سیره شخصی

سیره امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در رفتار شخصی و نیز در ارتباط با مردم، نمایانگریک حاکم اسلامی نمونه است که حکومت در نگاه او وسیله‌ای است برای خدمت به مردم و رسانیدن آنها به قله‌های کمال؛ نه جایگاهی برای زراندوزی و ستم‌گری و استثمار.

به راستی که آن امام صالحان در کرسی حکم‌فرمایی، یادآور حکومت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام است. با وجود آن‌که همه اموال و ثروت‌ها در اختیار اوست، در زندگی شخصی خود در پایین‌ترین سطح به سر می‌برد و به کمترین‌ها قناعت می‌کند.

امیرالمؤمنین علیه السلام در توصیف او فرموده است:

«امام [مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف] با خود عهد می‌بندد که [اگرچه حاکم و رهبر جامع بشری است ولی] همانند رعیت خود راه رود و مانند آنان بپوشد و بر مرکبی همچون مرکب آنها سوار شود... و به کم، قناعت کند.»<sup>۱</sup>

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

«إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ لَبَسَ لِيَّاسَ عَلِيٍّ (عليه السلام) وَ سَارَ بِسِيرَتِهِ»<sup>۲</sup>

وقتی قائم ما قیام کند، لباس علی علیه السلام را در بر می‌کند و روش او را پیش می‌گیرد.».

۱. معجم احادیث الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج ۱، ح ۸۵، ص ۲۸۳.

۲. صافی‌گلپایگانی، لطف‌الله، منتخب الاثر، فصل ۶، باب ۱۱، ح ۴، ص ۵۸۱.

۳. کافی، ج ۶، باب اللباس، ح ۱۵، ص ۴۴۴.

او که درباره خود سخت‌گیر و دقیق است، با امت چون پدری مهربان است و آسایش و راحتی آنها را می‌خواهد؛ به‌گونه‌ای که در روایت امام رضا عجل الله تعالی فرجه الشریف این‌گونه توصیف شده است:

«لِإِمَامِ الْأَيْمَنِ الرَّزِيقِ، وَالْوَالِدِ الشَّفِيقِ، وَالْأَخِ الشَّقِيقِ، وَالْأُمِّ الْبَرَّةِ بِالْوَالِدِ الصَّغِيرِ مَفْزَعُ الْعِبَادِ فِي الذَّاهِيَةِ التَّادِ»<sup>۱</sup>

امام، آن همدم همراه و آن پدر مهربان و برادر تنی [که پشتیبان برادر] است و مادر دلسوز برای فرزند خردسال است و پناهگاه بندگان در واقعه هولناک.

آری! او چنان با امت، صمیمی و نزدیک است که همه او را پناهگاه خود می‌دانند. از پیامبر مکرم اسلام صلى الله عليه وآله روایت شده که درباره مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف فرموده است:

«امتش به او پناه می‌برند؛ آن‌گونه که زنبورها به ملکه خود پناهنده می‌شوند».<sup>۲</sup>

او مصداق کامل رهبری است که از میان مردم برگزیده شده و در بین آنها و مانند آنها زندگی می‌کند؛ به همین دلیل دردهای آنها را به خوبی می‌شناسد و درمان آن را می‌داند. تمام همت خود را برای بهبودی حال آنها به کار می‌گیرد و در این راه، تنها به رضایت الهی می‌اندیشد. در این صورت چرا امت در کنار او به آرامش و امنیت نرسد و به کدام دلیل دل به غیر او بسپارد؟

### مقبولیت عمومی

یکی از دغدغه‌های حکومت‌ها، جلب رضایت عموم بوده است ولی به دلیل ضعف‌های بسیاری که در اداره مجموعه‌ها وجود داشته، چنین رضایتی حاصل نشده است. از ویژگی‌های اساسی حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، همین است که مورد قبول همه افراد و اجتماعات بشری است. نه تنها همه اهل زمین که ساکنان آسمان نیز از آن حکومت الهی و فرمانروای عدل‌گستر، رضایت کامل دارند.

پیامبر اسلام صلى الله عليه وآله فرمود:

«شمارا بشارت می‌دهم به مهدی... اهل آسمان و زمین از او [و حکومت او] اراضی هستند».<sup>۳</sup>

۱. همان، ج ۱، کتاب الحجه، باب نادر جامع فی فضل الامام و صفاته، ح ۱، ص ۲۰۰.

۲. صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر، فصل ۷، ح ۲، ص ۵۹۸.

۳. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۵۱، ح ۳۷، ص ۸۱.



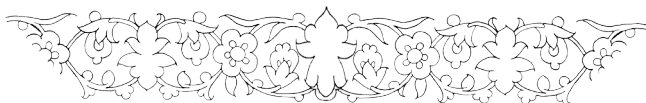
چگونه ممکن است کسی از حاکمیت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ناراضی باشد و حال آن که برای همه جهانیان روشن می شود که صلاح امر بشر و سعادت او در همه جنبه های مادی و معنوی تنها در سایه حکومت الهی آن حضرت است؟!

بجاست در پایان این بخش، کلام جاودانه امیرالمؤمنین ع را به عنوان حسن ختام بیاوریم:

خداوند، او [امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف] را به وسیله فرشتگان خود، تأیید می کند و یاران او را حفظ می کند و به وسیله نشانه های خود، یاری اش می کند. او را بر اهل زمین، پیروز می گرداند؛ به گونه ای که [همه] بامیل و رغبت یا به اکراه به او می گروند و زمین را از عدل و داد و از روشنائی و دلیل، پر می کند.

شهرها به او ایمان می آورند تا این که کافری نمی ماند؛ جز آن که ایمان می آورد و زشت کاری نمی ماند؛ جز آن که نیکو می شود. در حکومت او درنگان باهم آشتی می کنند و زمین، برکت های خود را بیرون می ریزد و آسمان، خیرات خود را فرو می بارد و گنج ها [ی زمین] برای او آشکار می شوند... پس خوشا به حال آن که روزگار او را ببیند و سخن او را بشنود.<sup>۱</sup>





## بخش نهم

### فصل اول:

#### آسیب‌شناسی مباحث مهدویت

برداشت‌های غلط  
استعجال در ظهور  
تعیین زمان ظهور  
تطبیق علایم ظهور بر مصادیق خاص  
طرح مباحث غیرضروری  
مدعیان دروغین



## آسیب‌شناسی مباحث مهدویت

برای هر فرهنگ و مجموعه معرفتی، ممکن است آفت‌هایی روی دهد که مانع رشد و بالندگی آن فرهنگ باشد. فرهنگ دینی نیز گاهی به آفت‌هایی گرفتار می‌شود که حرکت روبه‌کمال آن را کند می‌کند. بحث «آسیب‌شناسی دینی» عهده‌دار شناختن آن آفت‌ها و شیوه مقابله با آنهاست.

لازم است درباره آن چه به عنوان آسیب‌های فرهنگ ناب مهدوی مطرح می‌شود، بحث کنیم تا ضمن آشنایی با آسیب‌ها به راه‌های خنثی‌سازی و رویارویی با آنها بیندیشیم.

آسیب‌های فرهنگ مهدویت، مواردی است که غفلت از آنها موجب سستی اعتقاد مردم و به‌ویژه جوانان نسبت به اصل وجود امام مهدی عجل‌الله‌تعالی و فرجه‌الشریف یا ابعاد مختلف شناخت آن بزرگوار می‌شود و گاهی نیز سبب گرایش به افراد یا مجموعه‌های منحرف می‌گردد. بنابراین آشنایی با این آسیب‌ها، منتظران آن امام بزرگ را از کجروی در اعتقاد و رفتار حفظ خواهد کرد.

در این جا مهم‌ترین آسیب‌های فرهنگ مهدویت را در عنوان‌هایی جدا از یکدیگر بررسی می‌کنیم.

### ۱. برداشت‌های غلط

از آسیب‌های مهم در فرهنگ مهدویت، تفسیرها و برداشت‌های نادرست از موضوعات این فرهنگ اسلامی است. تحلیل نادرست و ناقص از روایات به دریافت غیرصحیح می‌انجامد که چند نمونه از آن را بیان می‌کنیم.

۱. برداشت غلط از مفهوم «انتظار» سبب شده است که بعضی گمان کنند که چون فسادها به دست امام عصر عجل‌الله‌تعالی و فرجه‌الشریف خواهد بود، پس ما در برابر تباهی‌ها و ناهنجاری‌ها هیچ وظیفه‌ای نداریم و بلکه ممکن است گفته شود که برای نزدیک شدن ظهور امام مهدی عجل‌الله‌تعالی و فرجه‌الشریف باید بدی‌ها و زشتی‌ها را در جامعه، ترویج کنیم. این اندیشه نادرست، در مقابل دیدگاه قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام است که امر به معروف و نهی از منکر را از وظایف حتمی هر مسلمان می‌داند.



بنیان‌گذار جمهوری اسلامی، حضرت امام خمینی رحمته الله علیه در نقد این دیدگاه فرموده است:

«ما اگر دستمان می‌رسید و قدرت داشتیم، باید برویم تمام ظلم‌ها و جورها را از عالم برداریم. تکلیف شرعی ماست؛ منتهی ما نمی‌توانیم. این‌که هست، این است که حضرت [امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف] عالم را پر می‌کند از عدالت؛ نه شما دست بردارید از این تکلیفتان؛ نه این‌که شما دیگر تکلیف ندارید»<sup>۱</sup>.

آن رهبر فقید همچنین در ادامه بیانات خود فرموده است:

«[آیا] ما برخلاف آیات شریفه قرآن دست از نهی از منکر برداریم؟ دست از امر به معروف برداریم و توسعه بدهیم گناهان را برای این‌که حضرت بیایند؟»<sup>۲</sup>

۲. بعضی افراد از ظاهر برخی از روایات، این‌گونه برداشت کرده‌اند که هر قیامی قبل از قیام امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف محکوم و مردود است؛ بنابراین در برابر قیام و انقلاب شکوهمند اسلامی ایران که قیامی بر ضد طاغوت و استکبار و در جهت برقراری احکام الهی بوده است، موضع نادرستی گرفته‌اند.

در پاسخ باید گفت که اجرای بسیاری از احکام اسلامی مانند اقامه حدود و قصاص و نیز جهاد با دشمنان و مبارزه فراگیر با فساد، جز با تشکیل حکومت اسلامی ممکن نیست؛ بنابراین تلاش برای برقراری نظام اسلامی، کاری پسندیده و مورد قبول است و نهی از قیام در بعضی از روایات به معنای شرکت در قیام‌های باطل است که انگیزه الهی ندارد یا قیام‌هایی که بدون توجه به شرایط و زمینه‌های لازم انجام می‌گیرد یا حرکت‌هایی که به عنوان قیام مهدوی شروع می‌گردد؛ نه این‌که هر انقلاب و حرکتی که در مسیر اصلاح جامعه است، مردود شمرده شود.<sup>۳</sup>

۳. یکی دیگر از برداشت‌های غلط در فرهنگ مهدویت، نشان دادن چهره خشنونت‌آمیز از امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

برخلاف تصور بعضی افراد که می‌اندیشند امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با شمشیر عدالت، دریایی از خون به راه می‌اندازد و بسیاری را از دم تیغ عبور می‌دهد،

۱. صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۱۹۶.

۲. همان.

۳. برای اطلاع بیشتر درباره این موضوع ر. ک: دادگستر جهان، ص ۲۵۴-۳۰۰.



امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، مظهر رأفت و رحمت پروردگار است و مانند پیامبر بزرگوار اسلام صلی الله علیه وآله ابتدا همگان را با بیان روشن و دلایل آشکار به اسلام و قرآن می‌خواند و بیشتر مردم، دعوت آن حضرت را پاسخ می‌دهند و به او می‌پیوندند. بنابراین امام عجل الله تعالی فرجه الشریف تنها با مخالفان سرسخت که آگاهانه از پذیرفتن حق سرباز می‌زنند و جرزبان شمشیر نمی‌فهمند با سلاح برخورد می‌کند.

## ۲. استعجال ظهور

یکی دیگر از آسیب‌های جدی در فرهنگ مهدویت، استعجال ظهور است. استعجال به معنای عجله کردن و خواستن چیزی قبل از رسیدن وقت آن و تحقق زمینه‌های لازم برای آن است. انسان‌های عجول به سبب ضعف نفس و کم‌ظرفیت بودن، متانت و سکون و آرامش خود را از دست می‌دهند و بدون در نظر گرفتن شرایط، خواهان تحقق پدیده‌ها هستند.

در فرهنگ ناب مهدویت و در برخورد با مسئله انتظار، انسان منتظر، پیوسته در طلب ظهور است و با تمام وجود و اشتیاق، خواستار ظهور است و برای تعجیل امر فرج دعا می‌کند ولی هرگز عجله نمی‌نماید و هرچه غیبت به داراز بکشد و انتظار، طولانی شود، باز هم صبر و شکیبایی را از کف نمی‌دهد بلکه با وجود شوق فراوان به ظهور، در برابر اراده پروردگار و خواست او کمال تسلیم را از خود نشان می‌دهد و برای تحقق همه زمینه‌های لازم برای ظهور می‌کوشد و بردباری می‌کند.

عبدالرحمن بن کثیر می‌گوید:

«خدمت امام صادق علیه السلام نشسته بودم که مهزم داخل شد و عرض کرد: «قربان گمدم! به من خبر دهید این امری که در انتظارش هستیم، کی واقع می‌شود؟»

امام فرمود:

«ای مهزم! دروغ گفتند وقت‌گذاران و هلاک شدند شتاب‌کنندگان و نجات یافتند تسلیم‌شدگان.»<sup>۱</sup>

نهی از عجله و شتاب‌زدگی در امر ظهور به آن سبب است که به دنبال عجله، روحیه یأس و نومیدی در انسان منتظر پیدا می‌شود، آرامش و صبوری



را از دست می‌دهد و حالت تسلیم او به حالت گله‌مندی و شکایت تبدیل می‌شود و از تأخیر ظهور بی‌قرار می‌گردد. او این بیماری را به دیگران نیز سرایت می‌دهد و گاهی به سبب استعجال ظهور به حالت انکار وجود امام، گرفتار می‌شود.

گفتنی است که منشأ استعجال ظهور، آن است که نمی‌داند ظهور از سنت‌های الهی است و مانند همه سنت‌ها باید پس از تحقق همه شرایط و زمینه‌ها انجام گیرد.

### ۳. تعیین زمان ظهور

از آسیب‌های فرهنگی مهدویت، آن است که بعضی به دنبال تعیین زمان برای ظهور هستند؛ در حالی که زمان ظهور بر مردم مخفی است. در روایات پیشوایان دینی از تعیین وقت برای ظهور به شدت نهی شده است و وقت‌گذاران، دروغ‌گو شمرده شده‌اند.

از امام باقر علیه السلام سؤال شد: «آیا برای ظهور وقت (معینی) است؟» حضرت فرمود:

«آنها که برای که برای ظهور تعیین وقت می‌کنند، دروغ می‌گویند. (و دو بار این جمله را تکرار کرد).»<sup>۱</sup>

با این حال، بعضی آگاهانه یا ناآگاهانه برای ظهور تعیین وقت می‌کنند که کمترین اثر آن، احساس یأس و ناامیدی برای کسانی است که این وعده‌های دروغین را باور کرده‌اند ولی خلاف آن را دیده‌اند.

بنابراین منتظران واقعی باید خود را از دام شیادان و نیز نادانان حفظ کنند و درباره زمان ظهور، تنها منتظر اراده پروردگار باشند.

### ۴. تطبیق علائم ظهور بر مصادیق خاص

در روایات فراوان، نشانه‌هایی برای ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف بیان شده است؛ اما کیفیت دقیق و خصوصیات آنها روشن نیست و این، بستری برای تحلیل‌ها و تفسیرهای شخصی و احتمالی شده است. هر از چند گاهی،

۱. طوسی، الغیبه، ح ۴۱۱، ص ۴۲۶.



بعضی در پی تطبیق علائم ظهور برپدیده‌های موجود برمی‌آیند و بدین وسیله از نزدیکی ظهور خبر می‌دهند.

این جریان نیز از آسیب‌های فرهنگ مهدویت است که گاهی به یأس و ناامیدی از ظهور می‌انجامد؛ برای مثال وقتی شخصیت سفیانی به فردی خاص که در فلان منطقه است تفسیر شود و درباره دجال، تحلیل‌های بی‌دلیل مطرح گردد و به دنبال آن، بشارت ظهور در زمانی بسیار نزدیک به همگان داده شود؛ اما پس از طی شدن سالیانی، امام عجل‌الله تعالی فرجه الشریف ظهور نکند، عده‌ای به انحراف و اشتباه گرفتار می‌شوند و در اعتقادات صحیح خود دچار تزلزل و تردید می‌گردند.

## ۵. طرح مباحث غیر ضروری

در فرهنگ ناب مهدوی، معارف فراوانی است که پرداختن به آنها یک ضرورت شمرده می‌شود و نقش اساسی در جهت آگاهی بخشیدن به شیعیان دارد و برای ترسیم نحوه عملکرد آنها در زمان غیبت، بسیار مهم است.

گاهی افراد و مجموعه‌ها در قالب گفتار، مقاله‌ها، نشریات و حتی کنفرانس‌ها به بحث‌هایی روی می‌آورند که هیچ ضرورتی برای طرح آنها احساس نمی‌شود و بلکه گاهی سبب ایجاد شبهه‌ها و سؤالات انحرافی در ذهن و اندیشه منتظران می‌گردد.

پرداختن به مباحثی از قبیل ازدواج حضرت یا وجود فرزند برای آن بزرگوار یا محل زندگی حضرت و مانند آن، از نمونه‌های بحث‌های غیر ضروری است که بجاست جای خود را به مباحث کاربردی و تأثیرگذار بدهد؛ به همین دلیل گفتگو درباره شرایط و زمینه‌های ظهور نیز بر بحث علائم ظهور، مقدم است؛ زیرا آشنایی با شرایط ظهور، مشتاقان امام را به حرکت در راستای تحقق آن شرایط ترغیب می‌کند.

این نکته نیز مهم است که در طرح مباحث مهدویت، جامع‌نگری لازم است. مقصود این است که در هنگام گفتگو درباره یک موضوع، مجموعه معارف مهدویت مطالعه شوند. گاهی بعضی افراد با مطالعه برخی از روایات و بدون در نظر گرفتن روایات دیگر، تحلیل‌های نادرستی از جریان مهدویت بیان می‌کنند؛ برای مثال با ملاحظه روایاتی که از جنگ طولانی و خونریزی فراوان خبر داده است، چهره بسیار خشنی از امام غایب ترسیم می‌کنند و از روایات



دیگر که جلوه‌های محبت و مهربانی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را بیان کرده و سیره و اخلاق او را همانند خلق و خوی جد گرامی اش، پیامبر مکرم اسلام صلی الله علیه و آله معرفی نموده است، غافل می‌مانند. بدیهی است که دقت در هر دو دسته روایات، این حقیقت را بیان می‌کند که برخورد امام عجل الله تعالی فرجه الشریف با همه انسان‌های حق طلب چه رسد به شیعیان و دوستان آن بزرگوار- با دریایی از مهربانی، صفا و صمیمیت خواهد بود و شمشیر انتقام آن ذخیره الهی تنها برگرده ستمگران و پیروان آنها فرود خواهد آمد.

بنابراین گفتگو درباره موضوع مهدویت، صلاحیت علمی کافی می‌خواهد و آنها که چنین صلاحیتی ندارند نباید به این میدان وارد شوند و ورود آنها به این عرصه می‌تواند آسیب‌های جبران‌ناپذیری به فرهنگ مهدویت وارد کند.

## ۶. مدعیان دروغین

یکی دیگر از آسیب‌های معارف مهدویت، ظهور مدعیان دروغین در این جریان مقدس است. در طول سالیان غیبت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف افرادی به دروغ ادعا کرده‌اند که با آن حضرت، ارتباط خاص دارند یا از سوی آن بزرگوار به مقام نیابت خاص رسیده‌اند.

امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در آخرین نامه خود به نائب چهارم، تصریح فرموده‌اند:

«تو تا شش روز دیگر از دنیا خواهی رفت. کارهایت را سامان ده و درباره جانشین [پس] از خود، به هیچ کس وصیت نکن که غیبت کامل [= غیبت کبرا] فرارسیده است... و در آینده بعضی از شیعیان من ادعای مشاهده [و ارتباط با من] می‌کنند. آگاه باشید که هر کس قبل از خروج سفیانی و صیحه [آسمانی] ادعای مشاهده کند، دروغ‌گواست»<sup>۱</sup>.

با این بیان روشن، هر شیعه آگاهی وظیفه دارد مدعیان ارتباط و نیابت خاص را تکذیب کند و راه نفوذ و سودجویی این فرصت‌طلبان و دنیاخواهان را ببندد.

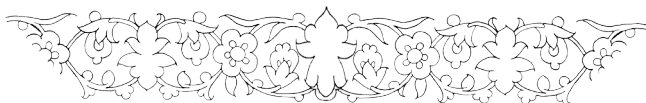
۱. صدوق، کمال‌الدین و تمام‌النعمة، ج ۲، باب ۴۵، ح ۴۵، ص ۲۹۴. توضیح این‌که مقصود از «مشاهده»، همان نیابت است؛ نه صرف دیدار؛ چنان‌که علامه مجلسی رحمته الله علیه فرموده است.



بعضی از این دروغ‌گویان پا را فراتر نهاده و پس از ادعای نیابت، مدعی شده‌اند و در پی این ادعای باطل، مکتب و فرقه‌ای انحرافی را بنیان نهاده‌اند و زمینه انحراف اعتقادی عده بسیاری را فراهم کرده‌اند. با مطالعه تاریخچه این گروه‌ها روشن می‌شود که بسیاری از آنها با پشتیبانی و حمایت استعمار به وجود آمده و به حیات خود ادامه داده‌اند.

روشن است که شکل‌گیری فرقه‌ها و گروه‌های منحرف و پیوستن و اعتماد کردن افراد به مدعیان مهدویت یا نیابت، در جهل و نادانی آنها ریشه دارد. شوق فراوان به دیدار امام عَلَيْهِ السَّلَام بدون معرفت و آگاهی کافی به آن حضرت و غفلت از وجود شیادان در این عرصه، زمینه‌ساز ارتباط با مدعیان دروغین می‌شود.

بنابراین شیعیان منتظر باید با آگاهی کافی از معارف ناب مهدویت، خود را از دام نیرنگ بازان حفظ کنند و با پیروی از علمای متعهد شیعه، در مسیر روشن مکتب، گام بردارند.

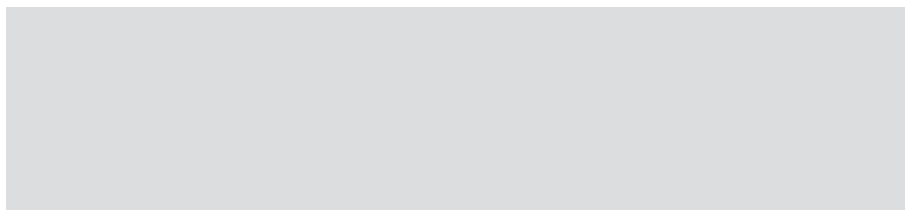


## بخش نهم

### فصل دوم:

#### عوامل پیدایش آسیب در جامعه منتظر، آثار و پیامدهای آن

عوامل پیدایش آسیب در جامعه منتظر  
آثار و پیامدهای آسیب در جامعه منتظر







## عوامل پیدایش آسیب در جامعه منتظر

اعتقاد به منجی موعود در اسلام؛ به ویژه در مکتب تشیع، یکی از مسائل حیاتی و بنیادی است و به عنوان غایت و نهایت زندگی بشر، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این اعتقاد، در حیات و سرنوشت انسان چنان تأثیرگذار است که به تمام اهداف و آرمان‌های او سمت و سومی دهد؛ به همین دلیل این موضوع همواره با افکار و ایده‌های مختلف اختلاط یافته و بعضاً به بیراهه کشیده شده است. جریان‌های گوناگونی که خواسته‌اند غایت بشر را موافق میل خود برنامه‌ریزی کرده یا خود و ایده خود را عامل نجات معرفی کنند، هر کدام آفات و مضراتی را وارد این بحث کرده و شناسایی مهدویت حقیقی را برای عامه، دشوار نموده‌اند.

چنین آفات و مضراتی که خواسته یا ناخواسته، برخی از درون جامعه منتظر و برخی از بیرون آن بروز یافته‌اند، شناخت چهره و نمای مهدویت حقیقی را تیره و تار کرده است؛ از این رو شناخت عواملی که به پیدایی این آسیب‌ها می‌انجامد ضروری است. با بررسی این عوامل که از مهم‌ترین آنها در بعد فردی، می‌توان به خودخواهی و دنیاگرایی و در بعد اجتماعی، به عدم معرفت و طرح مباحث از سوی غیرکارشناسان اشاره کرد، زمینه برای برون‌رفت از مشکلات پیش آمده، فراهم خواهد شد.

### ۱. عوامل درون فردی

#### ۱-۱. فراموشی ولایت خدا و معصومان علیهم‌السلام

از آن جا که یاد خداوند هسته مرکزی دینداری است؛ چنان‌چه این مقوله را از دینداری جدا کنیم، انسان به نوعی به «فراموشی خداوند» مبتلا شده و از دین، گریزان می‌شود. ممکن است انسان خود را به ظاهر، متوسل به دین بداند؛ اما چون از هسته مرکزی دین، یعنی اعتقاد به خدا غافل مانده، به نوعی در سراسیمگی دین‌گریزی قرار گرفته است؛ به تعبیر دیگر، خدا فراموشی، زمینه سریع‌تری را برای گریزان شدن از دین فراهم می‌کند.



خداوند در قرآن می فرماید:

«و چون کسانی مباشید که خدا را فراموش کردند و او نیز آنان را دچار خود فراموشی کرد؛ آنان همان نافرمانانند»<sup>۱</sup>.

پس سرانجام خدا فراموشی، فسق است و فسق و دینداری باهم جمع نمی شوند.

اتصال به جبل‌المتین الهی، یعنی امامان معصوم نیز انسان را در مقابل حوادث بی دینی و دین‌گریزی، مصونیت می دهد. کسانی که از این مقامات عظیم‌الشان الهی تخلف ورزند، در معرض هجوم امواج بی دینی تاب مقاومت ندارند و به مسیری برخلاف مسیر هدایت و دین کشانده می شوند. امام علی علیه السلام نقش امامان رازده نگه داشتن سنت پیامبر و جاری ساختن حدود الهی می داند: همانا بر مردم واجب نیست؛ جز آن چه را که خدا امر فرماید و آن، کوتاهی نکردن در پند و نصیحت، تلاش در خیرخواهی، زنده نگه داشتن سنت پیامبر، جاری ساختن حدود الهی بر مجرمان و رساندن سهم‌های بیت‌المال به طبقات مردم است.<sup>۲</sup>

## ۱-۲. فقر فرهنگی

فقر و غنا در اندیشه معصومان علیهم السلام در معنای گسترده‌تری از تهیدستی و بی‌نیازی مالی به کار رفته است. مراد از فقر فرهنگی، تهیدستی مردم نسبت به مسائل فرهنگی مانند عدم شناخت و عمل به مسائل دین به عنوان جزء مهم فرهنگ است. در مقابل، مراد از غنای فرهنگی، قوت و استحکام در عرصه علمی و عملی فرهنگی و التزام به مسائل فرهنگ دینی است. در اندیشه امام علی علیه السلام فقر فرهنگی، سخت‌ترین و بدترین نوع فقر است. از حضرت سؤال شد: «کدام نوع فقر، شدیدتر و بدتر است؟» فرمود: «کفر ورزیدن پس از ایمان».<sup>۳</sup>

غنای فرهنگی باعث مصونیت فکری و فرهنگی می شود و آسیب‌زدایی آفت‌های دینی را به دنبال خواهد داشت ولی فقر فرهنگی و عدم آشنایی عمیق با مسائل دینی، آسیب‌پذیری فرهنگی و دینی را در پی خواهد داشت.

۱. «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ أُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ»؛ (حشر، ۱۹).

۲. نهج البلاغه، خطبه ۱۰۵.

۳. قبیل له: «ای فقر اشده؟» قال علیه السلام: الكفر بعد الايمان؛ (جلوه‌های حکمت، ص ۵۱۱).



از موارد فقر فرهنگی، جدال بی حاصل در مسائل دینی به جای مناظره صحیح و منطقی است که خود، شروع یک آسیب جدی است. این که طرفین در واقع بر اساس موازین منطقی، مناظره‌ای را در مباحث دینی دنبال نکنند بلکه بیشتر کارشان به جدال بینجامد، از دو جنبه در روند دین‌گریزی، تأثیر دارد: یکی این که طرفین مناقشه را سست بنیان می‌کند؛ چون هیچ‌کدام نمی‌توانند همدیگر را راضی کنند و هر دو سعی می‌کنند در مقابل یکدیگر پیروز شوند و مبانی اندیشه دیگری را تخریب می‌کنند که هر دو در نظریکدیگراز جهت دینی، سست بنیان می‌شوند. جنبه دوم این است که هرکسی شاهد این جریان باشد و این جدال و مناقشه‌های بی حاصل را مشاهده کند، او هم به نتیجه روشنی نمی‌رسد. این جاست که امام علی علیه السلام می‌فرماید: «أَيَّاكُمْ وَالْمِرَاءَ وَالْخُصُومَةَ؛ مرء و جدال را رها کنید».

### ۳-۱. خودخواهی و دنیاگرایی

دنیاطلبی به معنای اسارت در دام دنیا و تعلق بیش از حد به آن، از موانعی است که به طور جدی فراروی منتظران موعود قرار گرفته است. آن حضرت در زمان ظهور خود، با تغییر نگاه جامعه به مظاهر دنیایی، به صورت علمی و عملی، این موانع را برطرف خواهد کرد.

دنیاخواهی و اسیر دنیا بودن، یکی از عوامل فارق حقیقت طلبان از باطل جویان است. پیکره دین و نیز آمال انبیاء و اولیاء چقدر از این عامل، متأثر شده و چه بسیار انسان‌هایی که در قبال آن، قد خم کرده و پیشانی ذلت ساییده‌اند. در مقابل، آنان که دنیا را به خدمت گرفته و آن را به اسارت اهداف بلند خویش در آورده‌اند و از غم و اندوه و فکر و فریب آن، آزاد گشتند، از هر دین و مرام، برپیشانی تاریخ درخشیده و ماندگار شدند.

از آن جا که حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف عالم‌گیر است و منفعت طلبان به عادات سوق داده می‌شوند، بیشترین مخالفت‌ها، از دنیاطلبان و دنیاخواهان است که در هراس از دست دادن آن یا در شوق و عشق زیاده‌خواهی‌ آنند؛ پس مبارزه و کرامتشان از آن حادثه، بیشتر و جدی‌تر است.



علت دیگر، این که در دوران غیبت امام، آن چه افراد را از اندیشه و یاری وزمینه سازی امام عَلَيْهِ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ السَّمَوَاتِ و از وظایف انتظار بازمی دارد، دنیاخواهی است. حب دنیا، انسان را در گناهان فرو برده، از یاد امام و وظایف خود در دوران غیبت رها می سازد. در آیات و روایات، محبت و دلدادگی به سرای دنیا، بسیار مذمت شده است؛ از جمله امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ می فرماید: «حب دنیا، کور و کرمی کند».<sup>۱</sup>

چه بسا دنیاخواهی، قلب را نابود و انسان را شیفته خود می کند که او بنده دنیا و نیز بنده هرکسی خواهد شد که کمی از دنیا را در اختیار داشته باشد. امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ درباره دوستداران دنیا می فرماید:

«شهوات، عقلشان را زایل کرده، دنیا قلبشان را میرانده و اسیر و عاشق دنیا شده اند؛ پس عبد و بنده دنیایند و هرکس چیزی از آن را دارد».<sup>۲</sup>

خداوند به حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَامُ نیز فرمود: «ای موسی! بدان آغاز هرفتنه، دنیادوستی است».<sup>۳</sup>

انسان، ایده آل و کمک طلب آفریده شده است. او در جست و جوی چیزی است که پیوندش با او بیش از یک ارتباط معمولی باشد؛ به عبارت دیگر، انسان در سرنوشت خویش، پرستنده و تقدیس کننده آفریده شده است و در جست و جوی چیزی است که او را منتهای آرزوی خویش قرار دهد. این جاست که اگر انسان، خوب رهبری نشود و از خود مراقبت نکند، علاقه اش به وابستگی تبدیل می شود. «وسيله» به «هدف» استحاله می شود، «رابطه» به صورت «بند» و «زنجیر» در می آید، حرکت و تلاش و آزادی، به توقف و رضایت اسارت تبدیل می شود. برخلاف نظام تکاملی جهان بوده، از نوع نقص و نیستی است؛ نه کمال و هستی. این آفت انسان و بیماری خطرناک انسان است که قرآن و نهج البلاغه، انسان را درباره آن هشدار داده، اعلام خطر می کنند. امام علی عَلَيْهِ السَّلَامُ مکرر اشاره می کند که دنیا، خوب جایی است؛ اما برای کسی که بداند این جا قرارگاه دائمی نیست؛ گذرگاه و منزلگاه او است.<sup>۴</sup>

۱. کلینی، کافی، ج ۲، ص ۱۳۷.

۲. شرح نهج البلاغه، ج ۷، ص ۲۰۰؛ فصل فی الکلام علی الالتفات.

۳. کافی، ج ۲، ص ۱۳۶.

۴. نهج البلاغه، خطبه ۲۱۴.



تلاش قرآن و روایات برای این است که مادیات را از صورت معبدها و کمال مطلوب‌ها خارج کند؛ نتیجه این که دنیا از نظر اسلام، مدرسه و محل تربیت انسان و جایگاه تکامل او است. در حدیثی از رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آمده است:

«از همه مردم گرفتارتر، مؤمن است که باید هم به کار دنیای خویش پردازد و هم به کار آخرت».

اسارت دنیا و نگاه صرفاً دنیایی به زندگی، آدمی را از هر کس که سخنی غیر از دنیا بگوید، متنفر می‌سازد و این خود زمینه‌ای برای عدم اطاعت و همراهی و گاه نفرت از امام را فراهم می‌آورد. اصالت بخشیدن به دغدغه معاش، منتظران را از فکردین و رهبران دین و آرمان‌های دینی باز می‌دارد و باعث می‌شود حتی آنانی که از فشار اعتقادی و مشکلاتی که دنیاپرستان ایجاد کرده‌اند، فریاد فرج‌خواهی سر می‌دهند، در واقع فریاد از مظاهر دنیا می‌زنند؛ از این رو دنیاخواهی در کوته‌نگری منتظران نیز بسیار دخیل است.

دل‌بستگان دنیا نیز چون نگاهشان فقط دنیایی است و آن را اصل می‌دانند، دیگران را نیز از انجام تکالیف و مسئولیت‌ها بازمی‌دارند تا از دنیا بیشتر بهره گیرند یا این که در طول زمان، فعالیت‌های غیردنیایی برای آنان معنای خود را از دست می‌دهد و براین اساس، از تحقق راه خدا که مجاهدت، سختی، جهاد، عدالت و یاری محرومان را دارد، گریزانند و در مقابل، صف‌آرایی می‌کنند که این، خود بزرگ‌ترین گمراهی است.<sup>۲</sup>

در زیارت حضرت امیر عَلَيْهِ السَّلَام به عنصر دنیاخواهی و خودخواهی و فریفتگی ناشی از این عامل، اشاره شده است:

«خدایا! شکر که مرا بر این زیارت، موفق ساختی... در حالی که اهل دنیا و آنانی که آیات خدا را به تمسخر گرفته و فریفته دنیا شدند، از زیارت او سر باز زدند. شکر تو را که مرا معرفتی دادی که اهل دنیا جاهل به آن هستند و به دیگران، روی آورند».<sup>۳</sup>

۱. مجموعه وارم، ج ۱، ص ۴.

۲. «الَّذِينَ يَسْتَحِبُّونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ وَيَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا أُولَئِكَ فِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ»؛ (ابراهیم، ۳).

۳. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۹۷، ص ۳۳۶.



همچنین امام صادق علیه السلام به این عامل، اشاره کرده و تأثیر آن بر جهت گیری مردمان را چنین بیان فرموده‌اند:

«مردم درباره ما سه گروه هستند: گروهی ما را دوست دارند، سخن ما را می‌گویند، منتظر فرج ما هستند ولی عمل ما را انجام نمی‌دهند. اینان، اهل دوزخند. گروه دوم نیز ما را دوست دارند، سخن ما را می‌گویند، منتظر فرج ما هم هستند، عمل ما را انجام می‌دهند؛ اما برای رسیدن به دنیا و دریدن مردمان. اینان نیز جایگاهشان دوزخ است و گروه سوم، ما را دوست دارند، سخن ما را گفته، منتظر فرج ما هستند، عمل می‌کنند [برای خدا] اینان از ما و ما از آنانیم»<sup>۱</sup>.

تاریخ اسلامی و سیره معصومان علیهم السلام در مواجهه با افراد و جریان‌های مختلف، تبیین همین فرمایش امام صادق علیه السلام است. حسن بصری در نامه‌ای به امام حسن مجتبی علیه السلام چنین نوشت:

شما، اهل بیت پیامبر و معدن حکمت‌ها هستید. خداوند شما را کشتی‌های نجات در دریا‌های طوفانی قرار داد. پناه پناه‌خواهان هستید. به ریسمان مستحکم شما... تمسک می‌جویند. کسی که پیرو شما باشد، هدایت و نجات یافته و کسی که از شما سرپیچد، هلاک شده و گمراه است. من این نامه را به دلیل حیرت و سردرگمی و اختلاف امت در بحث قضا و قدر خدمتتان نوشته‌ام. از آن چه خدا به شما آموخته است، به ما هم بیاموزید». امام در پاسخ او نوشت:

«بله؛ چنان که نوشتی، ما اهل بیت نزد خدا و پیامبر هستیم؛ اما پیش تو و اصحابت، اگر چنان بود که گفتی، دیگران را بر ما مقدم نمی‌داشتید. به جانم سوگند! خداوند شما را در قرآن چنین مثال زده است: «أَنْتُمْ بِلِوْنِ الَّذِي هُوَ أَدْنَىٰ بِالَّذِي هُوَ خَيْرٌ»<sup>۲</sup> «آیا به جای چیز بهتر، خواهان چیز پست‌ترید». این، درباره شما و اصحابتان است»<sup>۳</sup>.

همچنین در جریان قیام حسینی، گروهی از کوفه، چون مسیب بن نجبه، رفاعه بن شداد و حبیب بن مظاهر که از نویسندگان نامه به امام حسین علیه السلام بودند، به هروسیله و سختی، خود را به امام رسانده و تا آخرین نفس، از او دفاع کردند

۱. ابن شعبه، حسن بن علی، تحف العقول، ص ۵۱۵.

۲. بقره، ۶۱.

۳. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۱۰، ص ۱۳۷.



و بر پیمان خود و بیعت با امام، باقی ماندند. گروهی دیگر چون شبت بن ربیع، حجار بن ابجر، یزید بن حارث، قیس بن اشعث، عمرو بن حجاج زبیدی، در تمام گفته‌ها و نوشته‌های خود تعبیر «جند مجند؛ لشکر آماده» را استفاده کردند ولی عهد و سوگندها را فراموش کرده و در مقابل سخن و احتجاج امام حسین علیه السلام نامه را انکار کردند. اینان، به طمع پُست، مقام و مسئولیت آمده بودند؛ لذا به خیل نامه‌نگاران پیوستند و روزی با آمدن ابن زیاد از این خرقه برون آمده و خرقه و لباس جنگ با حسین علیه السلام را به تن کردند. اینان، بندگان دنیا بودند و هرکس را که ذره‌ای از دنیا داشت یا به آنها وعده دنیا داده می‌شد، بندگی کردند. گروه دیگر، بی طرفانی هستند که شیطان آنان را فریفته است. آنها به زعم خود بی طرفند؛ حال آن‌که با تماشا و سکوت خود، یاریگر دشمن هستند. گروهی بودند که می‌گریستند و دعا می‌کردند که خدایا! حسین را یاری کن و به همین بسنده کردند.

عامل خودخواهی و دنیاخواهی می‌بایست با تبیین جایگاه دنیا با رعایت عدم افراط و تفریط، تحذیر از تجمل‌گرایی و شناسایی و میدان‌ندادن به دنیاپرستان، درمان شود. توجه به این روایت کلیدی از امام صادق علیه السلام نیز نقش مهمی در پالایش انتظار از انگیزه‌های غیر الهی دارد که در پاسخ ابابصیر که پرسیده بود فرج چه زمانی می‌رسد؟ فرمود:

«آیا تواز کسانی هستی که خواهان دنیا هستند؟ کسی که حقیقت این امر را درک کند، به واسطه انتظارش، برای او فرج حاصل می‌شود»<sup>۱</sup>.

#### ۴-۱. اشتیاق غیر معقول

برخی ذهنیت‌ها در میان منتظران، متوجه این معنی است که تنها اعتقاد به اهل بیت و محبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه برای عمل به انتظار کافی است. چنین کسانی می‌پندارند که به صرف حضور در جامعه منتظر، به رستگاری رسیده‌اند؛ از این رو در برابر اعمال و رفتار و وظایف خود مسئول نبوده و در قبال گناهان خود، عذابی نخواهند داشت. این توهم که در قرآن و روایات نیز مردود



شمرده شده است، تمنی یا امید کاذب نام دارد. آن چنان که اهل کتاب نیز گمان می بردند همین که نام دین و مذهب را بر خود نهاده اند، اهل سعادتند و عذاب نخواهند شد.<sup>۱</sup> در روایات دیگری نیز این گروه آرزوپرداز، تکذیب شده اند و تحت عنوان «الْمُتَمَّنُونَ» از آنها خبر داده شده است.<sup>۲</sup>

آرزوگرایی بدون عمل در باب انتظار، سبب بروز آسیب هایی می شد که از مهم ترین آنها می توان به: عمل نکردن به وظایف فردی و اجتماعی انتظار، دامن زدن به انتظار منفی و عدم اقدام عملی و انجام وظیفه در قبال امام و بروز توهم به جای رضایت از خویش و بدگمانی به دیگران اشاره کرد. در باب بیان خاستگاه چنین عوامل، می توان به: عدم تمایز میان امید و رجاء واقعی با خیال پردازی و آرزوگرایی و عدم شناخت جایگاه حقیقی امید و انتظار، میدان دادن به هوای نفس و توجیه رفتار و اعمال خود و بی توجهی به احکام و شرایط و تکالیف، عدم شناخت خدای مهربان و حکیم و گرفتار آمدن در فضای احساسی و غیرمنطقی عدم درک قهر و مهر امام اشاره کرد. با این اوصاف، توجه دادن افراد منتظر به تأمل و تدبیر در آیات و روایاتی که سلامت اعمال و رفتار را تنظیم کرده و معیارهای عمل صالح را بیان می کنند،<sup>۳</sup> برای مبارزه با این عامل، ضروری است.

ریشه اصلی این عامل در عدم درک جایگاه امام و امامت و خودمحوری و خودخواهی نهفته است؛ به عبارت دیگر کسی که اشتیاق نامعقول در او متولد می شود، از تفقه و شناخت کمی نسبت به دین برخوردار است و منظومه اعتقادی دین را ناقص می پندارد. توجه به آموزه های اسلامی و سنت و سیره معصومان علیهم السلام گویای آن است که در برابر کسانی که به سبب قصور و کوتاهی و دشمنی با اولیای الهی، موضع گرفته اند، گروه دیگری همواره حضور داشته و

۱. «وَقَالُوا لَنْ يَدْخُلَ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ كَانَ هُودًا أَوْ نَصَارَى تِلْكَ أَمَانِيُّهُمْ قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ»؛ (بقره، ۱۱۱).

۲. شرح نهج البلاغه، ج ۶، ص ۳۸۳؛ نعمانی، الغیبه، ص ۱۹۷.

۳. آیاتی مانند محتوای سوره والعصر که شرایط عمل خالص همراه با انجام وظایف فردی و اجتماعی را بیان می کند. [انسان ها همه در زیناند؛ مگر کسانی که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده اند و یکدیگر را به حق سفارش کرده و یکدیگر را به شکیبایی و استقامت توصیه نموده اند]، از این دسته به شمار می روند.





به سبب سطحی‌نگری و شوق نامعقول خود، موجبات زحمت و ناراحتی ایشان را فراهم آورده‌اند. کسانی در مسیر صحیح قرار داشته‌اند که امرامامت و ولایت الهی را به بهترین شکل، فهم کرده و مطیع و آگاه بوده‌اند. به راستی چنین کسانی اراده امام را براراده خویش حاکم کرده، اشتیاق خود را در فرمانبری از امام و نه پیشی‌گرفتن از او نشان داده‌اند.

یکی از ویژگی‌های ممتاز سلمان این بود که خواسته امام را برخواست خویش مقدم می‌ساخت. منصور بزرگ نقل می‌کند که به امام صادق علیه السلام عرض کردم: «سرورم! چه بسیار می‌شنوم از شما که سلمان فارسی را یاد کردید!» فرمود: «نگو سلمان فارسی بلکه بگو سلمان محمدی. می‌دانی چرا بسیار از او یاد می‌کنم؟» عرض کردم: نه. فرمود: «برای سه صفت: مقدم داشتن خواسته امیرمؤمنان علیه السلام بر خواسته خویش، دوست داشتن فقرا و مقدم داشتن آنها بر ثروتمندان و دوست داشتن علم و علما»<sup>۱</sup>.

## ۲. عوامل برون فردی

### ۲-۱. عدم معرفت عمومی

شاید بتوان اصلی‌ترین و جدی‌ترین عاملی که به بروز آسیب‌های اجتماعی در جامعه منتظر می‌انجامد را عدم معرفت عمومی دانست. این مسئله تنها به افراد منتظر محدود نمی‌شود بلکه به سطح وسیع‌تری از عدم معرفت که فضای عمومی و اجتماعی را شامل می‌شود مربوط شده، تأثیرات عمیق‌تری از خود برجای می‌گذارد.

به عبارت دیگر؛ اگر بروز آسیب‌های فردی را ناشی از عوامل پیش‌گفته بدانیم، آن‌چه سبب پذیرش این عوامل و آسیب‌های برآمده از آنان می‌شود، سطح پایین معلومات عموم جامعه است که به چنین ادعاها و تحرکاتی، امکان ظهور و بروز می‌دهد.



در چنین زمینه‌ای «شبهه» و «بدعت» بروز یافته، فضای حیات دینی جامعه منتظر را آلوده می‌سازد. شبهه که به معنای ایراد، اشکال، ایجاد تردید، به اشتباه انداختن و مسلم نبودن است، تفاوت چشمگیری با طرح سؤال دارد. سؤال با هدف یافتن مجهول و یافت پاسخ، مطرح می‌شود؛ اما شبهه با هدف ایجاد نقص یا کاستی و از روی استهزاء و تمسخر صورت می‌گیرد. در واقع از آن جا که کمال و سعادت واقعی جامعه بشری در گرو رسیدن به بایدها و نبایدهای حقیقی است، ارزش‌ها از این زاویه نگریسته می‌شود؛ بنابراین هر آن چه که ظاهری شبیه به حق دارد؛ اما حقیقتاً و واقعاً حق نیست، از مصادیق شبهه شناخته می‌شود و نام‌گذاری آن هم به نام شبهه، درست به همین دلیل است، شبهه بدین سبب شبهه نامیده شده که شبهه حق است.<sup>۱</sup>

«حق» که از ارزش‌های پایدار و اصولی در نظام فرهنگی است و خاستگاه خاص خود را دارد و هنجارها می‌بایست در ارتباط با آنها باشد، با ورود شبهه‌ها دچار اختلاط می‌گردد و نظم درونی آنها را از بین می‌رود؛ بنابراین وجود شبهات و پیدایش آنها باعث کم‌رنگ شدن معتقدات دینی می‌شود و با این کار، زمینه لازم برای جامعه‌پذیری اعضای جامع در یک جامعه منتظر از بین می‌رود؛ زیرا ارزش‌ها و هنجارهای حاکم در چنین جامعه‌ای، دینی نیست و خود موجب فاصله گرفتن اعضای جامعه از دین و حقیقت انتظار می‌شود؛ هرچند آنها آن را نخواسته باشند.

همچنین هر جامعه‌ای از جمله جامعه منتظر، به گونه‌ای با نوآوری و اصلاح امور خود دست به گریبان است. شاید بتوان گفت نوآوری‌ها از ضروریات نظام اجتماعی است؛ هرچند سامان‌یافتگی نوآوری‌ها هم از ضروریات نظام‌های اجتماعی است؛ چراکه در غیراین صورت، بقا و انسجام جامعه، دست‌خوش تحول و دگرگونی می‌شود. انتظار به عنوان بخشی از نظام اجتماعی می‌باید در گیرودار تغییرات اجتماعی و پیدایش نیازهای جدید و بروز نوآوری‌های متعدد در سایر زمینه‌ها، موضعی فعل داشته باشد.

اگر این ضرورت در درون دین و حقیقت انتظار پیش‌بینی باشد، قوام



و جاودانگی اش تضمین خواهد شد، در غیر این صورت عوامل بیرونی، این ویژگی را بر آن تحمیل می‌کنند که در بلند مدت موجب اضمحلال و نابودی دین می‌شود. اسلام به عنوان یک دین، دارای برنامه زندگی است و در درون خود، تغییرات و دگرگونی‌ها را پیش‌بینی کرده، اهرم‌هایی را برای پویایی خود در نظر گرفته است. اگر این تغییر و تحولات بیرون از خود دین بر او تحمیل گردد، بدعت شناخته می‌شود. بدعت در اصل «اصطلاحی فقهی» است و به هر چیزی که با سنت نبی اکرم صلی الله علیه و آله مخالف باشد، اطلاق می‌شود و معمولاً به نظریه‌ها و عادت‌های جدیدی که از دیدگاه‌های شخصی نشأت گرفته و در جامعه اسلامی رواج یافته باشد و نیز به نوآوری‌ها و عقاید مخالف با اصول دین و سیره پیامبر اسلام گفته می‌شود.

واژه بدعت به معنای نسبت دادن عقاید و دیدگاه‌های جدید به دین است که با مبانی کتاب و سنت معصومان علیهم السلام سازگاری ندارد؛ از این رو هرچه بیرون از کتاب آسمانی قرآن یا سنت معصومان علیهم السلام باشد و به عنوان نظر دینی ارائه شود، نظر شخصی و تفسیر به رأی است و نمی‌توان و نباید به عنوان رأی مطرح شود که در این صورت، بدعت شناخته می‌شود. بدعت، هم در بعد پیدایش و زمینه فردی خود و هم در بعد پذیرش و زمینه اجتماعی، معلول عدم معرفت است؛ از این رو جامعه منتظریکی از مهم‌ترین عوامل آسیب‌زای خود را می‌بایست در ایجاد بدعت جست‌وجو کند.

اولین گام در پیدایش بدعت‌ها، نادیده‌گرفتن روش‌ها و منابع تفسیری دین است که ممکن است در برخی شرایط به دلیل عدم آگاهی یا عدم رضایت به منابع یا روش‌های دینی به روش‌ها و منابع خاص دیگری روی آورد. در چنین وضعیتی، برخی باورها درباره بعضی امور پدیدار می‌شود و دگرگونی در سطح ارزش‌ها به وجود می‌آید و باعث می‌شود در سایر بخش‌ها و لایه‌های اجتماعی، دگرگونی‌هایی به وجود آید. باید توجه داشت خاستگاه پیدایش بدعت‌ها، خود زمینه‌ساز و بستر مناسب پیدایش شبهه‌ها نیز می‌باشد که هر دو عامل، معلول عدم معرفت دینی است.



## ۲-۲. ضعف جامعه پذیری

### مفهوم جامعه پذیری

مراحل یا فرآیندی است که شخص، راه‌ها، افکار، معتقدات و سایر خصوصیات مناسب مورد نیازش را برای عضویت در جامعه به دست می‌آورد که مهم‌ترین پیامد آن، شناخت خود است و آنها را جزء شخصیت خویش می‌نماید.<sup>۱</sup>

جامعه‌پذیری سیاسی، روند آموزشی است که به انتقال هنجارها و رفتار پذیرفتنی از نسلی به نسل دیگر کمک می‌کند؛ بنابراین هدف جامعه‌پذیری، تربیت یا پرورش افراد به صورتی است که اعضای کارآمد جامعه باشند.

برای نمونه، سیگل می‌گوید:

«جامعه‌پذیری سیاسی، یادگیری تدریجی هنجارها، ایستارها و رفتار قابل قبول برای یک نظام سیاسی در حال تغییر است».<sup>۲</sup>

آلمودن و پاول گفته‌اند:

«در جامعه‌پذیری سیاسی، روند حفظ یا دگرگونی فرهنگ‌های سیاسی است؛ بنابراین این روند، افراد وارد فرهنگ سیاسی می‌شوند و ستمگری‌هایشان نسبت به هدف‌های سیاسی شکل می‌گیرد».<sup>۳</sup>

روند جامعه‌پذیری به روالی آرام و هموار صورت می‌گیرد و مردم حتی از آن، آگاهی نمی‌یابند. مردم هنجارهایی را که به آنها تلقین شده است، یاد می‌گیرند.

۱. روحانیت و جامعه‌پذیری سیاسی، ص ۲۴.

۲. بنیادهای علم سیاست، ص ۱۱۸.

۳. همان.



عامل‌های عمده جامعه‌پذیری عبارتند از: خانواده، مدرسه، گروه‌های همتا، تجربه‌های طی دوره کار، رسانه‌های جمعی و تماس مستقیم با نظام سیاسی. البته گروه‌های همتا یا دلبسته، تأثیر پایدارتری از مدارس یا دانشگاه‌ها دارند. تجربیات افراد در میان دوستان، در ایجاد تغییری کامل در استارهای ذهنی آنان اساسی است. در نتیجه چنین تأثیراتی، ایستاری خصومت‌آمیز و پرخاش‌گرانه به آسانی ممکن است به ایستار همکاری تبدیل شود یا برعکس.<sup>۱</sup>

جیمز کولمن عقیده دارد:

«در جامعه‌های پیشرفته‌ای مانند آمریکا و سوئد، تأثیر جامعه‌پذیرکننده والدین و آموزگاران، در دوره اولیه جوانی رو به کاهش می‌گذارد».<sup>۲</sup>

### ۲-۳. فقر و غنای مفرط اقتصادی

علاوه بر فقر فرهنگی، فقر اقتصادی نیز می‌تواند باعث ضعف و نقصان دین‌داری شود. فردی که برای تأمین نیازهای اولیه و ضروری زندگی مادی خود، از صبح زود تا پاسی از شب، به‌طور مستمر به کار سخت و طاقت‌فرسا تن می‌دهد، طبیعی است نتواند وظایف دینی و شرعی خود را به صورت شایسته انجام دهد. عدم انجام شایسته تکالیف دینی نیز باعث ضعف و نقصان دین‌داری خواهد شد. با توجه به این واقعیت، در اندیشه امیرالمؤمنین علیه السلام فقر از جمله علل نقصان و ضعف دین‌داری ذکر شده است.<sup>۳</sup>

علاوه بر فقر اقتصادی، غنای مفرط اقتصادی نیز می‌تواند زمینه طغیان و فساد را فراهم کرده، از عوامل آسیب‌زا در دین‌داری تلقی شود. قرآن کریم، استغنا و بی‌نیازی انسان را موجب طغیان و گناه می‌داند.

۱. همان، ص ۱۲۱.

۲. همان، ص ۱۲۲.

۳. نهج البلاغه، حکمت ۳۱۹.



به نظر می‌رسد وجه طغیان‌گری انسان‌های غنی و ثروتمند، این است که این افراد در اثر تأمین همه نیازهای مادی و رفاه بیش از حد و متعارف، فقر وجودی تصریح شده در آیه شریفه «يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ» را فراموش کرده‌اند که در نتیجه، روحیه استکباری در آنان رشد می‌نماید. روحیه استکباری و طغیان‌گری، قید و بندهای معقول و کمال‌آفرین دین الهی را برنخواهد تابد. برنتابیدن احکام دینی و عدم تسلیم در مقابل آنها از عوامل آسیب‌زا به دین‌داری خواهد بود.

امام علی علیه السلام همانند قرآن، غنا و بی‌نیازی مفرط اقتصادی را عامل طغیان و عصیان می‌داند؛ نتیجه این‌که فقر و غنا مفرط اقتصادی، هر دو می‌توانند به دینداری آسیب وارد کنند.

### آثار و پیامدهای آسیب در جامعه منتظر

به‌طور کلی بروز آسیب، با به وجود آمدن آثار و پیامدهای منفی و مخربی همراه است که باعث بروز مشکلاتی در روند کلی یک ارگانیزم می‌شود. آسیب‌های فکری و فرهنگی نیز علاوه بر دامن زدن به مشکلاتی در فرد و رشد انفرادی انسان، پیامدهای مخربی در گستره حیات اجتماعی در پی خواهند داشت که مطالعه آنها در شناخت ابعاد گوناگون آسیب‌ها اهمیت بسیار دارد.

اینک در صدد شناخت آثار و پیامدهای آسیب‌های ذکر شده برای جامعه منتظر هستیم که دو گستره فرد و جامعه منتظر را شامل می‌شود؛ از این رو نخست به عمده‌ترین آسیب‌های فردی پرداخته، سپس اهم آسیب‌های اجتماعی را بررسی می‌کنیم.



## ۱. آسیب‌های فردی

### ۱-۱. ترس از امام و آرمان‌های او

نخستین اثر مهمی که در جریان بروز آسیب‌های محتمل برای جامعه منتظر در گستره فردی ایجاد می‌شود، به ترس از امام و آرمان و برنامه او مربوط می‌شود. ترس از یک چیز به سبب کمی اطلاع از آن، شکل می‌گیرد و ابهام ناشی از خلأ علمی در رابطه با یک موضوع، به ترس از آن می‌انجامد؛ به عبارت دیگر از آن جا که درک درستی از یک پدیده حاصل نمی‌شود، احتمالات و خیالات گوناگون امکان بروز یافته و از این رو با در نظر گرفتن هریک از این احتمالات و پیش‌بینی وضعیت‌های ناشی از هریک از آنان، آدمی به وضعیتی خارج از کنترل خود می‌رسد و در نتیجه، می‌ترسد.

مروری بر آسیب‌های جامعه منتظر کافی است تا اذعان کنیم پایه اصلی و اساس همه این آسیب‌ها به عدم درک درست موضوعات و مفاهیم اساسی در بستر آموزه مهدویت مربوط می‌شود. هریک از آسیب‌هایی همچون توقیت، استعجال و ادعاهای دروغین از درک نادرست مفاهیم غیبت و ظهور ناشی می‌شود و ابهام در نسبت اراده الهی و اراده انسانی در تمام این آسیب‌ها بدیهی به نظر می‌رسد.

چنین وضعیتی باعث می‌شود چه آنها که به‌طور مستقیم در جریان این آسیب‌ها قرار گرفته و چه کسانی که از بیرون نظاره‌گر این آسیب‌ها بوده‌اند، به سبب درک نادرست و آگاهی کم از موضوعاتی که به وجود مقدس امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف مربوط می‌شود، به تدریج به ترسی پنهانی گرفتار آیند. براساس نظرسنجی که از حدود هزار دختر نوجوان صورت گرفته است، بیشتر آنها شناختی بسیار مبهم و اندک از مهدویت داشته‌اند. مشکل اصلی آنان این بود که آیا صحیح است وقتی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ظهور می‌کند، پای اسب ایشان در خون آدم‌هایی که سر آنها توسط آقا زده شده است، فرورود؟<sup>۱</sup>



در چنین زمینه ابهام‌آلود و ترسناکی، امکان ارتباط صحیح و مستمر با امام غایب برای افراد منتظر از بین رفته و در نتیجه، اصلی‌ترین اثر آسیب‌ها در بعد فردی که به قطع ارتباط علمی و عاطفی با امام منتظر است، بروز می‌یابد. نکته حائز اهمیت این است که افراد به‌طور کلی با آموزه مهدویت آشنایی دارند و در جغرافیا و محیط مانوس با چنین فرهنگی زیست می‌کنند؛ اما به سبب آن‌که مفاهیم و موضوعات مطرح در این آموزه به خوبی درک نشده و مورد تبیین قرار نگرفته است، انبوهی از ابهامات و سؤالات بی‌پاسخ، زمینه بروز یافته و به ترس از امام منجر می‌شود.

این ترس باعث می‌شود زمینه هرگونه همراهی و استقبال از برنامه‌ها و آرمان‌های امام از بین برود. از آن‌جا که این موارد به درستی فهم نشده است، در نتیجه، آثار مخربی در عمل افراد منتظر ایجاد می‌شود. با بررسی عکس‌العمل‌های مختلف و گوناگونی که در جریان نهضت امام حسین علیه السلام از سوی افراد متفاوت ابراز شد، می‌توان به عمق و گستره این آثار پی برد. درک نادرست و مبهم به جایگاه امام و اصول حاکم بر قیام او نه تنها باعث تنها ماندن امام و بی‌پاسخ ماندن دعوت او شد بلکه واقعیت‌های تلخی در سطح اجتماع پدید آورد و به انحطاط اجتماعی جامعه منتظر امام انجامید.

## ۱-۲. گریز از امام و آرمان‌های او

یکی از ضروریات حیات بشری، زندگی در دنیا به عنوان بخشی از آن حیات و زندگی مستمر است. از آن‌جا که اسلام، حیات بشری را از دو مجموعه که به لحاظ شکلی و ظاهری از یکدیگر متمایز هستند می‌داند، زندگی در دنیا و سپس معاد را در راستای هم قرار می‌دهد. تاثیر و تأثیر این دو بخش، لوازمی را در باورها ایجاد می‌کند و همین امر به سطح هنجارها کشیده می‌شود؛ بنابراین باورهای ذهنی و قالب‌های عمل می‌بایست به گونه‌ای شکل گیرد که متناسب با آن باور اصولی و بنیادی باشد.

بر همین اساس؛ دنیاگرایی به معنای دلبستگی و سرسپردگی به دنیا از

آن‌جا که باعث فراموشی آخرت می‌گردد، مذموم شناخته می‌شود. این غفلت در ۲۵۹





شکل‌گیری قالب‌های ذهنی، تعریف ارزش‌ها و هنجارهای عمل مؤثر می‌افتد. چنان‌که در دوره‌های مختلف تاریخ -به‌ویژه دوران زندگی معصومان علیهم‌السلام- دنیاگرایی برخی عناصر، تأثیرزاید الوصفی در کشش‌های اجتماعی آنان داشته است که از پیمان شکنی تا کفر و خروج از دین را شامل می‌شد.<sup>۱</sup>

ترس از امام در مراحل بعدی به ایجاد دوگانگی در تمایلات و نهایتاً بروز نفرت از امام منتهی می‌شود. هنگامی که افراد به وضعیت کنونی زندگی خود بسنده کرده و به کسی که می‌خواهد این وضع زندگی را تغییر دهد، شناخت کافی ندارند، به تدریج از این عامل تغییر، تنفر یافته و درصدد مقابله با آن برمی‌خیزند.

تأکید بر یادآوری رسالت مهم تاریخ جامعه منتظر، خود بهترین مکانیزم اجتماعی برای پیشگیری از کجروی‌ها و دنیاگرایی‌های جامعه منتظر است و به عاملی تبدیل خواهد شد که تنظیم رفتارها بر اساس هنجارهای دینی و بازدارنده از کجروی‌های دینی را تضمین می‌کند. اهرم پاداش و تنبیه در تنظیم زندگی روزمره افراد، تأثیر قابل توجهی دارد. بر این اساس، بروز آسیب‌های جامعه منتظر باعث می‌شود که رسالت تاریخی آن تحت الشعاع سوء این آسیب‌ها قرار گرفته و در تقابل با گرایش دنیاگرایانه، فراموش گردد.

بدیهی است که در یک جامعه منتظر، روابط اجتماعی نیز می‌باید بر اساس هنجارهای انتظار صورت پذیرد تا در پرتو التزام بدان‌ها ضمن تأمین خوشایندی و رضایت کنش‌گران، آنها را به سمت سعادت و کمال، رهنمون شود. برخی قالب‌ها و الگوهای علم با هنجارهای دینی ناسازگار است که از منظر دین، کجروی قلمداد می‌شود و به عینیت یافتن انتظار در جامعه آسیب می‌رساند. ناگفته پیداست چه بسا در مواردی این رفتارهای نابهنجار موجبات رضایت و خشنودی کج‌اندیشان را فراهم کند.

در این خصوص، موارد متعددی وجود دارد که بعضی از آنها برای نمونه ذکر می‌شود؛ از جمله دروغ و خلاف واقع سخن گفتن است که ابتدایی‌ترین



اثر اجتماعی آن به خطر انداختن امنیت مخاطب است. او نمی‌تواند به گفته و ادعای گوینده، اعتماد و اعتقاد پیدا کند. سرپیچی از هنجار سخن‌گفتن (که همانا راست‌گویی است) موجب سلب اطمینان مخاطب نسبت به متکلم می‌شود. ایمان گوینده را نشانه می‌رود و آن را از میان می‌برد.<sup>۱</sup> از این رو حداقل پیامدهای مخربی که آسیب‌هایی از قبیل ظهور مدعیان دروغین یا توقیت و تطبیق علائم ظهور با مصادیق خاص به وجود می‌آورند، ایجاد جوناامن و نامطمئن در میان منتظران است.

از دیگر آفت‌های دینداری، دروغ در جهت‌گیری کنش‌هاست. ظاهر امر در این موارد، چنین است که عمل به سوی خدا جهت‌گیری شده است؛ اما در اصل و باطن، جهت‌گیری برای غیر خداست که در این صورت نیز «ریا» یعنی نقطه مقابل ایمان تحقق می‌پذیرد. از جمله موارد دیگر، «حسد ورزیدن» به دیگران است که چه بسا حسد باعث شود اعضا در مقابل یکدیگر و در مسیر راه‌های زندگی، موانعی ایجاد کنند و به جای آن‌که تعامل آنها، صورت تعاون و همکاری به خود بگیرد، رنگ و بوی تخاصم و ممانعت داشته باشد. شکل پیش‌رفته حسد ممکن است در کینه‌توزی و دشمنی، خود را نشان دهد و به ایجاد اختلاف میان منتظران منجر شود.

به‌طور کلی، مواردی از کجروی که در تعامل‌های اجتماعی موجب نادیده‌گرفتن حقوق دیگران شود، ظلم به حساب می‌آید و این، مفهومی است که طیف گسترده‌ای از کنش‌ها را شامل می‌شود. ممکن است ظلم به عنوان یک عمل فردی صورت پذیرد؛ اما در این جا مقصود، آن شکلی است که حقوق دیگران نادیده گرفته شود. خاستگاه و منشأ پیدایش همه این آفت‌ها و کجروی‌ها، نادیده‌گرفتن الزام‌های دینی و به جان آن، تبعیت از هوا و هوس‌های خود است<sup>۲</sup> که با روح انتظار، تغایر دارد.

چیرگی و غلبه هوا و هوس‌ها و تمایلات شخصی، موجب می‌شود اعضای جامعه منتظر، هنجارهای دینی را نادیده گرفته، بر اساس میل خود راه

۱. نهج البلاغه، خطبه ۸۶، ص ۱۱۶.

۲. همان، کلام ۵۰، ص ۸۸.



پیمایند که در این صورت، تنها می‌باید به بروز اختلافات و تشتت بسیار چشم دوخت.

از دیگر پیامدهای آسیب‌های جامعه منتظر که بر تعاملات فردی اعضای جامعه تأثیر بسزایی دارد، تفسیرهای نادرست از کنش‌های دیگران و سوءظن به آنهاست. در صورت بروز چنین حالتی، معتقدات دینی اعضای جامعه با آسیب روبه‌رو می‌شود؛ زیرا بر اساس آموزه‌های دینی نمی‌توان و نباید تفسیر نادرستی از اعمال و رفتار دیگر اعضای جامعه داشت بلکه می‌بایست همواره رفتار آنان را در یک قالب و الگوی مقبول و متناسب با اخلاق و هنجارهای دینی تفسیر و تعبیر کرد. اگر شخص منتظر، سوءظن باشد، به ناچار کنش‌های کنش‌گران را بر اساس آن قالب و گرایش ذهنی خود تفسیر می‌کند و بر اساس آن تفسیر، کنش خود را به سمت آنان جهت‌گیری می‌نماید. طبعاً در چنین فضایی ارتباطات انسانی و تعاملات اعضای جامعه منتظر از شکل هنجاری خارج شده، رنگ و بوی خصومت و ستیزه‌جویی، هرج و مرج و... پیدا می‌کند.

در همه این موارد، نادیده‌گرفتن هنجارهای دینی در تنظیم کنش‌های اجتماعی باعث می‌شود انسجام و همبستگی اجتماعی اعضای جامعه منتظر، دست‌خوش آسیب گردد و همواره خصومت‌ها، عامل اصلی و مرکزی شناخت و تفسیر کنش‌ها و تنظیم روابط اجتماعی شود.

### ۱-۳. ترک وظایف و تکالیف انتظار

انتظار در کلیت خود به تمام ابعاد زندگی افراد منتظر مربوط می‌شود؛ اما برای تحقق آن در عینیت حیات فردی منتظران می‌باید به موانع آن نیز توجه داشت. روح منفعت‌طلبی و زیاده‌خواهی هر انسانی به دنبال آن است که بایدها و نبایدها را بر اساس تمایلات خود تفسیر کند. این ویژگی در بدو امر، خصوصیت طبیعی قلمداد می‌شود؛ اما وقتی با سایر موارد به صورت نظام‌وار در نظر گرفته می‌شود، به دلیل آسیب یا آسیب‌هایی که به سایر بخش‌ها وارد می‌کند، نیازمند کنترل و جهت‌دهی است.



از این رو باید متذکر شد که در انجام الزامات و هنجارهای دینی نباید خود را آزاد دانست و در انجام تکالیف و فرائض، با سستی و تساهل یا نادیده گرفتن تسامح برخورد کرد بلکه می باید آنچه از ناحیه دین به عنوان باورها، ارزش ها و هنجارها و مناسک دینی آمده است، تمام و کمال صورت پذیرد؛ وگرنه تسامح و تساهل در این تکالیف موجب آسیب به سایر بخش ها می شود؛ از این رو مهم ترین پیامد بروز آسیب در جامعه منتظر، بی توجهی به تکالیف انتظار و بایسته های حیات منتظرانه است.

هرچند مواردی که امکان چشم پوشی و آسان گیری در آنها وجود داشته، توسط خود دین، پیش بینی شده است و به همین علت، دین، «سمحه و سهله» می شود؛ اما این ویژگی نباید بهانه ای شود برای آن که منتظران به حداقل ها در ظرف ذهن و عین رضایت دهند. چنان که رضایت به حداقل ها، موجب چشم پوشی از تکالیف انتظار و در نتیجه، غفلت از فلسفه انتظار می شود.

این فرمانبرداری، طیف گسترده ای از تکالیف انتظار را در بر می گیرد. از آسان ترین آن که تلاش در جهت کسب معرفت و آگاهی دینی است، شروع شده و تا دشوارترین آنها که تلاش عملی در جهت عینیت بخشیدن به انتظار در حیات فردی و اجتماعی است را پوشش می دهد.

## ۲. آسیب های اجتماعی

### ۲-۱. ناامیدی افراد جامعه

عمده ترین پیامد اجتماعی که از آسیب های جامعه منتظر ناشی می شود، به ناامیدی افراد جامعه و سرخوردگی رفتاری و تردید فکری آنان مربوط می شود. بروز هریک از آسیب های جامعه منتظر که ذکرشان گذشت و نیز تکرار بروز آنها سبب می شود به تدریج در موضوعات و گزاره هایی که به این آسیب ها مرتبط است، دچار ابهام و تردید شده، از لحاظ رفتاری نیز نسبت به این موارد، بی تفاوت گردند.



این وضعیت به نوعی به ناامیدی اجتماعی دامن می‌زند که امکان هرگونه اصلاح و رشد را از میان برده و از معاضدت و تعامل افراد جامعه منتظر در راستای انجام وظایف و تکالیف خود می‌کاهد. این وضعیت، باعث بروز بحران‌ها و انحرافات فکری و عملی خاصی می‌شود که همچون گذشته تاریخ، خطر وقوع آنها، محتمل است.

ناامیدی و بی‌تفاوتی جامعه منتظر، مهم‌ترین اثر خود را در ترک وظیفه امر به معروف و نهی از منکر نشان خواهد داد. از آن‌جا که همه افراد جامعه منتظر، در انتقال و آموزش صریح یا پنهان ارزش‌ها و هنجارها و نیز نظارت بر التزام یا تخطی از آنها نقش بسزایی دارند و همین امر موجب بقای باورهای فرهنگی و در نتیجه حفظ وحدت و انسجام جامعه منتظر می‌شود، پرداختن به امر به معروف و نهی از منکر که لازم و ملزوم یکدیگر به حساب آمده و توأم باهم اثربخش هستند، اهمیت می‌یابد. در ادبیات دینی و در کلام معصومان علیهم‌السلام این دو فرآیند اجتماعی - دینی، امر به معروف و نهی از منکر شناخته و معرفی می‌شد و اگر این دو در ساختار اجتماعی از جایگاه خود برخوردار نباشند، پیامدهای ناگواری به دنبال خواهد داشت؛ به همین دلیل حضرت علی علیه‌السلام اعلان خطر کرده و چنین تذکر می‌دهد:

«مفاسد، آشکار شده. نه انکارکننده و تغییر دهنده‌ای پیدا می‌شود و نه بازدارنده‌ای به چشم می‌خورد. آیا با این وضع می‌خواهید در دار قدس خدا و جوار رحمتش قرار گیرید و عزیزترین اولیانش باشید؟ هیئات! خدای را درباره بهشت جاویدانش نمی‌توان فریفت و هیچ‌کس قادر به جلب رضایتش نیست؛ مگر با اطاعت از او. خداوند، امرکنندگان به معروف را که خود ترک‌کننده معروفند و نیز نهی‌کنندگان منکر را که خود مرتکب آن می‌شوند، لعنت می‌کند».<sup>۲</sup>

ویژگی یک جامعه پویا آن است که در سلسله مراتب طولی باورها و عقاید تا هنجارها و عمل، روش یکسانی داشته باشند. عمل‌ها منطبق با اجزای نظام فرهنگی و نظام فرهنگی، پاسخگوی نیازهای جامعه باشند. این همگونی باعث می‌شود ایستارهای ارزشی در ذهن اعضای جامعه، تحقق عینی به

۱. کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۶۹.

۲. نهج البلاغه، ص ۱۸۸.



خود ببینند و در مقابل عمل، التزام بدان‌ها مشاهده گردد. حال اگر جامعه‌ای دستخوش عدم تعادل شد، میان این دو لایه، ناهمگونی و تعارض پدیدار می‌شود و باورها، در مسیری ره می‌پیماید و عمل، در سویی دیگر. این فرآیند در کلام دیگری از امیرمؤمنان، علی علیه السلام آمده است:

«ای مؤمنان! هرکس ظلم و ستمی را مشاهده کند یا کار زشتی که مردم را به سوی آن می‌خوانند، اگر تنها به قلبش آن را انکار کند، سلامت را اختیار کرده است و گناهی بر او نیست و آن کس که با زبان و بیان آن را مردود شمارد، مقامش برتر از گروه نخست است و آن کس که با شمشیر برای بزرگداشت نام خدا و سرنگونی ظالمان به مبارزه برخیزد، او به راه هدایت راه یافته و برجاده حقیقی گام گذارده و نور یقین در قلبش تابیده است»<sup>۱</sup>.

در این کلام، به هر دو مکانیزم نظارت اجتماعی غیررسمی و کنترل اجتماعی رسمی، اشاره شده است. پایان کلام ایشان بیانگر این واقعیت است که این نظارت، ضامن سلامت، سعادت و تعادل جامعه و اعضای آن خواهد شد. چنین مکانیزمی دقیقاً درباره جامعه منتظر، صدق می‌کند و لزوم عمل به تکالیف اجتماعی انتظار را بیش از پیش تأکید می‌کند. اجرای امر به معروف و نهی از منکر در جامعه منتظر، حاکمیت انتظار در آن جامعه را تقویت کرده و مانع آسیب آن می‌شود.

## ۲-۲. عدم پیروی از فقها و دانشمندان

ناگفته پیداست دغدغه هر مسلمان متعهدی، راهنمایی بشر و نوع انسان‌ها به سوی فلاح، رستگاری و سعادت است. این وظیفه، در خصوص حفظ ایمان مسلمانان، دو چندان می‌شود؛ چراکه عالمان و متفکران مسلمان، خود را مسئول دینداری مسلمانان می‌دانند و هرآن چه که به دینداری آنها، چه در ذهن و چه در عین آسیب برساند را آفت دانسته، با آن به مبارزه برمی‌خیزند. تلاش خستگی‌ناپذیر و مجاهدت تاریخی فقها و علمای شیعه در طول عصر غیبت، گویای این حقیقت است که همواره دفاع از کیان مذهب و راهبری جامعه منتظر شیعه در خط مستقیم امامت و حفظ حدود فکری و واقعی آن، در رأس فعالیت‌های علمی و عملی ایشان بوده است.



با توجه به پیش‌بینی‌های پیامبر از آینده جامعه اسلامی و ایمان آوردن آیندگان به آرمان‌های ولای اسلام و توجه دادن به امامت دوازده امام پس از او و غیبت طولانی دوازدهمین امام، ناچار برای تضمین تداوم رهبری اسلامی در عصر غیبت کبرا- باید برای امام غایب، جایگزین و قائم مقامی باشد تا کمال، جامعیت و جاودانگی اسلام به خطر نیفتد؛ بنابراین رهبری در عصر غیبت امام معصوم، اصلی منطقی و معقول و نهادی عقلانی و بسیار ضروری و هماهنگ با اصول اولیه اسلام است.

مرجعیت فقیه با کفایت و جامع شرایط، بهترین فرض ممکن در صورت غیبت امام معصوم است؛ به همین دلیل نهاد مرجعیت در متن تعلیمات دین مطرح بوده تا مشکل و معضل جامعه منتظر را در عصر غیبت تا حدود زیادی برطرف کند. شعبه به برکت چنین نهادی در طول تاریخ پریچ و خم و با بدترین شرایط اجتماعی و حکومتی، در بهترین وضعیت فکری، عملی و سیاسی قرار داشته است.

آیه مبارکه «تفقه و انذار»<sup>۱</sup> و آیه «سؤال از اهل ذکر»<sup>۲</sup> خط کلی شریعت در فهم و فراگیری احکام دین از متخصصان را مطرح نموده و آیه حکومت دین توسط انبیاء و اوصیاء، «رَبَّانِیُونَ وَ اَحْبَابُ» (علما و دانشمندان)<sup>۳</sup>، مرجعیت سیاسی خط علم و فقه است که در پیامبر، امامان و فقهای جامع‌الشرایط متبلور می‌باشد را تشریح و تقنین کرده است.

روایت وارد شده از پیامبر نیز علما را وارثان انبیاء دانسته و فقها را امانت‌داران پیامبران و حاکمان بر مردم و امیران قرار داده است.

همچنین روایات معصومان لزوم تقلید از فقها و مرجعیت علمی و دینی آنان را یاد کرده و آنان را حاکم و حجت مردم قرار داده است. نهاد وکالت و نیابت در عصر «غیبت صغرا»، فعال‌ترین و مهم‌ترین نهاد متصل به نهاد امامت

۱. توبه، ۱۲۲.

۲. انبیاء، ۷.

۳. مائده، ۴۴.



امام معصوم بوده، حلقه وصل میان عصر حضور و عصر غیبت به شمار می‌رود. توقیع مهم امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف درباره رجوع به علما و راویان حدیث اهل بیت هم لزوم پیوند با فقها و دانشمندان را بیش از پیش تأکید می‌کند.<sup>۱</sup>

با این وجود، آن چه سبب می‌شود میان این رکن و حصن عظیم و مردمان جامعه منتظر فاصله افتد، به آسیب‌های فکری و رفتاری و آثار برآمده از آنها مربوط می‌شود که دامن‌گیر جامعه منتظر شده است. عوامل انحراف ذهنی، گاه به موضوعات برمی‌گردد؛ زیرا ممکن است برخی مجموعه‌های معرفتی باعث کجروی ذهنی شوند و گاه به روش‌ها برمی‌گردد؛ چه آن که ممکن است یک مجموعه معرفتی، خود، زمینه سعادت باشد؛ اما اگر از روش خاص آن علم به فراگیری پرداخته نشود، آفاتی را به دنبال خواهد داشت.

مهم‌ترین نقش عالمان و دانشمندان، آن است که در علم‌آموزی، فعالانه برخورد کرده؛ حضور جدی داشته باشند. وقتی فضای روابط انسانی میان عالم و دانشمند و پرسشگر و دانشجو، جایگاه خود را بیابد، علم‌آموزی فراگیر می‌شود و میل به پرسشگری از دانشمندان، تقویت می‌شود و این امر، تضمین‌گر شیوع بصیرت دینی درباره انتظار و رسالت تاریخی جامعه منتظر خواهد بود؛ اما اگر اخلاق و هنجارهای حاکم رعایت نشود، دانشجویان و طالبان علم به سراغ اهل علم نمی‌آیند و در این صورت است که نیازمندان علمی با مجهولات خود باقی می‌مانند و جهل و نادانی بر آنها چیره می‌شود. دوری از فقها و دانشمندان که از آثار اجتماعی آسیب‌های جامعه منتظر محسوب می‌شود، خود زمینه‌ساز بروز مسائل و مشکلات بی‌شمار دیگری خواهد شد.

حال اگر این مجهولات مربوط به حوزه دین باشد، تأثیر آن، دوچندان می‌شود؛ زیرا مردمان جامعه منتظر نمی‌توانند رفتارهای خود را با هنجارهای دینی مطابق سازند و افراد جامعه، هم‌نوا با دین شوند. اصولاً در این وضعیت، مردمان از هنجارهای دینی، اطلاعات لازم و کافی ندارند تا رفتارهای خود را با آن هم‌نوا سازند و از این خطرناک‌تر وقتی است که همین پرسشگران به جای مراجعه به دانشمندان و اهل علم متخصص و باکفایت، به کسانی که صلاحیت لازم را ندارند، روی آورند و همین امر باعث پیدایش هرج و مرج‌ها شده و دین آنها به مخاطره افتد.





## ۲-۳. گسست میان نسل‌های شیعه

با آغاز غم‌انگیز عصر غیبت، جامعه شیعیان وارد دوره جدیدی از حیات تاریخی خود شد. این مرحله نه تنها شرایط خاص خود را دارا بوده که اساساً طریق هدایت الهی در آن نیز در مقایسه با ادوار پیشین، متفاوت است. جریان هدایت الهی در قالب حجت‌های خداوند، این بار به صورت طولی گسترش یافته و همزمان با مدیریت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، فقها به عنوان مرجع و ملجأ جامعه شیعه وارد عمل شدند. این رویه تا بدان جا ادامه یافت که بررسی حیات تاریخی تشیع در عصر غیبت، به دلیل پیوند محکم جریان مرجعیت با واقعیت‌های زندگی شیعیان، در گرو شناخت مراحل تکامل مرجعیت شیعه است.

جریان مرجعیت، علاوه بر حفظ علوم و معارف مبنایی جامعه منتظر، به عنوان نخ تسبیحی عمل می‌کند که نسل‌های تشیع را در مسیری واحد نگه داشته و به پیش می‌برد. در واقع آن چه باعث شده تا تشیع از اقلیت درآمده، برابر انبوه فشارهای سیاسی و اجتماعی و حتی مذهبی سربلند کند، وجود عنصری همیشگی و مستمر به نام مرجعیت است که البته در زمان‌های مختلف، بسته به نیازها و شرایط هر دوره، در چهره‌های متفاوت به ظهور رسیده است.

به عبارت دیگر، آن چه خط انتظار و حیات تاریخی جامعه منتظر را برابر آشوب‌ها و تحولات بی‌شمار حفظ کرده و برصراط نجات، محکم نگاه داشته است، وجود نهاد فقاهاست و مرجعیت است. علاوه بر این، مطالعه جریان مرجعیت و رهبری در عصر غیبت، گویای شرایط هر دوره از تاریخ است؛ از این رو مرجعیت شیعه، آینه‌دار حیات جامعه منتظر در طول تاریخ به حساب می‌آید.

در عصر غیبت کبرا با توجه به شرایط عینی جامعه اسلامی و جامعه شیعه و با توجه به اهداف کلی دین، امکانات و تجربیات فقها و مراجع، می‌توانیم برای نهاد مرجعیت، مراحلی را ترسیم نماییم که در این مراحل، حرکت بالنده این نهاد، مجسم می‌شود. با توجه به اهداف حرکتی و انقلابی دین و شیوه‌های مبارزه برای رسیدن به حاکمیت دین، سه مقطع تاریخی نهاد مرجعیت، مورد توجه مورخان بوده و است.<sup>۱</sup>

۱. ر. ک: تاریخ عصر غیبت، فصل هشتم. در این بخش، با مروری بر برخی از مهم‌ترین مسائل



در مرحله نخست، پنهان‌کاری در زمینه ارتباط دینی و سیاسی، پیش از شروع غیبت کبری آغاز می‌گردد و به تناسب شرایط سیاسی هر منطقه، درجه «تقیه» تنظیم گشته و رابطه مردم با فقها و مراجع خود، تحقق می‌یابد. دولت‌های انقلابی شیعی در این دوره، زمینه را برای ظهور - البته به تناسب قدرت و فضای جغرافیایی آن دولت - مهیا کردند. در مرحله دوم، تلاش برای تصدی حکومت شکل می‌گیرد که با توجه به این‌که فقها، خود زمام امور را مستقیماً به دست نگرفته بودند، تلاش فوق تشخیص نمی‌یابد.

در مرحله سوم و هنگام تصدی حکومت که با آغاز قرن پانزدهم و به طور مشخص در قالب انقلاب اسلامی در ایران شروع می‌شود، با توجه به تجربیات تلخ گذشته که فقها به دیگران اعتماد می‌کردند و به تدریج دولت و حاکمان، دچار انحراف فکری یا عملی می‌شدند و به فساد قدرت کشیده می‌شدند و زمام امور را از کف می‌دادند، یک فقیه جامعه‌الشرایط، مسئولیت مستقیم ولایت و رهبری سیاسی را بردوش می‌گیرد.

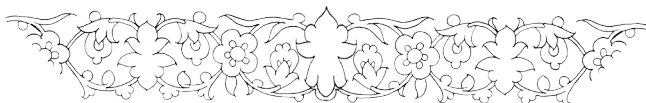
رابطه شیعیان با نهاد مرجعیت در طول تاریخ عصر غیبت نیز سیر تکاملی خود را یافته است. در نخستین مراحل، این ارتباط مردمی به صورت فردی و مستقیم با مراجع، در حد استفتاء و افتاء بود که تا زمان علامه حلی رحمته‌الله علیه ادامه یافت. تشکیلاتی شدن دستگاه مرجعیت و ارتباط مردم توسط وکلای مرجع با او و تقیسم و کلابر مناطق مختلف، گام دوم ارتباط تاریخی مردم با مرجعیت متمرکز شد و جامعه بزرگ شیعی، رهبر بزرگ خود در نهضت انتظار را در قالب مرجع وقت می‌شناخت. پس از این دوره است که با ورود مراجع به سیاست و مبارزه با استعمار خارجی و استبداد داخلی و حرکت به سوی حاکمیت اسلام در صحنه زندگی و در سطح سیاسی و بین‌المللی، مرحله جدیدی از ارتباطات جامعه منتظر شکل می‌گیرد.

این پیشینه پرافتخار و طولانی که به عنوان دسترنج تاریخی جامعه منتظر در عصر غیبت شکل گرفته است، نیازمند ارائه و انتقال به نسل‌های آینده تشیع است که در این میان، بروز آسیب‌های ذکر شده برای جامعه

عصر غیبت کبرا، دورنمایی از حیات تاریخی جامعه منتظر به تصویر درآمده است.

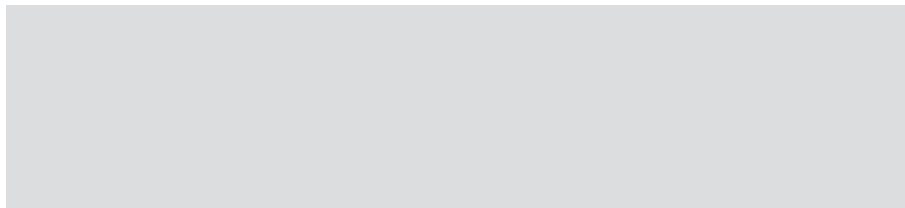
منتظر، مانع این رخداد مهم می‌شود. دامن زدن و گرفتار آمدن جامعه منتظر در آسیب‌های فکری و رفتاری، سبب می‌گردد ارتباط آن با سنت، از بین رفته و امکان برقراری ارتباط با نسل‌های گذشته از میان برود. در چنین زمینه‌ای است که رسالت تاریخی جامعه منتظر تحت تأثیر واقع شده و در آرمان نهایی آن، ابهامات و سستی‌هایی به ظهور می‌رسد.

از این رو یکی از مهم‌ترین آثار و پیامدهای بروز آسیب در جامعه منتظر را می‌بایست در ایجاد گسست میان نسل‌های تاریخی تشیع، جستجو کرده و برای بررسی و مطالعه گسترده این پیامدها و دریافت راه‌های مقابله با آن، تلاش کرد.



## بخش دهم

\_\_\_\_\_ کتاب‌شناسی مهدویت

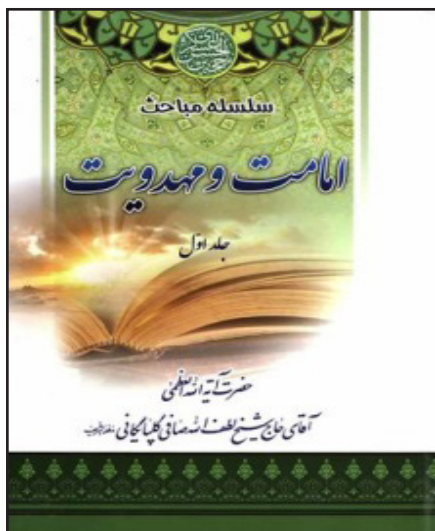


## کتاب‌شناسی مهدویت

استقبال قابل ستایش و روزافزون از مباحث مهدویت از سویی و عدم نظارت جدی برانتشار کتاب‌های مهدویت از سوی دیگر، می‌طلبد تا افرادی که به مطالعه در این عرصه ارزشمند علاقه‌مند هستند، آگاهی لازم را برای شناسایی منابع معتبر و بدون اشکال، به دست آورند.

یکی از راه‌هایی که می‌تواند به علاقه‌مندان این عرصه کمک ارزشمندی نماید، معرفی کتاب‌های معتبر در این زمینه است. کتاب‌هایی که دارای محتوایی استوار و قابل پذیرش هستند یا درنگاهی جزئی‌تر، از استحکام لازم برخوردارند؛ بنابراین مناسب دیدیم تعدادی از این کتاب‌ها را معرفی کنیم.

### ۱. امامت و مهدویت



این اثر ارزشمند، حاصل سال‌ها تلاش آیت‌الله شیخ لطف‌الله صافی گلپایگانی از مراجع تقلید معاصر شیعه است.

این کتاب، مجموعه مقالاتی است که در مناسبت‌ها و فرصت‌های گوناگون درباره «ولایت و امامت عامه و خاصه» به رشته تحریر درآمده و پیش از آن، به صورت کتاب‌های مستقلی به چاپ رسیده بود.

این مجموعه پس از تنظیم در سال ۱۳۸۰، در دو مجلد به چاپ رسیده است. جلد نخست درباره مباحث بنیادین امامت و جلد دوم، ویژه مباحث مهدویت است.

عناوین مطلب جلد نخست این کتاب، بدین قرار است؛



۱. ولایت تکوینی و ولایت تشریحی: در این مقاله به بحث‌هایی چون توحید و پرهیز از شرک و غلو، ولایت تکوینی، ولایت تشریحی و... پرداخته شده است.

۲. تجلی توحید در نظام امامت: در این مقاله به بحث درباره تجلی توحید در رسالات انبیاء در اسلام، در نظام امامت و در امامت حضرت مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَةَ الشَّرِيفَ پرداخته شده است.

۳. پیرامون معرفت امام: در این مقاله به موضوعاتی که به شناخت و معرفت امام مربوط است، توجه شده و به مناسبت، به بحث‌هایی چون نیاز جامعه به مرکز و مدیر و وجوب اطاعت امام نیز پرداخته شده است.

۴. نظام امامت و رهبری: در این بخش به بررسی معنای امام و در پی آن، انواع حکومت‌ها اشاره شده است.

۵. فروغ ولایت: در این بخش به بررسی‌هایی درباره دعای ندبه - چه از دیدگاه سند و چه از دیدگاه محتوا - توجه شده است و در پایان نیز به برخی پرسش‌ها که در رابطه این دعای شریف مطرح شده، پاسخ داده شده است.

۶. انتظار، عامل مقاومت و حرکت: در این مقاله که بخش پایانی جلد نخست به شمار می‌آید به موضوعات مربوط به بحث انتظار پرداخته شده است.

عنوان نوشته‌های جلد دوم چنین است:

- وابستگی جهان به امام زمان عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَةَ الشَّرِيفَ؛

- عقیده نجات بخش؛

- اصالت مهدویت؛

در این مقاله، اصالت‌های عقیده مهدویت را از ده جهت بحث و بررسی کرده که برخی از این قرار است:

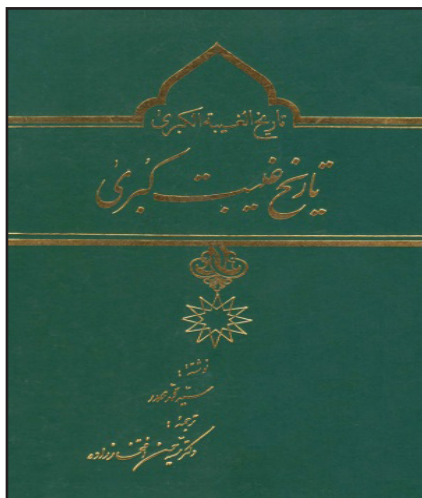
- اصالت مهدویت از جهت معقولبودن امکان آن،

- اصالت مهدویت از جهت اتکا بر مبانی معقول و منطقی،

- اصالت مهدویت از جهت موافقت با فطرت و سنن عالم خلقت،
  - اصالت مهدویت از جهت قبول امت‌ها و مبتنی بودن آن بر بشارت‌های پیامبران و ادیان آسمانی،
  - اصالت مهدویت از جهت ابتدای آن بر آیات قرآن کریم،
  - اصالت مهدویت از جهت ابتدای براحادیث معتبر و متواتر،
  - اصالت مهدویت از جهت اتفاق مسلمانان و اجماع شیعه و اهل سنت،
  - اصالت مهدویت از جهت معجزه‌ها و کرامت‌ها،
  - اصالت مهدویت از جهت ابتدای آن بر توحید و یکتاپرستی،
  - اصالت مهدویت از جهت نقش آن در عمل و برقراری عدالت و به ثمر رساندن انقلاب اسلام.
۷. معرفت حجت خدا: در این نوشتار به صورت عمده، به بحث درباره دعای «اللهم عرفنی نفسک...» پرداخته شده است.
۸. نوید امن و امان: در این مقاله به بشارت‌های قرآن مجید و نیز احادیث ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اشاره شده است.
۹. پاسخ به ده پرسش: در بخش پایانی این مجموعه، در ضمن پرسش و پاسخ، به مباحثی چون استمرار نظام امامت، چگونگی پیروزی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بر سلاح‌های ویرانگر، مکان آن حضرت در دوران غیبت کبرا و موضوعاتی دیگر، آنها را نقد و بررسی کرده و سعی نموده با استفاده از آیات و روایات و علم جدید و استدلال‌های عقلانی به پرسش‌ها پاسخ معقول و منطقی دهد.



## ۲. تاریخ غیبت کبرا



تاریخ غبت کبرا، کتابی تاریخی و کلامی است که اصل آن به زبان عربی، با عنوان «تاریخ الغیبه الکبری»، توسط سید محمد صدر به رشته تحریر درآمده است. این اثر، دومین مجموعه از رشته پژوهش‌هایی درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف است و عنوان کلی آن، موسوعه الامام الهدی می‌باشد. این کتاب دارای پیشگفتاری درباره تعریف «غیبت کبرا» و شامل سه بخش است.

بخش اول: تاریخ زندگی شخصی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف که دارای پنج فصل است:

۱. راز بنیادین غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف، تکلیف اسلامی امام در زمان غیبت کبرا و کارهایی که در این مدت انجام می‌دهد،

۲. زندگی خصوصی آن حضرت،

۳. دیدارهای حضرت در طول غیبت کبرا،

۴. نامه‌های حضرت به شیخ مفید.

بخش دوم: تاریخ انسانیت در روزگار غیبت کبرا که دارای سه فصل است:

۱. بررسی اخبار مربوط به پیشگویی آینده،

۲. اخباری مشتمل بر پیشگویی‌ها،

۳. تکلیف اسلامی در عصر غیبت کبرا.

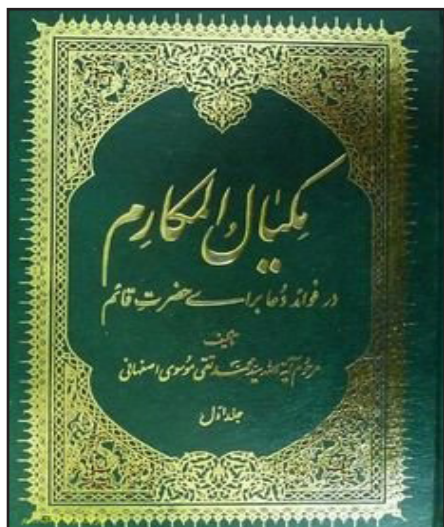
بخش سوم: شرایط ظهور و نشانه‌های آن که دارای دو فصل است:

۱. شرایط شهر، برنامه‌ریزی ویژه ایجاد رهبر؛



۲. نشانه‌های ظهور: تعیین روش کلی رویدادهایی که در تاریخ اتفاق افتاده است، روی دادن معجزه‌ها بیش از اندازه، قانونمندی معجزات، شمارش یکایک نشانه‌های ظهور و کوشش برای فهم کلی و منظم علائم ظهور.

### ۳. مکیال المکارم فی فواید الدعاء للقائم



این کتاب ارزنده توسط علامه متقی، مرحوم حاج میرزا محمدتقی موسوی اصفهانی رحمته الله علیه نگارش یافته است.

همان‌گونه که از عنوان کتاب مشخص است، موضوع، بررسی فواید دعا برای حضرت مهدی است؛ اما فقط بخش عمده کتاب به این موضوع اختصاص دارد و نویسنده به بحث‌های دیگر درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز پرداخته است.

این کتاب، پژوهشی است درباره لزوم شناخت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و دعا برای آن حضرت و فواید دنیایی و آخرتی آن بر محور بیش از یک هزار حدیث، فراهم آمده است. هدف نویسنده، حق‌گزاری و شکر نعمت وجود حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و دیدن خوابی درباره نوشتن این کتاب است.

وی درباره انگیزه نگارش این اثر، نوشته است:

به نظر آمد که کتاب مستقلی در این موضوع (فواید دعا برای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف) انتظار فرج، ابزار قرب به او... بنویسم؛ اما مشکلات روزگار مرا از این کار بازداشت تا این‌که در خواب، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را دیدم که به من فرمود: «این کتاب را بنویس و عربی هم بنویس و نام آن را مکیال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم بگذار». وقتی از خواب بیدار شدم، تصمیم به نگارش آن

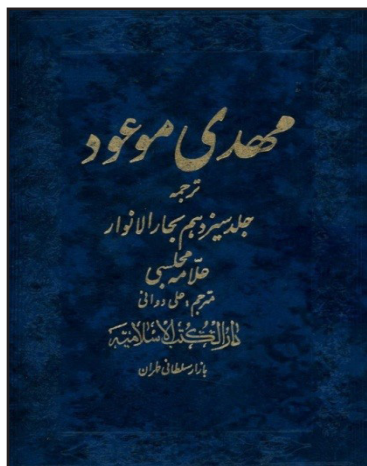


گرفتم که توفیق یارم نشد تا این که در سال ۱۳۳۰ ق به مکه مشرف شدم و وبا در آن جا گسترش یافت.

با خداوند عهد کردم اگر به سلامت بازگشتم، تصنیف این کتاب را آغاز کنم. به لطف خدا، با سلامتی بازگشتم و تدوین آن را آغاز کردم. نویسنده، مطالب کتاب را در هشت باب به تعداد درهای بهشت، تنظیم کرده است:

۱. وجوب شناخت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف،
۲. امام زمان ما، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف است،
۳. بخشی از حقوق امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف بر ما،
۴. ویژگی های حضرت که مستوجب دعای مردم در حق او است،
۵. فواید دعا برای فرج صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشريف،
۶. اوقات و حالاتی که در آنها به دعا برای حضرت و تعجیل فرج تأکید شده است،
۷. چگونگی دعا برای تعجیل فرج و پاره ای از دعاهای مأثور،
۸. در بقیه اموری که سبب قرب به حضرت می شود و حضرت را خوشحال می کند و نزد ایشان، پُرازش است.

#### ۴. مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف؛ ترجمه جلد سیزدهم بحار الانوار



این کتاب ارزشمند، ترجمه جلد سیزدهم کتاب بحار الانوار، اثر گرانسنگ علامه مجلسی عجل الله تعالی فرجه الشریف است که به وسیله دانشمند محترم، مرحوم علی دوانی به فارسی برگردان شده است.

این اثر، حاوی گزارشی تفصیلی با محتوای تاریخی- حدیثی در زندگانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

ترجمه فارسی کتاب، با مقدمه و پاورقی مبسوط مترجم همراه است.

مقدمه و اضافات مترجم با افزودن قصائد و قطعاتی چند از آثار ادب فارسی، نگارش یافته است. مترجم در جای جای کتاب در رد شبهاست فرقه بهائیه و باییه، نهایت سعی خویش را به کار برده است.

عنوان‌های مهم کتاب، از این قرار است:

۱. عناوین مقدمه‌های کتاب: شرح کامل زندگانی علامه مجلسی و آثار و آرای او، مواضع شرق‌شناسان انگلیسی و صوفیه درباره علامه مجلسی، فرقه‌های صوفیه شیعه و سنی، نکوهش صوفیه توسط دانشمندان بزرگ شیعه، مهدویت در اسلام و دیگر ملل و ادیان، بهایی‌گری و منشأ پیدایش آن و کتاب‌های این فرقه.

۲. پاورقی‌ها: شامل ده‌ها موضوع متنوع تاریخی، کلامی، حدیثی، ملاحم، اشعار و مدایح است.

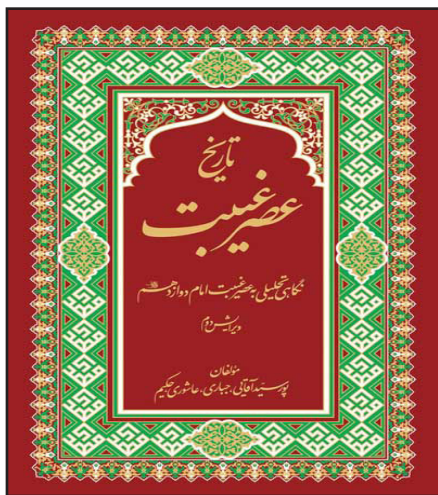
۳. متن کتاب: تاریخ ولادت، نام و کنیه حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، آیاتی که در روایات اهل بیت علیهم السلام به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و ظهور آن حضرت تأویل شده است، روایاتی که از طریق شیعه و سنی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نقل شده است، همچنین اخباری که به وسیله کاهنان ذکر



شده است، طرح بسیاری از مسائل کلامی به صورت پرسش و پاسخ، ارائه نظریات برخی علمای بزرگ در موضوع مهدویت، مقایسه شباهت‌های آن حضرت با پیامبر اسلام ﷺ و دیگر پیامبران الهی ﷺ، اخبار معمرین (آنان که عمری طولانی داشته‌اند) دنیا و تحلیل غیبت طولانی آن حضرت، کرامات آن حضرت، نواب خاص آن حضرت، مدعیان دروغین نیابت، تشرف یافتگان محضر آن بزرگوار، انتظار فرج، نشانه‌های ظهور، شیوه حکومت‌داری حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، رویدادهای زمان آن حضرت، رجعت، جانشینان حضرت و سرانجام وقایع پس از آن حضرت و پایان تاریخ...، فقط برخی از موضوعات مورد بحث این اثر ارزشمند است.

## ۵. تاریخ عصر غیبت

(نگاهی تحلیلی به عصر غیبت امام دوازدهم)



در این کتاب که به وسیله گروهی از نویسندگان (پورسیدآقایی، جبجباری، عاشوری حکیم) به رشته تحریر در آمده، تلاش شده است تحلیلی از دوران غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در اختیار خواننده قرار گیرد. کتاب، نگاهی است از منظر تاریخی و تلاشی است در جهت بررسی تاریخ «غیبت صغرا» و «غیبت کبرا»ی امام دوازدهم عجل الله تعالی فرجه الشریف. در بررسی غیبت صغرا، ابتدا مروری شده است بر بررسی منابع و شناخت وضعیت سیاسی-اجتماعی

و فکری عصر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در آستانه غیبت و آشنایی با زمینه‌های تاریخی و تمهیدات امامان علیهم‌السلام به ویژه امام هادی و امام عسکری علیه‌السلام - برای ورود شیعه به این عصر و بررسی سازمان مخفی وکالت و تکوین و فرآیند تکاملی آن و نقش آن در زمان غیبت صغرا حضرت و سپس چگونگی آغاز غیبت،

دلایل آن، شرح نواب خاص و وظایف و نقش آنان در این عصر.

در بررسی غیبت کبرا نیز به تاریخ شیعه، نهضت‌ها و دولت‌های آن؛ همراه با حرکت‌های علمی و مبارزه‌های دانشمندان و دوران مرجعیت فقیهان و مدارس آنان، اشاره شده است. در نهایت نیز بررسی کوتاهی درباره آثار و سیرت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف صورت پذیرفته است.

عناوین فصل‌های نه‌گانه کتاب، بدین قرار است:

۱. معرفی و بررسی منابع تاریخ عصر غیبت،

۲. نگاهی کوتاه به زندگی امام دوازدهم عجل الله تعالی فرجه الشریف،

۳. وضعیت سیاسی، اجتماعی و فکری عصر عباسیان در آستانه غیبت صغرا،

۴. وضعیت فکری، سیاسی و اجتماعی شیعه در آستانه غیبت صغرا،

۵. زمینه‌سازی معصومان برای ورود شیعه به عصر غیبت،

۶. پیشینه سازمان وکالت و جایگاه آن در عصر غیبت صغرا،

۷. عصر غیبت صغرا،

۸. مروری بر برخی از مهم‌ترین مسائل عصر غیبت کبرا،

۹. سیرت و آثار امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف.

این کتاب، برای علاقمندان به مباحث تاریخی مهدویت، به خوبی قابل استفاده است.



## ۶. تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم عجل الله تعالی فرجه الشریف



مؤلف این کتاب، دکتر جاسم محمدحسین، اهل عراق و متخصص در تاریخ اسلام است. وی تحصیلات خود را در رشته تاریخ خاورمیانه و در بصره، بغداد و ادینبورگ اخذ کرده است. سپس در بخش «مطالعات اسلامی و خاورمیانه» آن دانشگاه، دوره تحقیقات فوق دکترا را ادامه داده است.

علاوه بر این کتاب، مقالات و کتاب‌های محققانه دیگری نیز از دکتر جاسم حسین به زبان‌های انگلیسی، عربی و اردو به چاپ رسیده است که برخی از آنها عبارت است از:

۱. بررسی مراسم مذهبی تعزیه میان شیعیان از دیدگاه تاریخی و جامعه‌شناسی،
  ۲. سیاست اصولی و منسجم امامان،
  ۳. نقش احادیث مذهبی در غیبت امام دوازدهم عجل الله تعالی فرجه الشریف،
  ۴. تأثیر غیبت کبرای امام دوازدهم عجل الله تعالی فرجه الشریف بر موقعیت سیاسی و مذهبی فقهای امامیه،
  ۵. نقش وکالت امامیه با عنایت خاص نسبت به دوران نخستین سفیر.
- در این کتاب، درباره نهضت مخفی وکالت با پیروانی در سراسر جهان اسلام که با اعتقاد به امامت، در جایگاه قطب سازمان، قادر به حفظ تمامیت اسلام از گزند رویدادهای روزگار است، مطالعه‌ای انجام شده است.
- کتاب تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم عجل الله تعالی فرجه الشریف با ورود و خروج خوبی به مباحث، یک مسیر تحقیقی محققانه و منصفانه را پی می‌گیرد و از یک مقدمه، هفت فصل و نتیجه‌گیری تشکیل شده است.

فصل دوم: نقش امامان در فعالیت‌های مخفی و تأثیر آن بر تکامل تدریجی غیبت،

فصل سوم: دیدگاه‌های امامیه درباره امام غایب و ولادت آن حضرت،

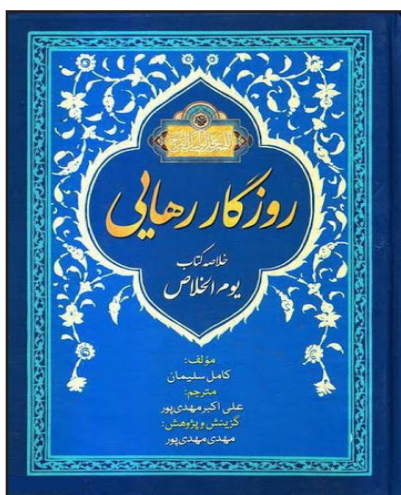
فصل چهارم: بازتاب فعالیت‌های مخفی امام دوازدهم عجل الله تعالی فرجه الشریف در اقدام‌های سفیران آن حضرت،

فصل پنجم: فعالیت‌های مخفی دومین سفیر امام دوازدهم عجل الله تعالی فرجه الشریف،

فصل ششم: دوران نوبختی، سومین سفیر،

فصل هفتم: سفیر چهارم و غیبت کبرای امام دوازدهم عجل الله تعالی فرجه الشریف ۱.

## ۷. روزگار رهایی؛ ترجمه کتاب یوم‌الخلاص



این کتاب، اثر نویسنده جبل عاملی، کامل سلیمان است که به اسلوبی نوین به رشته تحریر درآمده است.

متن عربی این کتاب با نام یوم‌الخلاص، در یک جلد نگارش یافته است؛ اما ترجمه آن به دلیل وجود متن عربی تعداد زیادی از روایات، در دو جلد منتشر شده است.

این کتاب در ۲۰ بخش تنظیم شده است که نیمی از آن به بیان کلیاتی از احوال، آثار غیبت و انتظار و دلایل و

حکمت‌های آنها و رد منکران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پرداخته است. نیمه دوم کتاب، به حوادث نزدیک ظهور، قیام و حکومت حضرت، نشانه‌های آخرالزمان،



صفات یاران و مخالفان وی و ده‌ها بحث دیگر به شیوه‌ای ابتکاری پرداخته است.

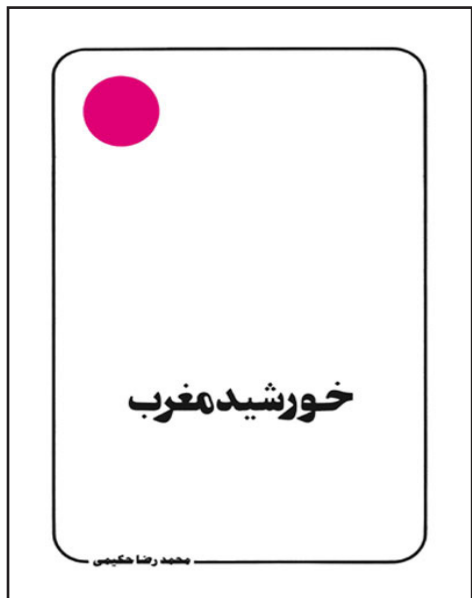
مؤلف در نگارش این اثر، در هریخش، نخست سخنان پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و سپس روایات دیگری از معصومان عَلَيْهِمُ السَّلَامُ را مورد توجه و بررسی قرار داده است.

یادکرد این نکته لازم است که نقل روایت از برخی منابع که دارای اعتبار لازم نیستند و نیز عدم دقت لازم در برخی ترجمه‌ها، کم و بیش اشکالاتی را برای این اثر از زشمند، ایجاد کرده است.

از ویژگی‌های ترجمه حاضر، آن است که از چاپ چهارم کتاب *یوم‌الخلاص* برگردان شده که در مقایسه با چاپ نخست، مطالب بیشتری دارد و مترجم در آخر آن، فهرست‌های مفصل و مفیدی افزوده است.



## ۸. خورشید مغرب



کتاب خورشید مغرب، نوشته محمدرضا حکیمی از دانشمندان اسلامی عصر حاضر است. این کتاب، جایگاه ویژه‌ای در میان کتاب‌های مربوط به امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف دارد. عنوان فرعی کتاب، «غیبت، انتظار و تکلیف» است. مؤلف کوشیده تا مسئله مهدویت را از زوایای علمی، عقلی، تاریخی، روایی، قرآنی و ملل و نحل مورد بحث و بررسی قرار دهد.

خورشید مغرب، برای نخستین بار در سال ۱۳۴۹ و در ۵۱ صفحه توسط انتشارات غدیر در

تهران به چاپ رسید. در سال ۱۳۶۰ مباحث و نکات دیگری بر آن افزوده شده و در همان قطع به همت دفتر نشر فرهنگ اسلامی چاپ شد. مؤلف در سال ۱۳۶۲ آن را در قطع وزیری، با ۳۹۰ صفحه به شکل کنونی درآورد و از آن زمان تاکنون بارها چاپ و منتشر شده است؛ خورشید مغرب، چهارده فصل (به عدد معصومین علیهم السلام) و یک یادآوری مهم دارد:

۱. میلا، ۲. شمایل و سیرت، ۳. غیبت، ۴. غیبت در کتاب‌های پیشینیان، ۵ و ۶ غیبت در کتاب‌های مسلمین، ۷. در «قرآن کریم»، ۸. در «سوره قدر»، ۹. در علوم عقلی، ۱۰. در علوم تجربی، ۱۱. در فلسفه تربیتی و سیاسی، ۱۲. عینیت مقاومت نه عینیت تسلیم، ۱۳. انتظار، ۱۴. در طلب خورشید.

وی در بخشی از کتاب، چنین نوشته است: «یکی از ابعاد عظیم تکلیف حساس و بزرگ در روزگاران غیبت و انتظار، حفظ دین، نگهبانی مرزهای عقیدتی و حراست از باورهای مقدس است. جامعه منتظر نباید در باره این امر عظیم، سستی روا دارد.»



لازم است فروغ ایمان و نور یقین و پرتو عقیده به حق و تشعشع اعتقادات راستین، همواره در دل و جان مردم، محفوظ باشد و پیوسته ژرف تر و ژرف تر شود و بارور تر و بارور تر گردد. لازم است جان و دل نوباوگان، نوجوانان و جوانان، هر دم در برابر تابش اعتقادات حقه قرار گیرد و از این تابش و تجلی، آکنده گردد. ایمان، جزء وجود آنان و مایه تقووم هویت اصلی آنان باشد تا کم کم، حق و فداکاری در راه اعتلای حق، چون خون، همه وجود آنان را گرم کند و چون روح، جوهر حیات آنان باشد»<sup>۱</sup>.

گفتنی است نام کتاب از روایاتی گرفته شده که طلوع خورشید از مغرب را از حوادث مهمی دانسته است که در آستانه قیامت، رخ خواهد داد.<sup>۲</sup> شیخ مفید رحمته الله علیه درباره چگونگی این اتفاق، نوشته است: «خورشید هنگام ظهر در آسمان راکد می شود و ساعتی چند تا به هنگام عصر پیدا نباشد؛ آنگاه از مغرب، آشکار گردد»<sup>۳</sup>.

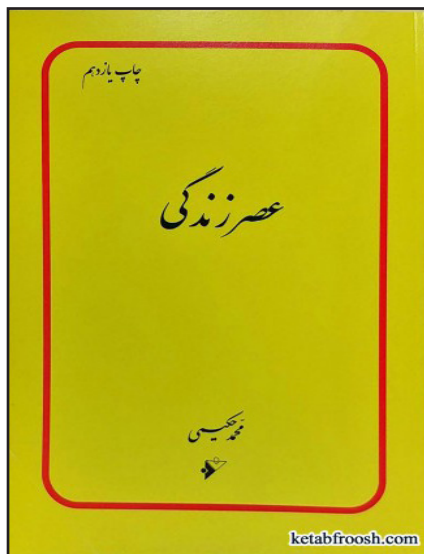
این کتاب علاوه بر نثر زیبا، از استحکام خوبی برخوردار است که می تواند برای عموم علاقمندان به مباحث مهدویت - به ویژه اهل فرهنگ - مفید باشد.

۱. حکیمی، محمد رضا، خورشید مغرب، ص ۲۷۶.

۲. طوسی، محمد بن حسن، الغیبه، ص ۴۳۶، خ ۴۲۶.

۳. مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۳۶۸.

## ۹. عصر زندگی



این کتاب، اثر ارزشمندی است از محمدرضا حکیمی که نگاهی بدیع و کاربردی به موضوعات و مسائل مهدویت دارد.

نویسنده در این راستا کوشیده مباحث را با کمک‌گرفتن از آیات و روایات، به صورت تحلیلی، تبیین و تفسیر کند.

مؤلف با بهره‌گیری از حدود سیصد آیه و روایت، مخاطب را به تأمل بیشتر در آیات و روایات فرامی‌خواند. عصر زندگی می‌کوشد با تحلیل‌های

نسبتاً مناسب، به بعضی از بیماری‌ها و آفت‌های اخلاقی و مشکلات و لغزش‌های جریان‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی پیش از ظهور پرداخته و علت پیدایش و راه برطرف شدن آنها را توضیح دهد. نویسنده به دنبال گشودن دریچه امید برای بشریت گرفتار یأس و سرخوردگی‌هاست که با ظهور مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف تحقق خواهد یافت و برای این کار، مطالب ارزشمند و وزینی را ارائه می‌دهد.

کتاب مورد نظر، ۲۵ بخش دارد که بعضی از آنها بدین قرار است:

۱. عدالت اجتماعی، ۲. در سایه شمشیر، ۳. تدارک جنگ و تربیت جنگاوران، ۴. سازش‌ناپذیری، ۵. تصحیح انحراف‌های فکری، ۶. وحدت عقیدتی و مرامی، ۷. رفاه اقتصادی، ۸. مساوات، ۹. حاکمیت فراگیر جهانی، ۱۰. حکومت مستضعفان، ۱۱. آیین و روش جدید، ۱۲. رشد عقلی و تکامل علم، ۱۳. امنیت اجتماعی، ۱۴. رشد تربیت انسانی، ۱۵. اصول بیعت و ...

در بخشی از این کتاب، این‌گونه می‌خوانیم: «از اقدامات مهم امام،

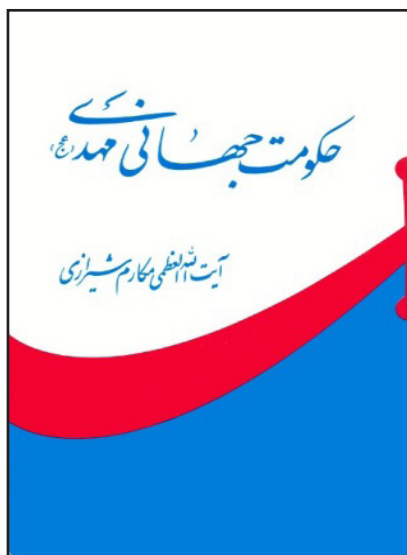
تصحیح انحراف‌هایی که به مرور ایام در تفسیر احکام و توجیه مبانی دین



روی داده و حذف برداشت‌های غیراسلامی و نادرست است که به نام اسلام به اذهان القا شده و در مبانی دین تحریف معنوی یا موضعی پدید آورده است. کوشش امام و رسالت او، تطبیق درست و دقیق تعالیم قرآن، بر مسائل حیات بشری و مشخص حد و مرزهای واقعی احکام اسلام است؛ به گونه‌ای که توجیه و تأویل بردار نباشد و مانع هرگونه انحراف و کژوی و بدآموزی شود. دگروار تفسیر کردن تعالیم اسلامی، منحصر به احکام فرعی و فقهی و مسائل اجتماعی و اقتصادی نیست بلکه اصول دین نیز مشمول این جریان است».

این کتاب با نثری زیبا و روان، می‌تواند مورد استفاده عموم علاقمندان به مباحث مهدویت قرار گیرد.

### ۱۰. حکومت جهانی مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف



کتاب حکومت جهانی مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، نوشته آیت‌الله ناصر مکاری شیرازی، پژوهشی درباره ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و ویژگی‌های حکومت جهانی آن حضرت است. مؤلف در این کتاب با بهره‌گیری از روایات و منابع تاریخی شیعه و سنی و برخی از پژوهش‌های غربیان، مطالب ارزشمندی را ارائه کرده است. ایشان نخست در خصوص آینده جهان و سیر تکاملی جامعه، به بیان نظریات بعضی از ادیان و کتاب‌های آسمانی (نظیر زرتشتی، هندو، یهود و مسیحیت) و نیز دانشمندان غربی درباره مصلح بزرگ پرداخته است. سپس درباره انواع حکومت‌ها، فلسفه انتظار و غیبت، مصلح بزرگ جهانی در منابع اسلامی، نشانه‌های ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و روش حکومت آن حضرت بحث کرده و به این پرسش‌ها پاسخ داده است:

چنگال هرگونه ظلم و ستم و تبعیض و استعمار است؟ یا آن‌گونه که بعضی پیش‌بینی می‌کنند، هرج و مرج‌ها روز افزون، فاصله‌ها بیشتر، ناهماهنگی‌ها و نابسامانی‌ها فراوان‌تر و سرانجام یک جنگ اتمی یا فوق اتمی عالم‌گیر، پایه‌های تمدن انسانی را ویران خواهد ساخت و اگر انسان‌هایی بر روی کره زمین باقی بمانند، افرادی عقب‌مانده، معلول، بینوا و درمانده خواهند بود.

اگر عقیده نخست صحیح است، دلیل آن چیست؟ اگر بناست جهان به سوی عدل و صلح و برادری گام بردارد، آیا اجرای این اصول، بدون انقلاب، ممکن است؟ به تعبیر دیگر؛ آیا اصلاحات تدریجی توانایی دگرگون‌ساختن چهره عمومی جهان، با این همه ناهنجاری‌ها را دارد؟ اگر لازم است انقلابی صورت گیرد، آیا تنها از طریق قوانین مادی، امکان پذیر است؟ آیا بدون استمداد از اصول معنوی و ارزش‌های اصیل انسانی، ممکن نیست؟

اگر قبول کنیم چنین انقلابی - به هر حال - رخ خواهد داد، رهبر این انقلاب چه صفاتی باید داشته باشد؟ آیا این انقلاب الزاماً به حکومت واحد جهانی می‌انجامد؟ آیا آمادگی‌های خاصی برای چنان حکومتی لازم است؟ این آمادگی‌ها در دنیای کنونی وجود دارد یا نه؟ و اگر ندارد، آیا در حال حاضر جهان به سوی این آمادگی‌ها گام برمی‌دارد یا برعکس آن؟

آیا این امور با عقیده عمومی مذاهب جهان، نسبت به ظهور یک مصلح بزرگ آسمانی ارتباط دارد؟ اعتقادات عمومی مسلمانان به ظهور مهدی عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف چگونه است و پیوند آن با مسائل سرنوشت‌ساز چیست؟ آیا اعتقاد به چنان ظهوری، ما را به اصلاح عمومی جهان از طریق یک انقلاب همه‌جانبه نزدیک‌تر می‌سازد؟ یا آن چنان که برخی می‌اندیشند، دور می‌کند؟

آیا این فکر و عقیده عمومی مذهب، یک واقعیت عینی و مولود دلایل منطقی است یا یک تخیل برای اشباع کاذب تمایلات سرکوفته انسان‌ها در مسیرگمشده عمومی (یعنی صلح و عدالت)؟

نویسنده در بخشی از کتاب درباره «فلسفه انتظار»، برای این باور است که: «اگر اعتقاد و انتظار به حکومت جهانی مهدی عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف به صورت ریشه‌دار حلول کند، سرچشمه دورشته، اعمال دامنه‌دار خواهد شد. این دورشته اعمال عبارت است از: ترک هرگونه همکاری و هماهنگی با عوامل ظلم و فساد و حتی



مبارزه و درگیری با آنها از یک سو و خودسازی و خودیاری و جلب آمادگی های جسمی، روحی، مادی و معنوی برای شکل گرفتن آن حکومت واحد جهانی و مردمی از سوی دیگر».

این اثر ارزشمند، دارای محتوای غنی و خوبی است که می تواند برای علاقمندان به مباحث مهدویت، مفید باشد.

## ۱۱. دادگستر جهان



کتاب دادگستر جهان، نوشته آیت الله ابراهیم امینی، در ۳۴۴ صفحه رقعی منتشر شده است. نویسنده کتاب، علت تألیف آن را رخنه شبهات در اعتقادات جوانان و دانش آموختگان می داند که از سوی نویسندگان، پاسخی مناسب و شایسته نگرفته اند. از این روایشان تصمیم می گیرد چنین کتابی تألیف کند که در سال ۱۳۴۶ توفیق می یابد آن را منتشر سازد.

این کتاب نزدیک به بیست بار تجدید چاپ شده و به برخی از زبان ها نیز ترجمه شده است.

دادگستر جهان عمدتاً به صورت پرسش و پاسخ، بین برخی از فرهیختگان تنظیم شده و با استفاده از روایات معصومین علیهم السلام، مطالب ارزنده ای برای استفاده عموم - به ویژه جوانان - ارائه کرده است.

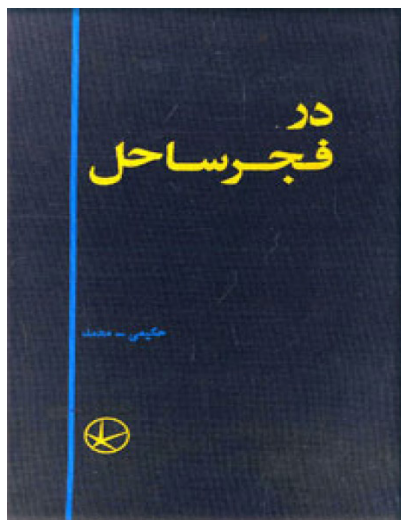
نویسنده در دوازده فصل، با استناد به یافته های عقلی و نقلی محدثان، مفسران و مورخان امامیه و عامه و نیز دستاوردهای علوم تجربی، به تشکیک های گوناگون درباره مهدویت پاسخ داده است. طرح مباحث به شیوه

مناظره بوده که بر جذائیت کتاب، افزوده است. مؤلف، آغاز عقیده به مهدویت را از زمان پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌داند و شخصیت و تبار امام را بررسی می‌کند. او همچنین ادعای مهدی بودن محمد بن حنفیه، اعتقاد زیدیه به مهدویت محمد بن عبدالله بن حسن و باور واقفیه به عروج امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام را رد می‌کند و این نکته که منشأ مهدویت از تعالیم یهود و زرتشتی است و عبدالله بن سبا در ایجاد آن نقش داشته را مردود می‌داند.

عالم غیب و امام عصر عَلَيْهِ السَّلَام، امامت کودک پنج‌ساله، فلسفه طولانی شدن غیبت، مهدی عَلَيْهِ السَّلَام در کتاب‌های اهل سنت، نشانه‌ها و شرایط ظهور، یاوران حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام، چگونگی ظهور و احادیث، منابع، تألیف و اقوال بزرگان اهل سنت درباره حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام، طول عمر، محل زندگی حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام و جهان در عصر آن حضرت، از مباحث مهم دادگستر جهان است.

تجدید مکرر چاپ کتاب، نشانگر استقبال خوب از این اثر ارزنده است. این کتاب برای علاقمندان به مباحث مهدویت، بسیار مفید است.

## ۱۲. در فجر ساحل



کتاب در فجر ساحل، به وسیله محمد حکیمی، به رشته تحریر درآمده و تا کنون ده‌ها مرتبه تجدید چاپ شده است.

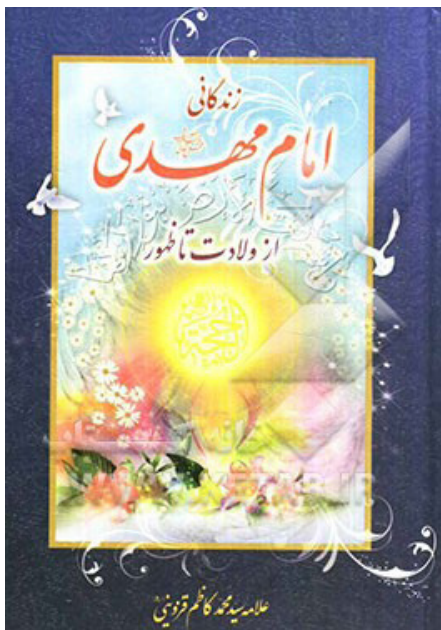
نویسنده با بهره‌گیری از قلمی شیوا و ادبی، به پژوهش درباره حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام پرداخته، دنیای آینده را از نظر مذهب شیعه تصویر کرده است. وی علاوه بر بهره‌مندی از آیات نورانی قرآن و روایات شیعی، از دیگر کتاب‌های آسمانی نیز به‌طور فراوان بهره برده است. مطالب کتاب در پنج بخش ارائه شده است:



۱. مدینه فاضله اسلامی، ۲. نویدها، دوران حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از دیدگاه روایات و بشارت‌های مذهبی و پیشگویی اجمالی از آینده زندگی در نظر شیعه، ۳. حماسه انتظار، ۴. یأس و امید، شکست و پیروزی، ۵. به سوی ساحل.

در آخرین فصل کتاب می‌خوانیم: کاروان بشریت به سان کشتی گرداب‌گرفته و در کام موج فروافتاده است. سرگذشت انسان تا کنون به سرگذشت غریقی همانند است که لحظات مرارت‌باری را می‌گذراند و با همه هستی خویش، تلاش می‌کند تا خود را به ساحل برساند... عاقبت روزی می‌رسد که ناخدای بزرگی، کشتی را به مقصود می‌رساند و در تاریخ نوع بشر، به نام «قهرمان بزرگ بنی نوع بشر» مشهور خواهد گردید»<sup>۱</sup>.

### ۱۳. امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از ولادت تا ظهور



این کتاب، ترجمه کتاب الامام المهدي من المهد الى الظهور، اثر ارزشمند سید محمد کاظم قزوینی عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

مؤلف در این کتاب، موضوعاتی را در مورد شخصیت والای حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مورد بحث قرار داده که عبارت است از:

۱. امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف کیست؟
۲. نام و نسب آن حضرت، ۳. قرآن و نوید از آن حضرت، ۴. نویدها در سنت پیامبر صلی الله علیه و آله، ۵. نوید از آن حضرت در روایات امامان نور علیهم السلام، ۶. آیا حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف جهان را به نور وجودش روشن ساخته است؟، ۷. چگونه از دیدگان نهان گشت؟، ۸. غیبت کوتاه آن



حضرت، ۹. سفیران چهارگانه یا چهارنائب خاص، ۱۰. چه کسانی در دوران غیبت کوتاه او به دیدارش مفتخر شده‌اند؟، ۱۱. غیبت طولانی او، ۱۲. چه کسانی در غیبت طولانی او به دیدارش نایل شده‌اند؟، ۱۳. چگونه تاکنون زیسته است؟، ۱۴. چه زمانی ظهور خواهد کرد؟، ۱۵. ویژگی‌های حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و نشانه‌های او، ۱۶. نشانه‌های ظهور آن حضرت، ۱۷. مدعیان دروغین، ۱۸. چگونه و از کجا ظهور می‌کند؟، ۱۹. پس از ظهور چگونه حکومت خواهد کرد؟، ۲۰. چگونه دولت‌ها و قدرت‌ها در برابر او سرفروود خواهند آورد؟، ۲۱. زندگی جامعه در عصر طلایی او، ۲۲. مدت حکومت عادلانه او، ۲۳. چگونه روزگارش به پایان می‌رسد و ... .

کلیه مطالب کتاب، مستند به احادیث و روایات است. کتاب شامل چندین فهرست است که کار را برای خوانندگان، آسان نموده است.

#### ۱۴. نجم الثاقب فی الاحوال الامام الغائب عجل الله تعالی فرجه الشریف



کتاب ارزشمند نجم الثاقب در احوال امام غایب عجل الله تعالی فرجه الشریف از تألیفات گران‌بهای خاتم‌المحدثین، میرزا حسین نوری رحمته الله علیه است که به سفارش میرزای بزرگ شیرازی (صادر کننده تحریم تنباکو) به نگارش درآمده است.

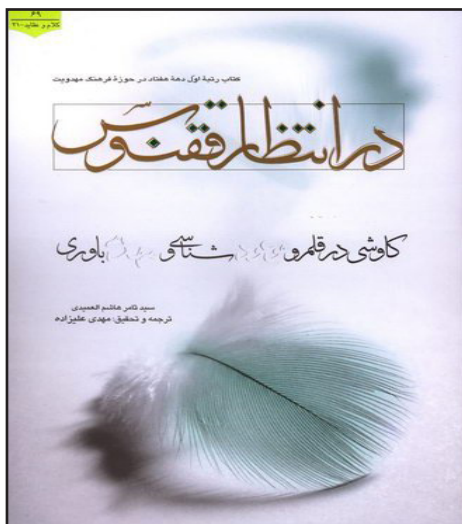
این کتاب به شرح حال و زندگی‌نامه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پرداخته است. برای این‌که بتواند حق مطلب را ادا کرده باشد کتاب را در دوازده باب به نگارش درآورده است.



جلد اول کتاب شامل شش باب با عناوین: ولادت و شمه‌ای از حالات آن جناب، اسامی و القاب و کنیه‌های حضرت، اوصاف، شمایل و بعضی از خصایص حضرت، ذکر اختلاف مسلمین در وجود مبارک و اقوال اهل سنت در مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف، نصوص امامیه از رسول خدا صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام بر امامت و اثبات امامت آن حضرت از روی معجزات می‌باشد که به شرح و تفصیل مطالب فوق، پرداخته است.

جلد دوم کتاب نیز شامل شش باب با عناوین: ذکر حکایت کسانی که در غیبت کبرا به خدمت امام عجل الله تعالی فرجه الشریف مشرف شده‌اند، جمع بین حکایات و قصص گذشته و بین آن چه رسیده، توسل به ائمه علیهم السلام جهت حوائج دنیا و آخرت، اوصاف اوتاد و ابدال و نجبا و صلحا، ذکر شمه‌ای از تکالیف عباد بالنسبه به امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌باشد که به شرح و تفصیل مطالب فوق پرداخته است.

## ۱۵. درانتظار ققنوس



در سال ۱۹۹۷ میلادی، «احمد الکاتب» کتابی را در رد «اندیشه غیبت و مهدویت» در لندن منتشر ساخت.

به دنبال آن، محقق گرانمایه، سیدنا مر هاشم الحمیدی، مسؤل «مرکز تحقیقات ولی العصر» دو کتاب در نقد اثر احمد الکاتب تألیف کرد که به دنبال استقبال پژوهشگران عرب زبان، این کتاب پس از چاپ و انتشار در ایران، در کشورهای سوریه و یمن نیز به زیر چاپ رفت.

اتقان علمی مطالب کتاب موجب شد تا این اثر از میان صدها تألیف

حوزوی مباحث «مهدی پژوهی»، از سوی مؤسسه بین‌المللی امام علی علیه السلام، انتخاب و به چهار زبان دیگر ترجمه شود و در ۱۲۰۰۰ نسخه انتشار یابد.

۱. المهدی المنتظر فی الفکر الاسلامی: مؤلف در این کتاب به شکل غیرمستقیم به نقد کلی سخنان احمد کاتب می‌پردازد.

۲. الامامه و المهدی فی تطور الفکر السیاسی الشیعی من الشوری الی ولایه الفقیه: مؤلف در این کتاب به نقد مستقیم و مطالعه انتقادی سطر به سطر نوشته کاتب در هر دو محور ادعای کلی و ادعای مصداقی پرداخته است.

خصوصیت برجسته اثر الحمیدی این است که صبغه تحقیق و تتبع در آن، قوی است. مؤلف سخت‌کوش از یکصد و پنجاه‌ونه منبع، مطالبی نقل کرده است که تنها یک مورد از آن، نقل با واسطه و غیرمستقیم است. آخرین بخش کتاب، فصل چهارم، حاصل کار مشترک مؤلف و دکتر عبدالجبار شراره است.

مباحث کتاب «در انتظار ققنوس» بر اساس یک تقسیم‌بندی اصلی و چند تقسیم‌بندی فرعی سامان یافته و به دنبال آن مطالب در قالب دو بخش و بیش از ده فصل تنظیم شده است. مباحث کتاب به دو حوزه عمده تقسیم می‌شود: «معودشناسی» و «مهدی باوری». از این میان، مقدمه و چهار فصل بخش اول، تألیف «الحمیدی» است و تعلیقات بخش اول و مطالب بخش دوم، افزوده‌های مترجم را تشکیل می‌دهد.



## ۱۶. امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف، موجود موعود



این کتاب ارزشمند توسط عالم گرانقدر، آیت الله جوادی آملی (دامت برکاته) تالیف شد. تا کنون کتاب‌ها و مقالات متعددی درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف نوشته شده است؛ اما به رغم سعی و کوشش عالمانه و خالصانه‌ای که در شناخت و شناساندن آن حضرت از سوی اشخاص و جریان‌های اسلامی صورت پذیرفته، همواره دام افراط و دره تفریط به روی این موضوع، گسترده و گشوده بوده و خواهد بود و تنها کسانی از ورطه این دو نجات

یافته‌اند که توانسته‌اند به مستمسک «امام‌شناسی» واقعی تمسک جویند و از آن بهره‌مند شوند. با همین رویکرد، اثر شریف و خواندنی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف، موجود موعود که مجموعه مباحث، گفتارها و نوشته‌های حضرت آیت الله جوادی آملی است، تدوین و با مقدمه‌ای گرانبها توسط نشر اسرا به بازار نشر عرضه شده است. در سه بخش این کتاب، با عناوین امام‌شناسی، انتظار و از ظهور تا مدینه فاضله، حاوی این مطالب است:

### بخش اول: امام‌شناسی

#### فصل یکم

امامت عام: چهره فقاهتی امامت، امامت و نصب در نگاه امام رضا علیه السلام، برهان مهدوی بر عدم تعیین امام به دست مردم، حیات معقول ثمره معرفت به امام علیه السلام، معیار زندگی جاهلانه، حیات و مرگ جاهلی در فرهنگ وحی، حیات انسان از دیدگاه قرآن، مراتب و نشانه‌های حیات عقلی، توقف شناخت امامت بر نبوت و فهم نبوت بر ادراک توحید، معرفت امام، بهترین راه مسلمان مردن، مفهوم واقعی معرفت امام، معرفت ثمربخش و شناخت بی‌ثمر، حیات خداپسند در گرو معرفت امام، امامت نیاز بشرو نعمتی الهی، ملاک نیاز به پیامبر و امام، امامت منت و لطف همیشگی خدا.

## فصل دوم:

امامت خاص: استمرار ولایت از ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام تا امام زمان عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى، نیل همه فرزندان صالح ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام، به امامت، بشارت ائمه به وجود مبارک ولی عصر عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى فرج‌الشریف، ظهور کلمه طیبه، شجره مبارک مهدوی، نیمه شعبان، شب قدر اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام، راز همتایی شب میلاد امام زمان عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى با شب قدر، عید میلاد امام عصر عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى فرج‌الشریف، راه معرفت امام زمان عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى فرج‌الشریف، والاترین راه شناخت امام عصر عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى فرج‌الشریف، قرآن و عترت یک حقیقت و دو ظهور، جلوه‌هایی از هماهنگی قرآن و عترت، امام معصوم، پیشوای عقاید و اخلاق و اعمال، امام معصوم، شاهد اعمال، ولای خاندان عصمت، رکن دینی، دشواری ادراک امام عصر عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى فرج‌الشریف و راه تسهیل آن، امام عصر عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى فرج‌الشریف، مظهر «نور السموات والأرض»، مهدی عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى فرج‌الشریف، سزاوارترین فرد به ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام، خاتم اوصیا وارث منحصر به فرد کمالات، امام عصر عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى فرج‌الشریف، مظهر علم و قدرت الهی، تأثیر صاحبان نفس، ظهور اسم هادی در وجود مهدی عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى فرج‌الشریف، هدایت دل‌ها به دست امام عصر عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى فرج‌الشریف، ولی عصر عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى فرج‌الشریف، همسفر سالکان، قائد قافله عشق، آینه مهر و قهر، مهدی عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى فرج‌الشریف، عامل تحقق دین الهی.

## بخش دوم: انتظار

### فصل اول

شعاع آفتاب: مطلق یا نسبی بودن غیبت امام عصر عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى فرج‌الشریف، حکمت و چرایی غیبت، اسرار غیبت، چگونگی بهره‌بردن از امام در این دوران، ضرورت نیابت در عصر غیبت، پندار واگذاری دفاع از دین به امام عصر عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى فرج‌الشریف، دعای امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام، راهی بر اثبات ولایت فقیه، انقلاب اسلامی آینه انقلاب مهدوی.

### فصل دوم

حقیقت انتظار: انتظار فرج، انتظار در مکتب اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام، شرایط تحقق حقیقت انتظار، بهترین راه برترین انتظار.

### فصل سوم

منتظر: برتری انتظار فرهیختگان، مراحل کمالی منتظران، رهیدن منتظران از ناامیدی، فضائل منتظران.



## فصل چهارم

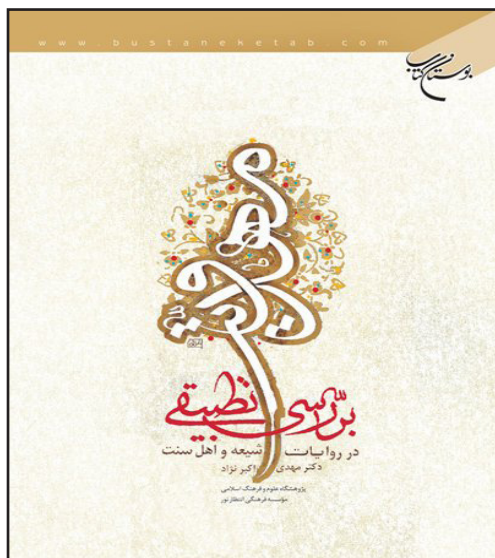
انتظار، ابعاد و تکالیف: آثار انتظار، تکالیف منتظران، ارتباط با امام عصر عَلَيْهِ السَّلَام فَرَجَهُ الشَّرِيف و ضرورت و چگونگی آن، وظایف شخصی منتظران، وظایف گروه‌ها.

**بخش سوم:** از ظهور تا مدینه فاضله مهدوی عَلَيْهِ السَّلَام فَرَجَهُ الشَّرِيف.

**فصل اول:**... تا ظهور آفتاب: ضرورت ظهور، آثار عمومی ظهور، گاه قیام قائم، سیمای عمومی عصر ظهور، برخی رخداد های هنگام ظهور.

**فصل دوم:** دولت کریمه مهدوی: روزهای خوش فرج، از ظهور تا پیروزی، بهار دل انگیز قلوب، هندسه مدینه مهدوی، ویژگی‌های آرمانشهر مهدوی، کمال عقل نظری و عملی در حکومت مهدوی، جلوه بی نظیر دینداری در حکومت مهدوی عَلَيْهِ السَّلَام فَرَجَهُ الشَّرِيف.

## ۱۷. بررسی تطبیقی مهدویت در روایات شیعه و اهل سنت



نوشته دکتر مهدی اکبرنژاد که توسط مؤسسه بوستان کتاب به چاپ سوم رسید. موضوع این نوشتار، مطالعه تطبیقی حدیث‌های شیعه و سنی در حوزه مهدویت است که همواره مورد توجه محدثان، متکلمان و اندیشوران مسلمان بوده است.

از بخش‌های مهم عقاید اسلامی، اعتقاد به مهدویت و ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. در میان اعتقادات اسلامی، کمتر موضوعی را می‌توان یافت که تا

این اندازه به آن اهمیت داده شده باشد. با وجود پاره‌ای از اختلاف نظرها درباره حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف و ویژگی‌های ظهور آن حضرت می‌توان گفت که درباره اصل اعتقاد به ظهور منجی، نوعی اتفاق نظر و وحدت فکری در میان مسلمانان شکل گرفته است.

باور ظهور منجی، بخشی از فلسفه سیاسی اسلام است که همه مسلمانان آن را پذیرفته‌اند؛ اگرچه در این میان افرادی با انگیزه‌هایی خاص یا شاید به سبب ناآگاهی از مبانی اسلامی، درصدد هستند که این باور را تنها عقیده‌ای شیعی معرفی کنند ولی واقعیات تاریخی و حدیثی نه تنها به این نظریه مددی نمی‌رسانند بلکه عکس آن را تایید می‌کند و با تبعی ابتدایی، واقعیت این مسئله برای هر انسان منصفی، روشن می‌شود و کمترین شبهه‌ای برای او باقی نمی‌ماند.

نویسنده این اثر در مقدمه‌اش، کلیات تحقیق این کتاب را چنین شرح می‌دهد: «موضوع این نوشتار، مطالعه تطبیقی حدیث‌های شیعه و سنی در حوزه مهدویت است؛ هرچند در برخی از جاها ممکن است نکته‌های بدیعی ارائه نشده باشد ولی به یقین در شناساندن و معرفی مواضع مشترک مسلمانان



که در حدیث‌ها و منابع آنان منعکس شده، کوشیده است. از این رو، می‌تواند برای اهل نظر که جویای چنین مباحثی هستند، مفید واقع شود. روشن است که بحث‌های تطبیقی، اگر استانداردهای لازم را رعایت کنند مورد استقبال مشتاقان قرار می‌گیرند.

خلاف شیخ طوسی در فقه که فقهی میان مقارن و تطبیقی از مذهب اسلامی بود، همیشه پرجاذبه بوده و است. کوتاه سخن این‌که نوشته پیش‌رو، تلاشی است در حوزه نگاه تطبیقی حدیث‌های اسلامی به مباحث مهدویت که در آغاز، نگاهی تاریخی به ثبت این حدیث‌ها در کتاب‌های اسلامی دارد و آن‌گاه دیدگاه کلی مسلمانان درباره این حدیث‌ها مورد کاوش قرار گرفته و سپس، طی دو فصل مجزا بخش‌های مشترک و موارد اختلافی شیعه و اهل سنت درباره مهدویت، به شکل جداگانه، ارزیابی شده و در ادامه، دیدگاه‌های برخی منتقدان این حدیث‌ها، تجزیه و تحلیل شده است.

پرسش‌هایی که این اثر در صدد پاسخگویی به آنهاست، به دو بخش تقسیم می‌شوند: یک دسته از آنها پرسش‌هایی است که درباره اصل و اساس مهدویت در اندیشه و مذاهب اسلامی صحبت می‌کند که جایگاه و اصل ضرورت و حتمی بودن آن و میزان مقبولیت این فکر در میان فرقه‌های اسلامی را کاوش می‌کند. در این بخش، میزان اعتبار حدیث‌های اسلامی و سابقه تدوین آنها به شکل جوامع حدیثی، مورد سؤال است و این‌که آیا این روایت‌ها از اعتبار و صلاحیت لازم برای اثبات چنین اندیشه‌ای برخوردار هستند یا نه؟ چند تن از اندیشوران اسلامی، اصل اساس این حدیث‌ها را با نگاه مثبت نگریسته‌اند؟ آیا در میان متفکران اسلامی کسانی را می‌توان یافت که با نگاهی تردیدآلود یا انکارآمیز به این حدیث‌ها نگریسته باشند؟ اگر چنین افرادی وجود دارند، چند نفرند و درستی یا نادرستی دلیل‌های آنان چیست؟

دسته دیگر از پرسش‌هایی که این نوشتار در پی یافتن پاسخ آنهاست، درباره مباحث جزئی‌تر مهدویت‌اند. پرسش‌های این قسمت به موارد اتفاقی شیعه و سنی در مورد امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف باز می‌گردند؛ مانند این‌که آیا اساساً اتفاق نظری در بخش جزئیات این اندیشه در میان این فرقه‌ها وجود دارد یا نه؟ اگر چنین چیزی هست، در چه مواردی است؟



در بخش کلیات مهدویت، فرضیه توافق همه مذاهب اسلامی قابل طرح است و این‌که فرقه‌های اسلامی، در اهل سنت و شیعه، این اندیشه و نظر را پذیرفته‌اند. در حوزه جزئیات هم می‌توان فرضیه توافق دیدگاه آنان در برخی موارد و تفاوت دیدگاه را در پاره‌ای موارد دیگر مطرح کرد.

مباحث مربوط به امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در تاریخ اسلام، از سده‌های نخستین تا کنون مورد توجه دانشمندان و نویسندگان برجسته مسلمان بوده و آثار ارزشمندی ارائه شده است ولی در موضوع یادشده، نوشته‌ای جامع و همه‌جانبه با نگاه تطبیقی میان شیعه و سنی انجام نگرفت؛ لذا این تحقیق، کوششی است برای پرکردن این خلاء علمی.

این کتاب، در یک مقدمه و چهار فصل، سامان یافته است. در مقدمه، بحث‌هایی درباره جایگاه مهدویت در میان مسلمانان و نیز چگونگی نگاه دانشمندان اسلامی به این موضوع مطرح شده و این عقیده به عنوان یک باور اسلامی و نه شیعی، معرفی شده که آثار و نوشته‌های حدیثی و تاریخی، گواه بر این واقعیت‌اند.

در فصل نخست کتاب حاضر، ابتدا نگاهی کلی به حدیث‌های مهدویت شده و آنگاه سیرتاریخی تدوین این حدیث‌ها در جوامع حدیثی معتبر اهل سنت، ارزیابی شده‌اند که در این نگاه تاریخی، آن دسته از جوامع حدیثی که تا سده دهم هجری، روایت‌های مهدویت را یاد کرده‌اند، معرفی شده و در ادامه، حجیت و تواتر این حدیث‌ها در گفته‌ها و نوشته‌های دانشمندان اهل سنت، به تفصیل یادآوری شده‌اند.

بررسی سیرتاریخی تدوین حدیث‌های مهدویت در کتاب‌های شیعه، قسمت دیگر فصل نخست را تشکیل می‌دهد و در پایان این فصل، به منابع معتبر و نام صحابه‌ای که در اسناد روایت‌های مهدویت حضور دارند نیز اشاره شده است.

در فصل دوم به بیان حدیث‌ها و موارد مشترک میان شیعه و اهل سنت درباره امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پرداخته شده و از جنبه‌های گوناگون، ارزیابی شده‌اند؛ مانند نسب و نام آن حضرت و نیز ویژگی‌های جسمانی و نشانه‌های ظهور او و تغییر و تحولاتی که جهان با ظهور ایشان پیدا خواهد کرد.



فصل سوم به بررسی دیدگاه‌های گوناگون این دو فرقه درباره امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف اختصاص یافته که مهم‌ترین آنها در چهار مورد خلاصه شده است. نخستین آنها ولایت آن حضرت، دومین مورد درباره نام پدر امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف، سومین اختلاف، مربوط به تفسیر روایت‌های امامان دوازده‌گانه است و چهارمین موضوع، نسب پدر آن حضرت است که آیا از نسل امام حسن علیه السلام است یا امام حسین علیه السلام.

چهارمین و آخرین فصل به بیان منتقدان حدیث‌های مهدویت و بررسی میزان اعتبار و ارزشمندی این نقدها اختصاص پیدا کرده که دیدگاه‌های معروف‌ترین ناقدان این حدیث‌ها مورد تحلیل و دقت نظر قرار گرفته است. شاخص‌ترین این افراد عبارتند از: ابن خلدون، رشیدرضا، احمد امین و در دوره اخیر، دکتر عذاب محمود الحمش که ضمن طرح دیدگاه‌های آنها به تفصیل و تفکیک، به نقد نظریات آنها پرداخته شده است.

## منابع

۱. قرآن کریم.
۲. انصاری، سیدمرتضی، قضا و شهادت، شماره، بی تا، بی نا.
۳. الفصول المختاره، مندرج در مصنفات الشيخ المفید، ج اول: قم، مؤتمّر العالمی لألفية الشيخ المفید، ۱۴۱۳ ه. ق.
۴. النجار، ناجی، جزیره خضراء و تحقیقی پیرامون مثلث برمودا، ترجمه و تحقیق: علی اکبر مهدی پور، چ ششم: قم، مؤلف، ۱۱۴۱ ه. ق.
۵. ابن اثیر، مجدالدین جزری، النهایه فی غریب الحدیث، مکتبه العلمیه، بیروت، تحقیق محمود طنّاحی، چاپ چهارم، اسماعیلیان.
۶. عزالدین علی بن الکرّم الشیبانی، الکامل فی التاریخ، تحقیق عمر تدمری، چاپ چهارم، دارالکتب العربی، بیروت، ۱۴۲۴ ق.
۷. ابن بابویه، علی، الامامه و التبصره من الحیره، تحقیق مدرسه امام هادی علیه السلام، قم، بی تا.
۸. ابن بطریق، الاسدی الحلّی، العمده، چاپ اول، جامعه مدرسین، قم، ۱۴۰۷ ق.
۹. الفصول المختاره، مجله حوزه، شماره ۷۰-۷۱، بی تا، بی نا.
۱۰. ابراهیم مصطفی، احمد حسن الزیات، المعجم الوسیط، حامد عبدالقادر، محمد علی البخار، استانبول ترکیه: دار الدعوة.
۱۱. آشتیانی، سید جلال الدین، مقدمه تمهید القواعد، چ دوم، انجمن حکمت، تهران، ۱۳۶۰ ش.
۱۲. میرزاهدی، اساس التوحید، انتشارات مولی، تهران، ۱۳۶۰ ش.
۱۳. آملی، سیدحیدر، جامع الاسرار، تصحیح هانری کرین، چ دوم، علمی فرهنگی ۱۳۶۸.
۱۴. ایزدپناه، عباس، درآمدی بر مبانی آثار و اندیشه های امام خمینی، چ مؤسسه عروج، بهار ۱۳۷۵.
۱۵. بندریگی، محمد، ترجمه المنجد الطلاب (فرهنگ جدید عربی-فارسی)، قم: انتشارات اسلامی.

۱۶. بروس کوئن، درآمدی به جامعه‌شناسی، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران، نشر توتیان، ۱۳۷۰.
۱۷. مبانی جامعه‌شناسی، غلام عباس توسلی، نشر سمت.
۱۸. پیشوای دوازدهم، مؤسسه در راه حق، قم: چ یازدهم، ۱۳۷۶.
۱۹. تاریخ ما بعد از ظهور، چ اول: بیروت، دارالتعارف، ۱۳۹۲. ه. ق.
۲۰. تی‌بی پاتامور، نخبگان و جامعه، ترجمه علیرضا طیب، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۶۹.
۲۱. حکیمی، محمدرضا، خورشید مغرب: غیبت، انتظار، تکلیف، چ اول: تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۲.
۲۲. محمد، عصر زندگی، قم، بوستان کتاب، چ پنجم، ۱۳۸۱.
۲۳. حاجتی، میراحمدرضا، عصر امام خمینی علیه السلام، بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۲، چ ۹.
۲۴. خرازی، سیدمحسن، بדיایة المعارف الإلهیة فی شرح عقائد الإسلامیة، چ سیزدهم: قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۲۵. ق.
۲۵. خوانساری، جمال‌الدین محمد، شرح غرر الحکم و درر الکلم عبدالواحدبن محمد تمیمی آمدی، چ چهارم: تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۳.
۲۶. دانشور، هادی، مقاله «تشرفات بین نفی و اثبات»، موعود، سال اول، ش ۱، ۳ و ۵، فروردین - دی ۱۳۷۶.
۲۷. دخیل، علی محمد علی، الإمام المهدی علیه السلام، چ دوم: بیروت، دارالمرتضی، ۱۴۰۳. ق.
۲۸. درگاهی، سمیه، ولادت امام عصر علیه السلام، دیدگاه‌ها، اثبات و پاسخ به شبهات (پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته علوم حدیث)، تهران، دانشکده علوم حدیث، ۱۳۸۶.
۲۹. دیلمی، حسن بن محمد، إرشاد القلوب إلى الصواب، قم، الشریف الرضی، ۱۴۱۲. ه. ق، ۱.
۳۰. دانیل بیتسن، انسان‌شناسی فرهنگی. فرد پلاگ، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی، چ اول، ۱۳۷۵.

۳۱. دلشاد تهرانی، مصطفی، عارض خورشید، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، چ دوم، ۱۳۸۰.
۳۲. زبیدی، محمد مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، چاپ اول: بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴ ه. ق. سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، چاپ سوم: تهران، کومش، ۱۳۷۳.
۳۳. سیمای معصومین در اندیشه امام خمینی، دفتر ۱۲ تبیان، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام، چ دوم، ۱۳۷.
۳۴. سلیمیان، خدامراد، پرسمان مهدویت، چ اول، شریعت، قم، ۱۳۸۵.
۳۵. شجاعی زند، علیرضا، «دین و جهانیت، جهانی شدن، جهانی سازی و جهانی گرایی»، مندرج در جهانی شدن و دین: فرصت ها و چالش ها (مقالات چهارمین کنگره دین پژوهان)، چ اول: قم، دبیرخانه دین پژوهان کشور، ۱۳۸۲.
۳۶. شرح مقدمه قیصری، چاپ سوم، امرکبیر، ۱۳۷۰ ش.
۳۷. شعرانی، ابوالحسن، ترجمه و شرح کشف المراد حلی، علامه حلی، شرح تجرید الاعتقاد (خواجه نصیرالدین طوسی)، چ دوم: تهران، کتاب فروشی اسلامیة، ۱۳۹۸ ه. ق.
۳۸. شفیعی سروستانی، ابراهیم، شناخت زندگی بخش، تهران، نشر موعود، چ دوم، ۱۳۸۰.
۳۹. انتظار، بایدها و نبایدها، قم، مرکز پژوهش های صدا و سیما، چ اول، ۱۳۸۳.
۴۰. اسماعیل، استراتژی انتظار، چ اول: تهران، موعود عصر، ۱۳۸۱.
۴۱. شوشتری، سید نورالله، مجالس المؤمنین، چ اول: تهران، کتاب فروشی اسلامیة، ۱۳۶۵.
۴۲. صافی گلپایگانی، لطف الله، امامت و مهدویت، ۳ جلد.
۴۳. منتخب الأثر فی الإمام الثانی عشر علیه السلام، چ اول: قم، مکتب المؤلف، ۱۴۲۲ ه. ق.
۴۴. صدر، سید محمد، تاریخ الغیبة الكبرى، بیروت، دارالتعارف، ۱۳۹۵ ه. ق.
۴۵. صدوق، علل الشرایع، نجف، المكتبة الحیدریة، ۱۳۸۵ ه. ق.

٤٦. رهبری برفراز قرون: پژوهشی درباره امام مهدی علیه السلام، (ترجمه کتاب بحث حول المهدی علیه السلام)، تحقیق: عبدالجبار شراره، ترجمه: مصطفی شفیعی، چاپ اول: تهران، موعود، ۱۳۷۹. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ج ۱۴.
٤٧. الطبرانی، أبو القاسم سلیمان بن أحمد، المعجم الكبير، تحقیق: حمد بن عبدالمجید السلفی، چ دوم: قاهره، مکتبه ابن تیمیة، بی تا.
٤٨. الطبری، محمد بن جریر، تاریخ الطبری تاریخ الأمم و الملوک، بیروت، مؤسسه عزالدین، ۱۴۰۷ه ق. الطریحی، فخرالدین، مجمع البحریں، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ه. ق.
٤٩. طبرسی، ابوالفضل علی، مشکاة الأنوار، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۱ ه. ق.
٥٠. احمد بن علی بن ابی طالب، الإحتجاج، تحقیق: ابراهیم البهادری، محمد هادی به، با اشراف: جعفر سبحانی، چاپ اول، قم، اسوه، ۱۴۱۳ه. ق.
٥١. ط، فضل بن حسن، إعلام الوری بأعلام الهدی، تحقیق: مؤسسه آل البيت علیهم السلام لإحیاء التراث، چ اول، قم، مؤسسه آل البيت: لإحیاء التراث، ۱۴۱۷ ه. ق.
٥٢. طریقه دار، ابوالفضل، جزیره خضرا، افسانه یا واقعیت؟!، چ هفتم: قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۲.
٥٣. طوسی، محمد بن حسن، الفهرست، تحقیق: جواد القیومی، قم، نشر الفقهة، ۱۴۱۷ه ق.
٥٤. عاملی، حر، الجواهر السنیه فی الأحادیث القدسیه، قم، مکتبه المفید، بی تا.
٥٥. سید جعفر مرتضی، جزیره خضرا در ترازوی نقد، ترجمه: محمد سپهری، چ سوم: قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، ۱۳۷۷.
٥٦. عمیدی، ثامر هاشم، در انتظار ققنوس، ترجمه: مهدی علیزاده، چ اول: قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۷۹.
٥٧. غفارزاده، علی، پژوهشی پیرامون زندگانی نواب خاص امام زمان علیه السلام، چاپ

- اول: قم، نبوغ، ۱۳۷۵. فریدونی، حسین، زنده روزگاران: جستاری در دیر زیستی امام عصر علیه السلام، چاپ اول: تهران، آفاق، ۱۳۸۱.
۵۸. قزوینی، سید محمد کاظم، امام مهدی علیه السلام، از ولادت تا ظهور، ترجمه: الإمام المهدی علیه السلام، من المهد إلى الظهور، ترجمه و تحقیق: علی کریمی و محمد حسینی، چاپ پنجم: قم، الهادی، ۱۳۸۳.
۵۹. قمی، شیخ عباس، سفینه البحار، چ اول، قم، دارالاسوة، ۱۴۱۴ ه. ق.
۶۰. منتهی الآمال، قم، مؤسسه انتشارات هجرت، ۱۳۷۳.
۶۱. القمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، چاپ اول: بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۱۴۱۲ ه. ق. کفعمی، ابراهیم بن علی، المصباح، قم، الرضی و زاهدی، ۱۴۰۵ ه. ق.
۶۲. کتاب سروش (مجموعه مقالات)، ش ۶، تهران، ۱۳۷۸.
۶۳. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، چ چهارم: تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵.
۶۴. کوشکی، محمد صادق، تأملاتی در اندیشه سیاسی امام خمینی، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چ اول، ۱۳۷۹.
۶۵. مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، چ سوم: بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ه. ق.
۶۶. مجله انتظار، ش ۳، سال اول، زمستان ۱۳۸۰.
۶۷. مروجی طیبی، محمد جواد، ابدال یا پیشکاران امام زمان علیه السلام، موعود، سال دوازدهم، ش ۸۶، فروردین ۱۳۸۷.
۶۸. محمدی ری شهری، محمد، دانشنامه امام مهدی علیه السلام، بر پایه قرآن، حدیث و تاریخ، چ اول، قم، مؤسسه علمی، فرهنگی دارالحدیث، ۱۳۹۳.
۶۹. مسعودی، علی بن حسین، إثبات الوصیة للإمام علی بن ابی طالب ع؟، چ اول: قم، مؤسسه انصاریان، ۱۴۱۷ ه. ق.
۷۰. مشکور، محمد جواد، فرهنگ فرق اسلامی، چ دوم: مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۲.
۷۱. مظاهری، محمد، امکان طول عمر تا بی نهایت، برگرفته از قرآن و حدیث، چ اول، قم، ارغوان دانش، ۱۳۸۳.

۷۲. معین، محمد، فرهنگ فارسی، تهران: انتشارات امیرکبیر، چ هشتم، ۱۳۷۱.
۷۳. مهدی پور، علی اکبر، طول عمر امام زمان علیه السلام، از دیدگاه علوم و ادیان، چ دوم: تهران، کعبه، ۱۴۰۴. ق.
۷۴. موسوی اصفهانی، سید محمد تقی، مکیال المکارم فی فوائد الدعای للقائم علیه السلام، ترجمه: سید مهدی حائری قزوینی، چ دوم: تهران، دفتر تحقیقات و انتشارات بدر، ۱۴۱۲. ق.
۷۵. موسوی خوئی، سید ابوالقاسم، معجم رجال الحدیث، قم، مدینه العلم آیت الله العظمی خوئی، بیتا.
۷۶. موسوی مطلق، عباس، ملکوتی خاک نشین: سیری در زندگی حاج شیخ محمد تقی بهلول، چاپ اول: قم، هنارس، ۱۴۲۵. ه. ق.
۷۷. موسوی نسب، سید جعفر، ۲۰۰ پرسش و پاسخ پیرامون امام زمان علیه السلام، بنیاد فرهنگی مهدی موعود، چ اول: قم، ۱۳۹۰.
۷۸. مؤلفه‌های اندیشه سیاسی امام خمینی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، چ اول، ۱۳۷۹.
۷۹. میردامادی، محمد جواد، پژوهشی علمی پیرامون طول عمر، کهولت و پیشگیری از پیری، زیر نظر رضا ملک‌زاده، چ اول: تهران، بدر، ۱۳۷۸.
۸۰. میرتبار، سید محمد، آسیب‌شناسی جامعه منتظر، چ اول: قم، ۱۳۹۰.
۸۱. نعمانی، محمد بن ابراهیم، کتاب الغیبة، تحقیق: علی اکبر غفاری، تهران، مکتبه الصدوق. بی‌تا.
۸۲. نودهی، علیرضا، نظریه اختیاری بودن ظهور: بررسی نقش شیعیان در تعجیل و تحقق ظهور، چ اول: تهران، موعود عصر علیه السلام، ۱۳۸۵.
۸۳. سهیلت تحریریه مؤسسه در راه حق، پیشوای دوازدهم حضرت امام حجت بن الحسن المهدی علیه السلام، قم، در راه حق، ۱۳۷۶.